



فرهنگ اعلام شهدا
منا و مسح الحرام



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران
۱۳۹۶

سرشناسه: اداره کل اسناد و انتشارات، معاونت فرهنگی و امور آموزشی، بنیاد شهید و امور ایثارگران
عنوان و نام پدیدآور: فرهنگ اعلام شهدا / شهدای منا و مسجدالحرام / بنیاد شهید و امور ایثارگران
مشخصات نشر: تهران: بنیاد شهید و امور ایثارگران، معاونت فرهنگی و امور آموزشی، نشر شاهد، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری: ج.

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۹۴-۶۵۴-۸

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷--شهبیدان--زندگی نامه ها
شناسه افزوده: بنیاد شهید و امور ایثارگران. نشر شاهد

رده بندی کنگره: ۱۳۹۶ ف۹ش / BP۲۶۲/۲

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۷۶۱

شماره کتابشناسی ملی: ۴۸۷۰۲۲۸



فرهنگ اعلام شهدای منا و مسجدالحرام

تدوین: زینب شیرکوند، فاطمه زینلی - به کوشش اداره کل اسناد و انتشارات

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۶ ■ شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

مدیر هنری: سعید باباوند ■ هماهنگی تولید: زهرا شیرکوند

صفحه آرای: علیرضا قاسمی ■ امور فنی: محمد علیایی مقدم

امور لیتوگرافی، چاپ و صحافی: کوثر

قیمت: ۱۲۰۰۰۰ ریال ■ شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۹۴-۶۵۴-۸

نشانی: تهران- خیابان آیت الله طالقانی- خیابان ملک الشعراء بهار شمالی- شماره ۵

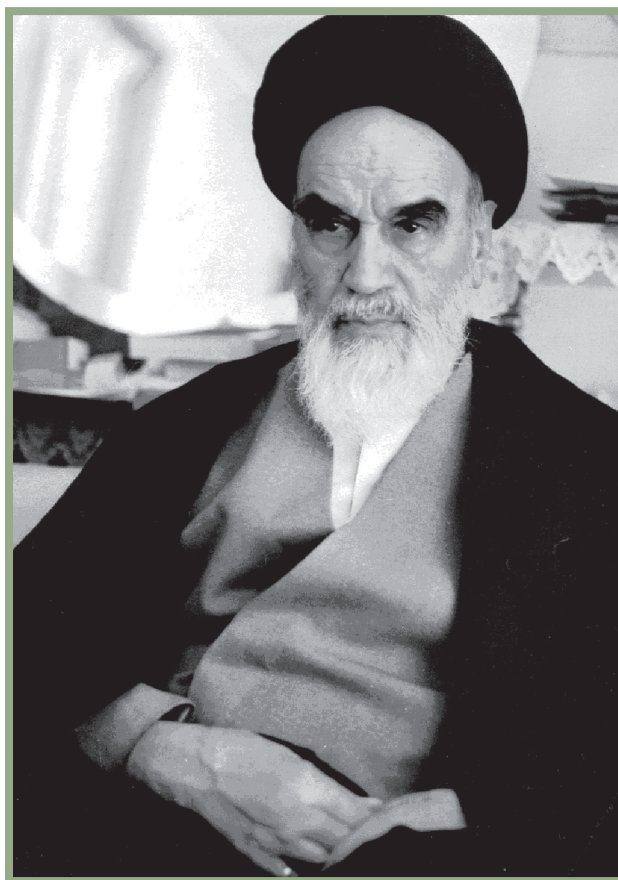
معاونت فرهنگی و امور آموزشی بنیاد شهید و امور ایثارگران- نشر شاهد تلفن: ۸۸۳۰۹۲۴۹ - ۸۸۳۰۸۰۸۹

توزیع: مؤسسه فرهنگی هنری شاهد ■ مرکز پخش: تهران ۶۶۴۹۱۸۵۱

و فروشگاه‌های نشر شاهد و سایر فروشگاه‌های معتبر

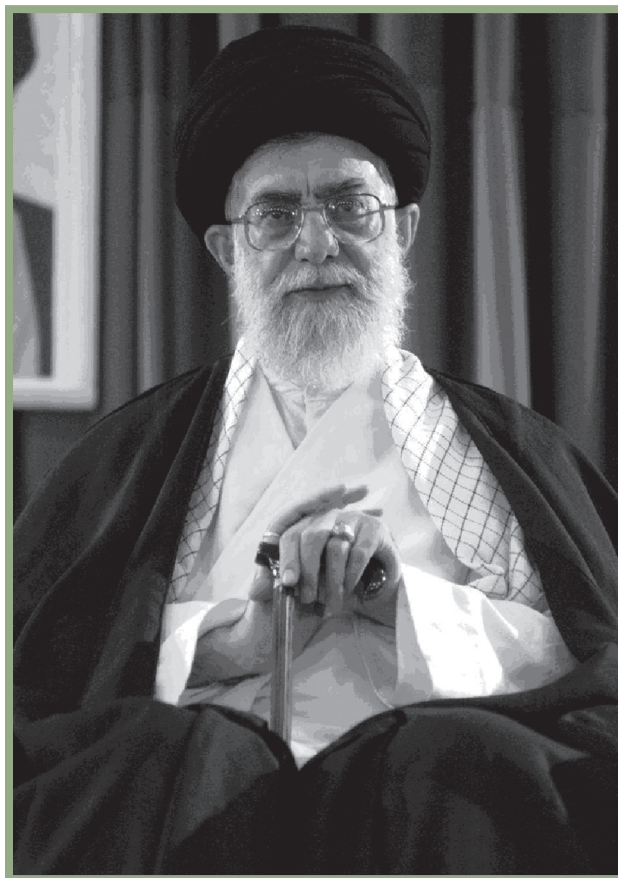
فهرست مطالب:

سخن ناشر	نه
پیشگفتار	یازده
مقدمه	پانزده
راهنمای استفاده از فرهنگ اعلام	نوزده
تعریف واژگان و مفاهیم	بیست و پنج
همکاران طرح	بیست و نه
مداخل	سی و یک
متون زندگی نامه	۱
ضمائم	۱۳۶



خاطره این شهیدان راه حق جاوید است؛ سربازانی که با نثار خون پاک خود درخت برومند اسلام را آبیاری نموده و مذهب مقدس را تجدید و جاودانه نمودند. رحمت و درود حق تعالی بر پدران و مادرانی که در دامان و پناه خود چنین فرزندان بزرگواری را تربیت کردند که فخرآفرین برای کشور و ملت بزرگ ایران و اسلام گردیدند و الگو برای مجاهدین تاریخ شدند.

صحیفه امام، جلد ۱۴، صفحه ۱۸۲



حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار خانواده‌های شهدای منا و مسجدالحرام « کوتاهی و بی‌کفایتی آل سعود در این حادثه را، اثبات مجدد بی‌لیاقتی این شجره‌ی خبیثه‌ی ملعونه در تصدی و اداره‌ی حرمین شریفین خواندند و تأکید کردند: اگر راست می‌گویند و در حادثه بی‌تقصیرند، بگذارند یک هیأت حقیقت‌یاب اسلامی - بین‌المللی، واقعیات مسئله را از نزدیک بررسی و روشن کند...»

ایشان بُعد دیگر حادثه‌ی منا را سکوت مرگبار مدعیان حقوق بشر دانستند... و با اشاره به جنجال سیاسی - تبلیغاتی سازمان‌های مدعی دفاع از حقوق بشر در قبال اجرای احکام قضایی در برخی کشورها افزودند: سکوت محض در قبال کوتاهی یک حکومت در ادای وظایفش و جان باختن هزاران انسان مظلوم و بی‌گناه، هویت دروغین مدعیان جهانی حقوق بشر را آشکار کرد و کسانی که به مجامع و سازمان‌های بین‌المللی امید بسته‌اند، باید از این واقعیت تلخ درس بگیرند... حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به تلاش دستگاه‌های تبلیغاتی وابسته برای القای جنایت منا به عنوان نمونه‌ای از اختلاف و «درگیری «شیعه و سنی» یا عرب و غیرعرب» افزودند: حامیان تبلیغاتی حکام سعودی در حالی این دروغ محض را تکرار می‌کنند که اکثر شهیدان منا، از جمله تعداد زیادی از شهدای ایرانی، اهل سنت هستند...

در دیدار خانواده‌های شهدای منا با مقام معظم رهبری ۹۵/۰۶/۱۷

سخن نانا

انتشار فرهنگ اعلام شهدای منا و مسجدالحرام تکمیل کننده مجموعه فرهنگ اعلام شهدا است که در ۴۲ مجلد به چاپ رسیده است و بیش از یک دهه تلاش و پژوهش بنیاد شهید و امور ایثارگران در ثبت احوال اجمالی شهدای انقلاب اسلامی و دفاع مقدس را در بر داشته است و حاصل این تلاش در معرض مطالعه اندیشمندان و نگارندگان تاریخ ایران اسلامی قرار می‌گیرد. این کتاب زندگینامه موجز و مستند تمامی شهدای منا و مسجدالحرام را شامل می‌شود که در سال ۱۳۹۴، در فاجعه منا به شهادت رسیده‌اند.

گروه مطالعاتی و اسنادی به توصیه سردار دکتر انصاری قائم مقام بنیاد شهید و امور ایثارگران، در سراسر کشور با همت خانواده‌ها و با به کارگیری نگارندگان متخصص و متعهد و براساس منابع مکتوب و شفاهی با مدیریت اداره کل اسناد و انتشارات و همکاری صمیمانه مرکز مطالعات و پژوهش‌های بنیاد سعی کرده است تا صحیح‌ترین اطلاعات مربوط به شهدای منا و مسجدالحرام را جمع‌آوری و تدوین کند.

انتشارات شاهد که اینک چاپ و نشر آثار مستند و پژوهش محور را اولویت نخست و وظیفه ذاتی خود قلمداد می‌کند، این کتاب ارزشمند را به شکلی مطلوب به زیور طبع آراسته کرد و گامی دیگر در جهت نشر اسناد و آثار شهدا و ایثارگران بزرگوار برداشت. باشد که این همت بلند فرهنگی برای ثبت و انتشار آثار مستند شهدا مرضی خداوند بزرگ و مقبول درگاه شهیدان قرار گیرد.

در پایان بر خود فرض می‌دانم از تلاش وافر همکاران ارجمندم در بنیادشهید و امور ایثارگران سراسر کشور و نیز آقایان رضا حاجی‌آبادی، یوسف قدیانی، سعید گنجی، ابوالحسن صمدی‌شجاع، محمد علیایی‌مقدم، محمد دمیرچی، محمدحسن علی‌نقیان‌افجه‌ای، علیرضا احمدی، محمد حسنی و خانمها زهرا شیرکوند و مهناز هوشیار و دیگر عزیزانی که ما را در این مهم یاری نمودند سپاسگزاری نمایم، که وقت زیاد و مفید صرف کردند تا هم اکنون در پیشگاه خداوند و ایثارگران این مرز و بوم روسپید باشیم و گامی دیگر در راه نشر و گسترش ارزشهای ایثارگری برداریم

محبوب شهبازی

مدیر مسئول نشرشاهد

تابستان ۱۳۹۶

شکفتنا

حادثه منا اگرچه بی سابقه نبود اما مرگبارترین آن‌ها بود، به همین دلیل فاجعه نام گرفت و در یادها باقی ماند. بر اثر این حادثه دلخراش هزاران نفر از زائران بیت‌الله‌الحرام در روز عید قربان، درحالی که مُحَرَّم بودند و لباس احرام بر تن داشتند جان خود را از دست دادند.

حجاج به‌طور معمول و در توالی مناسک حج پس از وقوف در صحرای عرفات و مشعرالحرام صبح روز دهم ذیحجه‌الحرام (عید قربان) با عبور از وادی مشعر وارد منا شده و قصد رمی جمره عقبه را می‌نمایند. در حج سال ۱۴۳۶ (ه.ق) نیز در چنین روزی مطابق با ۲ مهر ماه ۱۳۹۴ حجاج پس از ورود به منا عازم جمره عقبه بودند که فاجعه منا به وقوع پیوست و تعداد زیادی از زائران بیت‌الله‌الحرام در آستانه قربانی کردن ذبیحه، خود قربانی بی‌تدبیری و اهمالگری متولیان برگزاری حج شدند. شواهد بسیاری حکایت از سوء مدیریت متولیان امر در وقوع این فاجعه هولناک دارد که نمایان‌ترین آن‌ها عبور دادن چند میلیون حاجی از معابر تنگ، ظرف مدتی محدود در گرمای طاقت سوز صحرای منا است. این امر به خودی خود جان زائران را به خطر انداخته و به تنهایی می‌تواند عامل ناامنی در این مرحله از حج محسوب شود. جان باختن قریب به ۶۲۰۰ زائر خانه خدا در این مرحله از حج و به شکل مشابه در توالی چهار دهه گذشته، می‌بایستی تجربه کافی جهت جلوگیری از تکرار این‌گونه فجایع را در اختیار مسئولین دولت سعودی قرار داده باشد. لیکن الیگارشی آل‌سعود، خلف از پی سلف، سرزمین‌های مقدس را ملک مطلق خود دانسته و فقط اعمال حاکمیت پلیسی - امنیتی بر مکه و مدینه را ارجح می‌داند.

رخداد تلخ حادثه منا، اذهان عمومی را با واقعیت‌های تازه‌ای از ساختار مدیریتی دولت عربستان آشنا کرد و به الزامات اداره مطلوب سرزمین وحی واقف ساخت. مکه، قلب تپنده جهان اسلام یعنی «قبله» را در خود جای داده و جای جای آن الهام بخش یکتاپرستی و توحید است. توحید زیر بنای رسالت محمدی (ص) را شکل داده و مکتب اسلام نیز براساس آن بسط و توسعه یافته است. حج در راستای تکاپوی یگانه‌پرستی از ویژگی تعمیم عقیده توحید به اتحاد و مودت در عمل با ایجاد نظام اخلاقی برپایه برادری و مواخات برخوردار است و می‌تواند اجتماع حاجیان را به همدلی و وحدت بکشاند. اساساً منطق حج ابراهیمی بر توسعه ظرفیت وحدت موحدان استوار است، چرا که هویت توحیدی به حوزه فکر و اندیشه محدود نمانده و در عمل نیز به تقویت بایسته‌های زمینه‌ساز اخوت دینی و برپایی امت واحده اسلامی راه می‌برد. مدیریت حاکم بر سرزمین‌های اسلامی اما با بی‌اعتنایی به فلسفه متعالی حج، در عمل شخصیت اجتماعی حج را نادیده گرفته و آن را مکتوم و مغفول گذاشته

است. از این رو لازم است ریشه‌های فاجعه منا را در مسائلی فراتر از عملکرد چند نفر یا سازمان خاص جست‌وجو کرد. ارزیابی فرایند رخدادهای فاجعه‌بار در سرزمین وحی و مقایسه کلی آن‌ها با یکدیگر گره از معمای چه باید کرد می‌گشاید. این ارزیابی اذهان را به رهیافت‌هایی اصولی و کارگشا سوق می‌دهد که می‌تواند ما را به چاره‌جویی و عبور از بحران‌های ایام حج بیانجامد. مهم‌ترین رهیافت در این ارتباط به اشتراک‌گذاری مدیریت حج از سوی دولت میزبان با کشورهای اسلامی است. اداره مطلوب حج به دلیل ناهمگونی و تفاوت سطح فرهنگی حجاجی که از اقصی نقاط جهان به مکه و مدینه سفر می‌کنند با دشواری‌هایی مواجه است. مضاف بر اینکه کنترل رفتار فردی زائران تقریباً غیرممکن می‌باشد. از آنجایی که فریضه حج در جمع و همراه جمع انجام می‌پذیرد، رفتارهای غیرمتعارف عده‌ای معدود می‌تواند آسیب‌های جمعی گسترده‌ای در پی داشته و بعضاً منجر به حوادث تلخ شود. در ایام حضور حجاج در منا و عرفه استاندارد رفاه به حداقل و در برخی موارد کمتر از آن تنزل می‌یابد. در چنین شرایطی کوچک‌ترین ناهنجاری رفتاری با محرک دل‌شوره و استرس از سوی معدودی از زائران می‌تواند به فاجعه تبدیل شود، کما این که در فاجعه اخیر منا نیز چنین شد.

برای مدیریت کارآمد و مهار این‌گونه بحران‌ها، مؤثرترین شیوه سپردن سهمی از مدیریت حج به نخبگان کشورهای اسلامی در چارچوب همکاری با دولت‌هاست. چرا که تنها با این شیوه می‌توان میزان تعامل و همگونی زائران بیت‌الله‌الحرام را ارتقا داده و به مهار بحران‌های احتمالی پرداخت. در چارچوب این همکاری و مشارکت می‌توان به رفتارهای انفرادی قبل و حین انجام فریضه حج سامان بخشید و از این طریق از آمار مصدومان و جانباختگان هر ساله کاست. در همین راستا حتی می‌توان نسبت به تشکیل «پلیس حج» با حضور کلیه ملیت‌های اسلامی و با کار ویژه راهنمایی و امدادسانی به زائران اقدام نمود. با این تصویر دامنه فرایندهای سببی با ماهیت بحران‌زایی به کنترل درآمده و سطح کارآمدی دستگاه اداری حج ارتقا می‌یابد. این راهبرد با تمامی ویژگی‌ها از سوی دولت عربستان با مخالفت جدی مواجه است و آن را مغایر با استقلال و حق اعمال حاکمیت ملی خود می‌داند. حال آنکه به دلیل ویژگی‌های فریضه حج که یکی از ارکان شریعت اسلامی است و ضرورت حضور حج‌گزاران در مکه مکرمه موقعیت استثنایی به این شهر بخشیده و حداقل مالکیت معنوی آن را از انحصار خارج می‌کند. شهر مکه و سایر اماکنی که مناسک حج در آن‌ها تحقق می‌یابد به لحاظ معنوی به جهان اسلام تعلق دارد و هیچ دولتی نمی‌تواند این اماکن را به تملک صددرصدی خود درآورد. ضمن آنکه استدلال اعمال حاکمیت ملی زمانی پذیرفته است که حجاج همه کشورها بدون نگرانی و با حفظ کرامت انسانی بتوانند در کمال آرامش و امنیت فریضه حج را به‌جا آورند.

متأسفانه در فاجعه منا ایران با ۴۷۶ شهید متحمل بیشترین آسیب گردید که ۴۴۱ نفر از آنان مرد و ۳۵ نفرشان زن بودند و استان خراسان رضوی با ۹۸ قربانی در رتبه نخست قرار دارد. در میان شهدا چهره‌های سرشناس بسیاری وجود دارند که هر یک در حوزه کار و فعالیت خود منشأ خیر و اثر بودند و فقدانشان خسارت بزرگی به کشور محسوب می‌شود. این کتاب دربردارنده شرح کاملی از زندگی و فعالیت جمع جانباختگان به تفکیک شهر و استان است و اطلاعات کامل و مستندی در رابطه با شهدای این فاجعه در اختیار خوانندگان قرار می‌دهد.

مقدم

کتاب پیش رو با عنوان «فرهنگ اعلام شهدای منا و مسجدالحرام» با ۴۷۶ مدخل، یکی دیگر از مجموعه کتاب‌های فرهنگ اعلام شهدای سراسر کشور، شامل زندگی‌نامه موجز و کوتاه شهدای کشور در مراسم حج سال ۱۳۹۴ است. در این فرهنگ با توجه به تنوع مداخل از نظر گروه‌های مختلف جمعیتی پس از کارشناسی و حداقل اطلاعات فردی هر شهید معین شد تا بر اساس آن زندگی‌نامه‌ها به نگارش درآید. نام، نام خانوادگی، نام مستعار، جنسیت، ملیت، دین، مذهب، نام پدر، سال فوت پدر (اگر قبل از شهادت شهید اتفاق افتاده باشد)، نام مادر، سال فوت مادر (اگر قبل از شهادت شهید اتفاق افتاده باشد)، تاریخ تولد (روز، ماه و سال)، محل تولد، وضعیت تأهل، سال ازدواج، تعداد فرزندان (به تفکیک دختر و پسر)، میزان تحصیلات، شغل، محل شهادت، تاریخ شهادت (روز، ماه و سال)، محل دفن و شهید دیگر خانواده، اطلاعاتی است که حداقل در زندگی‌نامه هر مدخل درج شده است درباره ۹۳ نفر از شهدا به دلیل نوع فعالیت‌های مختلف اجتماعی، سیاسی و ... به دلیل شاخص‌گزارگی که انجام شد مطالب بیشتری آمده است. امید است در چاپ‌های بعدی با دریافت اطلاعات بیشتر مطالب تکمیلی آورده شود.

اهداف

- مهم‌ترین اهدافی که برای طرح فرهنگ اعلام شهدا پیش‌بینی شده به قرار زیر است:
- ۱- نگارش زندگی‌شهادت مراسم حج در سال ۱۳۹۴ که بر اثر سانحه سقوط جرنقیل در مسجدالحرام و بی‌کفایتی آل سعود در حادثه منا به شهادت رسیدند و ارائه آن به محققان، اندیشمندان و علاقه‌مندان تاریخ معاصر.
 - ۲- گردآوری و ثبت اطلاعات مستند از شهدای یاد شده در قالب زندگی‌نامه‌هایی کوتاه و مفید با شیوه نگارش ساده و به دور از توصیف، آرایه‌های ادبی و ارزش‌گذاری.
 - ۳- تهیه مجموعه‌ای مرجع و مستند که بتواند نیازهای پژوهشی و اطلاع‌رسانی از مداخل مورد نظر را فراهم کند.

ضرورت

- ۱- نبود مجموعه‌ای مستند از زندگی‌نامه‌های شهدای این حادثه.
- ۲- نیاز پژوهشگران به بررسی وقایع و گروه‌های مختلف شهدای آن با رویکردهای جامعه‌شناختی، تاریخی، مردم‌شناختی و ...
- ۳- در دسترس نبودن آمار و اطلاعات جمعیت‌شناختی گروه‌های سنی مختلف شهیدان به شکلی یکپارچه و مستند.

پیشینه

سنت زندگی نامه نویسی از دیرباز در میان جوامع بشری رایج بوده است. برخی محققین این سنت را تا سنگ نوشته ها و لوحه های گلین دوران باستان به عقب می برند. اما در دوران جدید این سنت دچار تحولات عمیق و گسترش فراوانی شد تا جایی که شاید هیچ فرد شاخص، مشهور و موثر را در جهان نتوان یافت که زندگی نامه «خود نوشت» یا «دیگر نوشت» نداشته باشد. در کنار رونق زندگی نامه نویسی، در دوران جدید، فرهنگ نویسی نیز رواج فراوانی یافته به طوری که فرهنگ نامه های مکتوبی در حوزه های مختلف زندگی بشر تهیه و عرضه شده است. از فرهنگ نامه های جغرافیایی و تاریخی تا فرهنگ گیاهان دارویی، بناها، اشخاص و حتی فرهنگ نامه تولیدات صنعتی، صنایع ماشینی، دستی و ... به هر حال رونق زندگی نامه نویسی و توجه به زندگی پیشینیان از یک سو و رواج فرهنگ نامه نویسی و تأثیر آن در دانش جدید بشر از سوی دیگر باعث شد تا فرهنگ های مختلفی برای ثبت و ضبط زندگی، احوال و آثار افرادی که در زمان حیاتشان ردپایی از خود برجای گذاشته اند، نوشته شود. در ایران از جمله این فرهنگ ها می توان به «ریحانة الادب» و «فرهنگ زندگی نامه ها» و آثار دیگر اشاره کرد که گاه عمومی اند و فراگیر «مثل فرهنگ زندگی نامه ها» و گاه اختصاصی مثل «ریحانة الادب» که مختص مشاهیر عالم اسلام است. سایر فرهنگ هایی که در دوران معاصر با تأکید بر اعلام رویدادهای جهانی، نهادهای اجتماعی، افراد و بناها، تهیه و منتشر شده اند عبارتند از: «فرهنگ فارسی اعلام»،^۱ «فرهنگ اعلام سخن»^۲ و «فرهنگ اعلام تاریخ اسلام»^۳ تدوین و نگارش زندگی نامه، در جهان اسلام نیز پیشینه ای چند صدساله دارد، که ظاهراً نخستین بار در اواخر سده اول هجری، فکر ثبت ابعاد گوناگون قوی و عملی (رفتاری، گفتاری) پیامبر (ص) به شکل سیره نویسی با نوشتن زندگی نامه ایشان متداول و در یک فرآیند چند ساله به نگارش سیره خلفا و مشاهیر اسلامی منجر شد. نخستین زندگی نامه هایی که به ذکر خصایص و ویژگی های شخصی شهدا و کشته شدگان در راه دین خدا اختصاص یافت، در تعبیری تازه از زندگی نامه نویسی به نام «مقاتل» متجلی شد. مقاتل اگرچه بیشتر به شیوه و چگونگی کشته شدن صاحبان زندگی نامه ها می پردازد ولی تا حدودی در برگیرنده مقدمه ای از حیات آن ها نیز می باشد. «اصغ بن نباته» از یاران امام علی (ع) از نخستین مقتل نویسانی است که کتابی در شرح شهادت جانگداز حسین بن علی (ع) به رشته تحریر درآورد.

دامنه زمانی طرح

این کتاب در بردارنده زیست نامه تمام افراد با ملیت ایرانی است که در سفر حج سال ۱۳۹۴، به شهادت رسیده اند.

روش اجرای طرح

- ۱- مدخل گزینی: کلیه مداخل این فرهنگ با روش مطالعه اسنادی از میان منابع اطلاعاتی داخلی سازمان بنیاد شهید و امور ایثارگران در استان ها همچون پرونده فرهنگی، پرونده کارگزینی، سیستم پذیرش، به شرط داشتن پرونده در این سازمان انتخاب شده اند.
- ۲- جمع آوری داده های مورد نیاز: معرفی مداخل و تدوین زندگی نامه ها از طریق تکمیل نرم افزار توسط خانواده ها و مصاحبه با اعضاء خانواده شهدا انجام شده و در اختیار شورای علمی و برنامه ریزی این طرح در اداره کل اسناد و انتشارات قرار گرفته است.

مشکلات و محدودیت‌های طرح

- ۱- به دلیل تازگی وقوع حادثه منا و مسجدالحرام بسیاری از خانواده‌ها هنوز آمادگی لازم برای مصاحبه و ارائه اطلاعات را نداشتند. همچنین امکان دستیابی به بعضی از اطلاعات برای نگارش زندگی‌نامه‌های تشریحی برای تعداد ۴۰ شهید دارای ملاک و معیارهای مشخص علی‌رغم تلاش گروه‌های جمع‌آوری کننده به دلایل مختلف وجود نداشته است.
- ۲- حدود نه ماه، فرآیند جمع‌آوری و تکمیل اطلاعات، از طریق نرم‌افزار اسناد توسط خانواده‌ها و بنیاد شهید استانها و نیز مصاحبه با برخی خانواده‌ها انجام شده است، که علاوه بر صرف زمان و هزینه، اشکالات و کاستی‌های احتمالی را نیز موجب شده است. می‌کوشیم این کاستی نیز در ویراست‌های بعدی جبران شود.
- ۳- عدم همکاری برخی از خانواده‌ها در ارائه اطلاعات از شهیدان منا و مسجدالحرام از مشکلات دیگری بود که در کار تدوین خلل ایجاد نمود.

سخن آخر

فرهنگ اعلام حاضر با حداکثر اطلاعات به دست آمده و طبق روش‌های ذکر شده، تدوین و آماده‌سازی شده است. مبنای نگارش زندگی‌نامه‌ها، اطلاعات نرم‌افزارهای تکمیل شده توسط خانواده و مصاحبه با اعضای خانواده این شهدا است که نیروهای بومی هر استان با تأیید درستی آن از سوی خانواده‌های شهدا و مسئولین بنیاد شهید و امور ایثارگران آن استان، گردآوری و در اختیار اداره کل اسناد و انتشارات بنیاد شهید و امور ایثارگران در تهران قرار داده‌اند.

اداره کل اسناد و انتشارات با توجه به تدوین و چاپ مجموعه کتب فرهنگ اعلام شهدا برای نخستین بار در کشور و نیز جامعه آماری گسترده مداخل آن، به هیچ رو مدعی نیست که اثری بی‌نقص در این زمینه ارائه کرده است. مجدداً تأکید می‌شود بسیاری از گزینه‌های اطلاعاتی لازم درباره برخی از مداخل برای تدوین تا زمان چاپ فرهنگ‌نامه کامل نشده و دسترسی به آن‌ها به دلایل متعددی از جمله عدم همکاری برخی از خانواده‌های شهدا، دسترسی نداشتن به برخی از آن‌ها، دشواری جمع‌آوری اطلاعات امکان‌پذیر نبوده است. بنابراین همان‌طور که خواهید دید برخی از زندگی‌نامه‌ها فاقد اطلاعات دقیق شغل، تحصیلات و ... است. در نظر گرفتن حداقل و حداکثر کلمات متون زندگی‌نامه‌ها به همین منظور بوده است. بدیهی است این اداره کل کماکان پس از چاپ نخست فرهنگ اعلام به فعالیت خود ادامه داده و به جمع‌آوری اطلاعات تکمیلی می‌پردازد. از سوی دیگر این اداره کل از تمامی افرادی که در خصوص مداخل مجموعه کتب منتشر شده در چاپ اول این طرح اطلاعات کامل تری دارند، دعوت می‌کند تا همراه با مستندات و نحوه آشنایی و نسبت خود با شهدای مورد نظر برای غنی‌سازی و تکمیل مجلدات در ویراست‌های بعدی به یاری ما بشتابند.

توجه به این نکته ضروری است که در نوبت اول، این فرهنگ اعلام به صورت محدود چاپ شده و در اختیار محققین و اندیشمندان قرار گرفته است. پس از رفع کاستی‌های احتمالی و اعمال نقد و نظر فرهیختگان و پژوهشگران، این مجموعه به صورت کاملتری همراه با نمایه‌های متنوع از اطلاعات زیست‌نامه شهدای معظم، چاپ خواهد شد.

در خاتمه لازم می‌داند از تمامی خانواده‌های معظم شهدا، هم‌زمان و دوستان شهدا، نویسندگان و پژوهشگران، کارشناسان و مدیران بنیاد و سایر اشخاص حقیقی و حقوقی که طی این مدت برای جمع‌آوری اطلاعات، نگارش و ویرایش، آماده‌سازی و چاپ و نشر این اثر فاخر فرهنگی یاری‌گر ما بوده‌اند، قدردانی کرده و از همه خوانندگان و پژوهشگران انتظار می‌رود از ارائه هرگونه نقد و نظر در جهت غنا و تعالی این اثر دریغ نفرمایند.^۴

راستی استفاوه ان
فرهنگ اعلام

در نگارش متن زندگی‌نامه‌های شهدا برای رعایت ایجاز و اختصار به شاخص‌ترین و مهم‌ترین اطلاعات فردی آن‌ها اکتفا شده است به جز اشخاصی که به دلیل نوع فعالیت‌های مختلف اجتماعی، سیاسی و ... مطالب تکمیلی درباره آن‌ها نوشته شده است. برای تدوین زندگی‌نامه‌ها ۲۵ گزینه اطلاعاتی در نظر گرفته شده است. این گزینه‌ها عبارت‌اند از: نام، نام خانوادگی، نام مستعار، جنسیت، ملیت، دین، مذهب، نام پدر، سال فوت پدر، نام مادر، سال فوت مادر، تاریخ تولد، محل تولد، وضعیت تأهل، سال ازدواج، تعداد فرزندان، جنسیت فرزندان، میزان تحصیلات، شغل پدر، وضعیت اشتغال، محل شهادت، تاریخ شهادت (به روز و ماه سال)، محل دفن، محل یادبود و شهید دیگر خانواده. برای آگاهی از چگونگی کاربرد بعضی از گزینه‌های یاد شده در متون زندگی‌نامه توجه به توضیحات زیر ضروری است:

۱) تاریخ تولد

- ۱-۱: در ذکر تاریخ تولد، سه گزینه اطلاعاتی روز، ماه و سال در نظر گرفته و قید شده است.
- ۱-۲: برخی از شهدا تاریخ تولد ندارند و یا فقط دارای سال تولد هستند.

۲) محل تولد

- ۲-۱: در این بخش سه گزینه اطلاعاتی نام روستا، شهر و شهرستان وجود دارد.
- ۲-۲: نام استان‌های محل تولد نوشته نمی‌شود و خوانندگان می‌توانند با مراجعه به نقشه ایران، که در بخش ضمیمه فرهنگ‌نامه چاپ شده است، ابهامات خود را رفع کنند.
- ۲-۳: در این فرهنگ‌نامه اساس مختصات جغرافیایی بر مبنای تقسیمات کشوری در حال حاضر گذاشته شده که بسیاری از آن‌ها تغییر یافته است. به عنوان مثال: بسیاری از روستاها به بخش و یا حتی شهر و بعضی از شهرها به شهرستان تبدیل شده‌اند. همچنین حدود جغرافیایی بعضی از استان‌ها و نام آن‌ها نیز تغییر کرده است. به همین دلیل از نام جدید و تقسیمات کنونی این مناطق برای ذکر محل تولد و دفن شهدا استفاده شده است. بنابراین احتمال دارد شهیدی در روستا متولد شده باشد اما در متن زندگی‌نامه اشاره شود که در بخش یا شهر تولد یافته است. این امر به دلیل دسترسی نداشتن شورای سیاست‌گذاری

و برنامه‌ریزی طرح فرهنگ اعلام به مختصات جغرافیایی کشورمان از سال ۱۳۴۲ و تغییر و تحولات آن تاکنون بوده است. متأسفانه پس از مراجعات و پیگیری‌های فراوان از وزارت کشور که متولی اصلی ثبت و تنظیم تغییرات تقسیمات کشوری است، هیچ اطلاعاتی در این خصوص به دست ما نرسید. در واقع همکاری لازم در رابطه با این طرح ملی از سوی وزارتخانه یاد شده انجام نگرفت.

۳) نام پدر و مادر

۱-۳: در زندگی‌نامه‌ها نام پدر و مادر نوشته شده اما نام خانوادگی مادر قید نشده است؛ مگر آن که مادر به شهادت رسیده باشد. در صورت وجود اطلاعات، شغل پدر نیز ذکر می‌شود.

۴) سال فوت پدر و مادر

اگر فوت پدر یا مادر قبل از شهادت فرزند بوده باشد، سال وفات ذکر می‌شود. در صورت شهادت مادر و پدر این محدودیت وجود ندارد و سال شهادت می‌بایست ذکر شود.

۵) تحصیلات

۱-۵: در صورت وجود اطلاعات، رشته‌های تحصیلی شامل: علوم انسانی، تجربی و ریاضی، رشته‌های فنی مانند مکانیک، کشاورزی و...، هم چنین سطوح مختلف علوم حوزوی، دوره‌های مختلف علوم نظامی، مراحل مقدماتی و تکمیلی نهضت سوادآموزی و رشته‌های مختلف دانشگاهی عنوان شده است.

۲-۵: لازم به ذکر است، رشته‌های دوران متوسطه که پیش از این با عنوان رشته‌های اقتصاد، فرهنگ و ادب، طبیعی، ادبی و... شناخته می‌شد، با همان نام قدیمی خود قید شده است.

۳-۵: برای شهدایی که از تحصیلات بی‌بهره بوده‌اند از عبارت «خواندن و نوشتن نمی‌دانست» استفاده شده است.

۴-۵: اگر شهیدی از راه دیگری غیر از تحصیلات رسمی کشور، سواد آموخته است، به آن اشاره شده است. مثل شهدایی که سواد قرآنی داشته‌اند.

۶) وضعیت اشتغال

۱-۶) شغل شهید در زندگی‌نامه پس از تحصیلات نوشته شده است.

۲-۶) برای پرهیز از طولانی شدن متن، از آوردن اسم موسسات و شرکت‌هایی که شهید در آن‌ها شاغل بوده، خودداری شده است.

۳-۶) برای رعایت اختصار، شغل بعضی از شهدایی که در ارگان و نهادهای خاص مثل سپاه یا ارتش استخدام شده بودند، تنها در یکی از دو بخش شغل یا یگان اعزامی ذکر شده است. مثلاً اگر شهید پاسدار بوده از آن‌جا که واضح است از سپاه پاسداران به جبهه اعزام شده است، یگان اعزامی به قرینه معنوی حذف شده است.

۴-۶) در زیست‌نامه برخی مداخل، اطلاعات شغل با عبارات کلی «آزاد»، «کارمند» یا «کارگر» آمده است. به این دلیل که تا زمان انتشار کتاب اطلاعاتی بیش از اطلاعات کلی موجود از مداخل مورد نظر به دست گروه جمع‌آوری داده‌ها نرسیده است.

امبءواربم با كمك ؤوانءءگان و افراد مءلع؁ ابن كاسءى ءر و براسءءهائ بءءى برءرف شوء.

٧) وءعبء ءاهل

ءاربخ از ءواج شهبء فقط با ءكر سال از ءواج مشءص شءه اسء. بءبهبى اسء شهءابى كه سال از ءواج شان مشءص نبئسء؁ ءءها به مءاهل بوءن آن ها اءاره شءه اسء. مءال : سال ١٣٥٤ از ءواج كرء.

٨) وءعبء فرزنءان شهبء

برائ شهءاهى ءارائ فرزنء؁ پس از ءكر سال از ءواج با وءعبء ءاهل؁ به ءءءاء و ؤنسبء فرزنءان آن ها اءاره شءه اسء. مءال : سال ١٣٥٤ از ءواج كرء و صاءب بءك پسر و ءو ءءءر شء.

٩) ءاربخ شهءاء

ءاربخ شهءاء شامل روز؁ ماه و سال مئ شوء.

١٠) مءل شهءاء

مءل شهءاء ابن شهءا ءر مسءءءءءرام و با ءر مئا اسء.

١١) مءل ءفن

١-١: كار ؤروه ءءوبب؁ ءر مءل ءفن نبز مائء مءل ءولء عمل كرءه اسء. به ابن مءئا كه نام روءءا؁ شهرها با شهرسءان ءكر و ءابعبء هر كءام روءن شءه اسء. نام اسءان ءرء نءه اسء و اسامئ شهرها و روءءاها بر اساس ءقسبم بءءى هائ ؤءرافبائى ؤاضر قبء مئ شوء. بءبهبى اسء به همبب ءلبل ممكن اسء بر اساس ءقسبمءاء ؤءبء؁ مءل ءفن بءك شهبء كه ببش از ابن ءر بءك روءءا ؤزارش شءه اسء؁ اكءون ءر بءك شهرا ؤزارش شوء. ١-٢: اءر مءل ءولء و شهءاء بءكى باشء؁ برائ ابءءاب از ءكرار؁ عباءء «همان روءءا» با «همان شهرسءان» به كار مئ روء.

١٢) شهبء ءبءر ؤانواءه

ءر ابن ببش ءءها نام افراءى كه نسبء ءرءه بءك با شهبء ءارءء؁ ءكر مئ شوء. ابن افراء عباءءاءء از: ءءر؁ مءءر؁ ؤواهر؁ برءءر؁ همسر و فرزنء شهبء. نام ؤانواءكى ابن افراء ءرء نمئ شوء؛ مءر آن كه شهبء زن بوءه و فرزنء وئ نبز به شهءاء رسبءه باشء؁ با آن كه از برءءران و ؤواهران ناءءبى شهبء مءسوب شوءء و نام ؤانواءكى آن ها با بءءبءر مءابءء ءاشءه باشء.

١٣) نام مسءءار

اءر شهبء را به نام ءبءرئ نبز مئ ؤوانءءء و به آن نام مءروف بوءه اسء؁ ءر ابن ببش نام ءبءر نبز ءرء مئ شوء.

۱۴) دین [استفاده از حروف اختصاری برای اشاره به دین]

حروف الفبای اختصاری «الف - ش» و «الف - س» برای شهدای مسلمان به کار می‌رود. «الف» اولین حرف واژه «اسلام» و «ش» یا «س» حروف اول کلمات شیعه و سنی‌اند.

۱۵) عدد درج شده قبل از مداخل

عدد درج شده قبل از مداخل، نشان‌گر مدخل مورد نظر است. بنابراین آخرین شماره تعداد کل مداخل را نشان می‌دهد.^۱

تعريف واركان ومنفايم

واژگان

دوره ابتدایی تحصیلی

دوره ابتدایی ۵ سال است و دانش آموز در آغاز تحصیل (اول مهر ماه) باید ۶ سال تمام داشته باشد. به دانش آموز در صورت موفقیت در پایان دوره، گواهی پایان تعلیمات دوره ابتدایی داده می شود و اجازه می یابد که در دوره راهنمایی ثبت نام کند.

دوره پیش دانشگاهی

مدت این دوره یک سال است و دانش آموزان پس از گذراندن دوره متوسطه می توانند در یکی از گرایش های علوم ریاضی، علوم تجربی و علوم انسانی این دوره را به پایان رسانند و در آزمون سراسری ورود به دانشگاه ها شرکت کنند.

دوره راهنمایی تحصیلی

دوره راهنمایی تحصیلی ۳ سال است و دانش آموز در این دوره، علاوه بر علمی که پیش نیاز دوره متوسطه است، سایر دروس را نیز آموزش می بیند. بر اساس معدل گیری دروس خاص در طول سه سال تحصیلی، دانش آموز به یکی از دو دوره تحصیلی «فنی و حرفه ای و یا خدمات» و «آموزش نظری» هدایت می شود و تعرفه ثبت نام در یکی از رشته های تحصیلی که امتیاز لازم را برای آن کسب کرده است، دریافت می کند. در پایان این دوره سه ساله، به دانش آموز، در صورت موفقیت، مدرک پایان دوره عمومی (راهنمایی تحصیلی) داده می شود.

دوره متوسطه عمومی تحصیلی (نظام قدیم)

مدت این دوره ۴ سال است که سال اول آن عمومی است و از سال دوم به بعد دانش آموزان براساس نتایج آزمون های خود می توانند در هریک از گرایش های نظری (شامل رشته های علوم انسانی، علوم تجربی و ریاضی فیزیک)، فنی و حرفه ای و کار دانش به تحصیل پردازند و در صورت موفقیت در امتحانات به اخذ گواهینامه پایان دوره متوسطه نایل شوند.

دوره متوسطه عمومی تحصیلی (نظام جدید)

این دوره از سال تحصیلی ۷۲-۱۳۷۱ ایجاد شد و دانش‌آموزان دوره متوسطه به تدریج بر اساس این نظام شروع به تحصیل کردند. در حال حاضر کل دانش‌آموزان دوره متوسطه بر اساس نظام جدید به تحصیل اشتغال دارند. از این رو، از درج جدول مربوط به دانش‌آموزان دوره نظام قدیم متوسطه صرف نظر شده است. مدت دوره نظام جدید متوسطه ۳ سال است که پایه اول آن (ترم‌های اول و دوم) برای همه رشته‌ها و گرایش‌ها عمومی بوده و در سال دوم (شروع ترم سوم) دانش‌آموزان به رشته‌های نظری (ریاضی فیزیک، علوم تجربی و علوم انسانی)، فنی و حرفه‌ای و کاردانش تقسیم و پس از طی دوره دو ساله به اخذ دیپلم متوسطه نائل می‌شوند.

دوره‌های تحصیلی نهضت سوادآموزی

دوره‌های این سازمان شامل دوره مقدماتی، دوره تکمیلی، دوره پایانی و دوره پنجم است. در دوره‌های مقدماتی و تکمیلی به سوادآموزان، خواندن و نوشتن کلمات و متون ساده فارسی و در دوره پایانی انجام محاسبات ریاضی تعلیم داده می‌شود. پس از پایان دوره‌های فوق سوادآموزان برای شرکت در دوره پنجم آماده می‌شوند. در دوره پنجم سوادآموزان مانند دانش‌آموزان پایه پنجم ابتدایی آموزش و پرورش تحصیل می‌کنند و می‌توانند با شرکت در امتحانات نهایی این وزارتخانه به مقاطع بالاتر تحصیلی ارتقا یابند.

شهید

کلمه‌ی شهید و کلمات هم‌خانواده آن بیش از یک صد و پنجاه مورد در قرآن آمده است که در اغلب موارد به معنی شاهد، گواه، ناظر و نظایر آن به کار می‌رود. تنها در معدودی از آیات قرآن مجید، کلمه شهید به ترتیبی استعمال شده است که می‌توان به مفهومی نزدیک به استعمال متداول از این کلمه دست یافت.

«وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ»

در دیگر موارد با توجه به تفسیر و تأویل آیات وارده در این خصوص است که می‌توان چنین مفهومی را که امروز از کلمه شهید رواج دارد، توضیح داد. این کلمه را مترادف با «زنده» (حی) نیز معنی کرده‌اند. کسی که زنده است و یا در نزد خداوند زنده می‌باشد، که این برداشت و تفسیر از واژه شهید، مقتبس از آیه شریفه قرآن است که می‌فرماید: «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أحياءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ».

کلمه شهید از اسماء‌الله‌الحسنی به شمار می‌رود که به این معنا نیز در قرآن استعمال شده است. روایاتی وجود دارد که با بیان مصادیق گوناگونی برای شهید، دایره مفهومی این کلمه را وسعت می‌بخشند. چنان که رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) می‌فرمایند: هرکس در راه خدا از خانه اش خارج شود، بمیرد یا کشته شود شهید محسوب می‌شود.

فرهنگ اعلام شهدای منا و مسجد الحرام

زیست‌نامه‌ای شامل اطلاعات و ویژگی‌های شناسنامه‌ای، تحصیلی، شغلی و در برخی از شهیدان فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی در متن‌هایی بین سی تا صد کلمه یا بیشتر منطبق بر شیوه‌نامه‌های نگارشی و ویرایشی مصوب شورای سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی طرح در اداره کل اسناد و انتشارات بنیاد شهید و امور ایثارگران.

فرهنگ اعلام شهدا | بیست و هفت

منابع اطلاعات متون یاد شده عبارتند از: خانواده و بستگان، پرونده‌های حقوقی، فرهنگی شهیدان جامعه آماری مورد شمول طرح.

مدخل

مفهوم یا اسمی که درباره آن توضیحاتی با رعایت شیوه‌نامه‌های مشخص نگارشی و ویرایشی به ترتیب الفبا ارائه می‌شود.^۱

تمکاران طرح

اسامی همکاران در طرح ملی فرهنگ اعلام شہدای منا و مسجدالحرام به ترتیب حروف الفبا در گروہهای الف - شورای علمی، سیاستگذاری و برنامه ریزی، ب - گروہهای تخصصی اجرایی شامل: (تکمیل نرم افزار و مصاحبه با خانواده (جمع آوری اطلاعات)، تدوین، ویرایش (رسم الخط، ادبی)، رایانه، حروفچینی، آماده سازی و صفحه آرایی، نمونه خوانی و نسخه پردازی، کنترل و تطبیق متون زندگی نامه با نرم افزار و دبیرخانه) عبارت اند از:

علوی، سید مصطفی	حسن زاده، شاپور	(الف)
علیایی مقدم، محمد	حسنی، احمد	انصاری، محسن
علی نقیان افجه ای، محمدحسن	حسنی، محمد	سروش، محمدرضا
فرشباف، غلامرضا	خورشیدوند، اشرف	شهبازی، محبوب
قاسمی، علیرضا	داودی، زهرا	شہیدی، سید محمدعلی
قاسمیان، ولی الله	دمیرچی، محمد	علامیان، سعید
قدیانی، یوسف	دیانی، حمید	مازنی، احمد
قربانی، مجید	ذوالفقاری، زهرا	مؤذنی، سید حسن
گنجی کردقشلاقی، سعید	رجبی دہکردی، ابراہیم	(ب)
مرادی، حمید	رحمت زاده، مہرداد	افضلی، رضا
معدنی، میترا	رشیدی، زهرا	احمدی، علیرضا
ملوکانہ، مرضیہ	رشیدی، عزت السادات	باقری، عبدالرضا
میرزایی، صدیقہ	زینلی، فاطمہ	بحری، محمدرضا
ناصری، جعفر	شیرکوند، زهرا	بکتر، فاطمہ
نجاتی، سعیدہ	شیرکوند، زینب	بہار آرا، حمیدرضا
نوری، داور	صلاح لو، علی اصغر	تات لاری، فاطمہ
ہراتی مقدم، حسن	صمدی شجاع، ابوالحسن	جعفری، اشرف
ہوشیار، مہناز	علاء الدینی، محمدرضا	جمالی، طیبہ
یونسی، مہدی	عبدالہی، ابوالفضل	حاجی آبادی، رضا
	علوی، سید اسماعیل	

مدخل

۲۰	(۶۵) برزگر، محمد	۱۱	(۳۳) الیاسی، زہرا	۱	(۱) آب روشن، مراد
۲۰	(۶۶) برفرازی، حسین	۱۲	(۳۴) امیدعلی، رمضان	۱	(۲) آزمون، تازہ گل
۲۰	(۶۷) برگستان، بالا اوغلان	۱۲	(۳۵) امیرآبادی، داود	۱	(۳) آق، آمنہ
۲۰	(۶۸) برومند، علی نظر	۱۲	(۳۶) امینی علیایی، نادعلی	۱	(۴) آق آتابای، عبدالمجید
۲۱	(۶۹) بزمی، حبیب اللہ	۱۲	(۳۷) امینی فرخانی، رسول	۱	(۵) آقایی پور، محمدرحیم
۲۱	(۷۰) بشیری گودرزی، غضنفر	۱۲	(۳۸) انجیدنی، مرادعلی	۲	(۶) آل طہ بناب، مریم
۲۱	(۷۱) بغلانی، حسین	۱۲	(۳۹) انزاهی گریوہ، حمیدرضا	۲	(۷) ابراہیمی، عبدالرسول
۲۱	(۷۲) بقایی، علیرضا	۱۳	(۴۰) اوشیانی، حجت	۳	(۸) ابراہیمی، نوربخش
۲۱	(۷۳) بنیادی، علیرضا	۱۴	(۴۱) ایازی، حمیدہ	۳	(۹) احمدآبادی، محمدابراہیم
۲۱	(۷۴) بنیسی، حسین	۱۴	(۴۲) ایری، آی جمال	۳	(۱۰) احمدجامی، محمدابراہیم
۲۲	(۷۵) بہاری دلال، علیرضا	۱۴	(۴۳) ایزدی، عزت اللہ	۳	(۱۱) احمدیان زادہ، سیدعلی
۲۲	(۷۶) بہرام پرور، محمدعلی	۱۴	(۴۴) ایزدی مقدم، علی اصغر	۴	(۱۲) احمدی وزملایی، مردان
۲۲	(۷۷) بہرامیان، بہرام	۱۴	(۴۵) ایزدی نیا، جمشید	۵	(۱۳) اخوان، محمدصادق
۲۲	(۷۸) بہلکہ، محمدولی	۱۵	(۴۶) ایکدری، عبداللہ	۵	(۱۴) ارفاقی، غلامحسین
۲۲	(۷۹) بہرام، رحمت اللہ	۱۵	(۴۷) ایمن پور، اسداللہ	۶	(۱۵) اسپوکہ، اسمعیل
۲۴	(۸۰) بہمن زادگان جہرمی، محمدباقر	۱۵	(۴۸) اینچہ برونی، اغول بی بی	۶	(۱۶) استخری، حسین
۲۴	(۸۱) بیت غانم، حسن	۱۵	(۴۹) ایوبی، عبدالحکیم	۶	(۱۷) اسحقی ریزی، حسن
۲۴	(۸۲) پاپی، قدرت اللہ	۱۶	(۵۰) ایور، سلیم	۶	(۱۸) اسدزادہ وسطی کلائی، علی
۲۵	(۸۳) پارخی، تاج محمد	۱۶	(۵۱) باغانی، علی اکبر	۷	(۱۹) اسدی، سلمان
۲۶	(۸۴) پدیری، ناز محمد	۱۶	(۵۲) باغانی، علیرضا	۷	(۲۰) اسدی، محمد
۲۶	(۸۵) پناہی، محمدعلی	۱۶	(۵۳) باقری، محمد	۷	(۲۱) اسدی مینا، سیف اللہ
۲۶	(۸۶) پورتقی راستگو مقدم، کریم	۱۷	(۵۴) باقری، محمدابراہیم	۷	(۲۲) اسلامی، وحید
۲۶	(۸۷) پوررستمی، ابراہیم	۱۸	(۵۵) باقریان یزدآبادی، ابراہیم	۸	(۲۳) اسلامیان، بلال
۲۷	(۸۸) پیرزادہ ایران نژاد، فرہاد	۱۸	(۵۶) باوی، امین	۸	(۲۴) اسمعیلی، محمد
۲۷	(۸۹) پیروتی، عبدالناصر	۱۹	(۵۷) باہرخواہ، حسن	۸	(۲۵) اسمعیلی، ولی
۲۷	(۹۰) پیروتی، عثمان	۱۹	(۵۸) بختہ، بایرامعلی	۸	(۲۶) اسمعیلی چافی، احمد
۲۷	(۹۱) پیروتی، محمدامین	۱۹	(۵۹) بدیعی ازاندھی، محمدعلی	۹	(۲۷) اصغری، فرضعلی
۲۷	(۹۲) پیروی اکبرآباد، حسین	۱۹	(۶۰) بذارچماکتی، محمدباقر	۹	(۲۸) اصل رکن آبادی، غضنفر
۲۷	(۹۳) ترابی پلت کلہ، حبیب	۱۹	(۶۱) برازندہ شایق، اورجعلی	۱۰	(۲۹) افشون، حسن
۲۸	(۹۴) تقوی طلب، علی	۱۹	(۶۲) براہویی ژند، عبداللہ	۱۰	(۳۰) افغانی اصل، موسی
۲۹	(۹۵) تقوی کوتنائی، معین	۲۰	(۶۳) برزگر، عطاء اللہ	۱۱	(۳۱) اکبری، مختار
۲۹	(۹۶) تقیانی، وجیہہ اللہ	۲۰	(۶۴) برزگر، مجتبی	۱۱	(۳۲) اللہ وردی صادق آبادی، غلامحسین

۵۰	(۱۶۰) خجسته، محمدحسین	۴۱	(۱۲۹) حاجی زاده، زلیخا	۲۹	(۹۷) تکه‌ء، بی‌بی‌روشن
۵۰	(۱۶۱) خر مالی، احمد	۴۱	(۱۳۰) حبیبی، پرویز	۲۹	(۹۸) تودوئی، مصطفی
۵۱	(۱۶۲) خر مالی، خدیجه	۴۲	(۱۳۱) حجتی، سیدحسین	۳۰	(۹۹) تورانی، گزل
۵۱	(۱۶۳) خلیلی، ابوالقاسم	۴۲	(۱۳۲) حسامی، عصمت	۳۰	(۱۰۰) توغدری، عبدالله
۵۱	(۱۶۴) خندان، محمد	۴۳	(۱۳۳) حسن پور کردآسیابی، محمد	۳۰	(۱۰۱) ثامنی، علی
۵۲	(۱۶۵) خواجه پور، حسن	۴۳	(۱۳۴) حسنی، علی اکبر	۳۱	(۱۰۲) جاتن، محمد
۵۲	(۱۶۶) خوان پایه، حسن	۴۳	(۱۳۵) حسنی برنجستانکی، مهدی	۳۱	(۱۰۳) جان بزرگی، صفرعلی
۵۲	(۱۶۷) خورسند، غلامرضا	۴۳	(۱۳۶) حسین زاده دهکردی، باقر	۳۱	(۱۰۴) جان زمین، عبدلعلی
۵۳	(۱۶۸) خورشیدوند، ماشاءالله	۴۳	(۱۳۷) حسینی، سیداحمد	۳۱	(۱۰۵) جباری فر، سیدابراهیم
۵۳	(۱۶۹) خوشخویی، شکرالله	۴۳	(۱۳۸) حسینی، سیدحسن	۳۲	(۱۰۶) جعفری، اسماعیل
۵۳	(۱۷۰) خیرآبادی، ابوالفضل	۴۴	(۱۳۹) حسینی، سیدحسین	۳۲	(۱۰۷) جعفری، حسین
۵۳	(۱۷۱) دارایی، فتح‌الله	۴۴	(۱۴۰) حسینی، سیدحمیدرضا	۳۳	(۱۰۸) جعفری، سعید
۵۴	(۱۷۲) داز، بایرام‌بی‌بی	۴۵	(۱۴۱) حسینی، سیدناصر	۳۳	(۱۰۹) جعفری، سیدههدی
۵۴	(۱۷۳) داغستانی، غلامرضا	۴۶	(۱۴۲) حسینی، محمد	۳۴	(۱۱۰) جعفری، سیدنصرالله
۵۴	(۱۷۴) دامغانی، فاطمه	۴۶	(۱۴۳) حسینی رمقانی، علی میرزا	۳۴	(۱۱۱) جعفری چمارکتی، عباس
۵۴	(۱۷۵) دانش، حسن	۴۶	(۱۴۴) حسینی سرایی، حیدر	۳۵	(۱۱۲) جلال زاده، سیدجلال
۵۵	(۱۷۶) دانش طلب، محمدسعید	۴۶	(۱۴۵) حسینی مقدم، حسن	۳۵	(۱۱۳) جلالی خیرآباد، محمدرضا
۵۵	(۱۷۷) داودی کورانی، هرمز	۴۶	(۱۴۶) حصاری، عبدالله	۳۶	(۱۱۴) جمشیدنژاد، عبدالصمد
۵۵	(۱۷۸) درستکار، مهدی	۴۷	(۱۴۷) حکیمی راد، محمد	۳۶	(۱۱۵) جمعه آریانی، رجبعلی
۵۶	(۱۷۹) درودی، رضا	۴۷	(۱۴۸) حیاتی، حسین	۳۶	(۱۱۶) جمهور، محمد
۵۶	(۱۸۰) دریانورد، حمید	۴۷	(۱۴۹) حیدری، صفرمحمد	۳۶	(۱۱۷) جوزی، عباسعلی
۵۶	(۱۸۱) دشتی، ابوالفضل	۴۷	(۱۵۰) حیدری، قیصرعلی	۳۷	(۱۱۸) جهانبازی، عبدالصالح
۵۶	(۱۸۲) دشتی، محمود	۴۸	(۱۵۱) حیران، اشکان	۳۸	(۱۱۹) چاچ، عزیز
۵۶	(۱۸۳) دلیری، علی اکبر	۴۸	(۱۵۲) خادم دزفولی، مهدی	۳۸	(۱۲۰) چشم‌دهام، علی حسین
۵۶	(۱۸۴) دوست‌علی زاده، محمد	۴۸	(۱۵۳) خادمی، احمد	۳۸	(۱۲۱) چکشی، جواد
۵۷	(۱۸۵) دولتی، یوسف	۴۹	(۱۵۴) خادمی، عبدالله	۳۸	(۱۲۲) چنگیزی، حبیب‌الله
۵۷	(۱۸۶) دولو، طویقلی	۴۹	(۱۵۵) خادمی زاده، علی محمد	۳۹	(۱۲۳) چوبدار، محمد
۵۸	(۱۸۷) دهقان پور اینچه‌برون، قربان‌بی‌بی	۴۹	(۱۵۶) خاکسار حقانی دهکردی، حمیدرضا	۳۹	(۱۲۴) چوپان‌نیک، اسمعیل
۵۸	(۱۸۸) دهقان خیاوی، مالک	۴۹	(۱۵۷) خالو احمدی، مرتضی	۳۹	(۱۲۵) حاتمی کلشتری، احمد
۵۸	(۱۸۹) دهنوی، محمدابراهیم	۴۹	(۱۵۸) خانی، عبدالصمد	۴۰	(۱۲۶) حاجتمند، محمدرضا
۵۸	(۱۹۰) ذاکری، هادی	۵۰	(۱۵۹) خانی، ولی	۴۰	(۱۲۷) حاجی پور، علی
۵۹	(۱۹۱) ذبیح‌زاده پاشا، علی	۵۰		۴۰	(۱۲۸) حاجی حسنی کارگر، محسن

۷۴	(۲۵۶) شاہی اقدم، احمد	۶۶	(۲۲۴) زارع، جلیل	۵۹	(۱۹۲) ذبیح زادہ پاشا، علی اکبر
۷۴	(۲۵۷) شاہین، غلامعلی	۶۶	(۲۲۵) زارع، غلامحسین	۵۹	(۱۹۳) رادپور، عبداللہ
۷۵	(۲۵۸) شبانی، حسن	۶۶	(۲۲۶) زارعی، خلیل	۵۹	(۱۹۴) رازانی، علی
۷۵	(۲۵۹) شجاع پیرہ، کریم	۶۷	(۲۲۷) زراعت دوست، عبدالغفور	۵۹	(۱۹۵) راکعی، محمد
۷۵	(۲۶۰) شجاعی آب بخشان، سید محمود	۶۷	(۲۲۸) زردی، حسن	۶۰	(۱۹۶) ربیع نژاد کوملہ، محمود
۷۵	(۲۶۱) شریفی، حبیب اللہ	۶۷	(۲۲۹) زردی، غلامحسین	۶۰	(۱۹۷) رجبی، حجت اللہ
۷۶	(۲۶۲) شفیع، سید محمد حسین	۶۷	(۲۳۰) زرگریان، علی	۶۰	(۱۹۸) رجبی محمد آباد، علی
۷۶	(۲۶۳) شکری، عباسعلی	۶۸	(۲۳۱) زکائی، ولی	۶۰	(۱۹۹) رحمانی، قاسم
۷۷	(۲۶۴) شماعیان، محمود	۶۸	(۲۳۲) زمانی بوزندانی، معصوم	۶۰	(۲۰۰) رحمانی، مصطفیٰ
۷۷	(۲۶۵) شنیور نصاری، عبدالستار	۶۸	(۲۳۳) زینلی شریف آباد، محمد حسین	۶۰	(۲۰۱) رحمانی تونی، قنبر
۷۷	(۲۶۶) شورابی، ابوالفضل	۶۸	(۲۳۴) سالاری، قربانعلی	۶۱	(۲۰۲) رحمت نیا، امیر
۷۷	(۲۶۷) شورابی، حسین	۶۹	(۲۳۵) سیبانی، حسین	۶۱	(۲۰۳) رحیمی، حسن
۷۷	(۲۶۸) شہر آبادی، علی اصغر	۶۹	(۲۳۶) ستاری، عبد محمد	۶۱	(۲۰۴) رحیمی، سید احمد
۷۷	(۲۶۹) شیخانی، حسین	۶۹	(۲۳۷) ستودہ، احمد	۶۱	(۲۰۵) رحیمیان ثابت، رضا
۷۸	(۲۷۰) شیخی، یوسف	۷۰	(۲۳۸) سعیدی، نصرت اللہ	۶۲	(۲۰۶) رسام، ابوالقاسم
۷۸	(۲۷۱) شیروانی، سارا گل	۷۰	(۲۳۹) سعیدی زادہ، محمد سعید	۶۲	(۲۰۷) رستمی فرادنبہ، گشتاسب
۷۸	(۲۷۲) صابری فودانی، علی	۷۱	(۲۴۰) سلحشور واسکس محمد مہدی	۶۳	(۲۰۸) رشید آبادی، سید علی محمد
۷۸	(۲۷۳) صادقی واسکسی، ابراہیم	۷۱	(۲۴۱) سلطانی، مریم	۶۳	(۲۰۹) رضا پور، محمد مہدی
۷۸	(۲۷۴) صالحی گل سفیدی، علی اصغر	۷۱	(۲۴۲) سلطانی، ولی	۶۳	(۲۱۰) رضازادہ چاری، علی اکبر
۷۹	(۲۷۵) صبور ابراہیمی، حسین	۷۱	(۲۴۳) سلمانیان، اسماعیل	۶۳	(۲۱۱) رضایی، علی اصغر
۷۹	(۲۷۶) صداقت فر، عبدالخالق	۷۱	(۲۴۴) سلیمانیان، محمد رضا	۶۳	(۲۱۲) رضایی، محسن
۷۹	(۲۷۷) صرفی، علی	۷۱	(۲۴۵) سلیمانی درچہ، حسن	۶۳	(۲۱۳) رضی کاظمی، محمد جواد
۸۰	(۲۷۸) صفاجو، ابوالفضل	۷۲	(۲۴۶) سلیمی، عبدالرضا	۶۴	(۲۱۴) رمضان، حبیب اللہ
۸۰	(۲۷۹) صمدیان کلی، محبوب	۷۲	(۲۴۷) سمنانی، علی	۶۴	(۲۱۵) رمضان سیہ خلکی محمد حسین
۸۰	(۲۸۰) طاہری، دردی ملا	۷۳	(۲۴۸) سہیلی، غلامعباس	۶۴	(۲۱۶) روحانی، سید محمد رضا
۸۰	(۲۸۱) طاہری، غلامرضا	۷۳	(۲۴۹) سید باقری، محی الدین	۶۴	(۲۱۷) روزبھانی، محمد
۸۱	(۲۸۲) طاہری سنگانی، عبدالحمید	۷۳	(۲۵۰) شاد کام، نور سلطان	۶۴	(۲۱۸) روستایی، اسمعیل
۸۱	(۲۸۳) طریک، عید محمد	۷۳	(۲۵۱) شاد مند قانع، شہریار	۶۴	(۲۱۹) روشن روان، علی اصغر
۸۱	(۲۸۴) طلابی، یوسف	۷۳	(۲۵۲) شاکرین، غلامرضا	۶۵	(۲۲۰) روشنی، محمد علی
۸۱	(۲۸۵) ظفر، آناقلی	۷۴	(۲۵۳) شاہ پوری، مرتضیٰ	۶۵	(۲۲۱) روئین تن، ید اللہ
۸۱	(۲۸۶) عابدی، ولی اللہ	۷۴	(۲۵۴) شاہرجیان گرگابی، رجبعلی	۶۵	(۲۲۲) رہبری، احمد
۸۱	(۲۸۷) عارف، مسلم	۷۴	(۲۵۵) شاہ محمدی، محمد	۶۶	(۲۲۳) رئیس زادہ، سید مرتضیٰ

۹۶	۳۵۲	قمری، علی اکبر	۸۹	۳۲۰	فرخ، خلیل	۸۳	۲۸۸	عارف خانی، رضا
۹۶	۳۵۳	قنبری، علی	۸۹	۳۲۱	فرخاری، براتعلی	۸۳	۲۸۹	عامری، علیرضا
۹۶	۳۵۴	قنبری، قاسم	۸۹	۳۲۲	فرخاری، محمدتقی	۸۳	۲۹۰	عباسی، احمد
۹۷	۳۵۵	قوچق، جانہ گل	۸۹	۳۲۳	فرخاری، محمدحسن	۸۳	۲۹۱	عباسی، اصغر
۹۷	۳۵۶	قورجانی، اغول بی بی	۹۰	۳۲۴	فرخاری، محمدعلی	۸۳	۲۹۲	عباسی، حسینعلی
۹۸	۳۵۷	قہستانی، سیدحماد	۹۰	۳۲۵	فرخی، حسین	۸۴	۲۹۳	عبدیان، زینب
۹۸	۳۵۸	کارگر، محمدرضا	۹۰	۳۲۶	فروزان، محمدرضا	۸۴	۲۹۴	عربشاہی، کمال الدین
۹۸	۳۵۹	کاشفی، حسن	۹۱	۳۲۷	فلاح، محمدجعفر	۸۴	۲۹۵	عزیزی، حبیب اللہ
۹۸	۳۶۰	کاظمی، میثم	۹۱	۳۲۸	فلاح نژاد، نورمحمد	۸۴	۲۹۶	عزیزیان، محمود
۹۸	۳۶۱	کاظمی حاجی، عبداللہ	۹۱	۳۲۹	فلاح ہروی، محمدمہدی	۸۴	۲۹۷	عزیزی سورشجانی، عیدی محمد
۹۹	۳۶۲	کاکوئی، یوسف	۹۲	۳۳۰	فلاحی، محسن	۸۵	۲۹۸	عشقی، غلامحسن
۹۹	۳۶۳	کامل، محمد	۹۲	۳۳۱	فولادگر، اصغر	۸۵	۲۹۹	عطائی، علی
۹۹	۳۶۴	کر، کیک	۹۲	۳۳۲	فہیما، احمد	۸۵	۳۰۰	عفتی، حسینعلی
۹۹	۳۶۵	کراہی، حسین	۹۳	۳۳۳	فہیمی، حسن	۸۵	۳۰۱	علاقہ، شہناز
۹۹	۳۶۶	کریمی، محمد موسیٰ	۹۳	۳۳۴	فیاض، محمدجواد	۸۵	۳۰۲	علم جو، جمشید
۹۹	۳۶۷	کریم پورچینجانی، ابراہیم	۹۳	۳۳۵	قادری، غلامعباس	۸۵	۳۰۳	علی آبادی، عباس
۱۰۰	۳۶۸	کریملو، علی	۹۳	۳۳۶	قادری، گلی	۸۶	۳۰۴	علی پوردستنائی، حسنعلی
۱۰۰	۳۶۹	کریمی، جاجی	۹۴	۳۳۷	قاسمی، جلیل	۸۶	۳۰۵	علی پورفیل آبادی، مہدیقلی
۱۰۰	۳۷۰	کریمی آغچہ، محمدعلی	۹۴	۳۳۸	قاسمی، غلامعباس	۸۶	۳۰۶	علی زادہ عباس آبادی، اصغر
۱۰۰	۳۷۱	کریمی قلعہ باباخانی، رضا	۹۴	۳۳۹	قاسمی بویاغچی، نوحعلی	۸۶	۳۰۷	علی نژاد، ارسلان
۱۰۰	۳۷۲	کشفی ساقلو، منصور	۹۴	۳۴۰	قاسمی درآبادی، حسن	۸۶	۳۰۸	عمادارشد، شریف
۱۰۱	۳۷۳	کفاش، احمد	۹۴	۳۴۱	قاسمی شورابی، ہدایت	۸۶	۳۰۹	عموہادی، رحمت اللہ
۱۰۱	۳۷۴	کلاتہ، علی اکبر	۹۴	۳۴۲	قاضی، عبدالحلیم	۸۷	۳۱۰	عوضی، حسین
۱۰۱	۳۷۵	کلثہ، یکن دردی	۹۵	۳۴۳	قانونی نیا، علیرضا	۸۷	۳۱۱	غدیری، گلناز
۱۰۱	۳۷۶	کمارلو، علی	۹۵	۳۴۴	قائدرحمت، جانعلی	۸۷	۳۱۲	غفاری پور، بہمن
۱۰۲	۳۷۷	کمیلی مقدم، محسن	۹۵	۳۴۵	قائدرحمتی، سبزخدا	۸۷	۳۱۳	غلامی، غلامرضا
۱۰۲	۳۷۸	کوسلی، الیاس	۹۵	۳۴۶	قدمگاہی، علی اکبر	۸۷	۳۱۴	غلامی بزآبادی، فرامرز
۱۰۲	۳۷۹	کھنہ، سیدجعفر	۹۵	۳۴۷	قربان نیامیرک محلہ، ناصر	۸۸	۳۱۵	غلامی جیرکل، رحمت
۱۰۲	۳۸۰	کیوانی ہفتشجانی، فیض اللہ	۹۵	۳۴۸	قربانی مہر، حسین	۸۸	۳۱۶	فتح آبادی، حسن
۱۰۳	۳۸۱	گر جی، مجتبیٰ	۹۶	۳۴۹	قربانی ویند، صاحبعلی	۸۸	۳۱۷	فخری، محمداسماعیل
۱۰۳	۳۸۲	گرگانی، بی بی عایشہ	۹۶	۳۵۰	قزل، درسن تقان	۸۹	۳۱۸	فخری نالکیشری، ابراہیم
۱۰۳	۳۸۳	گل چشمہ، عبدالباقی	۹۶	۳۵۱	قلی زادہ، حسین	۸۹	۳۱۹	فرح، عبدالعزیز

فہنگ اعلا شہدا | سی و پنج

۱۲۷	(۴۴۸) نجفی، فرہاد	۱۱۳	(۴۱۶) مصطفیٰ زادہ تالش، محمد ابراہیم	۱۰۳	(۳۸۴) گلشنی، حسن
۱۲۷	(۴۴۹) نساچ، عبدالعزیز	۱۱۳	(۴۱۷) معلمی اورہ، عباس	۱۰۴	(۳۸۵) گلشنی، محمد
۱۲۷	(۴۵۰) نصر اللہی، مراد علی	۱۱۴	(۴۱۸) مغفوری، رجب محمد	۱۰۵	(۳۸۶) گندآبی، اسماعیل
۱۲۷	(۴۵۱) نظری، غلامعلی	۱۱۴	(۴۱۹) مقدم اینچہ برون، یگن بی بی	۱۰۵	(۳۸۷) گودرزی، عباس
۱۲۸	(۴۵۲) نظری پور، احمد	۱۱۴	(۴۲۰) ملایم، محمد حسن	۱۰۵	(۳۸۸) گودرزی، غلامرضا
۱۲۸	(۴۵۳) نظری منش، علیرضا	۱۱۵	(۴۲۱) ممکن رودی، عبدالغفار	۱۰۵	(۳۸۹) گودرزی، فتح اللہ
۱۲۸	(۴۵۴) نعمتی، رجب	۱۱۵	(۴۲۲) منصور، عطا	۱۰۶	(۳۹۰) لطفی، احمد
۱۲۸	(۴۵۵) نفر شلمزاری، سلطانعلی	۱۱۵	(۴۲۳) منصور، نعمت اللہ	۱۰۶	(۳۹۱) لطفی، عباس
۱۲۸	(۴۵۶) نمازی مکی، جواد	۱۱۵	(۴۲۴) موسوی، داود	۱۰۶	(۳۹۲) لطیفی، عبدالرحمان
۱۲۹	(۴۵۷) نوربخش کوملہ، سید بیژن	۱۱۵	(۴۲۵) موسوی، سید حسن	۱۰۶	(۳۹۳) مارامائی، گلدی بای
۱۲۹	(۴۵۸) نوری استادی، محمد	۱۱۶	(۴۲۶) موسوی، سید محمد	۱۰۶	(۳۹۴) ماروسی، حبیب اللہ
۱۲۹	(۴۵۹) نوری نوران، فراہم	۱۱۶	(۴۲۷) موسوی، سید مصطفیٰ	۱۰۶	(۳۹۵) ماروسی، محمد طاہر
۱۲۹	(۴۶۰) نیاز مرادی، بی بی فاطمہ	۱۱۶	(۴۲۸) موسوی، مصطفیٰ	۱۰۷	(۳۹۶) مجد، بہرام
۱۳۰	(۴۶۱) نیک روان، عبدالمجید	۱۱۶	(۴۲۹) مولوی، ابراہیم	۱۰۷	(۳۹۷) مجلسی، محمد
۱۳۰	(۴۶۲) واحدی، نصرت اللہ	۱۱۶	(۴۳۰) مؤید زادہ، محمد رضا	۱۰۷	(۳۹۸) محمد آلق، ارازی بی بی
۱۳۱	(۴۶۳) واعظیان، محمد رضا	۱۱۹	(۴۳۱) مہدیان دھکردی، بہرام	۱۰۷	(۳۹۹) محمدی، ابراہیم
۱۳۱	(۴۶۴) ولی پور، علی حسین	۱۲۰	(۴۳۲) مہر آباد، علی اصغر	۱۰۷	(۴۰۰) محمدی، حسین
۱۳۱	(۴۶۵) ہادی ورنامخواستی، ابراہیم	۱۲۰	(۴۳۳) مہرابی سلمی، علی اصغر	۱۰۷	(۴۰۱) محمدی، محمد
۱۳۱	(۴۶۶) ہاشم زہی، سید محمد	۱۲۰	(۴۳۴) مہربانی، غلامعلی	۱۰۸	(۴۰۲) محمدی، نازدار
۱۳۲	(۴۶۷) ہمایونی، حسن	۱۲۰	(۴۳۵) میان آبادی، ابراہیم	۱۰۸	(۴۰۳) محمدی سرک، علی اکبر
۱۳۲	(۴۶۸) ہمت زادہ، علی	۱۲۱	(۴۳۶) میر انصاری، عمار	۱۰۸	(۴۰۴) محمودی، غلامرضا
۱۳۲	(۴۶۹) ہمتیان، سیاوش	۱۲۲	(۴۳۷) میر زادہ، سید حمید	۱۱۰	(۴۰۵) مختوم نژاد، بایرام سلطان
۱۳۲	(۴۷۰) یحیی پور، علی محمد	۱۲۳	(۴۳۸) میرزایی، غلامعباس	۱۱۰	(۴۰۶) مختوم نژاد، نور محمد
۱۳۳	(۴۷۱) یعقوبیان، قربان	۱۲۳	(۴۳۹) میرزایی، ہادی	۱۱۰	(۴۰۷) مرادی، عزت اللہ
۱۳۳	(۴۷۲) یقظین، سید ابوالقاسم	۱۲۳	(۴۴۰) میرزایی شہر ضایی، عبدالرضا	۱۱۰	(۴۰۸) مرادی یوسف وند، طہماس
۱۳۳	(۴۷۳) یوسفی، ابوبکر	۱۲۳	(۴۴۱) میر غفوری، کبر ایگم	۱۱۰	(۴۰۹) مرتضائی، مصطفیٰ
۱۳۳	(۴۷۴) یوسفی آبنانسری، رحمت	۱۲۳	(۴۴۲) میر مرتضوی، حسین	۱۱۱	(۴۱۰) مرتضوی، سید رضا
۱۳۳	(۴۷۵) یونسیان، مجید	۱۲۴	(۴۴۳) ناز قلیچی، مرجان	۱۱۱	(۴۱۱) مرشدی، حسن
۱۳۴	(۴۷۶) یونسی زادہ، جواد	۱۲۶	(۴۴۴) ناصری، ابراہیم	۱۱۱	(۴۱۲) مسیبی، ایمانعلی
		۱۲۶	(۴۴۵) ناصری، اسکندر	۱۱۲	(۴۱۳) مشعلی، فواد
		۱۲۶	(۴۴۶) ناصری، فرحناز	۱۱۲	(۴۱۴) مشہدیان اسکندر کلایی، لطیف
		۱۲۶	(۴۴۷) نجفی، احمد	۱۱۲	(۴۱۵) مشہدی خوشخو، حسن

مشون زندگی نامہ



۴) آق آتابای، عبدالمجید / الف-س: بیستم خرداد ۱۳۴۹، در شهر نگین شهر از توابع شهرستان گنبد کاووس به دنیا آمد. پدرش اراز محمد و مادرش بی بی فائز نام داشت. تا پایان دوره متوسطه درس خواند و دیپلم گرفت. شغلش آزاد بود. سال ۱۳۷۴ ازدواج کرد و صاحب دو پسر و یک دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شہادت رسید. پیکر او را در روستای آق قایہ تابعه شهرستان زادگاہش بہ خاک سپردند. (گلستان)



۱) آبروشن، مراد / الف-ش: بیست و ششم فروردین ۱۳۱۶، در روستای چغاموشان از توابع شهرستان ازنا به دنیا آمد. پدرش حاتم و مادرش ریحانه نام داشت. تا پایان دوره ابتدایی درس خواند. پارچه فروش بود. سال ۱۳۴۱ ازدواج کرد و صاحب چهار پسر و سه دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شہادت رسید. مزار او در گلزار شہدای زادگاہش قرار دارد. (لرستان)



۵) آقایی پور، محمدرحیم / الف-ش: نوزدهم اردیبهشت ۱۳۴۳، در روستای بیجار بسته سر از توابع شهرستان لاهیجان دیده به جهان گشود. پدرش علی و مادرش صغرا نام داشت. در خانواده ای مؤمن و مذهبی رشد کرد. از کودکی نماز می خواند و به «پسر نمازخوان» روستا معروف بود. تا پایان دوره دبیرستان در لاهیجان درس خواند. پس از آن به دلیل علاقه به علوم حوزوی به حوزه علمیه قم رفت و یک سال و نیم در آنجا ماند. سپس وارد دانشگاه امام صادق (ع) شد و تا پایان مقطع کارشناسی ارشد در رشته معارف و علوم سیاسی تحصیل کرد.



۲) آزمون، تازه گل / الف-س: نوزدهم دی ۱۳۲۸، در شهرستان گنبد کاووس به دنیا آمد. پدرش عراز و مادرش قربانگل نام داشت. خواندن و نوشتن نمی دانست. خانه دار بود. سال ۱۳۷۶ ازدواج کرد و صاحب یک پسر و چهار دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شہادت رسید. مزار او در زادگاہش قرار دارد. (گلستان)

سال ۱۳۶۵ هنگامی که هنوز دانشجوی بود، با همسرش آشنا شد. در محضر حضرت امام خمینی (ره) حاضر شدند و ایشان خطبه عقدشان را خواندند. زندگی ساده و دانشجویی خود را در خانه اجاره ای در شهر ری آغاز کردند و صاحب سه دختر و یک پسر شدند.



۳) آق، آمنه / الف-س: دوازدهم تیر ۱۳۴۸، در شهرستان گنبد کاووس دیده به جهان گشود. پدرش آدینه قلی و مادرش بی بی جمیلہ نام داشت. تا پایان دوره کاردانی درس خواند. خانه دار و معلم بود. سال ۱۳۷۴ ازدواج کرد و صاحب دو پسر و یک دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شہادت رسید. پیکر او را در روستای آق قایہ تابعه زادگاہش بہ خاک سپردند. (گلستان)

اوایل دهه ۷۰ در وزارت امور خارجه مشغول به کار شد و اولین مأموریت وی (از سال ۱۳۷۳ تا ۱۳۷۶) به طرابلس بود و به عنوان کارشناس سیاسی شروع به کار کرد. به دلیل خدمات شایسته اش، مأموریت وی به مدت دو سال دیگر به عنوان رایزن دوم سفارت جمهوری اسلامی تمدید شد. پس از آن (سال ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۴) در

فرانسه، (سال ۱۳۸۶ تا اواسط ۱۳۸۸) در اداره دوم غرب اروپا و (۱۳۸۹ تا ۱۳۹۰) در اسلوونی به انجام وظیفه پرداخت. با وجود دوری از فضای ایران، حال و هوای مذهبی را فراموش نکرد. در اتفاقی مخصوص نماز می خواند و بر ادای نوافل تأکید داشت. جلسات قرائت دعای کمیل هفتگی برپا می کرد و در ایام محرم و فاطمیه از نمایندگی های وین و سایر شهرها مهمان دعوت می کرد. در مراسم دهه محرم اسلوونی، با این که تعداد کمی ایرانی بود، سخنران و مداح می آورد و در تهیه غذای نذری شخصاً کمک کرد. رفاه و آسایش خویش را مدیون خون شهدا می دانست و برای حفظ آرمان آن ها می کوشید. از تربیت و پرورش مذهبی و اسلامی فرزندانش غافل نمی شد. به تفریح سالم آن ها توجه داشت. در خانه نماز را به جماعت برگزار می کرد و به فرزندانش احادیث معتبر را می آموخت. گاهی هزینه قبض آب و برق دفتر نمایندگی را می پرداخت و می گفت: «جمهوری اسلامی این قدر برای ما خرج کرده که حالا بنخواهیم جبران کنیم.»

در آخرین سال مأموریت وی در اسلوونی نشانه های افزایش علاقه مردم به اسلام و شیعه، پیدا بود. به سفارش او کتاب «شیعه در اسلام» اثر «علامه طباطبایی» ترجمه شد و در اختیار علاقه مندان قرار گرفت. چند هفته قبل از این که به سفر حج برود، به خانواده اطلاع داد. بسا این که چند لباس احرام داشت، یک لباس نو خرید. خواب خوبی دیده بود و شور و شمع خاصی او را فرا گرفته بود. خواب دیده بود؛ مقام معظم رهبری جایی ایستاده اند و چند نفر نزد ایشان می روند و دستشان را می بوسند. او که نمی خواهد مزاحم رهبر شود. جلو نمی رود. چند لحظه بعد آقا نزد وی می رود و در حالی که کنارش قدم می زند، با مهربانی به او وعده حج می دهد.

صبح روزی که قرار بود به سفر برود، خودش صبحانه را برای خانواده آماده کرد. برای فرزندانش نامه نوشت و وصیت کرد. همسرش می گوید: «ظهر همه خانواده با هم نماز جماعت خواندیم. حال همه ما عوض شده بود و بچه ها دلهره داشتند.» به خانواده گفت: «زودتر برویم تا به دعای کمیل امشب در

مدینه برسیم.»

روزهای اول حضورش در مدینه، همه چیز عالی بود و هر روز با خانواده صحبت می کرد. بعد از ورود به مکه گویی حال و هوای تازه ای گرفت. تماس ها کوتاه شد و سریع خداحافظی می کرد تا به دعا و نماز بپردازد.

سرانجام بعد از چند روز دلهره و بی خبری، خبر شهادت وی در دوم مهر ۱۳۹۴، هنگام انجام اعمال حج در منا به خانواده می رسد. پیکر وی پس از بازگشت به میهن، در گلزار شهدای بهشت زهرای شهرستان تهران به خاک سپرده شد. (گیلان)



۶) **آل طه بناب، مریم/ الف-ش:** دوم مهر ۱۳۵۳، در شهرستان بناب به دنیا آمد. پدرش میرجواد و مادرش فاطمه نام داشت. تا پایان دوره متوسطه در دانشسرای تربیت معلم درس خواند و

دیپلم گرفت. خانه دار و معلم بود. ازدواج کرد و صاحب یک پسر و یک دختر شد. بیستم شهریور ۱۳۹۴، در مسجد الحرام بر اثر سانحه سقوط جرثقیل به شهادت رسید. پیکر او را در گلشن امام حسن (ع) زادگاهش به خاک سپردند. (آذربایجان شرقی)



۷) **ابراهیمی، عبدالرسول/ الف-ش:** دوازدهم شهریور ۱۳۳۱، در روستای ایزدخواست از توابع شهرستان آباد به دنیا آمد. پدرش مصیب و مادرش ماه سلطان نام داشت. خواندن و نوشتن نمی دانست.

دامدار بود. سال ۱۳۸۴ ازدواج کرد و صاحب پنج پسر و پنج دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را در گلزار شهدای زادگاهش به خاک سپردند. (فارس)



۱۱) احمدیانزاده، سیدعلی / الف-ش: پانزدهم فروردین ۱۳۳۸، در شهرستان مشهد و در خانواده‌ای مذهبی دیده به جهان گشود. پدرش سیدحبیب‌الله، روحانی و مادرش بی‌بی فاطمه‌سادات از تبار سادات هاشمی بود و خانه‌داری می‌کرد.

فرزند اول خانواده بود و پا در راه پدر گذاشت. بعد از اتمام دروس دبستان، وارد حوزه علمیه شد. در کنار دروس حوزه علمیه به تحصیل در مدرسه ادامه داد و هم‌زمان به یادگیری زبان انگلیسی در کانون انجمن ایران و آمریکا پرداخت. علاوه بر زبان عربی و انگلیسی، با زبان فرانسوی نیز آشنا بود.

مقطع کارشناسی را در رشته‌های ادبیات فارسی و ادبیات عرب گذراند. دانشجوی مقطع دکترا در رشته ادبیات عرب بود.

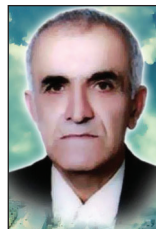
در نوزده سالگی برای اولین بار ازدواج کرد و صاحب چهار دختر و یک پسر شد. همراهی همسر کمک بزرگی در مسیر پیشرفت او بود. به دلیل دوری از خانواده یک‌بار در کشور لبنان و برای سومین بار در سوریه ازدواج کرد.

وی شالوده‌ی تربیت فرزندان را براساس احترام و حفظ شخصیت آن‌ها می‌دانست و معتقد بود فرزند در هر سنی حق اظهارنظر و تصمیم‌گیری آزادانه را دارد. در عین حال در ارائه راهنمایی و ارشاد آن‌ها نباید کوتاهی کرد.

در برخورد با امور مذهبی بچه‌ها، مهربان بودند و هیچ‌گاه فرزندان را تحت فشار قرار نمی‌دادند. در امور منزل مشارکت می‌کرد. اهل سفر بود و به سفرهای زیادی نیز رفت.

در طول جنگ تحمیلی در جبهه حضور یافت. بر اثر اصابت ترکش یک چشم و دو انگشت دست راست مجروح شد.

در سن بیست و یک سالگی به خدمت سربازی رفت و پس از آن مسئولیت اداره عقیدتی سیاسی ژاندارمری در شهرستان خرم‌آباد را پذیرفت و به مدت هفت سال در این پست انجام وظیفه کرد. ریاست دفتر امام‌جمعه وقت شهرستان شیراز (یک سال)، تدریس در دانشگاه ادبیات شهرهای شیراز، تبریز، کازرون (سه سال) از دیگر مسئولیت‌های او بود.



۸) ابراهیمی، نوربخش / الف-ش: دوم فروردین ۱۳۲۷، در روستای سیمت از توابع شهرستان سوادکوه دیده به جهان گشود. پدرش عباس، کشاورزی می‌کرد و مادرش محبوبه نام داشت. تا پایان دوره متوسطه در رشته ریاضی درس خواند و دیپلم گرفت. بازنشسته بهداری بود. سال ۱۳۴۶ ازدواج کرد و صاحب دو پسر و دو دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را در زادگاهش به خاک سپردند. (مازندران)



۹) احمدآبادی، محمدابراهیم / الف-ش: یکم شهریور ۱۳۲۷، در روستای احمدآباد از توابع شهرستان نیشابور به دنیا آمد. پدرش حسن و مادرش فاطمه نام داشت. در حد خواندن و نوشتن سواد آموخت. کشاورزی می‌کرد و عضو بسیج بود. سال ۱۳۵۱ ازدواج کرد و صاحب یک پسر و سه دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در زادگاهش قرار دارد. (خراسان رضوی)



۱۰) احمدجامی، محمدابراهیم / الف-س: یکم بهمن ۱۳۳۵، در روستای کاریز از توابع شهرستان تایباد دیده به جهان گشود. پدرش عبدالله، کشاورزی می‌کرد و مادرش سارا نام داشت. تا پایان دوره متوسطه در رشته انسانی درس خواند و دیپلم گرفت. کارمند سازمان آموزش و پرورش بود. ازدواج کرد و صاحب یک پسر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در زادگاهش واقع است. (خراسان رضوی)



۱۲) احمدی وزملایی، مردان/ الف-ش:

سوم خرداد ۱۳۴۶، در روستای وزملا تابعه شهرستان سوادکوه دیده به جهان گشود. پدرش محمدعلی، کارگر معدن ذوب آهن سوادکوه بود و مادرش خیرالنسا، خانه‌داری می‌کرد. تا پنجم ابتدایی در روستا درس خواند. سپس همراه با خانواده به شهر پل سفید رفت و به تحصیل ادامه داد. سال دوم متوسطه به عنوان بسیجی عازم جبهه شد. پس از شهادت پدرش در عملیات کربلای ۵ به خانه بازگشت. با این که فرزند دوم خانواده بود، براساس وصیت پدر قیم و سرپرست مادر و چهار خواهر و برادرش شد. کارمند بنیاد شهید شهرستان قائم شهر بود. سال ۱۳۷۱ با یک همسر شهید ازدواج کرد و صاحب یک دختر و یک پسر شد. پس از ازدواج به تحصیلات خود تا پایان مقطع کارشناسی در رشته مدیریت ادامه داد. هفت سال پس از شهادت پدر، مادرش از دنیا رفت. او به اتفاق همسرش به شهر پل سفید بازگشت تا از نزدیک مراقب خواهر و برادرش باشد. در تربیت و محبت به فرزندان، خواهر و برادر می‌کوشید. همه را به یک چشم می‌دید و سعی می‌کرد جای خالی پدر و مادر را پرکند. در مسائل مذهبی سخت‌گیر نبود و سعی می‌کرد خودش با عمل به وظایفش، الگوی مناسبی برای آن‌ها باشد. در حق خانواده مهربان، وفادار و با معرفت بود. علاقه و انس زیادی به خانواده داشت و پس از کار و انجام وظایف اداری با شوق به خانه می‌آمد. در کارهای خانه کمک می‌کرد و آشپز ماهر بود. حضورش در خانواده باعث آرامش بود. اخلاص، امانت‌داری و تلاش باعث پیشرفت او در کارش شد. و با سمت معاونت در بنیاد شهید قائم شهر به ادامه خدمت پرداخت. ارادت خاصی به امام حسین (ع) داشت. در ایام عزاداری محرم در حسینیه محل زندگی خود حاضر می‌شد و هر کمکی از دستش برمی‌آمد را انجام می‌داد. هر پنج‌شنبه در مراسم زیارت عاشورا شرکت می‌کرد و به این مجالس علاقه داشت. بالاخره انتظار او به پایان رسید و نوبت به سفر حج آن‌ها شد. قبل از سفر وصیت‌نامه کاملی نوشت و حساب‌داری‌های خود

سال‌های زیادی به تدریس، تحقیق و پژوهش در حوزه‌های علمیه قم و مشهد پرداخت.

به سوریه رفت و به تدریس دروس خارج در دفتر آیت‌الله سیستانی و آیت‌الله خامنه‌ای پرداخت و هم‌زمان در کشور لبنان به تبلیغ پرداخت.

وی در راستای اهداف خود به‌عنوان مبلغ عازم کشورهای زیادی از جمله چین، امارات متحده عربی، روسیه، بلغارستان، عراق، عربستان، مالزی و بحرین شد.

ارادت زیادی به حضرت فاطمه زهرا (س) داشت و کاروان حجی را که سرپرست آن بودند به همین اسم نام‌گذاری کردند. به امام حسین (ع) نیز عشق می‌ورزید. در برگزاری مجالس عزاداری می‌کوشید و پیوسته زیارت عاشورا می‌خواند. رئیس و معین کاروان بود. در طول این سفرها به زائران خدمت می‌کرد و آماده پاسخگویی به سؤالات آن‌ها بود. در هتل هر روز ساعت‌ها در صندلی مخصوص می‌نشست تا اگر زائران سؤالی دارند بپرسند. با فروتنی تمام از زائران پذیرایی می‌کردند.

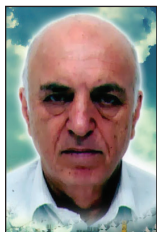
هنگام عزیمت به سفر حج آرامش زیادی داشت و عجله نمی‌کرد. برخلاف همیشه که از ساعت‌ها قبل به فرودگاه می‌رفت، بسیار دیر عازم فرودگاه شد. یکی از حجاج نقل کرد: شب آخر با همه خداحافظی کرد و حالیت طلبید. هم‌چنین می‌گفت: «من صبح که بروم به منا دیگر بر نمی‌گردم» صبح هنگام قبل از خروج، تمام لوازم شخصی‌اش را در چادر گذاشت و به منا رفت. پس از فاجعه منا و ۴۹ روز مفقود بودن، خبر قطعی شهادت او به خانواده رسید.

خانواده برای انتقال پیکر وی به کشور از مراجع تقلید کسب تکلیف نمودند و در نهایت تصمیم گرفتند پیکر او در مقبره شهدای مکه بماند.

او که همواره دعای حُسن عاقبت می‌خواند و به شهادت شهدای سانحه سقوط جرتقیل در مسجدالحرام غبطه می‌خورد، سرانجام به آنچه می‌خواست و در حسرت آن بود رسید. (خراسان رضوی)

خستگی ناپذیر بود. به امام حسین (ع) ارادت خاص داشت و در برپایی مجالس عزاداری می‌کوشید. به امور مساجد رسیدگی می‌کرد و با اینکه مسئولیت‌های زیادی داشت از تبلیغ، سخنرانی و ترویج فرهنگ اسلامی به خصوص در روستاها غافل نمی‌شد. به سفر حج بسیار علاقه داشت و بارها به مکه رفت. به گفته نزدیکان وداع او در آخرین سفر بسیار خاص بود. گویی می‌دانست از این سفر باز نمی‌گردد. با تمام اقوام، دوستان، کارمندان و حتی کسانی که مدت‌ها می‌شد آن‌ها را ندیده بود، تماس گرفت و حلالیت طلبید.

از سوی بعثه مقام معظم رهبری عازم حج شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منا توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکرش پس از تفحص، دوم بهمن همان سال به ایران انتقال یافت و پس از تشییع در حرم حضرت معصومه (س) زادگاهش دفن شد. برادرش نیز در جنگ تحمیلی به شهادت رسیده است. از این شهید یادداشت‌ها و سخنرانی‌های زیادی باقی مانده است. (قم)



۱۴) ارفاقي، غلامحسین / الف-ش: دوم
آذر ۱۳۳۴، در شهرستان مشهد به دنیا آمد. پدرش علی (فوت ۱۳۶۱) و مادرش بهجت‌السادات نام داشت. تا پایان دوره کارشناسی در رشته مکانیک درس خواند. کارمند شرکت سهامی نمایشگاه‌های بین‌المللی بود. سال ۱۳۶۳ ازدواج کرد و صاحب دو پسر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را در بهشت‌زهراي شهرستان تهران به خاک سپردند. (خراسان رضوی)

را مشخص کرد. او ضمن وقف بخشی از زمین‌های کشاورزی خود، مبلغی را نیز برای دو کودکی که از سوی کمیته امداد به عنوان فرزند معنوی پذیرفته بود، بخشید. چند روز قبل از سفر به همسرش گفت: «می‌خواهم برای همسر شهید شما نیابت حج بگیرم.» شب آخر حالت خاصی داشت و وقتی همسرش دلیل آن را می‌پرسد، می‌گوید: «حس می‌کنم قرار است اتفاقی بیافتد.»

دوم مهر ۱۳۹۴، هنگام انجام اعمال حج در منا به شهادت رسید. پیکر وی سیزدهم همان ماه، در گلزار شهدای زادگاهش به خاک سپرده شد. (مازندران)



۱۳) اخوان، محمدصادق / الف-ش: یکم
یکم فروردین ۱۳۳۹، در شهرستان قم چشم به جهان گشود. پدرش حسن، پارچه‌فروش بود و مادرش توران، خانه‌داری می‌کرد. از کودکی تحت تعلیم و تربیت مذهبی قرار گرفت. تا پایان مقطع کارشناسی در رشته علوم دینی و حوزوی درس خواند.

سال ۱۳۶۰ ازدواج کرد. حاصل آن سه دختر و یک پسر بود. وی پیوسته بر تربیت اسلامی و تحصیل فرزندان تأکید داشت.

روحانی و عضو «شورای حل اختلاف» بود. مدتی نیز در آموزش و پرورش و دانشگاه تدریس کرد. قبل از پیروزی انقلاب اسلامی برای روشننگری مردم و سخنرانی به روستاها و شهرهای مختلف می‌رفت. در دوران جنگ تحمیلی نماینده ولی فقیه در سپاه پاسداران استان‌های گیلان و مازندران بود. بارها به عنوان نیروی رزمی و تبلیغی در جبهه حضور یافت. در کار بسیار دقیق و منظم بود. همواره در امور خیر پیش‌قدم می‌شد. به حسن خلق و خوش رفتاری شهرت داشت. فعال، کوشا و در انجام امور دینی



۱۵) اسپوکه، اسمعیل / الف-س: یکم مهر ۱۳۳۳، در روستای دارلک از توابع شهرستان مهاباد به دنیا آمد. پدرش علی، کشاورزی می‌کرد و مادرش گوهر نام داشت. خواندن و نوشتن نمی‌دانست. او نیز کشاورز بود. سال ۱۳۵۵ ازدواج کرد و صاحب چهار پسر و دو دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در زادگاهش قرار دارد. او را محمدمامین نیز می‌نامیدند. (آذربایجان غربی)

به کشاورزی علاقه داشت. یک سال قبل از سفر حج، به کاشت گل محمدی پرداخت که هرگز ثمر آن را ندید. به منظور انجام سفر حج واجب عازم مکه شد. شب قبل از سفر، هنگام وداع وصیت‌نامه و مدارکش را به فرزند کوچک خود سپرد و گفت: «من از این سفر باز نمی‌گردم» روی پاکت نوشته بود: «بعد از مرگ من باز شود.» در مکه نیز شب قبل از شهادت به دوستانش گفت: «فردا امام زمان (عج) را ملاقات خواهم کرد.» دوم مهر ۱۳۹۴، در منا به شهادت رسید. پیکر وی بیست و سوم همان ماه به کشور بازگشت و پس از تشییع در گلزار شهدای قصرالدشت شهرستان شیراز به خاک سپرده شد. (فارس)

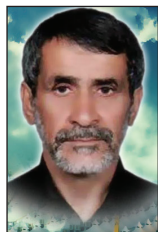


۱۶) استخری، حسین / الف-ش: یکم آذر ۱۳۲۳، در روستای چاگونی تابعه شهرستان داراب دیده به جهان گشود. پدرش خرم، کشاورز بود و مادرش ماه‌طلعت، خانه‌داری می‌کرد. در خانواده‌ای مذهبی و تحصیل کرده پرورش یافت. تا پایان مقطع کارشناسی در رشته روان‌شناسی تربیتی درس خواند. مدرس دانشگاه و رئیس آموزش و پرورش داراب بود.



۱۷) اسحق‌ریزی، حسن / الف-ش: بیست و چهارم فروردین ۱۳۳۳، در شهرستان لنجان به دنیا آمد. پدرش رحمت‌الله، نجار بود و مادرش خدیجه نام داشت. تا پایان دوره متوسطه در رشته بازرگانی درس خواند و دیپلم گرفت. ارتوپد و امدادگر سازمان هلال احمر بود. ازدواج کرد و صاحب دو پسر و سه دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را در گلستان شهدای شهرستان اصفهان به خاک سپردند. (اصفهان)

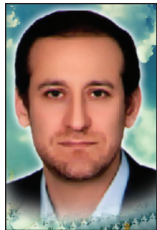
در کار بسیار دقیق و وظیفه‌شناس بود. عدالت را رعایت می‌کرد و کارها را به موقع انجام می‌داد. در تحصیل به دانشجویان نیازمند کمک می‌کرد و چند نفر تحت حمایت او قرار داشتند. در یکی از سفرهایش به روستا، کودکی را با خود به خانه آورد و مانند فرزندش بزرگ کرد. بعدها آن کودک مدارج تحصیلی و علمی را طی کرد و عضو هیئت علمی یکی از دانشگاه‌های کشور شد.



۱۸) اسدزاده‌وسطی کلائی، علی / الف-ش: بیستم اسفند ۱۳۲۹، در روستای وسطی کلا از توابع شهرستان قائمشهر دیده به جهان گشود. پدرش نصرالله و مادرش زهره نام داشت. خواندن و نوشتن نمی‌دانست. بازنشسته بود. سال ۱۳۵۵ ازدواج کرد و صاحب پنج پسر و سه دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را در زادگاهش به خاک سپردند. (مازندران)

سال ۱۳۵۰ ازدواج کرد و صاحب پنج دختر شد. تمام زندگی خود را وقف آموزش و تربیت فرزندانش کرد. پیوسته آن‌ها را در انجام وظایف شرعی و تحصیلی سفارش می‌کرد. مهربان، راستگو و باهمت بود.

به امام حسین (ع) عشق می‌ورزید. هنگام نماز همواره دعای فرج می‌خواند و خوشبختی فرزندانش را از خدا می‌خواست.



۲۲) اسلامی، وحید / الف-ش: پنجم
مرداد ۱۳۴۹، در شهرستان شیراز به دنیا آمد. پدرش محمد، کامیون‌دار بود و مادرش معصومه، خانه‌داری می‌کرد. دوران کودکی وی در

خانواده‌ای متدین طی شد و سال‌های تحصیلی را با موفقیت پشت سر گذاشت. سپس در کنکور سراسری شرکت کرد و تصمیم گرفت تا اعلام نتایج کنکور به جبهه برود. از سوی بسیج در جبهه حضور یافت. در همان سال جنگ به پایان رسید. با اعلام نتایج کنکور به تحصیل در دانشگاه مشغول شد و تا پایان مقطع کارشناسی ارشد در رشته مدیریت دولتی درس خواند. در دوران دانشجویی عضو بسیج دانشگاه بود.

به عنوان مهندس مشاور در شرکت پاراب فارس مشغول به کار شد. در انجام وظایف کاری خود بسیار متعهد، وظیفه‌شناس و خوش‌اخلاق بود. در ساعت اداری به کار شخصی نمی‌پرداخت و در حفظ اموال شرکت می‌کوشید. اگر برای کاری از همکاران کمک می‌گرفت حق‌الزحمه آن‌ها را می‌پرداخت و از پست مدیریتی خود سوءاستفاده نمی‌کرد. سال ۱۳۷۴ ازدواج کرد و صاحب یک دختر شد. در تربیت فرزندش اصول مذهبی را رعایت می‌کرد. راهبر، راهنما و دوست خوبی در زندگی و تحصیل برای فرزندش بود. هر چه لازم بود را به او یاد می‌داد ولی برای اجرای آن او را تحت فشار نمی‌گذاشت. خوش‌رو، خوش‌اخلاق، مودب و اهل صلح‌رحم بود. به پدر و مادر، همسر و دیگران احترام زیادی می‌گذاشت و در حق والدین خود دعا می‌کرد. با حیا بود و هنگام صحبت در چشم کسی خیره نمی‌نگریست. در کار خیر پیش‌قدم می‌شد و تا جایی که می‌توانست دست رد به سینه کسی نمی‌زد. بسیار مورد مشورت قرار می‌گرفت و هرکاری که می‌توانست از نظر مالی و



۱۹) اسدی، سلمان / الف-ش: نهم مهر
۱۳۱۹، در روستای حصارعیسی از توابع شهرستان جاجرم به دنیا آمد. پدرش اسدالله، کشاورزی می‌کرد و مادرش معصومه نام داشت. خواندن و نوشتن نمی‌دانست. او نیز کشاورز و دامدار بود. ازدواج کرد و صاحب چهار پسر و شش دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در زادگاهش قرار دارد. (خراسان شمالی)



۲۰) اسدی، محمد / الف-ش: دوازدهم
اردیبهشت ۱۳۳۷، در شهرستان میانه دیده به جهان گشود. پدرش ارسلان و مادرش گلی نام داشت. تا سوم ابتدایی در نهضت سوادآموزی درس خواند. کارگر و بسیجی بود. سال ۱۳۵۸ ازدواج کرد و صاحب یک پسر و یک دختر شد. یازدهم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در گلزار شهدای شهرستان ملارد واقع است. (آذربایجان شرقی)



۲۱) اسدی‌مینا، سیف‌الله / الف-ش:
بیستم اسفند ۱۳۴۹، در روستای عربلو از توابع شهرستان همدان به دنیا آمد. پدرش حبیب و مادرش کبرا نام داشت. تا چهارم ابتدایی درس خواند. کشاورز بود. ازدواج کرد و صاحب دو پسر و یک دختر شد. بیستم شهریور ۱۳۹۴، در مسجدالحرام بر اثر سانحه سقوط جرثقیل به شهادت رسید. مزار او در گلزار شهدای شهرستان زادگاهش قرار دارد. (همدان)



۲۴) اسمعیلی، محمد/ الف-ش: دهم آذر ۱۳۴۷، در شهرستان شازند به دنیا آمد. پدرش غلام و مادرش عدرا نام داشت. تا پایان دوره متوسطه در رشته انسانی درس خواند و دیپلم گرفت. کارمند بانک بود. سال ۱۳۷۸ ازدواج کرد و صاحب سه دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در امامزاده پنج تن شهر لویزان تابعه شهرستان شمیرانات قرار دارد. (مرکزی)



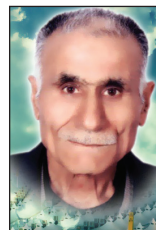
۲۵) اسمعیلی، ولی/ الف-ش: چهارم بهمن ۱۳۲۹، در بخش شوسف از توابع شهرستان نهبندان به دنیا آمد. پدرش نوروز، ژاندارم بود و مادرش پری نام داشت. تا پایان دوره ابتدایی درس خواند. در نیروی انتظامی کار می کرد. سال ۱۳۵۲ ازدواج کرد و صاحب یک پسر و پنج دختر شد. بیستم شهریور ۱۳۹۴، در مسجدالحرام بر اثر سانحه سقوط جرثقیل به شهادت رسید. پیکر او را در گلزار شهدای شهرستان بیرجند به خاک سپردند. (خراسان جنوبی)



۲۶) اسمعیلی چافی، احمد/ الف-ش: پنجم مهر ۱۳۲۱، در روستای چاف از توابع شهرستان لنگرود چشم به جهان گشود. پدرش ابراهیم (فوت ۱۳۸۵) کشاورزی می کرد و مادرش خدیجه (فوت ۱۳۸۲) نام داشت. در حد دوره ابتدایی درس خواند. بازنشسته آموزش و پرورش بود. سال ۱۳۵۲ ازدواج کرد و صاحب سه پسر و دو دختر شد. در جبهه حضور یافت و مجروح شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در زادگاهش قرار دارد. (گیلان)

فکری برای دیگران انجام می داد. ارادت زیادی به امام حسین (ع) و امام رضا (ع) داشت. به انجام واجبات شرعی مقید بود، برای شرکت در نماز جماعت و شنیدن سخنرانی ها به مسجد می رفت. اهل خواندن دعا بود و بسیار زیارت عاشورا و زیارت امین الله می خواند. بسیار آراسته لباس می پوشید. در قنوت نماز برخواندن دو دعا تاکید داشت: «خدایا، به اندازه یک چشم برهم زدن مرا به خودم واگذار مکن»، «خدایا، گناهان مرا ببخش و مرا با نیکوکاران بمیران.»

نسبت به مسائل روز بی تفاوت نبود و اخبار روز را دنبال می کرد. اهل مطالعه بود و خاطرات بزرگان را زیاد می خواند. هم چنین در اوقات فراغت به دیدن فیلم هایی که مضمون مذهبی داشت یا درباره دفاع مقدس بود می پرداخت. شنیدن آثار موسیقی فاخر از علاقه مندی دیگر او بود. هنگامی که به سفر حج رفته بود، پس از انجام اعمال لازم با شور و هیجان خاصی به همسرش گفت: «تولدت مبارک». دوم مهر ۱۳۹۴، هنگام انجام اعمال حج در منا به شهادت رسید. پیکرش سیزدهم همان ماه، تشییع و در گلزار شهدای دارالرحمة زادگاهش به خاک سپرده شد. (فارس)



۲۳) اسلامیان، بلال/ الف-ش: هفدهم اردیبهشت ۱۳۲۳، در روستای شیران از توابع شهرستان نیر به دنیا آمد. پدرش دولت، کشاورزی می کرد و مادرش ننه باجی نام داشت. در حد خواندن و نوشتن سواد آموخت. راننده اداره راه و شهرسازی و کشاورز بود. سال ۱۳۴۲ ازدواج کرد و صاحب چهار پسر و دو دختر شد. مدتی از سوی جهادسازندگی در جبهه حضور یافت. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را در گلزار شهدای روستای ججین تابعه زادگاهش به خاک سپردند. او را جلال نیز می نامیدند. (اردبیل)

کرد. عضو گروه علمی بعثه مقام معظم رهبری بود. در طول مدت سفارت خود در لبنان بارها مورد سوء قصد عوامل تروریستی و تکفیری به سرکردگی عربستان قرار گرفت و اوج این سوءقصدها در سال ۱۳۹۲ هنگام انفجار سفارت جمهوری اسلامی ایران به دست عوامل تروریستی سعودی بود. بیست و هشتم آبان ۱۳۹۲، به دنبال بمب‌گذاری سفارت ایران در بیروت به صورت معجزه‌آسایی نجات یافت. العربیه از وی به نام کسی یاد می‌کند که وحدت احزاب لبنان برای توافق بر سر دولت توافقی در لبنان، نقش اساسی داشت، العربیه می‌نویسد: «معروف است که او روابط محکمی با حزب الله لبنان داشته‌است.»

در جریان جنگ ۳۳ روزه، در حالی که وی کاردار سفارت جمهوری اسلامی ایران در دمشق بود، سوار بر موتور به انتقال بسته‌های مورد نیاز به مردم لبنان می‌پرداخت. این اقدام وی به حدی برجسته بود که سیدحسن نصرالله دست خطی در تقدیر و تشکر از ایشان نوشت و به او هدیه کرد.

سردار قاسم سلیمانی درباره او می‌گوید: «رکن‌آبادی کسی بود که به دیپلماسی معنای تازه‌ای بخشید و شهادت در منا، پس از مناجات عرفات و در سرزمین وحی برای او یک پایان افتخارآمیز بود چرا که وی با جهاد در راه خدا به دیپلماسی رنگ و بوی دیگری بخشیده بود.»

تقریباً یک سال و نیم بود که از مأموریت کشور لبنان به ایران بازگشته بود، به دعوت بعثه مقام معظم رهبری به عنوان عضو گروه علمی در کاروان بعثه مشغول به خدمت شد. شهریور ۱۳۹۴ به عربستان سعودی رفت.

در روز عرفه پیام مقام معظم رهبری را در سرزمین عرفات به نحوی کوبنده اجرا کرد و دوم مهر همان سال، مطابق با عید قربان به همراه سایر حج‌گزاران عازم مناسک «رمی جمرات» شد.

در مسیر رمی جمرات با ازدحام ایجاد شده از سوی آل سعود خبیث و به هم ریختگی شرایط برای مدت حدوداً ۲ ماه مفقودالاثربود. سعودی‌ها در رسانه‌های رسمی

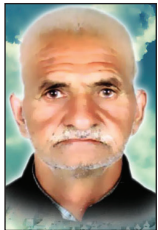


۲۷) اصغری، فرضعلی / الف-ش: ششم فروردین ۱۳۳۴، در روستای باغدشت از توابع شهرستان قائمشهر به دنیا آمد. پدرش نجفقلی، کشاورزی می‌کرد و مادرش آغاباجی نام داشت. تا پایان دوره متوسطه در رشته مکانیک درس خواند و دیپلم گرفت. او نیز کشاورز بود. سال ۱۳۵۸ ازدواج کرد و صاحب دو پسر و سه دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منا توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در زادگاهش قرار دارد. (مازندران)



۲۸) اصل‌رکن‌آبادی، غضنفر / الف-ش: یکم فروردین ۱۳۴۵، در شهرستان قم دیده به جهان گشود. پدرش محمد و مادرش اشرف‌السادات نام داشت. دوره کارشناسی ارشد خود را در رشته علوم سیاسی و معارف اسلامی در دانشگاه امام صادق (ع) گذراند. سپس به تحصیل در دوره دکتری همان رشته در دانشگاه جامعه اللبنانیه در کشور لبنان پرداخت. به زبان‌های عربی و انگلیسی تسلط کامل داشت. سال ۱۳۶۸ ازدواج کرد و صاحب سه دختر شد. مدت ۲۲ ماه در جبهه‌های جنگ تحمیلی حضور داشت.

از سال ۱۳۶۹ تا ۱۳۷۲ به عنوان کارشناس سیاسی اداره خاورمیانه، از ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۷ دبیر اول سفارت جمهوری اسلامی ایران در بیروت، از ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۱ معاون اول خاورمیانه، از سال ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۶ به عنوان کاردار سفارت ایران در دمشق، از ۱۳۸۶ تا ۱۳۸۹ رئیس اداره خاورمیانه، عربی و شمال آفریقا و رئیس کمیته سیاسی کمیسیون حمایت از فلسطین در نهاد ریاست جمهوری اسلامی ایران، از سال ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۳ سفیر جمهوری اسلامی ایران در لبنان و از سال ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۴ به عنوان دبیر اتاق فکر و دستیار ارشد معاونت عربی آفریقایی وزارت امور خارجه خدمت



۲۹) افشون، حسن / الف-س: یکم
 مهر ۱۳۱۹، در شهر خلیفان از توابع
 شهرستان مهاباد دیده به جهان گشود.
 پدرش عبدالله، کشاورزی می‌کرد و
 مادرش شمعی، خانه‌دار بود. به دلیل
 زندگی در مناطق محروم و تلاش برای کمک به خانواده
 هرگز نتوانست درس بخواند. به کشاورزی و دامداری
 اشتغال داشت. حاصل ازدواج او پنج پسر و پنج دختر
 بود. همواره فرزندانش را به خواندن نماز اول وقت در
 مسجد و احترام به مردم توصیه می‌کرد. فرزندش عثمان
 در جنگ تحمیلی به شهادت رسیده است.

مردم او را به عنوان فردی راستگو، بادب، تلاشگر برای
 کسب روزی حلال می‌شناختند. به انجام فرایض دینی
 پای‌بند بود و تلاش می‌کرد تا مردم از او راضی باشند.
 پس از سال‌ها انتظار عازم سفر حج شد. دوم مهر
 ۱۳۹۴، در حادثه منا توسط نیروهای سعودی به شهادت
 رسید. پیکرش سیزدهم همان ماه، در شهر خلیفان تابعه
 شهرستان مهاباد به خاک سپرده شد. (آذربایجان غربی)



۳۰) افغانی اصل، موسی / الف-ش: بیست و
 دوم مرداد ۱۳۳۶، در شهرستان اردبیل به دنیا
 آمد. پدرش یوسف، کشاورز بود و مادرش
 لطیفه، خانه‌داری می‌کرد. تا پایان مقطع
 کارشناسی ارشد در رشته مدیریت دولتی
 درس خواند.

در دوران جنگ تحمیلی به عنوان بسیجی به جبهه رفت. در آموزش
 و پرورش مشغول به کار شد. سال ۱۳۶۲ ازدواج کرد و ثمره‌ی
 ازدواج او دو پسر بود. همواره فرزندانش را به انجام فرایض
 دینی، شرکت در نماز جماعت و زندگی سالم توصیه می‌کرد.

خود اعلام می‌کردند که شخصی با چنین مشخصاتی وارد
 کشورشان نشده است و این در حالی بود که روز قبل ایشان
 بیانیه براءت از مشرکان را در حضور صدها هزار نفر در
 سرزمین عرفات قرائت کرده بود و میلیون‌ها نفر نیز از طریق
 تلویزیون شاهد اجرای این برنامه بودند.

یکی از نیروهای سازمان حج و زیارت که البته صدای
 مصاحبه ایشان نیز موجود است؛ ادعا می‌کند که رکن‌آبادی
 را زنده در آمبولانس سعودی‌ها گذاشته و آمبولانس تنها
 با همین یک نفر محل را ترک کرده است، اما سعودی‌ها
 هم‌چنان حضور رکن‌آبادی را در کشور عربستان منکر
 می‌شدند. با انتشار تصاویر پاسپورت وی که ممهور به مهر
 ورود به کشور عربستان سعودی بود موضع سعودی‌ها تغییر
 نکرد و نسبت به سرنوشت ایشان اعلام بی‌خبری کردند. این
 بی‌خبری سعودی‌ها تا آن‌جا ادامه یافت که در اواخر آبان ماه
 ۱۳۹۴ با ارائه تصویری از پیکر شهید رکن‌آبادی به خانواده
 وی از شهادت ایشان پرده برداشتند.

پیکر شهید رکن‌آبادی ششم آذر همان سال، پس از تشییع
 در امامزاده پنج‌تن شهر لویزان تابعه شهرستان شمیرانات به
 خاک سپرده شد.

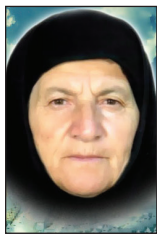
بررسی‌های پزشکی قانونی ایران نشان داد قلب، مغز و سایر
 احشای پیکر از کالبد وی برداشته شده است و عملاً راه
 برای مشخص کردن علت شهادت بسته شده است. در
 گواهی فوت صادر شده از سوی عربستان علت شهادت
 شهید ایست قلبی و توقف تنفس درج شده است.

کتاب‌های «سیاست و دیانت و آیت‌الله کاشانی»، «سوریه
 و مرزهای ۴ ژوئن با رژیم صهیونیستی»، «اسلام و نظام
 سیاسی جمهوری اسلامی» توسط وی تألیف شده است.
 (قم)

برای انجام حج واجب عازم سفر شد. در طول سفر به بقیه کمک می‌کرد و در خدمت حجاج بود. به گفته شاهدان عینی هنگام فاجعه منا نیز از کمک به دیگران غافل نشد و تا جایی که می‌توانست کمک کرد. دوم مهر ۱۳۹۴، در منا هنگام انجام مناسک به شهادت رسید. پیکر وی بیست و یکم همان ماه به کشور بازگردانده و در گلزار شهدای زادگاهش به خاک سپرده شد. (فارس)



۳۲) اللهوردی صادق آبادی، غلامحسین / الف-ش: دوم اردیبهشت ۱۳۳۱، در روستای صادق آباد از توابع شهرستان سامان به دنیا آمد. پدرش علی و مادرش رقیه نام داشت. خواندن و نوشتن نمی‌دانست. کشاورز بود. سال ۱۳۵۲ ازدواج کرد و صاحب سه پسر و دو دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. اثری از پیکرش به دست نیامد. (چهارمجال و بختیاری)



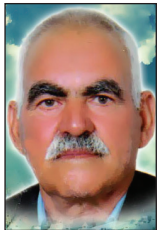
۳۳) البیاسی، زهرا / الف-س: چهارم خرداد ۱۳۳۳، در روستای شیلان آباد از توابع شهرستان مهاباد به دنیا آمد. پدرش حسن و مادرش هاجر نام داشت. خواندن و نوشتن نمی‌دانست. خانه‌دار بود. سال ۱۳۵۱ ازدواج کرد و صاحب سه پسر و سه دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در شهرستان زادگاهش قرار دارد. برادرش نیز در جنگ تحمیلی به شهادت رسیده است. (آذربایجان غربی)

به صداقت و امانت‌داری معروف بود. به ائمه اطهار (ع)، مخصوصاً امام حسن (ع) و امام حسین (ع) ارادت خاصی داشت و در مجالس عزاداری شرکت می‌کرد. آرزوی او شهادت در بین الحرمین بود. در نماز جمعه و نماز جماعت شرکت می‌کرد. رئیس کاروان حج و زیارت بود. نسبت به امور زائرین احساس مسئولیت زیادی داشت. با اینکه سفرهای زیادی به حج رفته بود، به گفته نزدیکان وی، حال و هوای او هنگام سفر آخر با همیشه تفاوت داشت. سعی داشت تمام کارهایش را انجام دهد و از همه حلالیت طلبید. دوم مهر ۱۳۹۴، در منا توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. تاکنون اثری از پیکر او به دست نیامده است. (اردبیل)



۳۱) اکبری، مختار / الف-ش: پنجم فروردین ۱۳۳۸، در شهر اشکنان تابعه شهرستان لامرد دیده به جهان گشود. پدرش غلام، کشاورز بود و مادرش پیکر، خانه‌داری می‌کرد. دوران کودکی او در خانواده‌ای متدین گذشت. تا سوم ابتدایی درس خواند. او نیز مانند بسیاری از مردم در راهپیمایی‌های قبل از انقلاب شرکت کرد. ابتدا به حرفه جوشکاری و سپس در مغازه سوپرمارکت مشغول به کار شد. اهل کسب روزی حلال بود و به نیازمندان کمک می‌کرد.

سال ۱۳۶۰ ازدواج کرد و صاحب سه دختر و سه پسر شد. به تربیت دینی فرزندانش اهتمام داشت. سخت‌گیر نبود و رفتارش با محبت و مهربانی همراه بود. در مردم‌داری، محبت و خوش‌اخلاقی شهرت داشت. ادب را رعایت می‌کرد و به همه احترام می‌گذاشت. بسیار از خود گذشته بود و تمام وقت خودش را به خانواده اختصاص می‌داد. برای رفاه فرزندان می‌کوشید و در کارهای خانه به همسرش کمک می‌کرد. از سوی سپاه پاسداران به جبهه اعزام شد و بر اثر اصابت ترکش مجروح شد.



۳۷) امینی فرحانی، رسول/ الف-ش: یکم آذر ۱۳۲۹، در روستای فرخان علیا از توابع شهرستان قوچان به دنیا آمد. پدرش اسدالله، کشاورزی می‌کرد و مادرش شهربانو نام داشت. در حد خواندن و نوشتن سواد آموخت. او نیز کشاورز بود. ازدواج کرد و صاحب سه پسر و یک دختر شد. حدود یک ماه در جبهه حضور داشت. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را در باغ بهشت شهرستان زادگاهش به خاک سپردند. (خراسان رضوی)



۳۴) امیدعلی، رمضان/ الف-ش: یکم خرداد ۱۳۱۶، در روستای کندر از توابع شهرستان کرج به دنیا آمد. پدرش رجبعلی، کشاورزی می‌کرد و مادرش بدرالنساء نام داشت. خواندن و نوشتن نمی‌دانست. او نیز کشاورز بود. سال ۱۳۴۱ ازدواج کرد و صاحب دو پسر و سه دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را در گلزار شهدای امامزاده طاهر و عبدالله زادگاهش به خاک سپردند. (البرز)



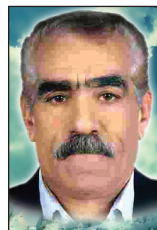
۳۸) انجیدنی، مرادعلی/ الف-ش: دوم اردیبهشت ۱۳۳۳، در روستای انجیدن از توابع شهرستان نیشابور چشم به جهان گشود. پدرش محمدمهدی و مادرش زینب نام داشت. تا پایان دوره متوسطه درس خواند و دیپلم گرفت. کارمند بازنشسته سازمان آموزش و پرورش بود. ازدواج کرد و صاحب چهار پسر و دو دختر شد. در بسیج خدمت می‌کرد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. تاکنون اثری از پیکرش به دست نیامده است. (خراسان رضوی)



۳۵) امیرآبادی، داود/ الف-ش: دوم دی ۱۳۲۵، در روستای بیدک از توابع شهرستان آباء دیده به جهان گشود. پدرش امرالله، کارگری می‌کرد و مادرش فاطمه نام داشت. خواندن و نوشتن نمی‌دانست. راننده بود. سال ۱۳۴۹ ازدواج کرد و صاحب دو پسر و یک دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را در زادگاهش به خاک سپردند. (فارس)



۳۹) انزاهی گریوده، حمیدرضا/ الف-ش: یکم شهریور ۱۳۳۹، در شهرستان آمل دیده به جهان گشود. پدرش رمضانعلی، خیاط بود و مادرش حوا، خانه‌داری و آشپزی می‌کرد. در خانواده‌ای مذهبی پرورش یافت. در کودکی پدرش را از دست داد و برای کمک به معاش خانواده ضمن کار کردن، درس می‌خواند. مدتی درس را رها کرد و برای کار به تهران آمد. بعدها تا پایان دوره راهنمایی درس خواند. در تهران به حرفه آلومینیوم‌سازی پرداخت. بسیار

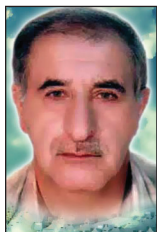


۳۶) امینی علیایی، نادعلی/ الف-ش: یکم دی ۱۳۲۲، در شهرستان فیروزآباد دیده به جهان گشود. پدرش محمدمامین، کشاورزی می‌کرد و مادرش شاه‌بی‌بی نام داشت. تا پایان دوره ابتدایی درس خواند. بازنشسته واحد انتظامات دانشگاه علوم پزشکی بود. سال ۱۳۵۱ ازدواج کرد و صاحب سه پسر و سه دختر شد. به عنوان بسیجی در جبهه حضور داشت. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را در شهرستان شیراز به خاک سپردند. (فارس)

داشت. در برپایی مجالس و هیئت عزاداری می‌کوشید و هر کاری که از دستش برمی‌آمد، انجام می‌داد.

سال ۱۳۹۴ برای چندمین بار آماده رفتن به سفر حج شد. قبل از سفر در حضور خانواده وصیت‌نامه‌اش را نوشت و به تمامی نکاتی که بعدها می‌توانست باعث اختلاف نظر شود، اشاره کرد. وقتی نوشتن وصیت‌نامه تمام شد، آن را مهر و موم کرد. پس از چند لحظه به پسرش گفت وصیت‌نامه را برگردان، نکته‌ای را فراموش کردم بنویسیم. یکی از دختران او عقد کرده بود و قرار بود بعد از بازگشت وی مراسم عروسی برگزار شود. در انتهای وصیت‌نامه اضافه کرد: «اگر در مکه از دنیا رفتم، چهل روز صبر کنید. بعد اگر خانواده داماد آمادگی داشتند عروسی را برگزار نمایید.» و بعد ادامه داد: «این طور شما مورد سرزنش مردم قرار نمی‌گیرید و مردم می‌دانند خودم رضایت داشته‌ام.»

دوم مهر ۱۳۹۴، هنگام انجام اعمال حج در منا به شهادت رسید. پیکرش ابتدا در مقبره‌الشهدای مکه به خاک سپرده شد و بعدها با پیگیری خانواده، به ایران بازگشت و در آرامستان بندپی شهرستان بابل به خاک سپرده شد. نام مستعار وی «شیرافکن» بود. (مازندران)



۴۰ اوشیانی، حجت/الف-ش: یکم

اسفند ۱۳۳۳، در شهرستان رامسر به دنیا آمد. پدرش علی و مادرش زیبا نام داشت. تا پایان دوره راهنمایی درس خواند. کارمند بازنشسته شرکت مخابرات بود.

سال ۱۳۵۸ ازدواج کرد و صاحب دو پسر و یک دختر شد. حدود ۶ ماه در جبهه حضور یافت. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در گلزار شهدای روستای اشکونکوه تابعه زادگاهش قرار دارد. (مازندران)

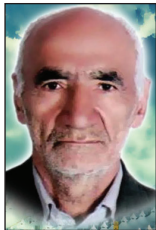
منصف و امانت‌دار بود. به افراد بی‌بضاعت کمک می‌کرد و به سود کم قانع می‌شد.

در دوران حکومت پهلوی، او نیز مانند مردم در اعتراضات عمومی شرکت می‌کرد و شب‌ها روی دیوارها شعار می‌نوشت. سال ۱۳۶۰ ازدواج کرد و صاحب چهار دختر و دو پسر شد. علیرغم این که بسیار مؤمن بود ولی هرگز فرزندان را برای انجام وظایف شرعی تحت فشار نمی‌گذاشت. پیوسته تأکید می‌کرد سالم زندگی کنید و انسان خوبی باشید، اگر در زندگی ترقی کردید، هرگز افراد نیازمند را فراموش نکنید. برای کسب و کار حلال سفارش می‌کرد و می‌گفت: «لازم نیست خیرات بدهید؛ فقط خوب باشید.» در میان مردم به خداترسی و صداقت خوش‌نام و معروف بود.

او که روزگار سختی را پشت سر گذاشته و از نظر مالی پیشرفت کرده بود، خودش را از مردم جدا نمی‌کرد و از نیازمندان دستگیری می‌نمود. سال ۱۳۶۸ از تهران به تنکابن رفت و در محله‌ای قدیمی ساکن شد. سال‌ها بعد در نقطه خوبی از شهر خانه‌ای زیبا ساخت. وقتی کار خانه به پایان رسید به آن خانه نقل مکان نکرد. هر چه خانواده و فامیل اصرار کردند چرا به آن خانه نمی‌روی؟ گفت: «چطور به آن خانه بروم. نمی‌خواهم فامیل و دوستان قدیمی با دیدن خانه‌ام حسرت بخورند.»

همیشه برای خواندن نماز به مسجد می‌رفت. خوش‌رو، مهربان و راستگو بود. در امر ازدواج جوانان پیش‌قدم می‌شد و اگر در خانواده‌ای اختلاف وجود داشت، برای از بین بردن آن تلاش می‌کرد. راهنما و مشاور خوبی برای همه بود و با خیرخواهی نظرش را می‌گفت. دیدن طبیعت و رفتن به سفر، مخصوصاً سفرهای زیارتی را دوست داشت و در هر فرصتی که پیش می‌آمد به سفر می‌رفت. سفرهای زیادی به کربلا، سوریه و مکه رفته بود.

ارادت خاصی به پیامبر اکرم (ص) و امام حسین (ع)



۴۴) ایزدی مقدم، علی اصغر / الف-ش: دهم دی ۱۳۲۷، در روستای فومش کنار از توابع شهرستان بابل به دنیا آمد. پدرش شجاع، کشاورزی می کرد و مادرش خدیجه نام داشت. خواندن و نوشتن نمی دانست. او نیز کشاورز بود. سال ۱۳۵۱ ازدواج کرد و صاحب یک پسر و پنج دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را در روستای چاره تابعه شهرستان زادگاهش به خاک سپردند. (مازندران)



۴۱) ایازی، حمیده / الف-س: هفدهم مهر ۱۳۵۰، در شهرستان گنبدکاووس چشم به جهان گشود. پدرش شاه محمد و مادرش نیازی بی نام داشت. تا پایان دوره کارشناسی در رشته زبان و ادبیات فارسی درس خواند. معلم و خانه دار بود. سال ۱۳۷۲ ازدواج کرد و صاحب یک پسر و یک دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را در روستای آق قایه تابعه شهرستان زادگاهش به خاک سپردند. (گلستان)



۴۵) ایزدی نیا، جمشید / الف-ش: ششم اردیبهشت ۱۳۴۲، در شهر چمستان از توابع شهرستان نور به دنیا آمد. پدرش عین الله، دامدار بود و مادرش ایران، خانه داری می کرد. او که در خانواده ای متدین پرورش یافته بود، از همان کودکی قرآن را آموخت. هم زمان با تحصیل، کار نیز می کرد و برای کمک به خانواده در زمین های کشاورزی به کار می پرداخت. سال چهارم متوسطه به سپاه پاسداران پیوست. جزو نیروی ذخیره قرار گرفت. با شکل گیری انجمن اسلامی در شهرش مسئولیت آن را پذیرفت. پس از اخذ مدرک دیپلم عضو شورای جهادسازندگی شد و از سوی واحد مهندسی به جبهه رفت. بیش از یک سال در جبهه حضور یافت. بر اثر بمباران شیمیایی از ناحیه چشم و قفسه سینه مجروح شد. سال ۱۳۶۳ ازدواج کرد و صاحب سه دختر و یک پسر شد. در تربیت دینی فرزندانش می کوشید ولی سخت نمی گرفت. تلاش می کرد با رفتار مناسب خود الگوی مناسبی برای آنها باشد. بر نماز اول وقت تأکید می کرد و برای کسب روزی حلال می کوشید. به تحصیلات خود تا پایان مقطع کارشناسی ارشد در



۴۲) ایری، آی جمال / الف-س: دوازدهم مهر ۱۳۴۰، در روستای یلی بدراق از توابع شهرستان مینودشت به دنیا آمد. پدرش ارازقلی و مادرش آلاگل نام داشت. خواندن و نوشتن نمی دانست. خانه دار بود. سال ۱۳۵۷ ازدواج کرد و صاحب چهار پسر و دو دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در روستای کرند تابعه شهرستان گنبدکاووس قرار دارد. (گلستان)



۴۳) ایزدی، عزت الله / الف-ش: چهارم شهریور ۱۳۲۳، در روستای ایزدخواست از توابع شهرستان آباد به دنیا آمد. پدرش سرمست و مادرش جهان بی بی نام داشت. خواندن و نوشتن نمی دانست. دامدار و کشاورز بود. سال ۱۳۴۷ ازدواج کرد و صاحب سه پسر و دو دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را در زادگاهش به خاک سپردند. (فارس)



۴۷) ایمن پور، اسدالله / الف-ش: پانزدهم فروردین ۱۳۳۶، در روستای طشک از توابع شهرستان آباءه چشم به جهان گشود. پدرش نصرالله و مادرش پریجان نام داشت. در حد دوره متوسطه درس خواند. بازنشسته نیروی انتظامی بود. سال ۱۳۵۹ ازدواج کرد و صاحب سه دختر شد. حدود ۳ ماه در جبهه حضور یافت. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را در زادگاهش به خاک سپردند. (فارس)



۴۸) اینچه برونی، اغول بی بی / الف-س: چهارم دی ۱۳۱۸، در شهر نگین شهر از توابع شهرستان آزادشهر به دنیا آمد. پدرش عراز محمدآقا و مادرش آنابخت نام داشت. خواندن و نوشتن نمی دانست. خانه دار بود. سال ۱۳۳۷ ازدواج کرد و صاحب سه پسر و شش دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را در روستای کرند تابعه شهرستان گنبد کاووس به خاک سپردند. (گلستان)



۴۹) ایوبی، عبدالحکیم / الف-س: دهم شهریور ۱۳۲۵، در روستای پشته از توابع شهرستان تایباد دیده به جهان گشود. پدرش عبدالرحیم، دامدار بود و مادرش عظیمه نام داشت. خواندن و نوشتن نمی دانست. کشاورز و دامدار بود. ازدواج کرد و صاحب چهار پسر و سه دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. تاکنون اثری از پیکرش به دست نیامده است. (خراسان رضوی)

رشته کشاورزی ادامه داد. رئیس اداره جهاد کشاورزی بود. مقید به حفظ نظم و مقررات کاری بود و پیوسته به کارمندان برای انجام صحیح وظایف کاری تأکید می کرد. در حفظ بیت المال می کوشید و از امکانات دولتی استفاده شخصی نمی کرد. به رضای خدا و خدمت به مردم اهمیت می داد. بسیار راست گو بود و صریح سخن می گفت. در اوقات فراغت به کمک پدر، مادر و دوستان می رفت و در کار کشاورزی به آن ها یاری می رساند. به امام حسین (ع) ارادت خاصی داشت. هر روز پس از نماز صبح زیارت عاشورا می خواند و تا پایان عمر آن را ترک نکرد. برای برپایی مراسم عزاداری در محل و ادارات تلاش می کرد و هر کاری را لازم بود، انجام می داد.

بارها به عنوان خدمه و معین کاروان حج به مکه رفت. سال ۱۳۹۰، ۱۳۹۲ و ۱۳۹۴ به عنوان مدیر کاروان در مکه حضور داشت. دوم مهر ۱۳۹۴، هنگام انجام اعمال حج در منا به شهادت رسید. پیکرش ده روز بعد به کشور بازگردانده شد و در روستای اسی کلا در نزدیکی شهر چمستان به خاک سپرده شد. (مازندران)



۴۶) ایکدری، عبدالله / الف-س: بیستم اسفند ۱۳۴۷، در شهرستان گنبد کاووس چشم به جهان گشود. پدرش نورمحمد و مادرش هاجر بی بی نام داشت. تا پایان دوره کارشناسی در رشته آموزش ابتدایی درس خواند. معلم بود. سال ۱۳۷۲ ازدواج کرد و صاحب یک پسر و یک دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را در روستای آق قایه تابعه شهرستان زادگاهش به خاک سپردند. (گلستان)



۵۳) باقری، محمد/ الف-ش: یکم
فروردین ۱۳۴۶، در خانواده‌ای مستضعف، مسلمان، متعهد و درد کشیده در شهرستان اسفراین دیده به جهان گشود. پدرش محمدابراهیم و مادرش سکینه نام داشت. او اولین فرزند خانواده بود. در آغوش مادری مهربان و پدري دلسوز رشد و پرورش یافت.

طوری تربیت شد که در فامیل در گفتار و کردار مشهور به اخلاق حسنه بود. پایبندی خانواده او (به ویژه پدرش) به اسلام باعث شد که از همان کودکی عشق به خدا و خاندان عصمت و طهارت (ع) در جان و قلب محمد ریشه دواند.

در دوران مدرسه جزء دانش‌آموزان ممتاز بود. سال ۱۳۶۲ برای فراگرفتن علم و دانش به دانشکده کشاورزی در دانشگاه فردوسی مشهد رفت. پس از چهار سال تحصیل و گرفتن مدرک لیسانس یا ملحق شدن به سپاه اسلام، همراه عده‌ای از دوستان فعال مسجدی‌اش به جبهه رفت. آبان ماه ۱۳۶۶ در منطقه مهران مجروح شد. پس از دوران جنگ تحمیلی هم به جبهه بازسازی در کشور شتافت و در جهاد سازندگی شهرستان اسفراین مشغول شد. پس از مدتی با دختری از خانواده‌ای روستایی و متدین ازدواج کرد و حاصل این ازدواج سه فرزند پسر بود.

وی همیشه آرزوی زیارت خانه خدا را در سر می‌پروراند. تا اینکه سال ۸۲ با مقدار پولی که به سختی پس‌انداز کرده بود، اسم خود، همسرش و پدر خود را برای حج تمتع نوشت. از آن سال به بعد هر سال چشم انتظار رفتن به سفر حج بود. سال ۹۴ پس از اعلام اسامی آنها در نوبت دوم از خوشحالی می‌خواست پرواز کند. برای رفتن به سفر روز شماری می‌کرد. شانزدهم شهریور، به همراه همسر و پدرش عازم سفر حج شدند. تا همان‌طور



۵۰) ایور، سلیم/ الف-س: دوم خرداد
۱۳۱۸، در روستای خانکندی از توابع شهرستان میان‌دوآب به دنیا آمد. پدرش طاها، کارگری می‌کرد و مادرش زیبا نام داشت. خواندن و نوشتن نمی‌دانست. او نیز کارگر بود. سال ۱۳۴۴ ازدواج کرد و صاحب سه پسر و چهار دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در زادگاهش قرار دارد. (آذربایجان غربی)



۵۱) باغانی، علی‌اکبر/ الف-ش: یکم
فروردین ۱۳۳۸، در روستای باغان از توابع شهرستان سبزوار به دنیا آمد. پدرش محمد، کشاورزی می‌کرد و مادرش فاطمه نام داشت. تا پایان دوره متوسطه در رشته کامپیوتر درس خواند و دیپلم گرفت. نگهبان بازنشسته سازمان آموزش و پرورش بود. سال ۱۳۵۹ ازدواج کرد و صاحب یک پسر و چهار دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در زادگاهش قرار دارد. (خراسان رضوی)



۵۲) باغانی، علیرضا/ الف-ش: دهم
مهر ۱۳۳۷، در روستای باغان از توابع شهرستان سبزوار دیده به جهان گشود. پدرش احمد، کشاورزی می‌کرد و مادرش گوهرتاج نام داشت. تا پایان دوره راهنمایی درس خواند. او نیز کشاورز بود. سال ۱۳۶۴ ازدواج کرد و صاحب سه پسر و یک دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را در زادگاهش به خاک سپردند. (خراسان رضوی)

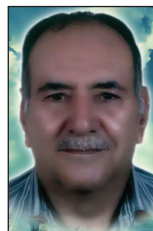
حسین (ع) و مناسبت‌های مذهبی حضور داشت. اطرافیان خاطرات خوبی از شنیدن صدای خواندن دعای مجیر او دارند. علاوه بر آن در جشن‌های نوروز، عروسی، تولد و ختنه‌سوران شرکت می‌کرد. مردم بسیار به او علاقه داشتند و اگر جایی حضور داشت مردم می‌رفتند تا او را ببینند و آوازش را بشنوند. یکی از خانم‌های همشهری او می‌گفت: «روزی شوهرم گوسفندی را ذبح کرده و مشغول کندن پوستش بود، خبر آوردند استاد محمدابراهیم آمده است، همسرم کارش را رها کرد تا برود. گفتم: کجا می‌روی؟ گفت: به دیدن استاد ابراهیم، برای کار وقت هست، بعد که برگشتم کار را تمام می‌کنم.»

در سن ۱۸ سالگی ازدواج کرد و صاحب چهار دختر و پنج پسر شد. خصوصیات اخلاقی ارزشمندی داشت و الگوی رفتاری خوبی برای فرزندانش بود.

بسیار خوش‌اخلاق و مودب بود. به طوری که حتی در اواخر عمر، پا درد زیادی داشت ولی در حضور فرزندان پای خود را دراز نمی‌کرد. خوش‌زبان، مردم‌دار، مهمان‌نواز و خوش‌رو بود. در مسائل مذهبی سخت‌گیر نبود و با مهربانی به فرزندان گوشزد می‌کرد. دل‌رحم و دلسوز بود. طاقت دیدن رنج کسی را نداشت. بارها با دیدن تصاویر مردم سوریه و فلسطین اشک می‌ریخت. اگر می‌دید به حیوانی آسیب رسیده منقلب می‌شد.

در قید و بند مال دنیا نبود و به نیازمندان کمک می‌کرد. اهل ریاکاری و تظاهر نبود و فقط به رضای خدا امید داشت. اهل خشونت نبود و به فرزندانش تأکید می‌کرد به فکر آسایش مردم و همسایگان باشند. عاشق طبیعت بود. کشتی می‌گرفت و در میان مردم به اینکه پشت او به زمین نرسیده، معروف بود. گاهی یک ماه به کوه می‌رفت و از آرامش طبیعت بهره می‌برد. به زبان فارسی، ترکی و کردی تسلط داشت. دارای ذوق و استعداد برای سرودن شعر بود. اشعار زیادی به این زبان‌ها و با موضوع خدا، مدح پیامبر و ائمه اطهار، معاد، انقلاب و غیره از او به جای مانده است.

که در دوران جنگ به وظیفه دینی و ملی خود را عمل کرد، این‌بار هم مترصد، عمل به واجب شرعی شد. در طول سفر چندین بار از عربستان با خانواده تماس گرفته و گفته بود: حج امسال به گفته باتجربه‌ها که چندبار آمده‌اند، بسیار بی‌نظم هست و آرزو می‌کرد انشاءالله که وهابیت توطئه‌ای برای مسلمانان شیعه در مراسم حج، نداشته باشند. سرانجام دوم مهر ۱۳۹۴، در سرزمین منا توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را در گلزار شهدای شهرستان زادگاهش به خاک سپردند. (خراسان شمالی)



۵۴) باقری، محمدابراهیم / الف-ش:

سوم اردیبهشت ۱۳۲۱، در روستای آجقان تابعه شهرستان اسفراین به دنیا آمد. پدرش بابامحمد، کشاورز بود و مادرش تازه‌گل نام داشت. پدر او که مردی مذهبی و بسیار سخت‌گیر بود، وضع مالی خوبی داشت. هنگامی که محمدابراهیم هفت ساله بود، پدر و مادر از هم جدا شدند و دوران کودکی وی دور از مادر و به سختی گذشت. تا پایان دوره ابتدایی درس خواند. بسیار خوش‌صدا و با ذوق بود. به همین دلیل همیشه در محافل مذهبی و مجالس شادی حضور داشت. پیرایشگر بود و در آن زمان این حرفه شامل کوتاه کردن مو، کشیدن دندان و ختنه کردن پسران می‌شد. جزو اولین کسانی بود که از آموزش علمی بهره برد و دندان‌ساز تجربی شد. سه - چهار سال قبل از انقلاب شروع به کار دندان‌سازی کرد و در این کار موفق و مشهور شد.

با مردم می‌جوشید و حضورش در محافل باعث شادی بود. علاوه بر صدای خوش، در نواختن دوتار نیز، مهارت داشت و صاحب سبک خاصی بود. معتقد بود موسیقی صدای خداست.

در مراسم مذهبی شب‌های قدر، مجالس عزاداری امام

بسیار قانع بود. دست جلوی کسی دراز نمی‌کرد و می‌گفت: «پایم را اندازه گلیم خودم دراز می‌کنم.» عاشق فرزندان و نوه‌ها بود. خودش که کودکی تلخی داشت، مراقب بود که آن‌ها در کودکی و نوجوانی به سختی نیفتند. به همت اداره ارشاد استان خراسان یک نوار از آواز و دو تارنوازی وی ضبط شده که به عنوان اثری ارزشمند در خانه موسیقی ثبت گردیده است.

اشعار حافظ را حفظ بود و به شاهنامه‌خوانی علاقه داشت. از دروغ، ریا و تظاهر به دین‌داری بیزار بود. برای رفتن به سفر حج تردید داشت و قصد داشت تا از هزینه حج به مردم کمک کند. به دلایلی از این کار منصرف شد و شروع به انجام کارهای سفر کرد. گرچه با فرزندش محمد به سفر رفت ولی طاقت دوری از فرزندان و نوه‌هایش را نداشت. آن‌قدر به نوه‌ها محبت می‌کرد که عاشق او بودند و دوستش داشتند.

قبل از سفر به چند نفر فامیل پولی داد تا هنگام بازگشت وی گوسفند قربانی کنند. شب آخر همه فرزندان و نزدیکان در منزل وی مهمان بودند. در فرصتی که پیش آمد به آن‌ها گفت: «با هم دوست باشید و دست هم را بگیرید. بیهوده بحث نکنید، زندگی زودگذر است.» در آخرین شب زندگی با خانواده تماس گرفت، دل‌تنگ بود و احوال همه را پرسید.

سرانجام دوم مهر ۱۳۹۴، در منا هنگام انجام اعمال حج همراه پسرش محمد به شهادت رسید.

مضمون آخرین شعری که به زبان کرد کرمانجی از او باقی مانده، شرح کامل و درستی از حس و حال اوست. «من به طرف تو آمدم، گناهانم را ببخش. روز عید قربان دست به دامن توأم.»

خیر شهادت او و فرزندش که در میان مردم پایگاه خوبی داشتند، همه را عزادار کرد. دوستان و علاقه‌مندان او از همه جای دنیا تماس می‌گرفتند و ابراز همدردی می‌کردند. فرزند وی نقل می‌کند: «روزی که در حال رانندگی بین

سبزوار و جوبین بودم، دیدم پیرزنی با وسایل کنار جاده ایستاده است. او را سوار ماشین کردم تا به مقصد برسانم. از ضبط ماشین صدای آواز پدرم پخش می‌شد. پیرزن پرسید: او را می‌شناسی؟ گفتم: پدر من است. پیرزن به محض شنیدن این جمله شروع به گریه کرد و گفت: چقدر جای او خالیست.»

سیزده روز پس از حادثه منا، در میان غم و اندوه مردم، پیکر استاد محمدابراهیم باقری تشییع و در گلزار شهدای شهرستان زادگاهش به خاک سپرده شد. (خراسان شمالی)



(۵۵) باقریان یزدآبادی، ابراهیم/الف-ش:
دهم اردیبهشت ۱۳۳۳، در شهرستان فلاورجان چشم به جهان گشود. پدرش غلامعلی و مادرش سکینه نام داشت. خواندن و نوشتن نمی‌دانست. کشاورز بود. ازدواج کرد و صاحب دو پسر و دو دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را در شهر ابریشم تابعه شهرستان زادگاهش به خاک سپردند. (اصفهان)



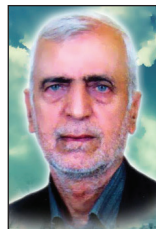
(۵۶) باوی، امین/الف-ش: یازدهم آبان ۱۳۶۴، در شهرستان آبادان دیده به جهان گشود. پدرش کاظم، کشاورزی می‌کرد و مادرش رکیه نام داشت. تا پایان دوره متوسطه در رشته کامپیوتر درس خواند و دیپلم گرفت. نیروی واحد حراست پالایشگاه بود. ازدواج کرد و صاحب یک پسر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در زادگاهش قرار دارد. (خوزستان)



۶۰) بذارچماز کتی، محمدباقر/

الف-ش: یازدهم مهر ۱۳۲۴، در شهرستان شه میرزاد به دنیا آمد. پدرش عزیز و مادرش ننه بزرگ نام داشت. تا پایان دوره متوسطه درس خواند و دیپلم گرفت.

بازنشسته بود. سال ۱۳۵۱ ازدواج کرد و صاحب یک پسر و سه دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در امامزاده درویش شهرستان قائمشهر قرار دارد. (سمنان)



۵۷) باهر خواه، حسن/ الف-ش: بیست و

پنجم بهمن ۱۳۲۳، در شهرستان مشهد به دنیا آمد. پدرش عباس و مادرش خانوم نام داشت. تا پایان دوره متوسطه در دانشسرای تربیت معلم درس خواند و

دیپلم گرفت. معلم بازنشسته آموزش و پرورش بود. سال ۱۳۵۳ ازدواج کرد و صاحب دو پسر و دو دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را در خواجه ربیع زادگاهش به خاک سپردند. (خراسان رضوی)



۶۱) برازنده شایق، اورجعلی/ الف-ش:

دهم فروردین ۱۳۳۱، در روستای شایق از توابع شهرستان سرعین به دنیا آمد. پدرش ماشاءالله (فوت ۱۳۴۹) کشاورزی می کرد و مادرش بالاجی (فوت ۱۳۸۲) نام داشت.

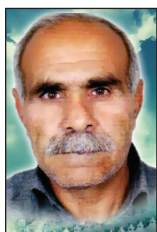
در حد خواندن و نوشتن سواد آموخت. او نیز کشاورز بود. سال ۱۳۵۳ ازدواج کرد و صاحب چهار پسر و پنج دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در گلزار شهدای زادگاهش قرار دارد. برادرش محمد نیز به شهادت رسیده است. (اردبیل)



۵۸) بخته، بایرامعلی/ الف-ش: سوم

فروردین ۱۳۳۸، در شهرستان مشگین شهر به دنیا آمد. پدرش اقام اوغلان و مادرش باجی قیز نام داشت. راننده کامیون بود. ازدواج کرد و صاحب چهار پسر

و یک دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را در بهشت فاطمه شهرستان اردبیل به خاک سپردند. (اردبیل)



۶۲) براهوپی ژند، عبدالله/ الف-س: یکم

شهریور ۱۳۳۷، در روستای شیرنگ از توابع شهرستان علی آبادکتول به دنیا آمد. پدرش روشن و مادرش زری نام داشت. خواندن و نوشتن نمی دانست. کشاورز و

بسیجی بود. دو بار ازدواج کرد و صاحب چهار پسر و دو دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را در امامزاده عبدالله روستای معصوم آباد تابعه شهرستان رامیان به خاک سپردند. او را عبدالله روشن نیز می نامیدند. (گلستان)



۵۹) بدیعی ازاندهی، محمدعلی/ الف-ش:

یکم فروردین ۱۳۳۴، در روستای ازانده از توابع شهرستان سوادکوه به دنیا آمد. پدرش سیف الله و مادرش صغرا نام داشت. تا

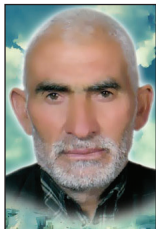
پایان دوره متوسطه در رشته تجربی درس خواند و دیپلم گرفت. فروشنده بود. سال ۱۳۶۴ ازدواج کرد و صاحب یک پسر و دو دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را در شهر پل سفید تابعه شهرستان زادگاهش به خاک سپردند. او را آیت الله نیز می نامیدند. (مازندران)



۶۶) برفرازی، حسین / الف-ش: دوم دی ۱۳۳۱، در شهرستان نیشابور به دنیا آمد. پدرش صفر، کشاورزی می‌کرد و مادرش فاطمه نام داشت. تا پایان دوره ابتدایی درس خواند. باغدار بود. ازدواج کرد و صاحب چهار پسر و یک دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در بهشت فضل شهرستان زادگاهش قرار دارد. (خراسان رضوی)



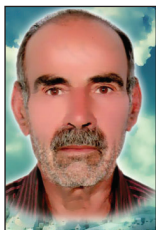
۶۳) برزگر، عطاءالله / الف-ش: نهم خرداد ۱۳۲۲، در روستای قلعه‌سنگی از توابع شهرستان بوانات به دنیا آمد. پدرش محمدحسین و مادرش صاحب‌جان نام داشت. خواندن و نوشتن نمی‌دانست. کشاورز بود. سال ۱۳۴۵ ازدواج کرد و صاحب پنج پسر و چهار دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در زادگاهش قرار دارد. (فارس)



۶۷) برگستان، بالااوغلان / الف-ش: نهم فروردین ۱۳۳۳، در روستای جمایران از توابع شهرستان اردبیل دیده به جهان گشود. پدرش غلام و مادرش کلچه نام داشت. خواندن و نوشتن نمی‌دانست. کشاورز بود. ازدواج کرد و صاحب دو پسر و هشت دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را در گلزار شهدای زادگاهش به خاک سپردند. (اردبیل)



۶۴) برزگر، مجتبی / الف-ش: بیستم فروردین ۱۳۳۵، در روستای سنگتاب از توابع شهرستان قائمشهر به دنیا آمد. پدرش مصطفی، کشاورزی می‌کرد و مادرش لیلا نام داشت. در حد خواندن و نوشتن سواد آموخت. بازنشسته کارخانه نساجی بود. ازدواج کرد و صاحب یک دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در زادگاهش قرار دارد. (مازندران)



۶۸) برومند، علی‌نظر / الف-ش: یکم شهریور ۱۳۲۷، در بخش خشت از توابع شهرستان کازرون به دنیا آمد. پدرش غلامرضا، کشاورزی می‌کرد و مادرش پریجان نام داشت. خواندن و نوشتن نمی‌دانست. او نیز کشاورز بود. دو بار ازدواج کرد و صاحب سه پسر و شش دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در امامزاده علی زادگاهش قرار دارد. (فارس)



۶۵) برزگر، محمد / الف-ش: پنجم بهمن ۱۳۲۶، در شهرستان رامسر دیده به جهان گشود. پدرش حسین، کشاورزی می‌کرد و مادرش زینب نام داشت. تا پایان دوره راهنمایی درس خواند. شغلش آزاد بود. سال ۱۳۴۸ ازدواج کرد و صاحب یک پسر و سه دختر شد. حدود ۶ ماه در جبهه حضور یافت. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در گلزار شهدای روستای لمتر تابعه شهرستان زادگاهش قرار دارد. (مازندران)



۷۲) بقایبی، علیرضا/ الف-ش: هشتم اردیبهشت ۱۳۳۰، در روستای بیدخت از توابع شهرستان گناباد به دنیا آمد. پدرش حبیب‌الله، کشاورزی می‌کرد و مادرش شهربانو نام داشت. تا پایان دوره متوسطه در رشته علوم طبیعی درس خواند و دیپلم گرفت. معلم بازنشسته بود. سال ۱۳۵۸ ازدواج کرد و صاحب دو پسر و یک دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در بهشت رضای شهرستان مشهد قرار دارد. (خراسان رضوی)



۶۹) بزمی، حبیب‌الله/ الف-ش: یازدهم بهمن ۱۳۱۱، در روستای پیوه‌ژن از توابع شهرستان نیشابور به دنیا آمد. پدرش عبدالجواد، کشاورزی می‌کرد و مادرش فاطمه نام داشت. خواندن و نوشتن نمی‌دانست. او نیز کشاورز بود. ازدواج کرد و صاحب چهار پسر و چهار دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در زادگاهش قرار دارد. (خراسان رضوی)



۷۳) بنیادی، علیرضا/ الف-ش: یکم فروردین ۱۳۳۹، در شهرستان الیگودرز به دنیا آمد. پدرش حسین و مادرش مدینه نام داشت. تا پایان دوره کاردانی در رشته آموزش ابتدایی درس خواند. آموزگار بود. ازدواج کرد و صاحب سه دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را در زادگاهش به خاک سپردند. (لرستان)



۷۰) بشیری گودرزی، غضنفر/ الف-ش: چهارم مرداد ۱۳۱۵، در شهرستان بروجرد دیده به جهان گشود. پدرش قاسم، کشاورزی می‌کرد و مادرش طاووس نام داشت. در حد خواندن و نوشتن سواد آموخت. بازنشسته تأمین اجتماعی بود. ازدواج کرد و صاحب سه پسر و سه دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در گلزار شهدای شهرستان زادگاهش قرار دارد. (لرستان)



۷۴) بنیسی، حسین/ الف-ش: بیست و هشتم تیر ۱۳۶۰، در شهرستان تهران به دنیا آمد. پدرش قاسم و مادرش شهناز نام داشت. تا پایان دوره کارشناسی ارشد در رشته علوم تربیتی درس خواند. شغلش آزاد بود. سال ۱۳۸۴ ازدواج کرد و صاحب یک پسر شد. عضو بسیج سازمان میراث فرهنگی و مسئول تدارکات و پذیرایی کاروان بعثه رهبری بود. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. تاکنون اثری از پیکرش به دست نیامده است. (تهران)



۷۱) بغلانی، حسین/ الف-ش: چهارم اردیبهشت ۱۳۵۲، در شهرستان آبادان دیده به جهان گشود. پدرش کریم نام داشت. تا پایان دوره کارشناسی در رشته مترجمی زبان انگلیسی درس خواند. کارمند بانک بود. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را در روستای جرف تابعه شهرستان خرمشهر به خاک سپردند. (خوزستان)



۷۸) بهلکه، محمدولی / الف-س: پانزدهم خرداد ۱۳۲۴، در شهرستان گنبدکاووس به دنیا آمد. پدرش بیک محمد و مادرش قربان بی بی نام داشت. خواندن و نوشتن نمی دانست.

کشاورز بود. سال ۱۳۴۵ ازدواج کرد و صاحب یک پسر و پنج دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در روستای چای بوئین تابعه شهرستان زادگاهش قرار دارد. (گلستان)



۷۵) بهاری دلال، علیرضا / الف-ش: بیست و سوم مهر ۱۳۴۵، در شهرستان خمینی شهر دیده به جهان گشود. پدرش علی و مادرش فاطمه نام داشت. تا پایان دوره کاردانی در رشته برق درس خواند.

کارمند شرکت بود. ازدواج کرد و صاحب دو پسر شد. حدود سه سال و چهار ماه در جبهه حضور داشت. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در گلستان شهدای شهرستان اصفهان قرار دارد. (اصفهان)

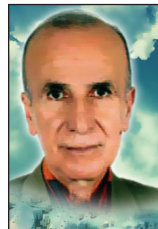


۷۹) بهرام، رحمت الله / الف-س: هفتم دی ۱۳۵۰، در خانواده ای متدین و فرهنگی در روستای کاکا از توابع شهرستان گنبد کاووس دیده به جهان گشود. پدر بزرگش آخوند عبدالحلیم گرگانی از علمای شهر

ترکمن صحرا و پدرش عبدالعلیم، دبیر اقتصاد بود که در جنگ تحمیلی به درجه شهادت نائل آمد. مادرش بی بی عایشه، خانه داری می کرد.

دوران ابتدایی و راهنمایی را در همان روستا و دبیرستان را در شهر گنبدکاووس گذراند. زندگی در روستا باعث علاقمندی ایشان به کار کشاورزی و دامپروری شد. با اتمام دوره متوسطه، در کنکور سراسری شرکت کرد و موفق به قبولی در رشته زراعت و اصلاح نباتات دانشگاه شاهد رامسر شد. با اتمام تحصیلات ارشد از دانشگاه کرج در سال ۱۳۷۸ با خانم آی سن خرمالی ازدواج کرد که حاصل زندگی مشترک ایشان یک پسر و یک دختر بود.

در سال ۱۳۷۸ در مرکز تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی استان گلستان استخدام شد و به عنوان عضو هیات علمی به منظور گذراندن دوره دکتری و با اخذ پذیرش از دانشگاه UPM در سال ۱۳۸۶ عازم کشور مالزی گردید. با تلاش مضاعف و تحقیقات گسترده موفق به اتمام تحصیلات با نمره عالی شد.



۷۶) بهرام پرور، محمدعلی / الف-ش: پنجم خرداد ۱۳۳۴، در شهرستان رامسر چشم به جهان گشود. پدرش ابوالفضل، خیاط بود و مادرش قمر نام داشت. تا پایان دوره کاردانی در رشته تجربی درس خواند. معلم بازنشسته بود. سال ۱۳۵۸ ازدواج کرد و صاحب یک پسر و یک دختر شد.

به عنوان سرباز منقضی ارتش حدود ۶ ماه در جبهه خدمت کرد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را در گلزار شهدای آقابسمل شهر ساداتشهر تابعه شهرستان زادگاهش به خاک سپردند. (مازندران)



۷۷) بهرامیان، بهرام / الف-ش: چهارم بهمن ۱۳۱۲، در شهرستان فریدونشهر به دنیا آمد. پدرش جعفرقلی و مادرش خانم نام داشت. خواندن و نوشتن نمی دانست. کشاورز بود. سال ۱۳۴۱ ازدواج کرد و

صاحب هفت پسر و دو دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در شهر گلذشت تابعه شهرستان نجف آباد قرار دارد. (اصفهان)



۸۰) بهمن زادگان جهرمی، محمدباقر / الف-ش: سوم آبان ۱۳۴۴، در شهرستان جهرم دیده به جهان گشود. پدرش بخشی، مغازه دار بود و مادرش طوبا، خانه داری می کرد. دوران کودکی وی در خانواده ای مذهبی گذشت و سال های تحصیلی را با موفقیت طی کرد. او نیز همراه مردم در تظاهرات قبل از انقلاب حضور یافت. از نوجوانی به شرکت در کلاس قرآن آیت الله آیت اللهی مشغول شد و تا پایان عمر از محضر او کسب فیض نمود. تا پایان مقطع کارشناسی در رشته برق درس خواند.

به عنوان کارمند شرکت پتروشیمی مشغول به کار شد. در محیط کار بسیار دقیق و وقت شناس بود. به زیردستان خود کمک می کرد و از وقت، بهترین بهره را می برد. اهل کسب حلال بود و در حفظ بیت المال می کوشید. در دوران جنگ تحمیلی به عنوان بسیجی عازم جبهه شد. در عملیات بیت المقدس و فتح خرمشهر حضور داشت. بعدها گفت که یک بار در جبهه گم شده بود که پس از ۴۸ ساعت نیروهای ایرانی او را پیدا می کنند. سال ۱۳۷۳ ازدواج کرد و صاحب دو دختر و یک پسر شد. برای تعلیم و تربیت اسلامی فرزندان خود می کوشید. از آن ها می خواست وظایف شرعی خود را به درستی انجام دهند. هم چنین بر تحصیل آن ها تأکید داشت.

مقید به پرداخت خمس بود و برای رفع اختلاف دیگران می کوشید. به صلح و رحمت اهمیت می داد. اهل نماز جماعت و شرکت در نماز جمعه بود. به نیازمندان یاری می رساند و نمی گذاشت تا دیگران از کار او مطلع شوند. برای شرکت در مراسم دعای کمیل به حسینیه ها و تکایا می رفت و برای پرداخت هزینه های آن جا کمک می کرد. به حضرت زهرا (س) ارادت زیادی داشت.

به حفظ وحدت و همبستگی ملی اهمیت زیادی می داد و هر وقت اختلاف نظری می دید، ناراحت و دلگیر می شد.

علاقه مند بود که با راه اندازی یک تولیدی، کارآفرینی کند. تلاش زیادی نیز کرد که به ثمر نشست. برای انجام حج واجب آماده سفر شد. از همه اطرافیان و دوستان حلالیت طلبید. تا جایی که کتابی را که سال ها پیش به امانت گرفته بود به صاحبش برگرداند. دوم مهر ۱۳۹۴، در منا هنگام انجام اعمال حج به شهادت رسید. پیکر وی یک هفته بعد به کشور بازگشت و پس از تشییع در قبرستان شهدای رضوان زادگاهش به خاک سپرده شد. (فارس)



۸۱) بیت غانم، حسن / الف-ش: نهم تیر ۱۳۳۴، در شهرستان خرمشهر به دنیا آمد. پدرش یاس، کشاورزی می کرد. شغلش آزاد بود. ازدواج کرد و صاحب یک پسر و چهار دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را در شهر نجف از کشور عراق به خاک سپردند. (خوزستان)



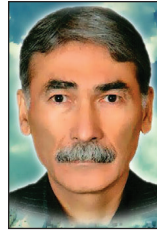
۸۲) پاپی، قدرت الله / الف-ش: یکم شهریور ۱۳۳۷، در شهرستان درود چشم به جهان گشود. پدرش یدالله، کشاورز بود و مادرش بیگم، خانه داری می کرد. او که در خانواده ای مذهبی به دنیا آمده بود، در مکتب قرآن آموخت. به مدرسه رفت و سال های تحصیلی را با موفقیت پشت سر گذاشت. تا سال دوم متوسطه درس خواند و با شروع جنگ تحمیلی درس را رها کرد و به جبهه رفت. مدتی بعد در تنگه چزابه بر اثر اصابت ترکش به گوش و سر، مجروح شد. پس از مداوا دوباره به جبهه بازگشت. پس از پایان جنگ،

کوچک تر بودند، را انجام می داد. سال ۱۳۴۷ موفق به اخذ مدرک دیپلم گردید. سپس در آزمون خلبانی شرکت کرد و پذیرفته شد. اما به دلیل اینکه سرپرستی خانواده با او بود، منصرف شد. خدمت مقدس سربازی را در سپاه پاسداران انجام داد. پس از بازگشت در آزمون ورودی دانشگاه تربیت معلم شرکت کرد و در رشته ریاضی به تحصیل پرداخت. پس به استخدام آموزش و پرورش درآمد و برای خدمت عازم مناطق محروم شد. سال ۱۳۶۱ ازدواج کرد و صاحب سه پسر شد. او که در دوران تحصیل با مشقت توانسته بود درس بخواند، ضمن تشویق فرزندان به انجام وظایف دینی، آن‌ها را بر جدیت در تحصیل سفارش می کرد. در زندگی بسیار ساده زیست بود. فخرفروشی نمی کرد و از ریا و دورویی پرهیز داشت. در امور خیر پیش قدم می شد و تا جایی که می توانست به مردم کمک می کرد. دست و دل باز، قانع و صبور بود. به مال دنیا توجه نداشت. اما قدر داشته هایش را می دانست. دبیر و مدیری موفق در آموزش و پرورش بود. برای کسب روزی حلال می کوشید و دست نیاز به سوی کسی دراز نمی کرد. گواهی نامه رانندگی پایه یک داشت و در تابستان‌ها روی کامیون دیگران کار می کرد. سال ۱۳۷۸ پس از عمری خدمت صادقانه بازنشست شد. او که اندوخته و پس اندازی نداشت به کار رانندگی کامیون ادامه داد و توانست با دسترنج خود امکان سفر حج را فراهم کند. همیشه آرزو داشت که در مکه از دنیا برود و همان جا دفن شود. دوم مهر ۱۳۹۴، در مناسبت انجام اعمال حج به شهادت رسید. پیکر وی در مقبره الشہدای مکه به خاک سپرده شد. (گلستان)

در کارخانه سیمان زادگاهش مشغول به کار شد. در کنار کار به تحصیل خود ادامه داد و تا پایان مقطع متوسطه درس خواند و دیپلم گرفت. در کارش بسیار دقیق و منظم بود. مدتی بعد ازدواج کرد و صاحب چهار دختر و پنج پسر شد. در تربیت اسلامی فرزندان خود و انجام وظایف شرعی تأکید داشت. با فرزندانش مهربان بود و برای این که آن‌ها الگوی مناسبی داشته باشند، با افراد موفق ارتباط برقرار می کرد و به دیدن آن‌ها می رفت. اهل مسجد، سخت کوش و مردم دار بود. به همه کمک می کرد و اگر کسی در خانواده مشکل داشت برای رفع آن پیش قدم می شد. ذوق و استعداد سرودن شعر داشت و اشعار زیادی نوشت. به کوهنوردی علاقه داشت و در هر فرصتی به کوه می رفت. به پیامبر اکرم (ص) و حضرت علی (ع) ارادت خاصی داشت و احادیث معتبری را نقل می کرد. هر صبح قبل از نماز صبح (براساس اعتقادات شخصی) کوچه را آب پاشی می کرد و دعای امام زمان (عج) را می خواند. دوم مهر ۱۳۹۴، هنگام انجام اعمال حج در منا به شهادت رسید. به گفته شاهدان عینی و براساس فیلمی که باقی مانده، تا آخرین لحظات به مردم کمک می کرد. پیکر وی چهاردهم همان ماه به کشور بازگردانده شد و در گلزار شہدای زادگاهش به خاک سپرده شد. (لرستان)



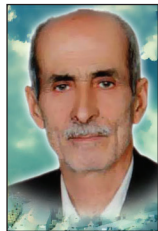
۸۳) پاربخی، تاج محمد / الف-س: پانزدهم دی ۱۳۲۸، در روستای خواجه نفس گمیشان از توابع شهرستان بندرترکمن دیده به جهان گشود. پدرش حاجی گلدی، حلب کوب بود و مادرش آنا بخت نام داشت. در خانواده ای متدین رشد کرد و پرورش یافت. کودکی باهوش و فعال بود. در سال ۱۳۳۵ به مدرسه رفت. از آن جا که وضع مالی خانواده خوب نبود، در کنار تحصیل کارهای مختلفی مانند، تدریس ریاضی به کودکانی که از خودش



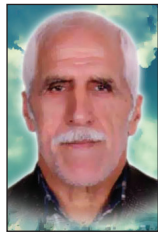
۸۴) پدری، ناز محمد/ الف-س: بیست و نهم اردیبهشت ۱۳۳۴، در شهرستان گنبدکاووس به دنیا آمد. پدرش قربان محمد و مادرش قربان بی بی نام داشت. تا پایان دوره کارشناسی در رشته فیزیک درس خواند. معلم بازنشسته بود. سال ۱۳۵۹ ازدواج کرد و صاحب دو پسر و دو دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را در روستای چای بوئین تابعه شهرستان زادگاهش به خاک سپردند. (گلستان)

تدارکات گردان ثارالله بروجرد بود. به خانواده شهدا رسیدگی می کرد و همیشه به حال کسانی که در جنگ شهید شده بودند و پیکرشان مفقود بود غبطه می خورد. در طول جنگ و هنگام حضور در جبهه بارها به نحو معجزه آسایی از مرگ نجات یافت.

بعد از بازنشستگی به تلاوت قرآن و مطالعه تفسیر آن پرداخت. دعاها و نمازهای مستحب می خواند و پیوسته برای والدین خود نماز به جا می آورد. دوم مهر ۱۳۹۴، در منا به شهادت رسید. تاکنون اثری از پیکرش به دست نیامده است. (مرکزی)



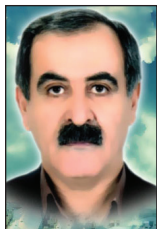
۸۶) پور تقی راستگو مقدم، کریم / الف-ش: دهم آذر ۱۳۱۹، در شهرستان لنگرود دیده به جهان گشود. پدرش استاد تقی و مادرش ربابه نام داشت. تا پایان دوره راهنمایی درس خواند. دبیر بازنشسته آموزش و پرورش بود. سال ۱۳۴۵ ازدواج کرد و صاحب چهار پسر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را در زادگاهش به خاک سپردند. (گیلان)



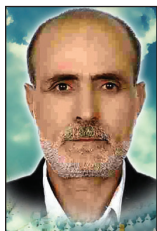
۸۷) پورستمی، ابراهیم / الف-ش: چهاردهم تیر ۱۳۲۷، در شهرستان رامسر به دنیا آمد. پدرش اسماعیل و مادرش جواهر نام داشت. تا پایان دوره ابتدایی درس خواند. کارمند بازنشسته بود. سال ۱۳۵۵ ازدواج کرد و صاحب سه پسر و دو دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در گلزار شهدای روستای لمتر تابعه شهرستان زادگاهش قرار دارد. (مازندران)



۸۵) پناهی، محمد علی / الف-ش: چهاردهم فروردین ۱۳۲۴، در شهرستان به دنیا آمد. پدرش عبدالعهد (به گفته فرزند نام پدر بزرگ عبدالاحد بود که موقع ثبت اشتباه نوشته شده است). کارگر بود و مادرش رحیمه، خانه داری می کرد. تا پایان دوره راهنمایی درس خواند. سال ۱۳۴۹ ازدواج کرد و صاحب سه پسر و دو دختر شد. بر تربیت دینی فرزندان، نماز اول وقت و جماعت تأکید داشت و آن ها را قبل از سن بلوغ آماده انجام تکالیف شرعی می کرد. به امام حسین (ع) و حضرت زهرا (س) ارادت خاصی داشت. هر روز زیارت عاشورا می خواند و خواندن آن را به فرزندانش نیز توصیه می کرد. خوشرو، خونگرم و بزرگمنش بود. برای حل اختلاف دیگران پیش قدم می شد. به بزرگترها احترام می گذاشت و اهل صلح و رحمت بود. پیوسته به دیدن دوستان و آشنایان می رفت و از حال آن ها می پرسید. قبل از انقلاب در مجالس مذهبی شرکت می کرد و سخنرانی ها را (به خصوص مرحوم کافی) می شنید. همراه سایر مردم در پیروزی انقلاب مشارکت داشت. با تشکیل سپاه پاسداران به آن پیوست. در حفظ بیت المال می کوشید و از امکانات دولتی استفاده شخصی نمی کرد. در دوران جنگ حدود شش سال در جبهه حضور داشت. مسئول



۹۱) پیروتی، محمدامین / الف-س: پانزدهم آبان ۱۳۴۱، در شهرستان مهاباد به دنیا آمد. پدرش عبدالله، کشاورزی می‌کرد و مادرش خدیجه نام داشت. تا پایان دوره کاردانی در رشته راه و ساختمان درس خواند. کارمند بازنشسته بانک بود. سال ۱۳۶۲ ازدواج کرد و صاحب دو پسر و دو دختر شد. به عنوان بسیجی حدود شش ماه در جبهه حضور داشت. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در زادگاهش قرار دارد. برادرانش عبدالناصر، قرنی و عثمان نیز به شهادت رسیده‌اند. (آذربایجان غربی)



۹۲) پیروی اکبرآباد، حسین / الف-ش: دوم آبان ۱۳۳۶، در شهرستان کوار دیده به جهان گشود. پدرش زکی و مادرش را مریم می‌نامیدند. تا پایان دوره ابتدایی درس خواند. پنچرگیری خودرو داشت. سال ۱۳۶۳ ازدواج کرد و صاحب دو دختر شد. به عنوان بسیجی در جبهه خدمت می‌کرد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را در روستای اکبرآباد تابعه شهرستان زادگاهش به خاک سپردند. (فارس)



۹۳) ترابی پلت کله، حبیب / الف-ش: بیست و ششم شهریور ۱۳۳۳، در شهرستان لنگرود دیده به جهان گشود. پدرش علی اکبر (فوت ۱۳۸۸) کشاورزی می‌کرد و مادرش زهرا (فوت ۱۳۹۲) خانه‌دار بود. در خانواده‌ای مذهبی و متوسط پرورش یافت. از کودکی برای آموختن قرآن به مکتب رفت. پس از پایان دوره ابتدایی، برای کمک به معاش خانواده مشغول به کار شد. در ۱۸ سالگی به خدمت سربازی رفت که به دلیل ازدیاد نیرو، از خدمت معاف شد. سال ۱۳۵۴



۸۸) پیرزاده ایران نژاد، فرهاد / الف-ش: دوازدهم دی ۱۳۲۰، در شهرستان شیراز دیده به جهان گشود. پدرش جلال‌الدین، کارمند اداره فرهنگ و باستان‌شناسی بود و مادرش گیلان نام داشت. تا پایان دوره کارشناسی در رشته مکانیک درس خواند. صاحب کارگاه تولیدی بود. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در حرم امام رضا (ع) قرار دارد. (خراسان رضوی)



۸۹) پیروتی، عبدالناصر / الف-س: هشتم خرداد ۱۳۴۶، در شهرستان مهاباد دیده به جهان گشود. پدرش عبدالله، کشاورزی می‌کرد و مادرش خدیجه نام داشت. تا پایان دوره کارشناسی در رشته الهیات درس خواند. معلم بازنشسته بود. سال ۱۳۵۱ ازدواج کرد و صاحب سه پسر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. اثری از پیکرش به دست نیامد. برادرانش عثمان، قرنی و محمدامین نیز به شهادت رسیده‌اند. (آذربایجان غربی)



۹۰) پیروتی، عثمان / الف-س: سوم شهریور ۱۳۴۴، در شهرستان مهاباد به دنیا آمد. پدرش عبدالله، کشاورزی می‌کرد و مادرش خدیجه نام داشت. تا پایان دوره متوسطه در رشته اقتصاد درس خواند و دیپلم گرفت. کارمند بیمارستان امام خمینی (ره) بود. سال ۱۳۶۴ ازدواج کرد و صاحب دو پسر و دو دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را در زادگاهش به خاک سپردند. برادرانش عبدالناصر، قرنی و محمدامین نیز به شهادت رسیده‌اند. (آذربایجان غربی)

سال‌ها در انتظار سفر حج بود. سال ۱۳۹۴ اسم او و همسرش در فهرست زائران اعلام شد. یازدهم شهریور همان سال به مکه رفت و دوم مهر، هنگام انجام اعمال حج در منا به شهادت رسید. ۵۱ روز نام وی در فهرست مفقودین بود. یک بار نیز پیکر شهید دیگری را تحویل خانواده دادند که مشخص شد، اشتباه است. سپس با انجام آزمایشات دی.ان.ای مشخص شد پیکرش ده روز بعد از فاجعه منا، همراه پیکر هفتاد و دو نفر دیگر در مقبره‌الشهدای مکه به خاک سپرده شده است.

ابتدا مسئولین سازمان حج اعلام کردند، به دلایل بهداشتی تا ۹ ماه پیکر شهدا به ایران باز نمی‌گردد، با اصرار و بی‌تابی خانواده، فرزند بزرگ وی برای بازگردان پیکر پدر به عربستان رفت. پس از اعدام شیخ نمر و آتش زدن سفارت عربستان در ایران، دولت عربستان تمام ایرانیانی را که در آن کشور بودند بیرون کرد. بعدها طی مذاکرات مسئولین دو کشور، پیکر شهدا به کشور بازگردانده شد.

پیکر شهید حبیب ترابی پلت‌کله بیست و چهارم دی همان سال به کشور بازگشت و بیست و نهم همان ماه، پس از تشییع در گلزار شهدای زادگاهش به خاک سپرده شد. (گیلان)



۹۴) تقوی طلب، علی / الف-ش: پنجم

آبان ۱۳۳۶، در روستای بازوبند تابعه شهرستان نیشابور چشم به جهان گشود. پدرش حسین، مقنی بود و مادرش کلثوم، خانه‌داری می‌کرد. هنگامی که

پدرش در کلاس دروس حوزوی شرکت می‌کرد و او را نیز همراه خود می‌برد. تا پایان مقطع کارشناسی در رشته علوم اجتماعی درس خواند. قبل از انقلاب سخنرانی‌های امام خمینی (ره) را می‌شنید و کتاب‌های او را مطالعه می‌کرد. پاسدار بود. در حفظ بیت‌المال دقت

ازدواج کرد و صاحب دو دختر و دو پسر شد. سال ۱۳۵۵ به تهران آمد و ابتدا در فرودگاه و بعد از آن در بانک ملی استخدام شد. در کار بسیار دقیق بود و وظایف خود را با وسواس خاصی انجام می‌داد. اهل ریا نبود و با صراحت سخن می‌گفت. با این که از پدر و مادرش دور شده بود، از یادشان غافل نمی‌شد و به آن‌ها کمک می‌کرد.

سال ۱۳۶۶، به منظور همراهی و خدمت بیشتر به والدین، دست از کار در تهران کشید و به زادگاهش بازگشت.

مقید به خواندن نماز اول وقت بود. علاقه زیادی به اهل بیت مخصوصاً امام حسین (ع) داشت. مداح مسجد روستای پلت‌کله، مسجد آقاسیدجواد موبندان و مسجد بازاده بود. حتی زمانی که در تهران بود به حسینیه شمالی‌ها می‌رفت و با صدای گرمش به مجالس شور می‌بخشید. این عشق به اباعبدالله همیشه با وی بود. مدام زیر لب نوحه می‌خواند و گاهی بعد از نماز صبح، یک ساعت روی صندلی مخصوص‌اش می‌نشست و در تنهایی و خلوت زیر لب نوحه‌خوانی می‌کرد. او که ذوق سرودن داشت، درباره امام حسین (ع) شعر و نوحه نیز می‌سرود. همیشه در پایان نوحه‌سرایی‌هایش از خدا می‌خواست با اباعبدالله الحسین (ع) محشور شود. هرگز برای پول مداحی نکرد و دستمزد خود را برای کمک به مساجد می‌داد.

بسیار خوش‌رو، سخت‌کوش و فعال بود. بعد از بازنشستگی بیکار ننشست و با راه‌اندازی کارگاه بلوک‌زنی به نظارت آن پرداخت. به کشاورزی و باغداری نیز علاقه‌مند بود. با دقت و وسواس خاصی کار می‌کرد و هر کس وارد باغ وی می‌شد از کار، دقت و زیبایی باغ لذت می‌برد. قبل از این که محصول خود را به خانه ببرد، اول به نیازمندان می‌داد. می‌گفت: «خدا نعمت‌هایش را به من داده و واجب است من نیز زکات آن را بپردازم.» هیچ وقت از یاری رساندن به نیازمندان غافل نشد. به صورت ناشناس به افراد مستمند و کودکان یتیم کمک می‌کرد. هم‌چنین برای تأمین هزینه به خانواده‌های بی‌بضاعت یاری می‌نمود.



۹۶) **تقیانی، وجیهه‌الله / الف-ش:** دهم
آبان ۱۳۱۶، در شهر قیدار تابعه شهرستان
خدابنده به دنیا آمد. پدرش نصرالله، کشاورز
بود و مادرش ساریه نام داشت. تا پایان
دوره متوسطه درس خواند و دیپلم گرفت.

در نیروی هوایی ارتش کار می‌کرد. سال ۱۳۴۵ ازدواج کرد و
صاحب دو پسر و دو دختر شد. در جبهه حضور داشت. دوم
مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به
شهادت رسید. پیکر او را در امامزاده پنج تن شهر لویزان تابعه
شهرستان شمیرانات به خاک سپردند. (زنجان)



۹۷) **تکه، بی‌روشن / الف-س:**
یکم اردیبهشت ۱۳۳۶، در شهرستان
گنبدکاووس به دنیا آمد. پدرش کریم،
کشاورزی می‌کرد و مادرش بیک سلطان
نام داشت. خواندن و نوشتن نمی‌دانست.

خانه‌دار بود. سال ۱۳۵۶ ازدواج کرد و صاحب سه پسر و
دو دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط
نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را در زادگاهش
به خاک سپردند. (گلستان)



۹۸) **تودوئی، مصطفی / الف-ش:**
دوم فروردین ۱۳۴۴، در روستای
دهنوخواجه از توابع شهرستان الیگودرز
دیده به جهان گشود. پدرش محمدقلی،
کشاورز بود و مادرش زهرا، خانه‌داری

می‌کرد. در هفت سالگی پدرش را از دست داد و زندگی
او با سختی و مشقت همراه شد. برای تأمین هزینه
تحصیل به کار پرداخت. مدتی به تهران آمد و به کار
در یک پروژه ساختمانی مشغول شد. در فواصل کار
به روستا بازمی‌گشت و به درس خواندن ادامه می‌داد.

داشت و از امکانات دولتی استفاده شخصی نمی‌کرد.
در هفده سالگی ازدواج کرد و صاحب دو دختر و دو
پسر شد. در تربیت فرزندان به اصول اسلامی پایبند بود.
آن‌ها را به نماز اول وقت سفارش می‌کرد و اگر نیاز به
راهنمایی داشتند از آیات قرآن یا اشعار شعرای بزرگ
بهره می‌برد.

با آغاز جنگ تحمیلی از سوی بسیج در جبهه حضور
یافت و تا پایان جنگ در جبهه‌ها بود. در کارهای خیر
پیش قدم می‌شد. اهل صلح‌رحم و مهمان‌نواز بود. به
همسایگان کمک می‌کرد و به عیادت بیماران می‌رفت.
به امام حسین (ع) ارادت خاصی داشت. هر روز قرآن و
زیارت عاشورا می‌خواند و اهل دعا و ذکر بود. پیوسته
از خدا می‌خواست که اسیر مال دنیا نشود.

پس از بازنشستگی به کشاورزی مشغول شد. با
کارگرهای مزرعه مهربان بود و به آن‌ها می‌گفت من هم
مثل شما یک کارگر هستم.

هنگام سفر به حج نزدیکانش از او خواستند به این سفر
نرود ولی او قبول نکرد و گفت: «شاید شهید شدم.»
دوم مهر ۱۳۹۴، در منا به شهادت رسید. پیکرش در
روستای دهباف تابعه شهرستان زادگاهش به خاک
سپرده شد. (خراسان رضوی)



۹۵) **تقوی کونائی، معین / الف-ش:** هفتم
آذر ۱۳۲۷، در شهرستان قائمشهر به دنیا
آمد. پدرش بهرام، کشاورزی می‌کرد و
مادرش خانم نام داشت. در حد خواندن
و نوشتن سواد آموخت. در کارخانه کار

می‌کرد. ازدواج کرد و صاحب دو پسر و چهار دختر شد.
دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی
به شهادت رسید. پیکر او را در روستای کوتنا تابعه شهرستان
زادگاهش به خاک سپردند. (مازندران)



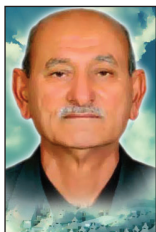
۹۹) **تورانی، گزل/الف-س:** شانزدهم آبان ۱۳۴۸، در شهرستان گنبدکاووس چشم به جهان گشود. پدرش صالح بردی و مادرش امان بی بی نام داشت. تا پایان دوره کاردانی در رشته آموزش ابتدایی

درس خواند. خانه دار و معلم بود. سال ۱۳۶۶ ازدواج کرد و صاحب دو پسر و یک دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. تاکنون اثری از پیکرش به دست نیامده است. (گلستان)



۱۰۰) **توغدري، عبدالله/الف-س:** دوم تیر ۱۳۵۱، در روستای چای قوشان بزرگ از توابع شهرستان گنبدکاووس به دنیا آمد. پدرش چاقی آقا، کشاورزی می کرد و مادرش بی بی نام داشت. فروشنده بود.

سال ۱۳۷۷ ازدواج کرد و صاحب یک پسر و یک دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در زادگاهش قرار دارد. (گلستان)



۱۰۱) **ثامنی، علی/الف-س:** هفتم آذر ۱۳۲۶، در روستای شلمان از توابع شهرستان لنگرود به دنیا آمد. پدرش محمدحسن (فوت ۱۳۷۷) کشاورزی می کرد و مادرش صغرا (فوت ۱۳۸۲) نام

داشت. تا پایان دوره ابتدایی درس خواند. او نیز کشاورز بود. سال ۱۳۵۱ ازدواج کرد و صاحب دو پسر و دو دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را در زادگاهش به خاک سپردند. (گیلان)

پس از قبولی در آزمون کاردانی، برای تحصیل در رشته ریاضیات به گلپایگان رفت. رشته مدیریت دولتی را در دانشگاه نجف آباد خواند و مدرک کارشناسی کسب کرد. به تحصیلات خود تا پایان مقطع کارشناسی ارشد در رشته اقتصاد ادامه داد.

در دوران جنگ تحمیلی از سوی سپاه پاسداران در جبهه حضور یافت. دبیر آموزش و پرورش بود. سال ۱۳۷۰ ازدواج کرد و صاحب دو دختر و یک پسر شد. همواره بر انجام وظایف دینی به فرزندانش سفارش می کرد. از آن ها می خواست با ادامه تحصیل خود به پیشرفت جامعه کمک کنند. بسیار راستگو، امانت دار، رازدار و خوش صحبت بود. با صداقت کار می کرد و اهل غیبت و بدگویی نبود. در امور خیر پیش قدم می شد و از خیرین به نام شهر بود. نسبت به نیازمندان احساس وظیفه می کرد و در خدمت به آن ها می کوشید. پس از شهادت او خانواده بیش از ۲۰ دفترچه طرح ایتم پیدا کردند که کسی چیزی درباره آن نمی دانست. با احداث یک کارگاه در بخش صنایع و معدن گام مهمی در پیشرفت شهر و کارآفرینی برداشت.

به امام حسین (ع) ارادت زیادی داشت و هر سال برای برپایی مجالس عزاداری محرم تلاش می کرد. برای رفتن به سفر حج ششور و شوق خاصی داشت. با دقت به حساب هایش رسیدگی کرد و کارهایش را انجام داد. وصیت نامه ای نوشت و آن را نزد فردی امین گذاشت. گویی می دانست از این سفر باز نمی گردد و برای این که بعد از او شراکت های کاری به مشکل برخورد نکند، به آن پایان داد.

چند روز قبل از سفر فرزند پسرش را به خلوت برد و گفت: «پسرم من از این سفر باز نمی گردم. مادر و خواهرانت را به تو می سپارم.»

دوم مهر ۱۳۹۴، هنگام انجام اعمال حج در منا به شهادت رسید. پیکر وی ۲۲ روز بعد، تشییع و در گلزار شهدای شهرستان الیگودرز به خاک سپرده شد. (لرستان)



۱۰۵) جباري فر، سيدابراهيم/ الف-ش:
دوم آبان ۱۳۴۱، در روستای دهبرآفتاب تابعه
شهرستان یاسوج و در خانواده‌ای متدین،
مذهبی و زحمت‌کش به دنیا آمد.

پدرش سیدسیف‌الله، کشاورز بود و مادرش
عذرا، خانه‌داری می‌کرد. با این که مادر در سن کمی او را به
دنیا آورد و هنگام تولد بسیار ضعیف بود، از همان ابتدا بسیار
باهوش و با استعداد بود. از سن چهار، پنج سالگی با کتاب آشنا
شد.

تحصیلات ابتدایی خود را با رتبه ممتاز در همان روستا به پایان
رساند. به دلیل موفقیت و کسب رتبه بالا در آزمون ورودی
مدرسه شبانه‌روزی یاسوج، برای تحصیل در دوره راهنمایی
عازم آن شهر شد.

پس از آن علیرغم موفقیت در آزمون ورودی دبیرستان
شبانه‌روزی دانشگاه شیراز، به دلیل مشکلات شخصی و
محرومیت‌های آن دوران، نتوانست به آنجا برود و دوران
دبیرستان را در یاسوج گذراند.

او نیز همراه سایر مردم در راهپیمایی‌های قبل از انقلاب شرکت
می‌کرد. در دوران جنگ، از سوی بسیج با سمت امدادگر در
جبهه حضور یافت. سیدابراهيم که خود محرومیت و فقر را
تجربه کرده بود، به منظور خدمت به مردم وارد جهادسازندگی
شد. همان زمان در کنکور اعزام به خارج شرکت کرد و موفق
به دریافت بورسیه از دانشگاه آلمان شد. ولی احساس مسئولیت
در برابر کشور و مردم باعث شد از این فرصت چشم‌پوشی کند
و در کشور به ادامه تحصیل در رشته دندانپزشکی پرداخت.

سال ۱۳۶۷ ازدواج کرد و صاحب یک دختر و یک پسر شد.
پیوسته می‌کوشید، تربیت فرزندانش براساس دستورات اسلام
باشد و بر تحصیل آن‌ها نظارت و تأکید داشت. او روستازاده‌ای
بود که هرگز در زندگی روزمره غرق نشد. خداپرست و
خداترس بود. هنگام ازدواج به همسرش گفت: خواهان یک
زندگی ساده است و تا آخر عمر نیز ساده زندگی کرد و اسیر
مادیات نشد. از اسراف بیزار بود. بیماران نیازمند را رایگان



۱۰۲) جاتن، محمد/ الف-ش: پانزدهم
تیر ۱۳۴۱، در شهرستان نیشابور به دنیا
آمد. پدرش رمضان و مادرش رقیه نام
داشت. خواندن و نوشتن نمی‌دانست.
بنا بود. ازدواج کرد و صاحب دو پسر و

دو دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط
نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در گلزار شهدای
بهشت‌فضل شهرستان زادگاهش واقع است. (خراسان
رضوی)



۱۰۳) جان‌بزرگی، صفرعلی/ الف-ش:
پانزدهم شهریور ۱۳۳۹، در شهرستان ازنا
به دنیا آمد. پدرش حسینعلی، کشاورزی
می‌کرد و مادرش سکینه نام داشت. تا
پایان دوره ابتدایی درس خواند. شغلش

آزاد بود. ازدواج کرد و صاحب چهار پسر و سه دختر شد.
دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی
به شهادت رسید. پیکر او را در شهرک‌المهدی شهرستان
زادگاهش به خاک سپردند. (لرستان)



۱۰۴) جان‌زمین، عبدالعلی/ الف-س:
یکم تیر ۱۳۳۳، در شهرستان گنبدکاووس
چشم به جهان گشود. پدرش بابل و
مادرش بایره نام داشت. خواندن و نوشتن
نمی‌دانست. کشاورز بود. دو بار ازدواج

کرد و صاحب شش پسر و سه دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در
حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید.
مزار او در روستای چای‌بوئین تابعه شهرستان زادگاهش قرار
دارد. (گلستان)

درمان می‌کرد.

به گفته دوستانش در دوران دانشجویی نماز شب او ترک نشد. مهربان، آرام، قانع، راستگو، مؤدب، چشم‌پاک، فداکار و خوش‌کلام بود. بسیار مطالعه می‌کرد. به خانواده و فرزندان احترام می‌گذاشت. پیوسته برای خدمت به مردم می‌کوشید. عاشق طبیعت بود. او که کشاورزی نمونه بود، هر زمان فرصت می‌کرد به پرورش گل و گیاه می‌پرداخت.

سال ۱۳۶۸ به عنوان عضو هیئت علمی دانشکده دندانپزشکی مشغول به کار شد. دو سال بعد، هم‌زمان با ادامه تحصیل در دوره تخصصی دندانپزشکی کودکان به ارائه خدمات دندانپزشکی در مناطق محروم زاهدان پرداخت.

سال ۱۳۸۰ با کسب امتیازات لازم به دانشیاری ارتقاء یافت. به منظور بالا بردن دانش خود، از فرصت مطالعاتی در کشورهای استرالیا و انگلستان بهره برد و موفق به کسب مدرک فلوشیپ در رشته دندانپزشکی از دو دانشگاه آدلاید و کالج لندن شد. سال ۱۳۹۱ موفق به اخذ درجه استاد تمامی (پرفسور) در رشته خود گردید.

دکتر جباری‌فر در طول مدت زندگی خود موفق به تألیف کتاب‌ها و مقالات زیادی در زمینه دندانپزشکی کودکان، دندانپزشکی جامعه‌نگر و نگارش بیش از ۵۰ مقاله علمی پژوهشی در مجلات معتبر داخلی و خارجی شد. دو فصل از کتاب مرجع دندانپزشکی کودکان به قلم اوست که ویرایش نهایی این کتاب را در سفر مکه به پایان رساند.

عضویت در هیئت تحریریه مجلات شاخص، دبیر هسته توسعه آموزش دانشکده دندانپزشکی، عضو هیئت علمی مراکز تحقیقات علوم دندانپزشکی پرفسور ترابی‌نژاد، عضو کمیته برنامه‌ریزی راهبردی رشته تخصصی دندانپزشکی کودکان ایران، معاونت دانشجویی فرهنگی دانشکده از دیگر فعالیت‌های او بود. سال ۱۳۹۳ بازنشست شد، اما هم‌چنان به تدریس در واحد بین‌المللی علوم پزشکی شیراز، اصفهان و دانشگاه آزاد اصفهان ادامه داد.

ایشان که یک بار به عنوان پزشک به سفر حج رفته بودند، سال

۱۳۹۴ برای انجام حج تمتع عازم کشور عربستان شدند. در طول مدت سفر به دیگر زائران خدمت کرد و هرگز از مطالعه غافل نشد.

بیستم شهریور همان سال، هنگام طواف در مسجدالحرام بر اثر سانحه سقوط جرتقیل مجروح شد و پنجم مهر بر اثر شدت جراحات به شهادت رسید. آخرین جمله او قبل از شهادت «آیا عاقبت به خیر می‌شویم» بود.

پیکرش چهاردهم مهر پس از تشییع باشکوه در شهرستان یاسوج، در گلزار شهدای اصفهان به خاک سپرده شد. (کهگیلویه و بویراحمد)



۱۰۶) جعفری، اسماعیل / الف-ش:

دوم فروردین ۱۳۳۴، در روستای دهدق از توابع شهرستان آباده چشم به جهان گشود. پدرش ابراهیم، کشاورزی می‌کرد و مادرش کوبک نام داشت. تا پایان دوره راهنمایی درس خواند. بازنشسته اداره راه و شهرسازی بود. سال ۱۳۵۳ ازدواج کرد و صاحب یک پسر و چهار دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در زادگاهش قرار دارد. (فارس)



۱۰۷) جعفری، حسین / الف-ش: پنجم

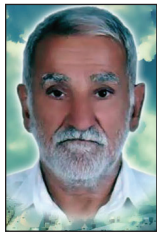
فروردین ۱۳۳۱، در روستای اردوغان از توابع شهرستان اسفراین به دنیا آمد. پدرش شکرالله، کشاورزی می‌کرد و مادرش بی‌بی‌خانم نام داشت. خواندن و نوشتن نمی‌دانست. او نیز کشاورز بود. سال ۱۳۵۰ ازدواج کرد و صاحب چهار پسر و یک دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در گلزار شهدای زادگاهش واقع است. (خراسان شمالی)

برپایی مراسم عزاداری و زیارت عاشورا می‌کوشید. سال ۱۳۹۲ درجه سرهنگ تمام گرفت و در شورای پزشکی به عنوان معاون اداری شوراهای پزشکی مشغول به کار شد. همواره با متانت و اخلاق خوب با مراجعین و جانبازان برخورد می‌نمود.

در پشتکار و حسن خلق بارها مورد تقدیر قرار گرفت. علاقه به اقامه نماز اول وقت، تلاوت قرآن، انجام دقیق عبادات و فرایض دینی، توجه به والدین خصوصاً مادر، اهمیت به صلح‌رحم، محبت به کودکان و دستگیری از نیازمندان، خشوع و فروتنی در مقابل مردم، سادگی و خلوص از خصوصیات بارز اخلاقی وی بود.

سال ۱۳۹۴ به صورت معجزه‌آسایی برای شرکت در مراسم حج انتخاب شد. در فرصت کوتاهی که داشت از تمام نزدیکان و دوستان حلالیت طلبید.

دوم مهر همان سال، در حادثه منا توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر وی در بهشت‌زهراهی زادگاهش به خاک سپرده شد. (تهران)



۱۰۹) جعفری، سیدمهدی/ الف-ش:

پانزدهم فروردین ۱۳۱۹، در روستای وسطی کلا از توابع شهرستان قائمشهر به دنیا آمد. پدرش سیدآقا، کشاورزی می‌کرد و مادرش زاغی نام داشت. خواندن و نوشتن نمی‌دانست. آشپز بیمارستان بود. سال ۱۳۳۹ ازدواج کرد و صاحب سه پسر و یک دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در زادگاهش قرار دارد. (مازندران)



۱۰۸) جعفری، سعید/ الف-ش: یکم

فروردین ۱۳۵۰، در شهرستان تهران چشم به جهان گشود. پدرش حسن، تکنسین شرکت سیمان بود و مادرش نرگس نام داشت. از همان کودکی

تحت تربیت پدر و مادری متدین قرار گرفت. در هشت سالگی پدرش را از دست داد. در کنار درس خواندن برای تأمین معاش خانواده پایه‌پای مادرش تلاش می‌کرد و به دلیل خصوصیات خوب اخلاقی زبانزد مردم بود. سال ۱۳۶۸ پس از اخذ مدرک دیپلم، با شرکت در کنکور سراسری در دانشگاه افسری امام علی (ع) نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی پذیرفته شد. سال ۱۳۷۲ دوره مقدماتی رسته‌ای را گذراند و در دسته آجودانی، با درجه ستوان دوم مشغول خدمت شد.

به دلیل مهارت در کاربرد رایانه مسئولیت آموزش به افسران جوان‌تر و سربازان را برعهده گرفت. سال ۱۳۸۰ پس از اخذ درجه سروانی، دوره رزم در کوهستان را گذراند و به عنوان معاون شعبه و مدتی نیز با سمت رئیس قسمت امور پرسنلی وظیفه به ارائه خدمت پرداخت. از نظر حسن خلق و خوش رفتاری با سربازان تحت امر خود، معروف بود.

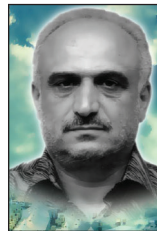
سال ۱۳۸۲ ازدواج کرد و صاحب یک دختر و یک پسر شد. همواره بر تربیت و آموزش اسلامی فرزندان خویش تأکید می‌کرد.

سال ۱۳۸۴ هم‌زمان با گذراندن دوره عالی رسته‌ای موفق به کسب درجه سرگردی شد و در پست معاون امور افسر عملیات پرسنلی و نیز رئیس کمیته آمادگی جسمانی به انجام وظیفه پرداخت. در کنار وظایفی که برعهده داشت با معاونت عقیدتی سیاسی همکاری می‌کرد و در تمام برنامه‌های مذهبی حضور چشمگیر داشت. به امام حسین (ع) عشق می‌ورزید و در



۱۱۰) جعفری، سید نصرالله / الف-ش:

پنجم تیر ۱۳۳۳، در روستای هندوکلا از توابع شهرستان آمل دیده به جهان گشود. پدرش اسدالله، کشاورزی می‌کرد و مادرش ملوس نام داشت. تا پایان دوره ابتدایی درس خواند. کشاورز بود. سال ۱۳۵۴ ازدواج کرد و صاحب یک پسر و چهار دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. تاکنون اثری از پیکرش به دست نیامده است. (مازندران)



۱۱۱) جعفری چمارکتی، عباس / الف-ش:

دهم خرداد ۱۳۳۷، در شهرستان قائم‌شهر به دنیا آمد. پدرش محمدعلی، نجار بود و مادرش راضیه نام داشت. در خانواده‌ای مذهبی و زحمت‌کش پرورش یافت. هنگامی که به مدرسه رفت، برای تأمین مخارج تحصیل در شالیزار کار می‌کرد و گاهی به فروشنده‌گی می‌پرداخت. تا پنجم ابتدایی درس خواند. سپس به تهران آمد و در کارخانه نساجی مشغول به کار شد. در کنار کار، به تحصیل خود ادامه داد و تا پایان مقطع کاردانی در رشته مدیریت درس خواند. او نیز مانند بیشتر مردم در فعالیت علیه حکومت پهلوی شرکت می‌کرد. به دلیل پخش نوارهای صوتی سخنرانی امام خمینی (ره)، مدتی تحت نظر نیروهای ساواک بود.

با شروع جنگ تحمیلی، به عنوان بسیجی در جبهه حضور یافت و حدود دو سال در جبهه حضور داشت. بر اثر موج انفجار و اصابت ترکش به دست، سر و بمباران شیمیایی مجروح شد.

کارمند آموزش و پرورش بود. در انجام وظایف کاری دقت بسیاری داشت. از مدارس مختلف بازدید و برای رفع کمبودهای آن‌ها تلاش می‌کرد.

سال ۱۳۵۸ ازدواج کرد و صاحب سه دختر و یک پسر شد. با وجود تمام مشغله‌ای که داشت، از آموزش و تربیت اسلامی فرزندانش غافل نبود. ضمن تأکید بر انجام وظایف شرعی و آموزش قرآن، به آن‌ها آداب سخن گفتن و زندگی را نیز آموخت. اهل مسجد بود و با روزه‌داری در ماه‌های رجب و شعبان به استقبال ماه رمضان می‌رفت. راستگو و خداترس بود. در کمک به نیازمندان پیش قدم می‌شد. به عیادت بیماران و جانبازان می‌رفت. زمانی که اطلاع می‌یافت یکی از همکاران گرفتاری دارد، بلافاصله بخشی از حقوقش را به وی می‌داد. ارادت ویژه‌ای به حضرت فاطمه‌زهرا (س) و امام حسین (ع) داشت. در ایام عزاداری محرم برای والدین خود و همسرش خیرات می‌داد و خودش را مدیون آن‌ها می‌دانست. روزهای دوشنبه و پنج‌شنبه روزه می‌گرفت و هر روز بعد از خواندن نماز، قرآن تلاوت می‌کرد و عادت به خواندن دعای فرج و زیارت عاشورا داشت.

در کارهای خانه و آشپزی به همسرش کمک می‌کرد. اهل مطالعه بود و به کشاورزی و گل‌کاری علاقه داشت. در سرودن شعر دارای ذوق و استعداد بود. اشعار و دل‌نوشته‌های زیادی از او باقی مانده است. از سال ۱۳۶۴ تا ۱۳۹۴ به عنوان مدیر کاروان حج فعالیت می‌کرد. در رسیدگی به امور زائران و رفع مشکلات آن‌ها می‌کوشید. اگر زائری بیمار می‌شد، بسیار از او مراقبت می‌کرد. هنگام خداحافظی به همه خانواده اصرار کرد برای بدرقه او بروند. حال خاصی داشت. در مکه ضمن خدمت به زائران، بسیار عبادت می‌کرد و برای سلامتی یکی از همکارانش روزه می‌گرفت.

دوم مهر ۱۳۹۴، هنگام انجام اعمال حج در منا به شهادت رسید. او که وصیت کرده بود، بعد از مرگش او را در مکانی مذهبی به خاک بسپارند، به آرزویش رسید و پیکرش در مقبره‌الشهدای مکه به خاک سپرده شد. (مازندران)

چند دوره از مسابقات قرائت قرآن و اذان شرکت کرد. مردم او را با نام حاج رضا می شناختند. ساده، خوش اخلاق، با ادب و اهل ورزش بود. با هر قشری می جوشید و پشتکار زیادی داشت. همواره برای ادامه تحصیل تلاش می کرد. به گفته همسرش آن قدر خوش اخلاق و مهربان بود که همیشه حس خوشبختی کامل داشتیم.

به ائمه اطهار به خصوص امام حسین (ع) ارادت خاصی داشت و بارها برای زیارت به کربلا رفت. او نیز مانند پدرش با صدای پرشور خود به این مجالس گرمی می بخشید. همیشه دعای فرج امام زمان (عج) را می خواند و در قنوت آرزوی شهادت می کرد.

اولین بار در سن بیست سالگی به زیارت خانه خدا رفته بود ولی پیوسته آرزوی زیارت دوباره داشت. این بار به پیشنهاد یکی از جانبازان دفاع مقدس برای همراهی در کاروان جانبازان، ۵ ماه قبل از موسم حج ثبت نام کرد و به سرعت فیش حج را واریز نمود. با شور و اشتیاق فراوان مقدمات را برای اعزام به حج مهیا کرد. هنگام خداحافظی در فرودگاه به دوستان خود تأکید زیادی بر مراقبت از هیئت های عزاداری که خود بنیانگذار آن بود؛ داشت و از همسرش نیز خواست که مراقب فرزنداناش باشد.

سرانجام این توفیق حاصل شد و او با شور و شوق فراوان آماده اعزام به حج شد. با آنکه فرزند خردسالش از دوری او بی قراری می کرد، سعی می نمود او را با وعده بازگشت زود هنگام آرام کند. می گفت: «باید بروم و برای فرزندانم دعا کنم.» آرزو داشت فرزنداناش در زمینه علوم دینی و حوزوی درس بخوانند.

سرانجام دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منا به شهادت رسید. یازده روز پس از آن پیکرش به وطن بازگشت و در گلزار شهدای وادی رحمت زادگاهش به خاک سپرده شد. از شهید محمدرضا جلالی خیرآباد تعدادی آثار صوتی در زمینه قرائت قرآن، اذان و مداحی به جای مانده است. (آذربایجان شرقی)



۱۱۲) جلالزاده، سیدجلال/ الف-ش:

بیست و هشتم مهر ۱۳۴۴، در شهرستان مشهد به دنیا آمد. پدرش سیدمحمد و مادرش طاهره نام داشت. تا پایان دوره کارشناسی در رشته علوم و فنون نظامی درس خواند. مدیرعامل کارخانه کاشی و سرامیک بود. ازدواج کرد و صاحب یک پسر و یک دختر شد. حدود ۶۱ ماه در جبهه حضور یافت و مجروح شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در خواجه ربیع شهرستان زادگاهش قرار دارد. او را فرهنگ نیز می نامیدند. (خراسان رضوی)



۱۱۳) جلالی خیرآباد، محمدرضا/ الف-ش:

پانزدهم اسفند ۱۳۵۹، در شهرستان تبریز به دنیا آمد. پدرش حسین، بازنشسته جهاد و مداح بود و مادرش اعظم، خانه داری می کرد. او در خانه ای سرشار از محبت، شور مذهبی و انقلابی پرورش یافت. تا پایان مقطع کارشناسی ارشد در رشته حقوق خصوصی درس خواند. پاسدار بود و در دانشگاه نیز تدریس می کرد. هنگام کار بسیار احساس مسئولیت داشت و خودش را فقط موظف به کار در ساعت رسمی نمی دانست. در حفظ اموال بیت المال می کوشید و نسبت به مسائل سیاسی روز دقیق بود.

سال ۱۳۸۶ ازدواج کرد و صاحب یک پسر و یک دختر شد. نسبت به آموزش دینی فرزندان خود تأکید داشت. هنگام شرکت در مجالس مذهبی فرزندش را با خود می برد و تلاش می کرد با تشویق غیرمستقیم او را به امور دینی علاقه مند کند.

اوایل بحران سوریه آگاهانه و داوطلبانه به صف مدافعین حرم آل الله پیوست. به دلیل رشادت در خشتی کردن توطئه قومیتی در سال ۸۸ توسط سردار نقدی، فرمانده وقت سازمان بسیج کشور مورد تقدیر قرار گرفت. از سوی نیروهای مسلح در



۱۱۷) جوزی، عباسعلی / الف-ش: هفدهم اسفند ۱۳۴۵، در شهرستان نجف آباد به دنیا آمد. پدرش محمدعلی، فروشنده لوازم یدکی خودرو بود و مادرش اقبال، خانه داری می کرد. در روزهای پیروزی انقلاب همراه خانواده در تظاهرات علیه رژیم شاه شرکت می کرد.

کودکی وی هم زمان با دوران جنگ تحمیلی بود. او که دانش آموز دوره راهنمایی بود، با تغییر تاریخ تولد در شناسنامه توانست عازم جبهه شود. سال ۱۳۶۱، در پادگان شهید محمد منتظری دوره آموزشی را گذراند و به عنوان بسیجی عازم کردستان شد. در عملیات والفجر مقدماتی، هنگامی که در صف نماز جماعت بود، هوایماهای دشمن منطقه را بمباران کردند و از ناحیه جمجمه مورد اصابت ترکش قرار گرفت. پس از طی دوران نقاهت به جبهه بازگشت. وی هم زمان با شرکت در جنگ به تحصیل ادامه داد. در عملیات خیبر به عنوان نیروی گردان خط شکن تا عمق مواضع دشمن پیش رفت، در محاصره دشمن قرار گرفت و به اسارت درآمد. شش ماه از او خبری در دست نبود. سرانجام صلیب سرخ نام او را جزو اسرا اعلام کرد. در زمان اسارت بر اثر ضرب و شتم شدید نیروهای بعثی به شدت آسیب دید. مدتی در اردوگاه موصل و سپس به اردوگاه الرمادیه ۲ (اردوگاه اطفال) انتقال یافت.

از هوش و ذکاوت بالایی برخوردار بود و از فرصت هایی که در اردوگاه به دست می آورد نهایت بهره را برد و زبان عربی و انگلیسی را آموخت. در اردوگاه سعی می کرد به سایر اسرا روحیه بدهد و باعث نشاط آنها شود. سال ۱۳۶۴ بر اثر شکنجه شدید بعثی ها از ناحیه پای راست، کمر و صورت به شدت مجروح شد. با این حال همیشه با صبوری تحمل می کرد.

سرانجام پس از هفت سال اسارت چهارم شهریور ۱۳۶۹، به ایران بازگشت. او که در دوران اسارت به شدت آسیب دیده بود، در بیمارستان نمازی شیراز بستری شد و تحت عمل



۱۱۴) جمشیدنژاد، عبدالصمد / الف-ش: دوم فروردین ۱۳۳۳، در شهرستان سپیدان دیده به جهان گشود. پدرش موسی و مادرش طیبه نام داشت. تا پایان دوره راهنمایی درس خواند. بازنشسته دانشگاه علوم پزشکی بود. سال ۱۳۵۲ ازدواج کرد و صاحب یک پسر و نه دختر شد. در بسیج خدمت می کرد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در گلزار شهدای زادگاهش قرار دارد. (فارس)



۱۱۵) جمعه آریانی، رجبعلی / الف-ش: سیام مهر ۱۳۲۶، در روستای آریان از توابع شهرستان سبزوار به دنیا آمد. پدرش علی اکبر، کشاورزی می کرد و مادرش فاطمه نام داشت. تا پایان دوره ابتدایی درس خواند. او نیز کشاورز بود. سال ۱۳۳۹، ازدواج کرد و صاحب دو پسر و پنج دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را در زادگاهش به خاک سپردند. (خراسان رضوی)



۱۱۶) جمهور، محمد / الف-ش: بیست و پنجم خرداد ۱۳۵۹، در شهرستان کرج دیده به جهان گشود. پدرش رجبعلی و مادرش زهرا نام داشت. تا پایان دوره کارشناسی در رشته مهندسی صنایع درس خواند. کارمند و مدیر بازرگانی شرکت بود. سال ۱۳۸۴ ازدواج کرد و صاحب دو دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در امامزاده محمد شهرستان زادگاهش قرار دارد. (البرز)

شهید و امور ایثارگران نجف‌آباد خدمت کرد. به دلیل تسلط به زبان عربی و انگلیسی، به عنوان پزشک درمانگاه و پزشک رابط هلال‌احمر بارها به سفر مکه و عتبات عالیات اعزام شد. شرایط جسمانی او هرگز مانع خدمت او به مردم نشد. هنگام وقوع زلزله بم همراه اکیپ‌های پزشکی عازم آن منطقه شد. در انجام امور خیر از جمله: تهیه تجهیزه برای دختران بی‌بضاعت، کمک به سالمندان، بیماران بی‌بضاعت و کودکان بدسرپرست پیش قدم بود.

بهمن سال ۱۳۹۳ از سانحه تصادف شدیدی که برایش پیش آمد، جان سالم به در برد. سال ۱۳۹۴ برای رفتن به سفر حج میان او و یک پزشک دیگر قرعه‌کشی شد. قرار بود پنج بار قرعه‌کشی شود. هر پنج بار نام او انتخاب شد و وی راهی سفر شد.

دوم مهر و روز عید قربان، پس از وقوف در صحرای عرفات و بیتوته در مشعرالحرام، هنگام بازگشت از دوستان می‌خواهد برای او فاتحه بخوانند. زمانی که مردم نجف‌آباد از حادثه منا مطلع شدند در مساجد برای سلامتی و بازگشت او دعا می‌کردند.

سرانجام پیکر وی دوازدهم بهمن همان سال به کشور بازگردانده شد و در میان اندوه و غصه مردم در گلزار جنت‌الشهدای زادگاهش به خاک سپرده شد. (اصفهان)



۱۱۸ جهانبازی، عبدالصالح/الف-ش:

هفتم آبان ۱۳۵۴، در روستای گوجان از توابع شهرستان فارسان به دنیا آمد. پدرش دیدارقلی و مادرش خاتون‌جان نام داشت.

تا پایان دوره کارشناسی در رشته علوم اجتماعی درس خواند. کارمند کانون پرورش فکری کودکان بود. سال ۱۳۷۹ ازدواج کرد و صاحب دو دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در زادگاهش قرار دارد. او را شجاع نیز می‌نامیدند. (چهارمحال و بختیاری)

جراحی قرار گرفت. و تا پایان عمر از درد و رنج رهایی نیافت. پس از مدتی دوباره به درس خواندن ادامه داد. سال ۱۳۷۱ در رشته پزشکی به تحصیل پرداخت.

سال ۱۳۷۲ ازدواج کرد و صاحب یک پسر شد. وی بر تربیت اسلامی فرزندش تأکید داشت و همواره او را به ادای نماز اول وقت و کسب روزی حلال سفارش می‌کرد. علاوه بر اشتغال در سپاه و تحصیل، در هفته چند شب در کلینیک نبی‌اکرم (ص) انجام وظیفه می‌کرد. بسیار منظم بود و در خدمت به مردم می‌کوشید. بیماران نیازمند را رایگان درمان می‌کرد و گاهی به عیادت آن‌ها در منزل می‌رفت.

برای خانواده و فامیل، به‌ویژه پدر و مادر احترام خاصی قائل بود. در انجام امور منزل همکاری می‌کرد. شوخ‌طبع بود و همه از معاشرت با وی لذت می‌بردند. هرگز خلف وعده نمی‌کرد و زندگی بسیار ساده‌ای داشت. هرگز نماز اول وقت او ترک نشد. در گرفتن روزه‌های مستحبی و خواندن نماز شب اهتمام داشت. نسبت به مسائل سیاسی روز بی‌تفاوت نبود و در راهپیمایی‌ها و نماز جمعه شرکت می‌کرد. اخبار سیاسی روز را دنبال می‌کرد و بر حفظ وحدت و جلوگیری از تفرقه تأکید داشت.

اهل سفر به ویژه زیارت امام رضا (ع) بود. با اینکه جانباز هفتاد درصد بود ولی مغلوب درد نشد و دست از تلاش برنداشت. مدت ۴ سال عضو شورای اجرایی هلال‌احمر بود و سال ۱۳۸۰ برای خدمت عازم مناطق محروم شد. سال ۱۳۸۷ دوره‌های طب سوزنی را با موفقیت گذراند و از این مهارت در بهبود بیماران استفاده کرد.

عضو کمیسیون پزشکی نیروی انتظامی بود و در جلسات هیئت امنای کانون بازنشستگان سپاه فعالانه شرکت می‌کرد. با هدف زنده نگه‌داشتن یاد شهدای دفاع مقدس با کنگره شهدای نجف‌آباد همکاری می‌نمود. از پزشکان موفق کلینیک نبی‌اکرم (ص) بود و در طول ده سال مسئولیت خود برای تجهیز و گسترش آن تلاش فراوان کرد و برای رضایت بیماران و پرسنل بسیار کوشید. چهار سال به عنوان معاون بهداشت و درمان بنیاد



۱۱۹) چاچ، عزیز/ الف-س: چهاردهم شهریور ۱۳۲۰، در روستای گوک‌تپه از توابع شهرستان مهاباد چشم به جهان گشود. پدرش احمد و مادرش فاطمه نام داشت. خواندن و نوشتن نمی‌دانست. کشاورز بود. سال ۱۳۵۲ ازدواج کرد و صاحب چهار دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را در زادگاهش به خاک سپردند. همسرش نازدار محمدی نیز در این حادثه به شهادت رسیده است. (آذربایجان غربی)



۱۲۰) چشم‌دهام، علی‌حسین/ الف-ش: هفتم اردیبهشت ۱۳۳۳، در روستای چری از توابع شهرستان فاروج به دنیا آمد. پدرش عزیزالله، کشاورزی می‌کرد و مادرش لیلی نام داشت. تا پایان دوره ابتدایی درس خواند. کشاورز بود. سال ۱۳۵۶ ازدواج کرد و صاحب سه پسر و دو دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در گلزار شهدای زادگاهش قرار دارد. (خراسان شمالی)



۱۲۱) چکشی، جواد/ الف-ش: هشتم آذر ۱۳۲۷، در محله سوزنی شهرستان بروجرد دیده به جهان گشود. پدرش ابوالحسن، از استادان مشهور صنعت درودگری در این شهرستان بود و مادرش ربابه، خانه‌داری می‌کرد. پس از گذراندن خدمت سربازی فعالیت‌های سیاسی خود را علیه رژیم شاهنشاهی شروع کرد و بارها توسط نیروهای ساواک مورد بازجویی قرار گرفت و بازداشت شد. بیستم شهریور ۱۳۵۷، همراه با ۳۱۳ زندانی سیاسی دیگر آزاد

شد، اما هم‌چنان دست از مبارزه برنداشت. سال ۱۳۵۸ به فرمان امام خمینی (ره) که از طریق شبکه‌های رادیو پخش شد، به همراه سه برادرش و سایر برادران انقلابی به منظور سرکوبی گروه‌های ضدانقلاب و ایجاد آرامش به منطقه پاوه و نوسود رفتند. پس از انجام مأموریت ۳۵ روزه، با سربلندی بازگشتند و به دیدار امام (ره) نایل آمدند. مدتی معاون فرمانده سپاه کردستان بود. با شروع جنگ تحمیلی بارها به جبهه اعزام شد. برادرش عباس، سال ۱۳۶۵ در منطقه عملیاتی حاج‌عمران به شهادت رسید. وی مسئول ستاد بازسازی شهرستان بروجرد، صنف شیشه‌بران شد تا بعد از بمباران‌های شهری به بازسازی آن جا بپردازد.

سال ۱۳۹۱ توسط رئیس‌جمهور وقت و هم‌چنین وزیر فرهنگ و ارشاد، طبق رأی شورای ارزشیابی هنرمندان موفق به اخذ مدرک درجه یک هنر، معادل دکترای آکادمیک در رشته صنایع چوب شاخه گره‌چینی شد. با فرا رسیدن موسم حج سال ۱۳۹۴، به مکه رفت. دوم مهر همان سال، در منا توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را پس از تشییع در گلزار شهدای زادگاهش به خاک سپردند. (لرستان)



۱۲۲) چنگیزی، حبیب‌الله/ الف-ش: چهارم مهر ۱۳۳۷، در روستای خلیلی از توابع شهرستان فریدن به دنیا آمد. پدرش امان‌الله، کشاورزی می‌کرد و مادرش سکینه نام داشت. تا پایان دوره ابتدایی درس خواند. گچکار بود. سال ۱۳۶۱ ازدواج کرد و صاحب سه پسر و دو دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را در زادگاهش به خاک سپردند. (اصفهان)

مکاپترونیک درس خواند. ثمره ازدواج او یک دختر و یک پسر بود. با این که فرزندانش خارج از کشور به دنیا آمده بودند هرگز از تربیت دینی آن‌ها غافل نشد. برای انجام تکالیف شرعی آنان را تحت فشار نمی‌گذاشت و با روی خوش باعث علاقه‌مندی‌شان می‌شد. بر احترام به والدین و نماز اول وقت تأکید می‌کرد. معمولاً برای شرکت در نماز جماعت به مسجد می‌رفت و فرزندان را نیز می‌برد. خودش ورزش می‌کرد و برای فرزندان تفریحات سالم در نظر می‌گرفت و آن‌ها را به درس خواندن سفارش می‌کرد.

پس از بازگشت به ایران در پژوهشکده سامانه‌های حمل و نقل فضایی مشغول به کار شد و هم‌زمان به تدریس مقطع دکترا در دانشگاه پرداخت. در محیط کار در زمینه‌های علمی و تحصیلی بسیار توانمند بود و مورد مشورت قرار می‌گرفت. پایبند به اصول مذهبی بود. هنگام اذان به هر شکلی مسجلی را پیدا می‌کرد و نماز می‌خواند. نماز شب را ترک نمی‌کرد. هر روز قرآن می‌خواند و در معانی آیات تدبر می‌کرد. نکات قرآنی را می‌نوشت و از محضر تفسیر قرآن حضرت آیت‌الله جوادی آملی فیض می‌برد. به خواندن دعای کمیل و زیارت آل یاسین عادت داشت. به امام رضا (ع) عشق می‌ورزید. در سه سال آخر عمر خود هر سال به زیارت کربلا می‌رفت و فاصله بین نجف و کربلا را پیاده طی می‌کرد.

صبور، امین، مورد اعتماد و امانت‌دار بود. در هر شرایطی بدون تردید راست می‌گفت و با گفتن «النجاه فی الصدق» بر راستگویی تأکید می‌کرد. اهل بزرگ‌نمایی و اغراق در کارها و کلام نبود. از غیبت خودداری می‌نمود. کمک به نیازمندان را وظیفه می‌دانست و برای رفع مشکلات مالی دوستان، فامیل و همکاران می‌کوشید. گاهی اگر حتی پول نداشت قرض می‌گرفت و به کسی که نیاز داشت می‌داد. وقتی همسرش از یک سفر خارجی بازگشت، برای او مقداری پوشاک از قبیل پیراهن و کاپشن آورد. شهید حاتمی لباس‌ها را در ماشین می‌گذارد و بعدها که همسرش می‌پرسد لباس‌ها کو؟ می‌گوید به نیازمندان دادم. حتی با این که خودش کاپشن نداشت، از کاپشن خارجی استفاده نکرد و گفت: «باید آنچه را دوست داریم هدیه بدهیم.»

از دانش خود فقط در زمینه کارهای علمی استفاده نمی‌کرد. در



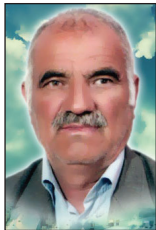
۱۲۳) چوبدار، محمد/ الف-ش: دوم دی ۱۳۳۶، در شهرستان بیرجند به دنیا آمد. پدرش غلامرضا، قصاب بود و مادرش بی‌بی‌سادات نام داشت. تا اول راهنمایی درس خواند. او نیز قصاب بود. سال ۱۳۵۷ ازدواج کرد و صاحب یک پسر و دو دختر شد. در بسیج خدمت می‌کرد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در شهرستان زادگاهش قرار دارد. او را میرزامحمد نیز می‌نامیدند. (خراسان جنوبی)



۱۲۴) چوپان‌نیک، اسمعیل/ الف-س: چهارم اسفند ۱۳۳۵، در روستای عبدالله‌آباد از توابع شهرستان مهاباد به دنیا آمد. پدرش ابراهیم و مادرش زلیخا نام داشت. خواندن و نوشتن نمی‌دانست. کشاورز و مغازه‌دار بود. سال ۱۳۵۲ ازدواج کرد و صاحب سه پسر و پنج دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. تاکنون اثری از پیکرش به دست نیامده است. (آذربایجان غربی)



۱۲۵) حاتمی کلشتری، احمد/ الف-ش: هفدهم دی ۱۳۳۷، در شهرستان تهران چشم به جهان گشود. شغل پدرش علی‌میرزا، آزاد بود و مادرش هما خانه‌داری می‌کرد. از هوش و استعداد بالایی برخوردار بود و دوران تحصیل را با موفقیت پشت سر گذاشت. پس از پیروزی انقلاب و شروع جنگ تحمیلی به جهاد سازندگی پیوست. از سوی واحد مهندسی پشتیبانی جنگ و جهاد سازندگی در جبهه حضور یافت. سال ۱۳۶۳ ازدواج کرد و پس از آن برای ادامه تحصیل عازم خارج از کشور شد. تا پایان مقطع فوق دکترا در رشته هوافضا و



۱۲۷) حاجی پور، علی / الف-ش: دوم اردیبهشت ۱۳۳۱، در روستای محمدآباد از توابع شهرستان بیرجند به دنیا آمد. پدرش حاج محمد، کشاورزی می‌کرد و مادرش لیلا نام داشت. تا پایان دوره ابتدایی درس خواند. او نیز کشاورز بود. سال ۱۳۵۳ ازدواج کرد و صاحب سه پسر و سه دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را در گلزار شهدای شهرستان زادگاهش به خاک سپردند. (خراسان جنوبی)



۱۲۸) حاجی حسنی کارگر، محسن / الف-ش: پانزدهم آبان ۱۳۶۷، در شهرستان مشهد و در خانواده‌ای متدین چشم به جهان گشود. پدرش محمد مهدی، فروشنده کفش بود و مادرش ربابه، خانه‌داری می‌کرد. در دوران تحصیل دانش‌آموزی موفق بود و در کنار تحصیل به تلاوت قرآن پرداخت. از همان نوجوانی در مسابقات سراسری، کشوری و بین‌المللی قرآن شرکت کرد. سال اول راهنمایی در مسابقاتی که از سوی سازمان اوقاف برگزار شد، رتبه اول را کسب کرد. همان سال به مسابقات کشور عربستان راه یافت و رتبه برتر کسب نمود.

تا پایان مقطع کارشناسی در رشته مدیریت بازرگانی درس خواند. همراه با تحصیل، در قرائت و تلاوت قرآن پیشرفت می‌کرد و با شرکت در مسابقات مختلف رتبه‌های ممتازی به دست آورد. در دوران سربازی نیز در مسابقات قاریان نیروهای مسلح با کسب رتبه اول بزرگسالان در مالزی (سال ۱۳۹۴) توانست پس از ده سال برای ایران رکوردی را ثبت کند. مدرس قرآن و قاری بین‌المللی بود. طی آزمون شورای

زمینه علوم قرآنی صاحب دو اثر ارزشمند می‌باشد. دو کتاب «فضا در قرآن» و «طیف معانی قرآن» به قلم اوست. هم‌چنین مقالاتی نیز درباره موضوعات علمی، اجتماعی و راه‌حل‌هایی برای رفع معضل ترافیک نوشته است. قرار بود به زیارت مشهد برود که با درخواست همسرش مبنی بر این که سفر به بعد بازگشت از حج موکول شود، منصرف شد. از طرف بعثه رهبری مأموریت یافت به مکه برود. به گفته نزدیکانش رفتارش به گونه‌ای بود که گویی می‌دانست از این سفر بر نمی‌گردد.

کارها و پروژه‌های ناتمام زیادی داشت. با این که فرصت کافی برای اتمام نداشت شروع به کار کرد. وقتی به او می‌گفتند که عجله نکند و زمانی که از سفر بازگشت انجام بدهد، می‌گفت: «شاید برنگردم.»

بیستم شهریور ۱۳۹۴، در مسجدالحرام در سانحه سقوط جریقیل به شهادت رسید. از آنجا که آرزوی زیارت مشهد را داشت، پیکرش را به مشهد بردند و در حرم امام رضا (ع) تشییع کردند.

هم‌چنین به دلیل آن که شهید احمد حاتمی کلشتری نماز جمعه را بسیار دوست داشت و همیشه در آن شرکت می‌کرد، پیکرش را سی و یکم شهریور در نماز جمعه تهران تشییع و در بهشت زهرا همان سال به خاک سپردند. (تهران)



۱۲۶) حاجتمند، محمدرضا / الف-ش: دهم آبان ۱۳۴۳، در شهرستان نیشابور به دنیا آمد. پدرش عباسعلی، مشاور املاک داشت و مادرش را فرخ می‌نامیدند. تا پایان دوره کارشناسی درس خواند. کارمند سازمان آموزش و پرورش بود. ازدواج کرد و صاحب سه دختر شد. به عنوان بسیجی مدت دوازده ماه در جبهه حضور یافت. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در زادگاهش قرار دارد. (خراسان رضوی)

رضا (ع) به خاک سپرده شد.

از همه جای دنیا قاریان قرآن برای شرکت در مراسم تشییع پیکرش آمدند. رئیس دانشگاه الزهرا نیز پیام تسلیت فرستاد و در ۶۸ کشور مراسم بزرگداشت برای او برپا شد.

از این شهید آثار صوتی زیادی در زمینه قرآن باقی مانده است. قرار بود که به پیشنهاد رادیو قرآن، تلاوت کامل قرآن او ضبط شود که پس از تلاوت سه جزء به شهادت رسید و فرصت تکمیل آن پیش نیامد. (خراسان رضوی)



۱۲۹) حاجی زاده، زلیخا/ الف-س: دوم

بهمن ۱۳۲۴، در روستای دورود از توابع شهرستان اشنویه به دنیا آمد. پدرش عبدالله و مادرش فاطمه نام داشت. خواندن و نوشتن نمی دانست. خانه دار بود. سال ۱۳۶۵ ازدواج کرد و صاحب دو پسر و سه دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را در شهرستان نقره به خاک سپردند. (آذربایجان غربی)



۱۳۰) حبیبی، پرویز/ الف-ش: دوم

خرداد ۱۳۳۳، در روستای ملاطالب از توابع شهرستان ازنا چشم به جهان گشود. پدرش ابراهیم و مادرش کبرا نام داشت. او را محمدمتقی نیز می نامیدند. فرزند اول خانواده بود. تحصیلاتش را در مکتب اهل بیت روستای پدری زیر نظر استادان قرآن و مذهب گذراند. در دوران نوجوانی به همراه پدر مجالس تعزیه خوانی برگزار می کرد. برای ادامه تحصیل راهی تهران شد و به دلیل هوش و علاقه در طراحی و نقاشی به وادی کار و تلاش وارد شد.

عالی قرآن موفق به اخذ مدرک معادل دکترا شد. با اخلاص و بی ریا بود. او که می توانست در زمینه شغل خود از نظر مالی پیشرفت کند، بدون توجه به این نکته عازم مناطق محروم می شد و بی چشم داشتی برای دانش آموزان آنجا تدریس می کرد. به منظور تشویق هدایایی می خرید و به آن ها اهدا می نمود.

خوش اخلاق، خوشرو، صبور و مهربان بود. در برخورد با مخالفین خود به حدی آرام و بامحبت رفتار می کرد که در مدت کوتاهی روی آنان تأثیر می گذاشت. علاوه بر کسب موفقیت های تحصیلی و قرآنی به ورزش نیز می پرداخت. سال ۱۳۸۰ در مسابقات رشته پینگ پنگ استان برنده و به مسابقات سراسری دعوت شد. به علت هم زمان بودن با مسابقات بین المللی مالزی نتوانست در مسابقه ورزشی شرکت کند.

به حضرت زهرا (س) ارادت زیادی داشت و هرگاه مشکلی برایش پیش می آمد به حرم امام رضا (ع) می رفت و ایشان را به مادرش قسم می داد تا گره از کار او باز شود.

هنگامی که برای شرکت در مسابقات مالزی اعزام شد، برادرش شاهد دعا و نیایش شبانه او بود. پیوسته آرزوی شهادت می کرد و از خدا می خواست به مرگ عادی و در بستر از دنیا نرود. یک بار برای برادرش تعریف کرد که هنگام عبادت وقتی در سجده بوده، خروج روح از بدن، خود را دیده است. هم چنین تصمیم داشت به عنوان مدافع حرم به سوریه برود.

سفر به حج، جایزه برنده شدن در مسابقات مالزی بود. وقتی مطلع شد که می تواند به سفر برود از شادی در پوست خود نمی گنجید، با شور و علاقه خاصی از همه حلالیت طلبید و عازم سفر شد.

سرانجام دوم مهر ۱۳۹۴، در منا هنگام انجام اعمال حج به شهادت رسید. پیکرش پانزده روز بعد، به ایران بازگشت و پس از تشییع در صحن حرم حضرت امام

سال ۱۳۵۱ با دختری از خانواده‌های با اصالت و مذهبی روستا ازدواج کرد. یک سال پس از ازدواج برای خدمت سربازی در نیروی دریایی ارتش به شهر شیراز و بندرعباس اعزام شد.

با پیروزی انقلاب اسلامی او نیز در تظاهرات علیه رژیم شاهنشاهی شرکت فعال داشت. با شروع جنگ تحمیلی به عنوان بسیجی در جبهه حضور یافت. سال ۱۳۶۱ در منطقه شیب‌نیسان عملیات والفجر مقدماتی از ناحیه دست و پا، مجروح شد. سال ۱۳۶۲ به استخدام اداره برق شهر ازنا درآمد و مسئول امور مالی آن جا شد. هم‌زمان با وجود مشغله‌های زیاد تحصیلات خود را تا دیپلم ادامه داد.

همواره جلسات هفتگی دعا و قرآن برگزار می‌کرد. به مکتب اهل بیت به خصوص اباعبدالله الحسین (ع) ارادت خاصی داشت و در مساجد و حسینیه‌ها به عنوان تعزیه‌خوان و نوحه‌خوان فعالیت می‌کرد.

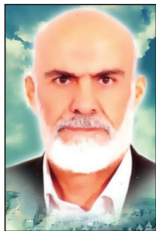
به عنوان عضو فعال در ستاد نماز جمعه شهر به فعالیت‌های سیاسی، فرهنگی و مذهبی می‌پرداخت. اسفند ۱۳۹۱، پس از سی و یک سال خدمت به نظام جمهوری اسلامی بازنشست شد.

از ویژگی‌های بارز ایشان می‌توان به مهربانی، صبر، کمک و توجه به اقشار ضعیف در بین اقوام و آشنایان، یتیم‌نوازی، بی‌ریا بودن، خوش‌بین بودن به دیگران، پیش‌قدم در کارهای خیر اشاره کرد. تسلط و تبحر ایشان در روان‌خوانی و قرائت قرآن کریم او را به قاری قرآن مسجد تبدیل کرد.

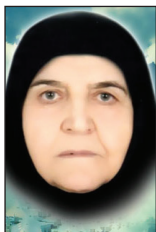
سال ۱۳۵۱ ازدواج کرد و صاحب سه پسر و چهار دختر شد که همه فرزندان دارای تحصیلات عالی دانشگاهی هستند. بعد از سفر حج عمره در سال ۱۳۸۱ تمام تلاش خود را از نظر مالی و معنوی برای ثبت نام حج تمتع به کار برد. سال ۱۳۸۵ با عشق و علاقه فراوانی به همراه همسر برای سفر حج ثبت نام کرد. در جریان سفر، گویا اطلاع داشت که آخرین سفرش است. جمله "حاجی احرام دگر بند بین یار کجاست" آخرین جمله‌ای است که در مکالمه آخر به

همسرش می‌گوید.

در دعای عرفه امام حسین (ع) برای آخرین بار با خانواده خود تماس می‌گیرد و با چشمان گریان و حال و هوای معنوی از خانواده خود التماس دعا می‌خواهد. روز عید قربان در مسیر رمی جمرات وقتی که نیروهای سعودی راه را بر حاجیان می‌بندند، به شهادت می‌رسد. مجروحیت او در از دست دادن انگشت شصت دست، نشانی می‌شود برای روزهای بی‌نشانی او در سرزمین منا
پیکر او را پس از تفحص و تشییع در گلزار شهدای زادگاهش به خاک سپردند. (لرستان)



۱۳۱) حاجتی، سیدحسین/الف-ش:سوم
تیر ۱۳۲۸، در شهرستان ازنا دیده به جهان گشود. پدرش سیدحسن و مادرش سکینه نام داشت. تا سوم ابتدایی درس خواند. شغلش آزاد بود. سال ۱۳۵۳ ازدواج کرد و صاحب یک پسر و سه دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در بهشت‌زهراهای شهرستان تهران قرار دارد. (تهران)



۱۳۲) حسامی، عصمت/الف-س:
ششم بهمن ۱۳۱۹، در شهر سیمینه از توابع شهرستان بوکان دیده به جهان گشود. پدرش عباس، کشاورزی می‌کرد و مادرش عایشه نام داشت. خواندن و نوشتن نمی‌دانست. خانه‌دار بود. ازدواج کرد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را در روستای سوزی تابعه شهرستان میاندوآب به خاک سپردند. (آذربایجان غربی)



۱۳۶) حسین زاده دهکردی، باقر/ الف-ش: هفتم اسفند ۱۳۳۰، در شهرستان شهرکرد به دنیا آمد. پدرش تقی، کشاورزی می کرد و مادرش فاطمه نام داشت. تا پایان دوره کاردانی درس خواند. شغلش آزاد بود. ازدواج کرد و صاحب یک پسر و یک دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را در زادگاهش به خاک سپردند. (چهارمحال و بختیاری)



۱۳۷) حسینی، سیداحمد/ الف-ش: چهاردهم فروردین ۱۳۲۱، در شهر بار از توابع شهرستان نیشابور به دنیا آمد. پدرش سیدمهدی و مادرش فضا نام داشت. در حد خواندن و نوشتن سواد آموخت. باغدار و کشاورز بود. ازدواج کرد و صاحب چهار پسر و پنج دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در زادگاهش قرار دارد. (خراسان رضوی)



۱۳۸) حسینی، سیدحسن/ الف-ش: پنجم فروردین ۱۳۳۷، در شهر خروسفلا تابعه شهرستان نیشابور به دنیا آمد. پدرش سیدابراهیم، کشاورز بود و مادرش ماهبیگم، خانه داری می کرد.

تا دوم ابتدایی درس خواند. کشاورز بود. ازدواج کرد و صاحب سه دختر و سه پسر شد. فرزندانش را به حضور در مساجد و هیئت‌ها، انجام به موقع وظایف و تحصیل سفارش می کرد. بسیار خوش اخلاق و



۱۳۳) حسن پور کرد آسیابی، محمد/ الف-ش: چهارم تیر ۱۳۳۴، در شهرستان سوادکوه به دنیا آمد. پدرش ذات الله و مادرش بمانی نام داشت. تا پایان دوره متوسطه درس خواند و دیپلم گرفت. بازنشته بیمارستان و بسیجی بود. سال ۱۳۵۷ ازدواج کرد و صاحب دو پسر و سه دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در روستای سمیت تابعه شهرستان قائمشهر واقع است. (مازندران)



۱۳۴) حسینی، علی اکبر/ الف-ش: یکم فروردین ۱۳۳۸، در روستای رباط جز از توابع شهرستان خوشاب به دنیا آمد. پدرش محمدابراهیم، کشاورزی می کرد و مادرش ربابه نام داشت. تا پایان دوره ابتدایی درس خواند. کشاورز بود. سال ۱۳۶۲ ازدواج کرد و صاحب چهار پسر و چهار دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را در زادگاهش به خاک سپردند. (خراسان رضوی)



۱۳۵) حسینی برنجستانکی، مهدی/ الف-ش: چهاردهم بهمن ۱۳۱۶، در روستای برنجستانک از توابع شهرستان قائمشهر به دنیا آمد. پدرش عبدالحسین، کشاورزی می کرد و مادرش گلچهره نام داشت. تا پایان دوره ابتدایی درس خواند. کارگر کارخانه نساجی بود. سال ۱۳۴۴ ازدواج کرد و صاحب چهار پسر و دو دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را در زادگاهش به خاک سپردند. (مازندران)

خوش رو بود. در مراسم و مجالس مذهبی حضور می یافت.

به عنوان بسیجی عازم جبهه شد و مورد اصابت ترکش قرار گرفت.

دوم مهر ۱۳۹۴، در منا به شهادت رسید. پیکرش سیزدهم همان ماه در گلزار شهدای زادگاهش به خاک سپرده شد. (خراسان رضوی)



۱۳۹ (حسینی، سیدحسین/الف-ش: سوم

فروردین ۱۳۳۰ و مصادف با ماه محرم، در روستای بیهود تابعه شهرستان قائنات دیده به جهان گشود. به همین دلیل برایش نام "حسین" را انتخاب کردند و همان ابتدا

تصمیم گرفتند او را برای تحصیل علوم حوزوی تشویق کنند. پدرش سیدمحمد، کشاورز و روضه‌خوان بود و مادرش زهره، خانه‌داری می‌کرد. پس از طی دوران ابتدایی، در سن یازده سالگی برای ادامه تحصیل به حوزه رفت و تا پایان مقطع کارشناسی ارشد درس خواند. سپس از محضر استاد مرتضوی برای درس خارج کسب فیض کرد.

مدرس دانشگاه فردوسی مشهد، ارزیاب و معین سازمان حج، استاد دانشگاه آزاد در رشته معارف و امام جماعت حرم امام رضا(ع) بود.

سال ۱۳۵۷، در خرمشهر به دلیل شرکت در اعتراضات مردمی توسط ساواک دستگیر و زندانی شد. دستگیری او که فرزندان زیادی داشت، باعث اعتراض مردم و آزادی‌اش شد.

پس از پیروزی انقلاب در پست‌های مهمی انجام وظیفه کرد. نماینده دوره دوم مجلس شورای اسلامی بود.

در آن دوره چون چند نماینده با نام خانوادگی حسینی در مجلس بود، امام خمینی او را به اسم آقای حسینی قائنات می‌خواندند و به همین دلیل به این نام معروف شد.

هنگام کار بسیار مقید و پایبند مقررات بود. به مسائل مادی اهمیت نمی‌داد و به حلال و حرام توجه می‌کرد. روشنفکری

فوق‌العاده صبور و باگذشت بود. به‌عنوان یکی از شاگردان حضرت آیت‌الله خامنه‌ای شهرت داشت.

در دوران جنگ تحمیلی به‌عنوان بسیجی در جبهه حضور یافت. مسئول سازمان عقیدتی سیاسی شهربانی استان خراسان و سمنان بود.

به حضرت زهرا (س) ارادت زیادی داشت. اهل نماز شب و مجالس زیارت عاشورا بود. در جلسات مذهبی خانوادگی زیارت جامعه کبیره می‌خواند.

سال ۱۳۶۵ ازدواج کرد و ثمره این پیوند سه دختر و دو پسر بود. علیرغم کار و مشغله زیاد به تربیت فرزندانش اهمیت می‌داد و به آن‌ها برای درس خواندن سفارش می‌کرد.

در برخورد با فرزندان بسیار باحوصله بود و فرزندانش به راحتی انتقادات خود را می‌گفتند. به پدر و مادر احترام می‌گذاشت. آرام و خانواده‌دوست بود. برای رفاه خانواده از هیچ تلاش و

کوششی غافل نمی‌شد. بسیار ساده زندگی می‌کرد و پیوسته می‌گفت: باید از تمام نعمت‌های خداوند استفاده کنیم ولی اسراف‌کننده نباشیم. اهل مطالعه بود و به کتاب علاقه زیادی

داشت. سال ۱۳۹۴ به عنوان ارزیاب روحانیون کاروان‌ها از سوی بعثه مقام معظم رهبری عازم سفر حج شد. دوم مهرماه همان سال در منا به شهادت رسید. پیکر او را در صحن آزادی

حرم امام رضا(ع) به خاک سپردند (خراسان جنوبی)



۱۴۰ (حسینی، سیدحمیدرضا/الف-ش:

بیست و هفتم دی ۱۳۵۵، در شهرستان تهران چشم به جهان گشود. پدرش

سیدحسن، شغل آزاد داشت و مادرش سیده‌عالیه بیگم، خانه‌داری می‌کرد. پدر او

بسیار متدین بود و در زمان حکومت پهلوی فعالیت سیاسی داشت. حدوداً ۹ ساله بود؛ در یکی از روزهایی که در کوچه مشغول بازی بود، به‌طور اتفاقی توسط یکی از هم‌بازی‌ها

داخل جوی آب می‌افتد و طحال او پاره می‌شود که پزشکان به اجبار طحال‌اش را از بدن خارج می‌کنند. این مسئله و



۱۴۱) حسینی، سیدناصر / الف-ش:

سوم تیر ۱۳۴۵، در شهرستان تهران دیده به جهان گشود. پدرش سیدعباس، کارمند وزارت کشاورزی بود و مادرش مهری، خانه‌داری می‌کرد. پس از اخذ مدرک دیپلم، به تحصیل در رشته مهندسی کشاورزی پرداخت. او نیز همراه سایر اقشار ملت در تظاهرات قبل از انقلاب شرکت می‌کرد.

با شروع جنگ درس را رها کرد و از سوی بسیج دانشگاه به عنوان جهادگر عازم جبهه شد. پس از پایان جنگ به تحصیل خود تا پایان مقطع دکترا در رشته پزشکی ادامه داد. در وزارت دفاع کار می‌کرد. بسیار وظیفه‌شناس بود و در خدمت به مردم و حفظ بیت‌المال می‌کوشید.

سال ۱۳۸۰ ازدواج کرد و صاحب دو دختر و یک پسر شد. نسبت به تربیت اسلامی فرزندان می‌کوشید و بر تحصیل آن‌ها تأکید داشت.

اهل مراقبه و نماز شب بود. اخلاق حسنه داشت و پیوسته لبخند می‌زد. با ادب، صبور، آرام و بی‌توجه به مال دنیا بود. از موقعیت خود سوءاستفاده نمی‌کرد و از افراد فرصت طلب دوری می‌جست. اهل ذکر و کثیرالصلوات بود. به کارهای کشاورزی و دامداری علاقه داشت و در اوقات فراغت به آن می‌پرداخت.

سال ۱۳۹۴ برای چندمین بار به عنوان پزشک کاروان عازم سفر حج شد. نزدیکان از او خواستند این بار به سفر نرود ولی نپذیرفت و گفت: «شاید بار آخر باشد» مشتاق شهادت بود و آرزوی آن را داشت.

دوم مهر ۱۳۹۴، در منا به شهادت رسید. پیکر او را بیست و سوم همان ماه، پس از تشییع در بهشت‌زهرای زادگاهش به خاک سپردند. (تهران)

عمل جراحی آپاندیس، در روزی که پیکر ایشان به کشور بازگشت، به خانواده‌اش برای شناسایی کمک کرد.

تا پایان مقطع کارشناسی در رشته ارتباطات درس خواند. ابتدا عضو باشگاه خبرنگاران بود و بعدها جزو اولین خبرنگاران شبکه خبر مشغول به کار شد. کارشناس خبره خبری وزارت نیرو بود. سال ۱۳۸۶ ازدواج کرد و قبل از ازدواج به زیارت خانه خدا رفت. حاصل ازدواجش یک دختر بود. در تربیت فرزند پایبند به اصول مذهبی بود.

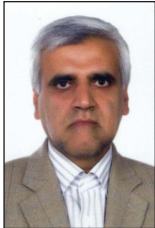
مهربان، خونگرم، خوشرو و مردم‌دار بود. در برابر خانواده احساس مسئولیت می‌کرد و در رسیدگی به مشکلات پدر و مادر بسیار دقیق بود. بعد از فوت پدر، پشتوانه و همیار مادرش بود. به کارش عشق می‌ورزید و در انجام آن جدیت داشت. هرگز مصلحت مردم و کشور را فدای منافع شخصی نمی‌کرد. علاقه و ارادت زیادی به امام حسین (ع) و حضرت مهدی (عج) داشت. هر روز صبح صحیفه سجادیه و به‌خصوص دعای عاقبت به خیری را می‌خواند.

مسئولین سازمان صدا و سیما برای قدردانی و تشویق وی، ایشان را برای سفر حج ۱۳۹۳ کاندید کردند. بنا به دلایلی در آن زمان شخص دیگری به این مأموریت اعزام شد و سال بعد بدون قرعه‌کشی برای سفر حج دعوت شد. بعد از مشورت با همسرش، برای مأموریت ۶۰ روزه به عنوان خبرنگار به عربستان رفت.

به گفته همراهان هنگامی که زائران در ازدحام گرفتار شدند، تمام آبی را که همراه داشت، به آن‌ها داد. وقتی همسفرش به او پیشنهاد کرد بیا از این دیوار بالا برویم و خودمان را نجات بدهیم، نپذیرفت و گفت: «نمی‌توانم از روی مردم بگذرم و آن‌ها را زیر پا بگذارم.»

دوم مهر ۱۳۹۴، در منا به شهادت رسید. پیکر وی بیست و دوم همان ماه پس از شناسایی و تشییع در بهشت‌زهرای زادگاهش به خاک سپرده شد.

از او گزارش‌های جامع و علمی زیادی باقی مانده که هم‌چنان از آن‌ها استفاده می‌شود. (تهران)



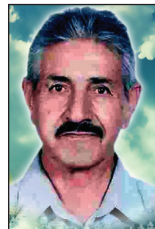
۱۴۵) حسینی مقدم، حسن / الف-ش: یکم بهمن ۱۳۴۲، در روستای عباس آباد آقاغفور از توابع شهرستان رفسنجان به دنیا آمد. پدرش اکبر و مادرش فاطمه نام داشت. تا پایان دوره کارشناسی ارشد در رشته علوم اقتصاد درس خواند. دیپلمات ارشد وزارت امور خارجه کشور بود. ازدواج کرد و صاحب یک پسر و یک دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در امامزاده پنج تن شهر لویزان تابعه شهرستان شمیرانات قرار دارد. برادرش غلامرضا حسینعلی زاده نیز شهید شده است. (کرمان)



۱۴۲) حسینی، محمد / الف-ش: نهم تیر ۱۳۳۲، در شهرستان لامرد به دنیا آمد. پدرش شعبان و مادرش مریم نام داشت. تا پایان دوره ابتدایی در نهضت سوادآموزی درس خواند. پیمانکار ساختمان و بسیجی بود. سال ۱۳۵۴ ازدواج کرد و صاحب چهار پسر و سه دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در دارالرحمه زادگاهش قرار دارد. او را محمدشعبان نیز می نامیدند. (فارس)



۱۴۶) حصاری، عبدالله / الف-ش: یکم مهر ۱۳۳۵، در روستای حصارزبرخان تابعه شهرستان نیشابور به دنیا آمد. پدرش علی، کشاورز بود و مادرش صغرا، خانه داری می کرد. تا پایان دوره متوسطه درس خواند و دیپلم گرفت. معلم بود. ازدواج کرد و صاحب پنج دختر و یک پسر شد. به عنوان بسیجی در جبهه حضور یافت و مجروح شد. از هوش بالایی برخوردار بود و فارغ از تمایلات سیاسی به مردم خدمت می کرد. مسئول شورای اسلامی روستا و مسئول هیئت امنای مسجد بود. از نفوذ خود در میان روستاییان استفاده می کرد و ضمن دعوت آن ها به اتحاد، مشکلات را برطرف می کرد. با تلاش و پیگیری او روستا دارای برق و آب آشامیدنی تصفیه شده، گاز و مخابرات شد. ساخت نانوائی و مرکز بهداشت از دیگر فعالیت های اوست. با خرید خانه های اطراف مسجد، به مسجد وسعت بخشید تا جایگاه مناسبی برای فعالیت باشد.



۱۴۳) حسینی رمقانی، علی میرزا / الف-ش: چهارم مرداد ۱۳۳۰، در روستای کشن از توابع شهرستان شیراز به دنیا آمد. پدرش محمد و مادرش شاه بی بی نام داشت. خواندن و نوشتن نمی دانست. راننده شهرداری بود. ازدواج کرد و صاحب دو پسر و چهار دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را در دارالرحمه گلشن شهرستان زادگاهش به خاک سپردند. (فارس)

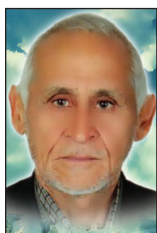


۱۴۴) حسینی سرایی، حیدر / الف-ش: دهم تیر ۱۳۲۹، در شهرستان لنگرود به دنیا آمد. پدرش کردعلی (فوت ۱۳۸۴) و مادرش زربانو (فوت ۱۳۸۵) نام داشت. تا پایان دوره متوسطه در رشته انسانی درس خواند و دیپلم گرفت. کارمند بازنشسته تأمین اجتماعی بود. سال ۱۳۵۸ ازدواج کرد و صاحب یک پسر و سه دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در زادگاهش قرار دارد. (گیلان)

در ایجاد صلح و دوستی و رفع اختلاف میان روستاییان پیش قدم می شد. مردم را به ساده زیستی تشویق و نیازمندان روستا را به کمیته امداد امام خمینی (ره)



۱۴۸) **حیاتی، حسین / الف-ش: سوم**
 اردیبهشت ۱۳۴۱، در روستای ده شیخ از توابع شهرستان لامرد به دنیا آمد. پدرش علی و مادرش فاطمه نام داشت. در حد خواندن و نوشتن سواد آموخت. مغازه دار بود. ازدواج کرد و صاحب چهار پسر و دو دختر شد. به عنوان بسیجی حدود ۳ ماه در جبهه حضور داشت. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در گلزار شهدای زادگاهش واقع است. (فارس)



۱۴۹) **حیدری، صفرمحمد / الف-س:**
 دهم مهر ۱۳۳۵، در روستای ایمرمحمدقلی آخوند از توابع شهرستان گنبدکاووس به دنیا آمد. پدرش غلامحیدر و مادرش امانبیکه نام داشت. تا پایان دوره کاردانی درس خواند. معلم بود. سال ۱۳۵۳ ازدواج کرد و صاحب سه پسر و پنج دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در زادگاهش قرار دارد. (گلستان)



۱۵۰) **حیدری، قیصرعلی / الف-ش:**
 چهاردهم تیر ۱۳۳۵، در روستای ازونبلاغ تابعه شهرستان فریدن دیده به جهان گشود. پدرش صفی الله، کشاورز بود و مادرش جهان خانه داری می کرد. پدرش را در دوران کودکی از دست داد. به دلیل محرومیت و نداشتن امکانات کافی نتوانست تحصیل کند و بعدها در نهضت سوادآموزی درس خواند. هنگام کار در حفظ بیت المال بسیار می کوشید. به

معرفی می کرد. با تلاش و پیگیری او جاده روستا آسفالت شد و رفت و آمد روستاییان به راحتی انجام می گرفت. ضمن ایجاد اشتغال برای جوانان روستا، آن ها را برای کار به ادارات معرفی می کرد. حضور او حتی باعث اتحاد در روستاهای اطراف نیز شده بود. از هر فرصتی برای کمک به مردم استفاده می کرد. دوم مهر ۱۳۹۴، در منا به شهادت رسید. پیکر وی در زادگاهش به خاک سپرده شد. (خراسان رضوی)



۱۴۷) **حکیمی راد، محمد / الف-ش: سی ام**
 شهریور ۱۳۶۴، در شهرستان کاشمر به دنیا آمد. پدرش علی، چریک و عضو کادر نیروی انتظامی بود که در سال ۱۳۸۰ در مبارزه با اشراک به شهادت رسید. مادرش زهرا، خانه داری می کرد.

تا پایان دوره کارشناسی در رشته فقه و حقوق اسلامی تحصیل کرد. کارمند سازمان حج و زیارت بود. در کارش دقت و نظم زیادی داشت. ساده و بی ریا بود. از غیبت پرهیز می کرد و حرف یا انتقاد خود را رودررو بیان می نمود. به امور خانواده شهدا رسیدگی می کرد و خود را خادم آن ها می دانست. داوطلبانه شماره خود را به بنیاد داده بود تا در اختیار خانواده شهدا قرار بدهند، تا اگر کاری داشتند با او تماس بگیرند. از نماز اول وقت غافل نمی شد. به اصول و موازین اسلامی و اخلاقی پایبند بود. نگاه و زبانش را از گناه حفظ می کرد. اهل ورزش بود و در اوقات فراغت به آن می پرداخت.

سال ۱۳۸۹ ازدواج کرد. به منظور خدمت به حجاج و به عنوان مسئول حمل و نقل و هم چنین راهنمایی آن ها به سفر حج رفت. دوم مهر ۱۳۹۴، در منا به شهادت رسید. پیکرش پس از بازگشت به ایران، دوازدهم همان ماه در گلزار شهدای امامزاده سیدحمزه زادگاهش به خاک سپرده شد. (خراسان رضوی)



۱۵۱) حیران، اشکان / الف-س: سوم
 شهریور ۱۳۴۴، در روستای کلیجه از توابع شهرستان مهاباد به دنیا آمد. پدرش رحمان، کشاورزی می‌کرد و مادرش ملک‌هاس نام داشت. تا پایان دوره کارشناسی در حوزه علمیه درس خواند. روحانی بود. سال ۱۳۶۹ ازدواج کرد و صاحب یک پسر و دو دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. تاکنون اثری از پیکرش به دست نیامده است. (آذربایجان غربی)



۱۵۲) خادم‌دزفولی، مهدی / الف-ش: یکم
 شهریور ۱۳۵۴، در شهرستان قم به دنیا آمد. پدرش محمدرضا، روحانی و معلم بود و مادرش ربابه نام داشت. تا پایان دوره کاردانی در رشته مدیریت خانواده درس خواند. کارمند بنیاد شهید و امور ایثارگران و بسیجی بود. ازدواج کرد و صاحب یک پسر و یک دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در گلزار شهدای شهرستان زادگاهش قرار دارد. (قم)



۱۵۳) خادمی، احمد / الف-ش: ششم آذر
 ۱۳۲۵، در شهرستان اردکان چشم به جهان گشود. پدرش کریم و مادرش ماهتاب نام داشت. تا پایان دوره متوسطه در رشته علوم طبیعی درس خواند و دیپلم گرفت. رئیس شعبه بانک ملت بود. ازدواج کرد و صاحب دو پسر و سه دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او در گلزار شهدای شهرستان شیراز به خاک سپردند. (فارس)

مردم کمک می‌کرد و هنگام بازگشت از محل کار، داروهای مورد نیاز آن‌ها را می‌خرید و برایشان می‌برد.

سال ۱۳۶۱ ازدواج کرد و صاحب یک پسر و سه دختر شد. همواره فرزندانش را به یادگیری امور مذهبی تشویق می‌کرد. بر رعایت حجاب تأکید داشت و با مهربانی با آن‌ها برخورد می‌کرد. در حفظ حرمت خانواده بسیار می‌کوشید. در نماز جماعت شرکت می‌کرد. بی‌ادعا، کم توقع، مظلوم و سرشار از آرامش بود.

به ائمه اطهار (ع) ارادت خاصی داشت و در مراسم دینی و عزاداری شرکت می‌کرد. در دوران جنگ تحمیلی از سوی بسیج به جبهه رفت و از ناحیه پا آسیب دید. قطع پا، باعث نشد که دست از تلاش و کوشش بردارد. پیوسته قرآن می‌خواند و از مطالعه غافل نمی‌شد. بسیار ذکر می‌گفت و کثیر الصلوات بود.

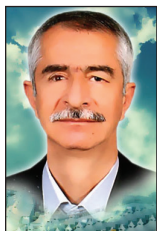
به گفته فرزند، او اطمینان داشت از سفر حج برنمی‌گردد و از دیدن خانه کعبه بسیار منقلب می‌شود، از همسرش می‌خواهد آرامش خود را حفظ کند و مراقب باشد فرزندانش ناراحت نشوند. هنگام انجام اعمال حج، روحانی کاروان به او می‌گوید که به دلیل شرایط جسمانی انجام همه امور برای او واجب نیست. ولی او اصرار می‌کند که تمام مناسک را انجام دهد. همان‌جا از همسرش برای زحماتی که برای او کشیده تشکر می‌کند و حالیت می‌طلبد.

دوم مهر ۱۳۹۴، در منا هنگام انجام فریضه حج به شهادت رسیده. پیکر او در گلزار شهدای روستای زادگاهش به خاک سپرده شد. (اصفهان)



۱۵۵) خادمی زاده، علی محمد/ الف-ش:

یکم فروردین ۱۳۳۹، در روستای دهبال از توابع شهرستان شیراز به دنیا آمد. پدرش حاجی و مادرش همدم نام داشت. تا پایان دوره کارشناسی ارشد در رشته علوم قرآنی درس خواند. سرهنگ بازنشسته سپاه پاسداران بود. سال ۱۳۶۱ ازدواج کرد و صاحب سه پسر شد. به عنوان بسیجی حدود ۲۸ ماه در جبهه حضور یافت. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را در دارالرحمه شهرستان زادگاهش به خاک سپردند. (فارس)



۱۵۶) خاکسار حقانی دهکردی،

حمیدرضا/ الف-ش: نوزدهم آذر ۱۳۳۹، در شهرستان شهرکرد به دنیا آمد. پدرش امامقلی، فروشنده لوازم خانگی بود و مادرش سلطنت نام داشت. تا پایان دوره کاردانی در رشته راه و ساختمان درس خواند. او نیز فروشنده لوازم خانگی بود. سال ۱۳۶۴ ازدواج کرد و صاحب دو پسر و یک دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در گلزار شهدای شهرستان زادگاهش قرار دارد. (چهارمحال و بختیاری)



۱۵۷) خالواحمدی، مرتضی/ الف-ش:

بیستم مهر ۱۳۲۹، در شهر صغاد از توابع شهرستان آباده دیده به جهان گشود. پدرش عباس، کارگر بود و مادرش سکینه، خانه داری می کرد. تا پایان دوره ابتدایی درس خواند. بازنشسته بانک بود. سال ۱۳۵۱ ازدواج کرد و صاحب دو پسر و سه دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را در گلزار شهدای زادگاهش به خاک سپردند. (فارس)



۱۵۴) خادمی، عبدالله/ الف-س:

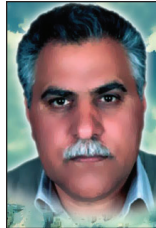
یازدهم آذر ۱۳۴۱، در شهرستان نقده به دنیا آمد. پدرش محمد به شغل سردفترداری اشتغال داشت و مادرش منیجه [منیژه] خانه دار بود. سال ۱۳۵۹ پس از پایان مقطع متوسطه و اخذ مدرک دیپلم، در دفترخانه اسناد رسمی پدرش مشغول به کار شد. سپس تا پایان مقطع کارشناسی ارشد در رشته حقوق خصوص درس خواند. سال ۱۳۶۰ ازدواج کرد و صاحب دو پسر و سه دختر شد. همواره فرزندان خود را به مردم داری، ادامه تحصیل و این که فردی مفید برای جامعه باشند، توصیه می کرد. سال ۱۳۶۵ به عنوان دفتریار مشغول به کار شد. او از معتمدین و خیرین به نام شهر بود و چند خانواده بی بضاعت تحت حمایت او بودند. مردم او را به عنوان فردی مهربان، امانت دار، نیکوکار و حامی نیازمندان می شناختند. نائب رئیس جامعه سردفترداران و دفتریاران استان آذربایجان غربی، عضو هیئت تحریریه وبلاگ نویسان دانش نامه سردفترداران و عضو انجمن حمایت از زندانیان مهاباد بود. به دلیل تجربه زیاد و مورد اعتماد بودن، همواره به حضور ایشان در جلسات مهم فرمانداری، شورای شهر و هیئت حل اختلاف احساس نیاز می شد. به ائمه اطهار علاقه مند بود و عادت به تلاوت قرآن و مطالعه داشت. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه هنگام انجام اعمال حج توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر وی هفدهم دی ماه همان سال، پس از تفحص و شناسایی در شهرستان مهاباد به خاک سپرده شد. (آذربایجان غربی)



۱۶۱) خرمالی، احمد/ الف-س: نوزدهم اردیبهشت ۱۳۴۶، در روستای چاقلی از توابع شهرستان آزادشهر به دنیا آمد. پدرش قلیچ، کشاورزی می‌کرد و مادرش آرازبخت، خانه‌دار بود. در خانواده‌ای مذهبی و متدین پرورش یافت. دوره ابتدایی و راهنمایی را در زادگاهش درس خواند. سپس برای ادامه تحصیل به گنبدکاوس رفت و دوران متوسطه را در دبیرستان شریعتی گذراند. پس از اخذ مدرک دیپلم، برای انجام خدمت سربازی در جبهه حضور یافت. پس از یازده ماه خدمت با شرکت در کنکور سراسری و قبولی در رشته بهداشت کار دهان و دندان به تحصیل در دانشگاه علوم پزشکی مشهد پرداخت.

سال ۱۳۷۶ ازدواج کرد و صاحب یک دختر و یک پسر شد. سال ۱۳۶۹ با پایان دوره کارشناسی در آزادشهر شروع به کار کرد. سال ۱۳۸۵ در مقطع کارشناسی ارشد در رشته دندانپزشکی دانشگاه تهران پذیرفته شد و همراه همسرش مشغول تحصیل شد. سرانجام پس از فارغ‌التحصیلی در سال ۱۳۸۹، به شهرستان گنبدکاوس بازگشت و با تأسیس مطب آغاز به کار کرد. علاقه زیادی به کارش داشت. با بیماران مهربان و خوش‌رو بود و همه از کارش رضایت داشتند و دعاگوی او بودند.

مهربان، خوش اخلاق، خوش‌رو و کم‌حرف بود. با فروتنی در کارخانه سهیم می‌شد. هر جمعه برای خانواده صبحانه آماده می‌کرد. در هفته دو یا سه بار در خانه جلسه برقرار می‌کرد و درباره موضوعات خانوادگی، اجتماعی و مذهبی با همسر و فرزندان گفت و گو می‌کرد. هر جمعه به دیدن پدر و مادر خود می‌رفت. جویای حالشان می‌شد و به آن‌ها کمک می‌کرد. دعای پدر و مادر همیشه بدرقه راهش بود. در امور خیر مانند کمک به ساخت مسجد و مدرسه، کمک به ازدواج جوانان و بیماران نیازمند پیش قدم بود. برای معاینه دانش‌آموزان به مدرسه می‌رفت و دانش‌آموزان بی‌بضاعت را به صورت رایگان درمان می‌کرد. مشاور اقتصادی خوبی برای نزدیکان و دوستان بود و همه از مشورت با او رضایت داشتند. بسیار متواضع بود



۱۵۸) خانی، عبدالصمد/ الف-ش: بیستم بهمن ۱۳۳۶، در شهرستان نیشابور به دنیا آمد. پدرش علی و مادرش فاطمه نام داشت. تا پایان دوره متوسطه درس خواند و دیپلم گرفت. ازدواج کرد و صاحب دو پسر و یک دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را در روستای خرمبک یغما تابعه شهرستان زادگاهش به خاک سپردند. (خراسان رضوی)



۱۵۹) خانی، ولی/ الف-ش: بیست و هفتم اردیبهشت ۱۳۳۳، در روستای بیضا از توابع شهرستان سپیدان به دنیا آمد. پدرش علی و مادرش شاهی نام داشت. تا سوم ابتدایی درس خواند. راننده کامیون بود. سال ۱۳۵۳ ازدواج کرد و صاحب دو پسر و دو دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در زادگاهش قرار دارد. (فارس)



۱۶۰) خجسته، محمدحسین/ الف-ش: چهارم دی ۱۳۳۵، در شهرستان تبریز دیده به جهان گشود. پدرش محمدصادق و مادرش کوکب نام داشت. تا پایان دوره متوسطه در رشته ریاضی درس خواند و دیپلم گرفت. به شغل آزاد پرداخت. وی عضو خیرین شهر تبریز بود که سرپرستی ۳۵ یتیم را نیز به عهده داشت. سال ۱۳۶۵ ازدواج کرد و صاحب دو دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. تاکنون اثری از پیکرش به دست نیامده است. (آذربایجان شرقی)



۱۶۳) خلیلی، ابوالقاسم/ الف-ش: یازدهم مرداد ۱۳۴۳، در شهرستان ازنا چشم به جهان گشود. پدرش احمد و مادرش خدیجه نام داشت. تا پایان دوره متوسطه در رشته انسانی درس خواند و دیپلم گرفت. بازنشسته صنایع دفاع بود. سال ۱۳۷۲ ازدواج کرد و صاحب یک پسر و یک دختر شد. در جبهه حضور یافت و مجروح و اسیر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در شهرستان زادگاهش قرار دارد. (لرستان)



۱۶۴) خندان، محمد/ الف-ش: یکم آبان ۱۳۴۷، هنگام اذان ظهر در روستای حسین آباد از توابع شهرستان جم به دنیا آمد. پدرش برجعلی، باغبان بود و مادرش هاجر، خانه داری می کرد. دوران ابتدایی را در روستا درس خواند. به عنوان بسیجی عازم جبهه شد و در جبهه های خرمشهر، اهواز، شلمچه و فاو حضور داشت و در فاو بر اثر بمباران شیمیایی مجروح شد. ولی دوست نداشت کسی بداند و می گفت: «در برابر ایثار شهدا کوچک هستم». هم زمان با حضور در جبهه در رشته ریاضی فیزیک دیپلم گرفت. سال ۱۳۶۷ به استخدام سپاه پاسداران درآمد و در موسسه حرا - قرارگاه خاتم الانبیا مشغول به کار شد. در انجام وظیفه بسیار دقیق بود و در حفظ بیت المال می کوشید. نسبت به کارگراها بسیار مهربان بود. سال ۱۳۷۰ در کنکور سراسری در رشته مهندسی عمران دانشگاه فنی و مهندسی شیراز پذیرفته شد.

سال ۱۳۷۴ ازدواج کرد و صاحب دو دختر شد. بر تربیت مذهبی فرزندان تأکید داشت و بسیار مهربان

و تا جایی که می توانست خودش را به عنوان پزشک معرفی نمی کرد. با این که بسیار مشغله داشت، از ورزش غافل نمی شد. در هر فرصتی به پیاده روی، تنیس روی میز و بدمیتون می پرداخت.

حدود ۱۰ سال در انتظار اعزام به سفر حج بود. سرانجام سال ۱۳۹۴ همراه با همسر و پدر همسرش آماده سفر شد. در طول سفر بسیار به عبادت می پرداخت. انس و علاقه خاصی به مسجدالنبی داشت و تمام نمازهایش را آن جا می خواند. در مکه به نیابت از اطرافیان قرآن می خواند و طواف می کرد.

به نقل از همسرش: «پس از عبادت و راز و نیاز در منا، عازم عرفات شدیم. بعد از نماز ظهر روحانی کاروان گفت که حالا حاجی شده اید. به یکدیگر تبریک بگویید و حلالیت بطلبید. بسیار گریستیم و از همدیگر حلالیت طلبیدیم. شب تا صبح به راز و نیاز در مشعرالحرام گذشت. صبح برای رمی جمرات به سوی منا حرکت کردیم. هنوز نیم ساعت نگذشته بود که بر اثر ازدحام جمعیت حرکت زائران متوقف شد و سرانجام به علت گرما و تشنگی شدید، همسر و پدرم به شهادت رسیدند.»

دوم مهر ۱۳۹۴، هنگام انجام اعمال حج در منا به شهادت رسید. پیکرش یازدهم مهر همان سال پس از تشییع در گلزار شهدای شهرستان گنبد کاووس به خاک سپرده شد. (گلستان)



۱۶۲) خرمالی، خدیجه/ الف-س: سوم مهر ۱۳۴۳، در شهرستان آزادشهر به دنیا آمد. پدرش بیرام و مادرش قزل نام داشت. تا پایان دوره کارشناسی در رشته آموزش ابتدایی درس خواند. خانه دار و معلم بود. سال ۱۳۶۴ ازدواج کرد و صاحب یک دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در روستای سلطانعلی تابعه زادگاهش قرار دارد. همسرش معظم نوری خرمالی نیز شهید شده است. (گلستان)



(۱۶۶) خوان پایه، حسن / الف-س: هشتم
تیر ۱۳۱۹، در روستای درمان از توابع شهرستان مهاباد چشم به جهان گشود. پدرش سیدعبدالله، کارگر بود و مادرش عایشه، خانه‌داری می‌کرد. به دلیل نبود امکانات کافی هرگز نتوانست تحصیل کند. کارگر کشاورزی بود. سال ۱۳۳۳ ازدواج کرد و صاحب دو پسر و چهار دختر شد. پیوسته فرزندانش را به انجام نماز اول وقت، خدمت به مردم و کسب مال حلال توصیه می‌کرد.

بسیار ساده، مردم‌دار و نیکوکار بود. مردم او را به عنوان فردی با ایمان، راستگو و اهل کسب حلال می‌شناختند. صبور، باحوصله و در امور رسیدگی به مزرعه بسیار دقیق و منظم بود.

فرزندش کریم در جنگ تحمیلی به شهادت رسید. مدتی قبل از اعزام به حج تصادف شدیدی کرد و آسیب زیادی به او رسید. علیرغم اینکه همه به او گفتند به دلیل همین صدمات به سفر حج نرود، نپذیرفت و برای انجام فریضه حج عازم عربستان شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منا توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. تاکنون اثری از پیکر وی به دست نیامده است. (آذربایجان غربی)

به آن‌ها وظایفشان را یادآوری می‌کرد. هرگز نماز اول وقت او ترک نشد. خوش اخلاق بود و در کمک به نیازمندان، تأمین هزینه ازدواج جوانان و کمک به ساخت مساجد پیش قدم می‌شد. اهل عمل بود و سعی می‌کرد با عمل درست الگوی دیگران باشد. به فاطمه زهرا (س) ارادت خاصی داشت. برای برپایی مجالس مذهبی به خصوص در شب‌های قدر تلاش می‌کرد و پیوسته آرزویش را که شفاعت امام حسین (ع) بود تکرار می‌نمود.

سال ۱۳۹۲ موفق به اخذ مدرک کارشناسی ارشد در رشته مهندسی و مدیریت راه و ساختمان از دانشگاه جامع امام حسین (ع) تهران شد. همواره برای رضای خداوند می‌کوشید و از ریا پرهیز می‌کرد. تا زمان شهادت فرزندان او نمی‌دانستند که پدرشان چه شغلی دارد و هرگاه از او می‌پرسیدند، می‌گفت: «کارگر هستم»

دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منا توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر وی دوازدهم همان ماه در گلزار شهدای شهرستان زادگاهش به خاک سپرده شد. (بوشهر)



(۱۶۷) خورسند، غلامرضا / الف-ش:
هفتم فروردین ۱۳۱۶، در شهرستان لنگرود دیده به جهان گشود. پدرش علی (فوت ۱۳۴۴) کشاورزی می‌کرد و مادرش زلیخا (فوت ۱۳۶۵) نام داشت. تا پایان دوره متوسطه در رشته ادبیات درس خواند و دیپلم گرفت. کارمند بازنشسته بانک کشاورزی بود. سال ۱۳۳۷ ازدواج کرد و صاحب دو پسر و دو دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در گلزار شهدای زادگاهش قرار دارد. (گیلان)



(۱۶۵) خواجه‌پور، حسن / الف-ش:
بیست و هشتم آذر ۱۳۵۹، در شهرستان گراش به دنیا آمد. پدرش محمد و مادرش نصرت نام داشت. تا پایان دوره راهنمایی درس خواند. راننده وانت بود. سال ۱۳۸۳ ازدواج کرد و صاحب دو دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او در گلزار شهدای شهرستان گراش به خاک سپردند. (فارس)



۱۷۱) دارابی، فتح‌الله/ الف-ش: سوم فروردین ۱۳۴۰، در روستای قادی کلای بزرگ از توابع شهرستان قائم‌شهر به دنیا آمد. پدرش رستم و مادرش ام‌کلثوم، کشاورزی می‌کردند. در خانواده‌ای مذهبی و زحمت‌کش پرورش یافت.

به مدرسه رفت و تا دوره راهنمایی در همان روستا درس خواند. در سیزده سالگی پدرش را از دست داد و برای کار به تهران آمد. به حرفه نجاری و منبت‌کاری پرداخت و ضمن کار به تحصیلات خود نیز ادامه داد. تا پایان دوره متوسطه در رشته برق صنعتی درس خواند و دیپلم گرفت. در کارش بسیار مقرراتی و مردم‌دار بود. بعدها به قائم‌شهر بازگشت و به عنوان کارگر نساجی مشغول به کار شد. سال ۱۳۵۹ با آغاز جنگ تحمیلی به عنوان بسیجی در جبهه حضور یافت و بر اثر اصابت ترکش انگشت شصت اشاره دست خود را از دست داد. او که اولین جانباز شهر خود بود، با وجود آسیب‌دیدگی دوباره به جبهه بازگشت و ۵ سال در جبهه حضور داشت.

سال ۱۳۶۰ ازدواج کرد و صاحب یک دختر و دو پسر شد. با وجود این که فردی مذهبی بود، هرگز فرزندان را برای انجام تکالیف شرعی تحت فشار نمی‌گذاشت و سعی می‌کرد با رفتار خوب الگوی آن‌ها شود. در مشکلات آن‌ها را به صبر دعوت می‌کرد و معتقد بود صبر، حلال همه مشکلات است. پیوسته آن‌ها را به صداقت و پرهیز از غیبت سفارش می‌کرد. بسیار خوش‌رو و خوش‌اخلاق بود. با مردم از کوچک و بزرگ معاشرت داشت و به آن‌ها در برپایی مراسم عزاداری و مجالش شادی (آشپزی) کمک می‌کرد. بسیار زحمت‌کش بود و با وجود آسیب‌دیدگی در جنگ و مبتلا شدن به بیماری سرطان (از سال ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۴) هرگز از پا نمی‌نشست و کار می‌کرد. متوقع نبود و هرگز نخواست از موقعیت جانبازی خودش استفاده کند. وقتی پسرش از او خواست از امتیاز وی استفاده کند تا به خدمت سربازی نرود، گفت: «پسرم من این کار را انجام می‌دهم ولی بعد از آن نزد من برنگرد و دیگر فرزند من نیستی.»

به سختی کار می‌کرد تا بتواند خانواده پرجمعیت خود را تأمین کند. او که نجار ماهری بود، به خانه افراد نیازمند، پیرزن‌های بی‌سرپرست



۱۶۸) خورشیدوند، ماشاء‌الله/ الف-ش: ششم فروردین ۱۳۲۵، در روستای کرچیان از توابع شهرستان ازنا به دنیا آمد. پدرش کرسفید و مادرش گلی نام داشت. در حد خواندن و نوشتن سواد آموخت.

کشاورز بود. سال ۱۳۴۶ ازدواج کرد و صاحب شش پسر و چهار دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را در زادگاهش به خاک سپردند. (لرستان)



۱۶۹) خوشخویی، شکر‌الله/ الف-ش: بیستم مهر ۱۳۳۲، در شهرستان شهرضا به دنیا آمد. پدرش هاشم و مادرش را فاطمه‌صغرا می‌نامیدند. تا پایان دوره راهنمایی درس خواند. مغازه الکتریکی داشت.

سال ۱۳۵۹ ازدواج کرد و صاحب سه دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را در گلزار شهدای زادگاهش به خاک سپردند. (اصفهان)



۱۷۰) خیرآبادی، ابوالفضل/ الف-ش: یکم تیر ۱۳۵۲، در شهرستان نیشابور به دنیا آمد. پدرش علی‌اکبر و مادرش خانم‌جان نام داشت. تا پایان دوره ابتدایی درس خواند. کشاورز و بسیجی بود. ازدواج کرد و صاحب دو پسر و یک دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید.

پیکر او را در روستای عشق‌آباد تابعه شهرستان زادگاهش به خاک سپردند. (خراسان رضوی)



۱۷۴) دامغانی، فاطمه/ الف-ش: یکم
 خرداد ۱۳۳۳، در روستای رودیان از توابع
 شهرستان شاهرود دیده به جهان گشود.
 پدرش ذبیح‌الله، کشاورزی می‌کرد و
 مادرش خدیجه نام داشت. خانه‌دار بود.
 ازدواج کرد و صاحب سه پسر و شش دختر شد. بیستم
 شهریور ۱۳۹۴، در مسجدالحرام بر اثر سانحه سقوط جرثقیل
 به شهادت رسید. پیکر او را در زادگاهش به خاک سپردند.
 همسرش علیرضا عامری نیز در این واقعه شهید شده است.
 (سمنان)



۱۷۵) دانش، حسن/ الف-ش: دهم تیم
 ۱۳۶۵، در خانواده‌ای مذهبی و متدین
 در شهرستان یزد به دنیا آمد. پدرش
 علی‌بمان و مادرش اقدس نام داشت. از
 سن سه چهار سالگی همراه با مادرش
 در جلسات قرآنی شرکت می‌کرد. علاقه فراوانی به
 تلاوت قرآن داشت. تا پایان دوره متوسطه در رشته
 ریاضی درس خواند و دیپلم گرفت. سپس به فراگیری
 علوم دینی و حوزوی پرداخت. طلبه و از اعضای کاروان
 قرآنی جمهوری اسلامی ایران بود. سال ۱۳۸۷ مصادف
 با تولد امام رضا (ع) ازدواج کرد. پس از آن همراه
 با همسرش به کربلا رفتند و در بین‌الحرمین با خرید
 شیرینی و پخش آن میان کاروان‌ها سالگرد ازدواج‌شان
 را جشن گرفتند. حاصل ازدواجش دو دختر بود.
 همواره در خانه صوت زیبای قرآن خواندنش به گوش
 می‌رسید. فردی آرام، متین، مهربان، متواضع و فروتن بود.
 هیچ‌گاه استرس در چهره و رفتارش نمود نداشت. بسیار
 خوش‌پوش بود. هر شب همراه با همسرش یک صفحه از
 قرآن را با تفسیر می‌خواند و درباره آن بحث می‌کرد. ندای
 قرآن بر فرزندان‌ش تأثیر به‌سزایی داشت و همسرش آن
 را مایه برکت و آرامش در زندگی‌شان می‌دانست. زندگی

و زوج‌های جوان می‌رفت و بی‌چشم‌داشت به آن‌ها یاری می‌رساند.
 هرگز برای کارهایی که انجام می‌داد پولی نمی‌گرفت و می‌گفت:
 «برای پدر و مادرم فاتحه بخوانید.» اگر در زندگی اطرافیان مشکلی
 پیش می‌آمد و یا زندگی کسی در آستانه جدایی قرار می‌گرفت،
 پیش قدم می‌شد و برای حل آن تلاش می‌کرد. اهل هیئت و مجالس
 عزاداری امام حسین (ع) بود و ضمن خدمت در این مراسم، در
 اربعین غذای نذری میان مردم پخش می‌کرد.
 دوم مهر ۱۳۹۴، هنگام انجام اعمال حج در منا به شهادت رسید.
 پیکرش سیزده روز بعد به ایران بازگشت و در گلزار شهدای مسجد
 شهید احمد سلامتیان زادگاهش به خاک سپرده شد. (مازندران)



۱۷۲) داز، بایرام‌بی‌بی/ الف-س: بیست و
 چهارم مهر ۱۳۴۲، در شهرستان آزادشهر
 دیده به جهان گشود. پدرش خانمحمد
 و مادرش دوندی نام داشت. خواندن و
 نوشتن نمی‌دانست. خانه‌دار بود. سال
 ۱۳۶۴ ازدواج کرد و صاحب سه پسر و چهار دختر شد.
 دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی
 به شهادت رسید. پیکر او را در شهرستان گنبدکاووس به
 خاک سپردند. (گلستان)

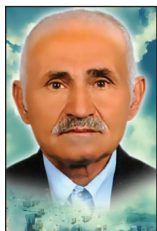


۱۷۳) داغستانی، غلامرضا/ الف-ش:
 یکم فروردین ۱۳۲۵، در شهرستان
 نیشابور دیده به جهان گشود. پدرش
 اسماعیل و مادرش جواهر نام داشت. تا
 پایان دوره ابتدایی درس خواند. ازدواج
 کرد و صاحب سه پسر و دو دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در
 حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید.
 مزار او در روستای ده‌شیخ تابعه شهرستان زادگاهش قرار
 دارد. (خراسان رضوی)



۱۷۶) دانش طلب، محمدسعید/ الف-ش:

هجدهم فروردین ۱۳۳۸، در شهرستان نیشابور به دنیا آمد. پدرش عبدالحسین و مادرش سلطان نام داشت. تا پایان دوره متوسطه درس خواند و دیپلم گرفت. نیروی تأسیساتی بود. سال ۱۳۵۹ ازدواج کرد و صاحب یک پسر و دو دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در بهشت رضای شهرستان مشهد قرار دارد. (خراسان رضوی)



۱۷۷) داودی کورانی، هرمز/ الف-ش:

یکم خرداد ۱۳۲۳، در روستای کران تابعه شهرستان فارسان به دنیا آمد. پدرش عزیز و مادرش ماهی نام داشت. خواندن و نوشتن نمی دانست. کشاورز بود. ازدواج کرد و صاحب سه پسر و سه دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را در زادگاهش به خاک سپردند. (چهارمحال و بختیاری)

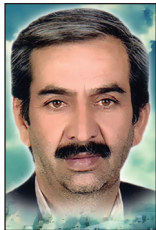


۱۷۸) درستکار، مهدی/ الف-ش: پنجم

شهریور ۱۳۴۶، در شهرستان یزد به دنیا آمد. پدرش حسین و مادرش فاطمه نام داشت. تا پایان دوره راهنمایی درس خواند. شغلش آزاد بود. سال ۱۳۸۸ ازدواج کرد و صاحب دو پسر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در خلدبرین شهرستان زادگاهش قرار دارد. (یزد)

او و فرزندانش با قرآن عجین شده بود. سال ۱۳۹۰ پس از رسیدن به مقام پنجم مسابقات بین‌المللی قرآن کریم جمهوری اسلامی ایران، به مسابقات بین‌المللی قرآن در کشور تونس اعزام شد و به کسب رتبه برتر نایل آمد. سه سال بعد در اسفند ماه ۱۳۹۳، در سی و هفتمین دوره مسابقات بین‌المللی قرآن کریم به رتبه نخست بخش قرائت دست یافت. وی برای موفقیت در مسابقات قرآنی تلاش زیادی می‌کرد البته هدف وی مطرح شدن و دیده شدن در سطح دنیا و کشور نبود، بلکه می‌خواست به شاگردانش بفهماند که یک قاری شهرستانی هم می‌تواند در سطح کشور و یا حتی بین‌الملل بدرخشد. از اینکه به هدفش رسیده، بسیار خوشحال بود و موجب شد که شاگردانش هم پشت‌کار بیشتری پیدا کنند و به دور از دغدغه و با اعتماد به نفس در مسابقات شرکت کنند. سال ۱۳۹۴، به خاطر کسب رتبه اول مسابقات بین‌المللی برای پنجمین بار از سوی بعثه مقام معظم رهبری به حج اعزام شد. از این که بار دیگر به مکه می‌رود بسیار خوشحال بود.

همسرش می‌گوید: «قبل از رفتن به عارفه و مانده (دو دخترم) گفت: مراقب مادرتان باشید و به حرفش گوش بدهید تا من برگردم» او با خنده سفارش مرا به فرزندانمان می‌کرد و حالا برعکس آن اتفاق افتاده و من باید در نبود او مراقب دو دخترم باشم.» آرزوی شهادت داشت و همیشه به همسرش می‌گفت: «انشاءالله شهید می‌شوم و نزد خداوند شفاعتت را خواهم کرد» در سفر هر روز با خانواده در تماس بود، آخرین تماس وی در شب چهارشنبه (شب قبل از فاجعه منا) بود که با همسر و فرزندانش به صورت تصویری صحبت کرد. سرانجام دوم مهر در فاجعه منا به شهادت رسید. دوازده روز بعد، پیکرش را تشییع و در رواق دارالزهد حضرت امامزاده جعفر(ع) به خاک سپردند. (یزد)



۱۸۲) دشتی، محمود/ الف-ش: یکم فروردین ۱۳۴۷، در روستای شامکان از توابع شهرستان سبزوار به دنیا آمد. پدرش محمد، کشاورزی می‌کرد و مادرش بتول نام داشت. تا پایان دوره ابتدایی درس خواند. راننده و بسیجی بود. سال ۱۳۶۷ ازدواج کرد و صاحب سه پسر و یک دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. تاکنون اثری از پیکرش به دست نیامده است. (خراسان رضوی)



۱۷۹) درودی، رضا/ الف-ش: یکم تیر ۱۳۵۷، در روستای زبرخان از توابع شهرستان نیشابور به دنیا آمد. پدرش مرادعلی و مادرش عظمنا نام داشت. تا دوم راهنمایی درس خواند. راننده تاکسی بود. ازدواج کرد و صاحب دو پسر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را در زادگاهش به خاک سپردند. (خراسان رضوی)



۱۸۳) دلیری، علی اکبر/ الف-ش: دوم شهریور ۱۳۳۲، در شهرستان بیرجند به دنیا آمد. پدرش غلامرضا، کشاورزی می‌کرد و مادرش بانو نام داشت. تا پایان دوره ابتدایی درس خواند. او نیز کشاورز بود. سال ۱۳۵۴ ازدواج کرد و صاحب سه پسر و سه دختر شد. مدت ۳ ماه به عنوان بسیجی در جبهه حضور داشت. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در گلزار شهدای روستای واشان تابعه شهرستان زادگاهش قرار دارد. (خراسان جنوبی)



۱۸۰) دریانورد، حمید/ الف-ش: یکم تیر ۱۳۳۷، در شهرستان بندرریگ به دنیا آمد. پدرش شهباز و مادرش منیجه [منیژه] نام داشت. تا پایان دوره کارشناسی در رشته مدیریت دولتی درس خواند. بازنشسته سازمان شهرداری بود. ازدواج کرد و صاحب سه پسر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در زادگاهش قرار دارد. (فارس)



۱۸۴) دوست علی زاده، محمد/ الف-ش: دوم اردیبهشت ۱۳۴۲، در شهر بجستان از توابع شهرستان مشهد دیده به جهان گشود. پدر او احمد، میوه‌فروش بود و مادرش مهربانو، به خانه‌داری و تدریس قرآن در پایگاه بسیج اشتغال داشت. در خانواده‌ای مذهبی پرورش یافت. دوران مدرسه را با موفقیت به پایان رساند. تا پایان مقطع کارشناسی ارشد در رشته الهیات درس خواند و سپس به ادامه تحصیل در دوره دکترا پرداخت.



۱۸۱) دشتی، ابوالفضل/ الف-ش: دهم بهمن ۱۳۲۹، در شهرستان نیشابور به دنیا آمد. پدرش علی اصغر، کشاورزی می‌کرد و مادرش صفرا نام داشت. تا پایان دوره ابتدایی درس خواند. بازنشسته بهداری و کشاورز بود. ازدواج کرد و صاحب سه پسر و سه دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را در بهشت فضل شهرستان زادگاهش به خاک سپردند. (خراسان رضوی)

نورانی است. چون همیشه شوخ طبع بود فكر كردم مزاح می كند. چند نفر را هم نشان داد و پرسید مگر شما نمی بینید چقدر صورتشان نورانی شده است. بعد از فاجعه منا متوجه شدم کسانی را كه نام برده بود، همه جزو شهدا بودند.»
دوم مهر ۱۳۹۴، در منا هنگام انجام اعمال حج به شهادت رسید. پیکر او را در بهشت رضای شهرستان زادگاهش به خاک سپردند.
از این شهید بزرگوار دفتر شعری كه سروده خود اوست، دل نوشته و تعدادی آثار صوتی سخنرانی باقی مانده است. (خراسان رضوی)



۱۸۵ دولتی، یوسف/ الف-ش: بیست و نهم اسفند ۱۳۲۶، در شهرستان میانه دیده به جهان گشود. پدرش عینعلی و مادرش پریزاد نام داشت. تا پایان دوره کاردانی در رشته عمران درس خواند. ازدواج کرد و صاحب یک پسر و سه دختر شد. به عنوان بسیجی مدتی در جبهه خدمت می کرد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در بهشت زهراي شهرستان تهران قرار دارد. (آذربایجان شرقی)



۱۸۶ دولو، طویقلی/ الف-س: دهم آذر ۱۳۱۵، در شهرستان گمیشان به دنیا آمد. پدرش تواق بردی، دامداری می کرد و مادرش گوزل تاج نام داشت. تا پایان دوره ابتدایی درس خواند. بازنشسته سازمان تأمین اجتماعی بود. سال ۱۳۳۶ ازدواج کرد و صاحب سه پسر و شش دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در گلزار شهدای کوره سوه زادگاهش قرار دارد. او را تاج محمد نیز می نامیدند. (گلستان)

او نیز مانند بسیاری از مردم در تظاهرات قبل انقلاب شرکت می کرد و برای پیروزی انقلاب می کوشید. پس از پیروزی انقلاب و با آغاز جنگ تحمیلی به عرصه مبارزه بازگشت. به عنوان بسیجی به جبهه رفت. مدت زیادی در جبهه بود و بر اثر بمباران شیمیایی و اصابت ترکش به سر دچار آسیب شد. تا پایان عمر گرفتار عوارض بمباران شیمیایی بود. به طوری كه چند بار در سال بدنش تاول می زد و عفونت می کرد. روحانی، رئیس اداره مددکاری بنیاد شهید استان خراسان رضوی، مشاور استاندار در امور ایثارگران جنگ، فرمانده بسیج بجستان و خادم الشهداء بود. برای خدمت به خانواده شهدا از هیچ تلاشی غافل نمی شد. موازین قانونی و شرعی را رعایت می کرد و در حفظ بیت المال می کوشید.

سال ۱۳۶۲ ازدواج کرد كه ثمره آن سه دختر و یک پسر بود. علیرغم مسئولیت های زیاد از تربیت اسلامی فرزندان خود غافل نماند. بسیار مهربان، خوش خلق، صبور و مهمان نواز بود. وقتی از شهرستان برای او مهمان می رسید هر تلاشی لازم بود برای حل گرفتاری آنها انجام می داد. او كه مددکاری دلسوز و با محبت در محیط کار بود، برای حل مشکلات اطرافیان خود نیز می کوشید. در حل اختلافات خانوادگی و اجتماعی پیش قدم می شد. بسیار مورد مشورت قرار می گرفت و در امور ازدواج جوانان به عنوان بزرگتر كمك می کرد. سخنران حرم امام رضا (ع) بود و به امام حسین (ع) ارادت زیادی داشت. همیشه مشتاق زیارت حرم او بود و با شور و علاقه خاصی هر روز زیارت عاشورا می خواند.

در دوران بازنشستگی به کشاورزی و درخت کاری می پرداخت و در خانه کارهای مختلفی از جمله برقکاری، نجاری و گچ کاری انجام می داد.

برای زیارت خانه خدا و انجام اعمال حج، راهی سفر شد. در طول سفر به همسفران و دیگر زائران خدمت می کرد.

روحانی کاروان می گوید: «زمانی كه به منا می رفتیم، به من گفت: بعضی از افرادی كه اینجا هستند صورتشان بسیار



۱۹۰) ذاکری، هادی / الف-ش: یکم شهریور ۱۳۴۵، در شهرستان داورزن دیده به جهان گشود. پدرش شیخ خلیل الله، روحانی بود و مادرش زینب، خانه‌داری می‌کرد. خانواده او در همان سال به تهران آمدند و تا سوم ابتدایی در تهران درس خواند. پس از آن مجدد به داورزن بازگشتند و نیمه دوم تحصیلات ابتدایی و مقاطع راهنمایی و متوسطه را تا پایان سال سوم در داورزن با موفقیت سپری نمود.

او در کنار تحصیل یار و مددکار خانواده بود، به دنبال آن سال چهارم دبیرستان را به دلیل فقدان این پایه تحصیلی در داورزن به مشهد مقدس عزیمت کرد. پس از دریافت دیپلم هم‌زمان با تحصیل علوم دینی در آزمون دانشگاه علوم اسلامی رضوی شرکت نمود و توانست در این رشته قبول شود. حدود ۵ سال در این دانشگاه به کسب معارف الهی و معالم دینی پرداخت. سال ۱۳۶۷ ازدواج کرد و صاحب دو پسر و یک دختر شد.

حدود دو ماه به عنوان بسیجی در جبهه‌های جنگ حضور یافت. وی در سال ۱۳۷۲ به عنوان معلم حق التدریس در آموزش و پرورش مشهد مشغول شد.

در شهرک رضوی مشهد سکونت یافت، به مدت ۸ سال عضویت و مسئولیت شورای اسلامی این شهرک را بر عهده داشت و در شورای حل اختلاف نیز گره‌گشای مردم این منطقه بود.

از هیچ کوششی برای ارتقاء شهر داورزن و اتحاد و صمیمیت مردم خوب و محروم آن فروگذار نکرد. از مسئولیت‌هایش در شهرستان می‌توان به عضویت در شورای حل اختلاف، شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی، امام جمعه موقت، معاونت پرورشی آموزش و پرورش شهرستان، خیریه سردار شهید داورزنی زیر نظر کمیته امداد و مسئولیت در دارالقرآن آموزش و پرورش و امام جماعت مسجد قباي داورزن اشاره نمود.



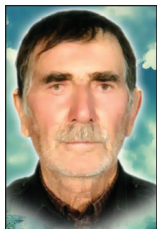
۱۸۷) دهقان پوراینچه‌برون، قربان بی‌بی / الف-س: دوازدهم اسفند ۱۳۳۱، در شهرستان گنبدکاووس به دنیا آمد. پدرش امان‌طغان و مادرش بی‌بی نام داشت. تا پایان دوره ابتدایی درس خواند. خانه‌دار بود. سال ۱۳۶۵ ازدواج کرد و صاحب دو پسر و دو دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در زادگاهش قرار دارد. (گلستان)



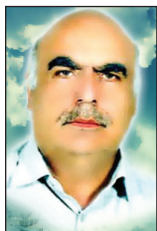
۱۸۸) دهقان خیاوی، مالک / الف-ش: پانزدهم اسفند ۱۳۴۱، در شهرستان مشگین‌شهر به دنیا آمد. پدرش محمود، فروشنده بود و مادرش نصیبه نام داشت. تا پایان دوره کارشناسی در رشته برق درس خواند. بازنشسته اداره برق، کارشناس دادگستری و بازرس نظام مهندسی بود. سال ۱۳۷۴ ازدواج کرد و صاحب سه پسر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را در گلزار شهدای بهشت فاطمه شهرستان اردبیل به خاک سپردند. (اردبیل)



۱۸۹) دهنوی، محمدابراهیم / الف-ش: دهم آذر ۱۳۲۴، در شهرستان نیشابور به دنیا آمد. پدرش جبار، کشاورزی می‌کرد و مادرش فاطمه نام داشت. تا پایان دوره راهنمایی درس خواند. او نیز کشاورز بود. ازدواج کرد و صاحب دو پسر و دو دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در بهشت فضل شهرستان زادگاهش واقع است. (خراسان رضوی)



۱۹۳ **رادپور، عبدالله/ الف-س:** یکم مهر ۱۳۱۸، در روستای زیوه از توابع شهرستان مهاباد به دنیا آمد. پدرش یوسف و مادرش فاطمه نام داشت. خواندن و نوشتن نمی دانست. کشاورز بود. سال ۱۳۴۶ ازدواج کرد و صاحب شش پسر و چهار دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در زادگاهش قرار دارد. (آذربایجان غربی)



۱۹۴ **رازانی، علی/ الف-ش:** دوم فروردین ۱۳۳۷، در شهرستان کوهدهشت به دنیا آمد. پدرش فاضل و مادرش صنمیر نام داشت. تا پایان دوره راهنمایی درس خواند. مدیرعامل شرکت تعاونی روستایی بود. سال ۱۳۵۵ ازدواج کرد و صاحب دو پسر و سه دختر شد. مدتی در جبهه خدمت می کرد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در روستای رازان تابعه شهرستان خرم آباد قرار دارد. (لرستان)



۱۹۵ **راکعی، محمد/ الف-ش:** چهارم آبان ۱۳۲۳، در شهرستان شیراز چشم به جهان گشود. پدرش اصغر، نانوا بود و مادرش رباب نام داشت. تا پایان دوره متوسطه در رشته اقتصاد درس خواند و دیپلم گرفت. کارمند بازنشسته اداره ثبت اسناد بود. سال ۱۳۵۲ ازدواج کرد و صاحب یک پسر و دو دختر شد. به عنوان بسیجی در جبهه حضور یافت. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در گلزار شهدای زادگاهش قرار دارد. او را هادی نیز می نامیدند. (فارس)

از ابتدای ورودش به داورزن در تربیت دانش آموزان تلاش می نمود. وی برابر تأیید مسئولین وقت سازمان حج و زیارت کشور و استان خراسان رضوی در مسیر رفتن برای رمی جمرات در روز عید قربان سال ۱۳۹۴، به دلیل بی تدبیری و بسته شدن عمدی راهها توسط سعودیها، بر اثر ازدحام زائران خانه خدا با لبانی تشنه و لیبیک گویان دعوت حق را لیبیک گفت و از سرزمین منا به سوی معبود شتافت. پیکر او را پس از تشییع در زادگاهش به خاک سپردند. (خراسان رضوی)



۱۹۱ **ذبیح زاده پاشا، علی/ الف-ش:** بیست و یکم شهریور ۱۳۲۲، در روستای پاشامیر از توابع شهرستان بابل دیده به جهان گشود. پدرش شهاب الدین، کشاورزی می کرد و مادرش لیلا نام داشت. خواندن و نوشتن نمی دانست. او نیز کشاورز بود. سال ۱۳۴۴ ازدواج کرد و صاحب یک پسر و دو دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در آرامگاه سید نظام الدین زادگاهش قرار دارد. برادرش علی اکبر نیز در این واقعه شهید شده است. (مازندران)



۱۹۲ **ذبیح زاده پاشا، علی اکبر/ الف-ش:** هفتم آذر ۱۳۲۵، در روستای پاشامیر تابعه شهرستان بابل به دنیا آمد. پدرش شهاب الدین، کشاورزی می کرد و مادرش لیلا نام داشت. خواندن و نوشتن نمی دانست. او نیز کشاورز بود. سال ۱۳۴۸ ازدواج کرد و صاحب پنج پسر و دو دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را در آرامگاه سید نظام الدین زادگاهش به خاک سپردند. برادرش علی نیز به شهادت رسیده است. (مازندران)



۱۹۹ (رحمانی، قاسم/ الف-ش: نهم دی ۱۳۲۷، در روستای بریو از توابع شهرستان لامرد دیده به جهان گشود. پدرش محمد، دامداری می‌کرد و مادرش سمنبر نام داشت. خواندن و نوشتن نمی‌دانست. او نیز دامدار بود. سال ۱۳۴۸ ازدواج کرد و صاحب هفت پسر و هفت دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را در زادگاهش به خاک سپردند. (فارس)



۱۹۶ (ربیع‌نژاد کومله، محمود/ الف-ش: سوم مرداد ۱۳۴۴، در شهرستان لنگرود به دنیا آمد. پدرش ابوالحسن، کشاورزی می‌کرد و مادرش نجمه (فوت ۱۳۹۰) نام داشت. تا پایان دوره کاردانی در رشته مدیریت دولتی درس خواند. کارمند شرکت مخابرات بود. ازدواج کرد و صاحب یک پسر و یک دختر شد. در جبهه حضور یافت و مجروح شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در روستای کومله تابعه شهرستان زادگاهش قرار دارد. (گیلان)



۲۰۰ (رحمانی، مصطفی/ الف-ش: یکم فروردین ۱۳۵۴، در روستای بریو از توابع شهرستان لامرد به دنیا آمد. پدرش قاسم (شهادت ۱۳۹۴) دامداری می‌کرد و مادرش مریم نام داشت. تا پایان دوره ابتدایی درس خواند. او نیز دامدار و بسیجی بود. سال ۱۳۷۵ ازدواج کرد و صاحب یک پسر و چهار دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را در زادگاهش به خاک سپردند. (فارس)



۱۹۷ (رجبی، حجت‌الله/ الف-ش: یکم مهر ۱۳۲۲، در روستای خطیرکلا از توابع شهرستان قائمشهر به دنیا آمد. پدرش ذبیح‌الله، کشاورزی می‌کرد و مادرش آمنه نام داشت. خواندن و نوشتن نمی‌دانست. او نیز کشاورز بود. سال ۱۳۴۵ ازدواج کرد و صاحب یک پسر و شش دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را در زادگاهش به خاک سپردند. (مازندران)



۲۰۱ (رحمانی تونی، قنبر/ الف-ش: شانزدهم فروردین ۱۳۲۷، در روستای دهسفيدکانه سرخ از توابع شهرستان الیگودرز چشم به جهان گشود. پدرش حسن، کشاورزی می‌کرد و مادرش گل‌طلا نام داشت. خواندن و نوشتن نمی‌دانست. او نیز کشاورز بود. سال ۱۳۵۰ ازدواج کرد و صاحب چهار پسر و چهار دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را در زادگاهش به خاک سپردند. (لرستان)



۱۹۸ (رجبی محمدآباد، علی/ الف-ش: سوم اردیبهشت ۱۳۳۹، در روستای آریان از توابع شهرستان سبزوار به دنیا آمد. پدرش حسن، کشاورزی می‌کرد و مادرش صاحبجان نام داشت. تا پایان دوره ابتدایی درس خواند. او نیز کشاورز بود. سال ۱۳۶۳ ازدواج کرد و صاحب دو پسر و دو دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را در زادگاهش به خاک سپردند. (خراسان رضوی)



۲۰۳) رحیمی، حسن/ الف-ش: یکم
 اسفند ۱۳۲۷، در روستای توپ‌چنار از توابع شهرستان مانه و سملقان به دنیا آمد. پدرش غلامعلی، کشاورزی می‌کرد و مادرش نهنه نام داشت. خواندن و نوشتن نمی‌دانست. او نیز کشاورز بود. ازدواج کرد و صاحب یک پسر و سه دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در زادگاهش قرار دارد. (خراسان شمالی)



۲۰۴) رحیمی، سیداحمد/ الف-ش: نوزدهم
 تیر ۱۳۲۵، در روستای کلاته‌سادات از توابع شهرستان اسفراین به دنیا آمد. پدرش سیدافضل، کشاورزی می‌کرد و مادرش زرین‌تاج نام داشت. در حد خواندن و نوشتن سواد آموخت. کارمند بازنشسته راه و شهرسازی بود. سال ۱۳۵۱ ازدواج کرد و صاحب دو پسر و سه دختر شد. به عنوان بسیجی مدت ۶ ماه در جبهه حضور داشت. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در گلزار شهدای شهرستان اسفراین قرار دارد. (خراسان شمالی)



۲۰۵) رحیمیان ثابت، رضا/ الف-ش:
 نهم شهریور ۱۳۱۵، در روستای ویسیان از توابع شهرستان خرم‌آباد به دنیا آمد. پدرش علی حسین، کشاورزی می‌کرد و مادرش حرم نام داشت. تا پایان دوره ابتدایی درس خواند. در شرکت تعاونی کار می‌کرد. سال ۱۳۴۰ ازدواج کرد و صاحب پنج پسر و پنج دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در زادگاهش قرار دارد. او را رضاحسین نیز می‌نامیدند. (لرستان)



۲۰۲) رحمت‌نیا، امیر/ الف-ش: یکم
 آذر ۱۳۳۴، در شهرستان نیشابور دیده به جهان گشود. پدرش علی، کشاورز بود و مادرش دُرجهان، خانه‌داری می‌کرد. تا پایان دوره ابتدایی درس خواند. قبل از انقلاب در تهران شاغل بود. وی ضمن شرکت در راهپیمایی‌ها برای پخش اعلامیه‌های امام خمینی (ره) فعالیت می‌کرد. سال ۱۳۵۹ به بسیج پیوست و پس از گذراندن دوره آموزشی عازم جبهه شد. حدود چهار سال در جبهه حضور داشت و در عملیات‌های زیادی شرکت کرد. سال ۱۳۶۴ در عملیات والفجر ۸ از ناحیه صورت و پا مجروح و بیش از دو ماه در بیمارستان بستری شد. ثمره ازدواج او چهار دختر و سه پسر بود. بر تربیت دینی فرزندان تأکید داشت و آن‌ها را به نماز اول وقت، انجام واجبات شرعی، حفظ ایمان و درس خواندن سفارش می‌کرد. مهربان و دستگیر مستمندان بود. به والدین و خانواده احترام می‌گذاشت. هنگام بیماری، همسرش با صبوری و آسایش از او پرستاری می‌کرد. سال ۱۳۷۶ به استخدام سپاه درآمد. در انجام کار منظم بود و قوانین را رعایت می‌کرد. مدافع حق، مهربان و باشهامت بود. به امام حسین (ع) و حضرت مهدی (عج) ارادت خاصی داشت. اهل ذکر و استغفار بود و دعای توسل می‌خواند. بعد از بازنشستگی به کشاورزی پرداخت. عضو هیئت امنای مسجد بود و در مساجد خدمت می‌کرد. در یک سال آخر عمر خادم افتخاری حرم امام رضا (ع) بود. شب عید قربان با خانواده تماس گرفت و گفت: «آرزوی بزرگی دارم، دعا کنید فردا به آرزویم برسیم». دوم مهر ۱۳۹۴، در منا به شهادت رسید. پیکرش هجدهم همان ماه، در گلزار شهدای بهشت‌فضل زادگاهش به خاک سپرده شد. (خراسان رضوی)



۲۰۶) رسام، ابوالقاسم / الف-ش:
چهاردهم مهر ۱۳۲۶، در روستای سنگر از توابع شهرستان دورود به دنیا آمد. پدرش غلامعباس و مادرش صنمیر نام داشت. خواندن و نوشتن نمی دانست. بازنشسته کارخانه سیمان بود. سال ۱۳۵۵ ازدواج کرد و صاحب سه پسر و پنج دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در شهرستان زادگاهش قرار دارد. (لرستان)

مختلف در داخل اردوگاه باعث تقویت روحیه دوستان و هم‌زمانش می‌شد. پس از آزادی و بازگشت به ایران با قدرت و روحیه بالا مشغول به کار شد. سال ۱۳۷۰ ازدواج کرد و صاحب سه دختر و یک پسر شد. در تربیت دینی فرزندان کوشا بود و به آنها برای اقامه نماز جماعت سفارش می‌کرد.

بنا بر ضرورت از قرآن، به آنها یادآوری می‌کرد. بر ادامه تحصیل آنها تأکید داشت و به فرزندان دخترش حفظ حجاب را تأکید می‌کرد. دلسوز و مهربان بود. به کسب درآمد حلال اعتقاد داشت و در سال مالی خمس و زکات می‌پرداخت. منظم و وظیفه‌شناس بود. در کار، مدیریت قوی داشت. اسرار کاری را حفظ می‌کرد. خونگرم و خوش‌برخورد بود. به نیازمندان کمک می‌کرد بدون آنکه تظاهر کند. حافظ کل قرآن بود. به عنوان معلم قرآن در بسیج خدمت می‌کرد و به تفسیر آن می‌پرداخت.

خاطرات اسارتش را در کتابی با عنوان «اسیر ۷۶۰۰» چاپ کرد. این اثر که بارها تجدید چاپ شد بسیار مورد توجه قرار گرفت. در دوران اسارت، از آن‌جا که نیروهای عراقی نمی‌توانستند نام «گشتاسب» را تلفظ کنند، از او خواستند نامش را تغییر بدهد. او نیز چون در روز عید قربان به دنیا آمده بود نام «اسماعیل» را برای خود برگزید.

به گفته نزدیکان در یک سال آخر عمر حال متفاوتی داشت. از زندگی و چگونه مردن سخن می‌گفت و رفتار خاصی داشت.

بارها به سفر مکه رفته بود، ولی همیشه آرزوی زیارت دوباره را داشت. آن سال به‌طور غیر منتظره‌ای عازم سفر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در منا به شهادت رسید. پیکر وی در زادگاهش به خاک سپرده شد. (چهارمحال و بختیاری)



۲۰۷) رستمی‌فرادنبه، گشتاسب / الف-ش: یکم فروردین ۱۳۴۶، مصادف با روز عید قربان در شهر فرادنبه از توابع شهرستان بروجن چشم به جهان گشود. پدرش شیرمحمد، کشاورز و راننده ماشین‌های سنگین بود و مادرش زلیخا، خانه‌داری می‌کرد. دوران کودکی را در سایه تربیت و توجه پدر و مادر گذراند. هوش سرشاری داشت و دانش‌آموز موفق بود. پس از کسب مدرک دیپلم، در کنکور سراسری شرکت کرد و در رشته علوم و فنون نظامی دانشگاه امام حسین (ع) پذیرفته شد. سپس به سپاه پاسداران پیوست. با شروع جنگ از سوی بسیج به جبهه رفت. بیست و هفتم مهر ۱۳۶۲، دو هفته بعد از عملیات والفجر ۴، منطقه عملیاتی توسط نیروهای بعثی به محاصره درآمد. او که بدون آب و غذا در کوه‌ها سرگردان شده بود، بر اثر اصابت ترکش به دست، مجروح و سپس اسیر شد.

۸۸ ماه در اردوگاه‌های عراق اسیر بود. در دوران اسارت پس از شنیدن اخبار رادیو آن را می‌نوشت و در اختیار دیگران قرار می‌داد. با انجام فعالیت‌های



۲۱۱) رضایی، علی اصغر / الف-ش:
پنجم تیر ۱۳۳۵، در شهرستان قائمشهر به دنیا آمد. پدرش حسن نام داشت. تا پایان دوره کاردانی در رشته شیمی درس خواند. بازنشسته اداره آب و فاضلاب بود. ازدواج کرد و صاحب یک پسر و دو دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در روستای تالارپشت از توابع شهرستان زادگاهش قرار دارد. (مازندران)



۲۱۲) رضایی، محسن / الف-ش: هفتم دی ۱۳۴۰، در روستای تالارپشت از توابع شهرستان قائمشهر به دنیا آمد. پدرش حسن و مادرش نرجس خاتون نام داشت. تا پایان دوره کاردانی در رشته علوم آزمایشگاهی درس خواند. کارمند دانشگاه علوم پزشکی بابل بود. سال ۱۳۶۵ ازدواج کرد و صاحب یک پسر و یک دختر شد. به عنوان بسیجی در جبهه حضور یافت و مجروح شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را در زادگاهش به خاک سپردند. (مازندران)



۲۱۳) رضی کاظمی، محمدجواد / الف-ش:
دهم مرداد ۱۳۴۲، در شهرستان رامسر به دنیا آمد. پدرش حسین، کشاورزی می کرد و مادرش آسیه نام داشت. تا پایان دوره کارشناسی در رشته مدیریت بازرگانی درس خواند. کارمند شرکت مخابرات بود. سال ۱۳۶۷ ازدواج کرد و صاحب یک پسر و یک دختر شد. حدود ۶ ماه در جبهه حضور داشت. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در گلزار شهدای روستای اشکونکوه تابعه شهرستان زادگاهش قرار دارد. (مازندران)



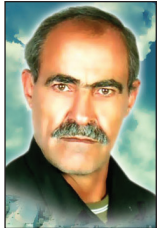
۲۰۸) رشیدآبادی، سیدعلی محمد / الف-ش: دهم آبان ۱۳۲۸، در روستای رشیدآباد از توابع شهرستان نیشابور به دنیا آمد. پدرش سیدحسن و نام مادرش فاطمه بود. خواندن و نوشتن نمی دانست. مرغداری داشت. ازدواج کرد و صاحب سه پسر و پنج دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در زادگاهش قرار دارد. (خراسان رضوی)



۲۰۹) رضاپور، محمد مهدی / الف-ش:
چهاردهم تیر ۱۳۲۳، در شهرستان بیرجند به دنیا آمد. پدرش محمدعلی، کارمند اداره دارایی بود و مادرش فاطمه کبریا نام داشت. تا پایان دوره متوسطه در رشته تجربی درس خواند و دیپلم گرفت. دبیر آموزش و پرورش بود. سال ۱۳۴۹ ازدواج کرد و صاحب چهار پسر و یک دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در شهرستان زادگاهش قرار دارد. او را شیخ مهدی نیز می نامیدند. (خراسان جنوبی)



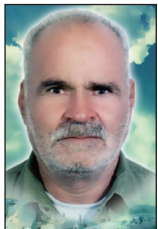
۲۱۰) رضازاده چاری، علی اکبر / الف-ش: دوم فروردین ۱۳۲۳، در روستای چاری از توابع شهرستان بابل به دنیا آمد. پدرش حسنجان، کشاورزی می کرد و مادرش خاور نام داشت. خواندن و نوشتن نمی دانست. کشاورز بود. سال ۱۳۴۹ ازدواج کرد و صاحب سه پسر و سه دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در زادگاهش قرار دارد. (مازندران)



۲۱۷) روزبهانی، محمد/ الف-ش: دهم فروردین ۱۳۳۷، در روستای اشترینان از توابع شهرستان بروجرد به دنیا آمد. پدرش میرزا آقا، کشاورزی می‌کرد و مادرش کبرا نام داشت. خواندن و نوشتن نمی‌دانست. راننده بود. ازدواج کرد و صاحب دو پسر و سه دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را در شهرستان زادگاهش به خاک سپردند. (لرستان)



۲۱۴) رمضان‌سی، حبیب‌الله/ الف-ش: دهم بهمن ۱۳۳۰، در روستای عسگریه از توابع شهرستان مشهد به دنیا آمد. پدرش غلامحسین و مادرش بمانجان نام داشت. تا پایان دوره ابتدایی درس خواند. کشاورز بود و در شرکت سیم‌الکترونیک نیز کار می‌کرد. سال ۱۳۶۳ ازدواج کرد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در زادگاهش قرار دارد. (خراسان رضوی)



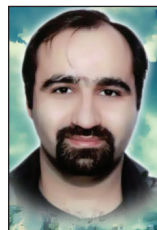
۲۱۸) روستایی، اسمعیل/ الف-ش: سیزدهم دی ۱۳۲۸، در روستای جشنیان از توابع شهرستان بوانات دیده به جهان گشود. پدرش ابراهیم، کشاورزی می‌کرد و مادرش حلیمه نام داشت. تا پایان دوره ابتدایی درس خواند. او نیز کشاورز بود. سال ۱۳۵۱ ازدواج کرد و صاحب سه پسر و دو دختر شد. از سوی بسیج در جبهه حضور یافت. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را در زادگاهش به خاک سپردند. (فارس)



۲۱۵) رمضان‌سیاه‌خلکی، محمدحسین/ الف-ش: سوم مرداد ۱۳۵۹، در روستای جورکاسر از توابع شهرستان املش دیده به جهان گشود. پدرش محمدتقی (فوت ۱۳۸۵) و مادرش زهرا نام داشت. تا پایان دوره راهنمایی درس خواند. شیشه‌بر بود. سال ۱۳۸۹ ازدواج کرد و صاحب یک پسر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را در گلزار شهدای شهرستان زادگاهش به خاک سپردند. (گیلان)



۲۱۹) روشن‌روان، علی‌اصغر/ الف-ش: دوم مرداد ۱۳۱۹، در شهرستان مشهد دیده به جهان گشود. پدرش حسینعلی، به خرید و فروش گندم اشتغال داشت و مادرش فاطمه، خانه‌داری می‌کرد. از کودکی در کار به پدرش کمک می‌کرد. تا پایان دوره راهنمایی درس خواند. قبل از پیروزی انقلاب در تهران سکونت داشت. به کلاس‌هایی که در حسینیه ارشاد تشکیل می‌شد، می‌رفت و در کلاس‌های استاد مطهری و دکتر شریعتی شرکت می‌کرد. پا به پای مردم در تظاهرات



۲۱۶) روحانی، سیدمحمد رضا/ الف-ش: یازدهم تیر ۱۳۶۱، در شهرستان قم دیده به جهان گشود. پدرش سیدمحمد مهدی، روحانی بود و مادرش حورا نام داشت. تا پایان دوره کارشناسی در رشته عمران درس خواند. شغلش آزاد بود. سال ۱۳۸۹ ازدواج کرد و صاحب یک دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در وادی السلام شهر نجف از کشور عراق قرار دارد. (قم)



۲۲۰) روشنی، محمدعلی / الف-ش: یکم خرداد ۱۳۲۳، در شهرستان ازنا چشم به جهان گشود. پدرش کاظم، کشاورزی می‌کرد و مادرش فاطمه نام داشت. تا پایان دوره ابتدایی درس خواند. او نیز کشاورز بود. سال ۱۳۴۴ ازدواج کرد و صاحب سه پسر و دو دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در گلزار شهدای زادگاهش قرار دارد. او را علی نیز می‌نامیدند. (لرستان)



۲۲۱) روئین تن، یسارالله / الف-ش: هفتم آذر ۱۳۳۲، در شهرستان سوادکوه دیده به جهان گشود. پدرش علی، کارگر شرکت راه آهن و مادرش ام‌النساء نام داشت. تا پایان دوره متوسطه در رشته تجربی درس خواند و دیپلم گرفت. پیمانکار اداره راه و ترابری بود. سال ۱۳۵۸ ازدواج کرد و صاحب سه پسر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را در آرامگاه سیدملال زادگاهش به خاک سپردند. او را امید نیز می‌نامیدند. (مازندران)



۲۲۲) رهبری، احمد / الف-ش: دوم اردیبهشت ۱۳۳۶، در شهرستان تنکابن دیده به جهان گشود. پدرش رضاقلی، کارمند بانک تجارت بود و مادرش طاووس، خانه‌داری می‌کرد. در سن دو سالگی همراه خانواده به تهران مهاجرت نمود. قرآن و آموزش‌های مذهبی را در مسجد ابوذر آموخت. در مدارس نمونه مشغول به تحصیل شد و بعد از آن تا پایان مقطع کارشناسی در رشته ادبیات درس خواند. در دوران انقلاب در اکثر تظاهرات و راهپیمایی‌ها شرکت می‌کرد. در بانک تجارت مشغول به کار شد.

حاضر می‌شد و تا پیروزی انقلاب از پا ننشست. مصالح‌فروش بود. در کارش انصاف را رعایت می‌کرد و به کسب حلال توجه داشت. ثمره ازدواج وی سه پسر است. در تربیت اسلامی فرزندانش بسیار می‌کوشید پیوسته آن‌ها را به انجام وظایف شرعی و رعایت حال مردم توصیه می‌کرد.

اهل مسجد بود و نماز اول وقت را فراموش نمی‌کرد. دلسوز، مهربان، مردم‌دار، خوشرو و اهل خیرات بود. ساده زندگی می‌کرد و از گرفتن قرض و وام بیزار بود. مردم در امور خانوادگی و شغلی با او مشورت می‌کردند. در امر ازدواج جوانان پیش قدم می‌شد و به صلح‌رحم اهمیت می‌داد.

با شروع جنگ تحمیلی وارد عرصه تازه‌ای از تلاش شد. از سوی بسیج به‌عنوان راننده تانکر و نیروی تدارکات در جبهه حضور یافت و بر اثر اصابت ترکش به صورت، مجروح شد. فرزندانش که همه جا پیرو او بودند نیز عازم جبهه شدند. سرانجام دو پسرش ناصر و سعید در جبهه به شهادت رسیدند.

به امام رضا (ع) ارادت خاصی داشت و خادم حرم او بود. همیشه ذکر می‌گفت و چهار قل و صلوات می‌خواند. اهل تلاوت قرآن بود. بیکار نمی‌نشست و گاهی در رسیدگی باغ به مردم کمک می‌کرد. به مال دنیا دل‌بستگی نداشت و بسیار انفاق می‌کرد.

هنگام سفر با شوق به انجام کارهایش پرداخت، با دقت به حساب و کتاب مردم رسیدگی کرد. چند بار درباره کار به فرزندش تأکید نمود که کاری روی زمین نماند و از همه حلالیت طلبید.

دوم مهر ۱۳۹۴، در منا به شهادت رسید. پیکرش ده روز بعد به کشور بازگشت و پس از تشییع در حرم امام رضا (ع) به خاک سپرده شد.

از وی مصاحبه‌ای درباره فرزندان شهیدش باقی مانده است. (خراسان رضوی)



(۲۲۴) زارع، جلیل / الف-ش: ششم
 خرداد ۱۳۳۳، در شهرک مهرگان تابعه شهرستان شیراز به دنیا آمد. پدرش رضا، کشاورزی می‌کرد و مادرش گل‌جیران نام داشت. خواندن و نوشتن نمی‌دانست. او نیز کشاورزی می‌کرد. ازدواج کرد و صاحب یک پسر و پنج دختر شد. به عنوان بسیجی حدود ۴۰ روز در جبهه حضور داشت. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را در شهرستان زادگاهش به خاک سپردند. (فارس)



(۲۲۵) زارع، غلامحسین / الف-ش:
 پانزدهم شهریور ۱۳۲۸، در شهرستان شیراز به دنیا آمد. پدرش شهباز، در سازمان آموزش و پرورش کار می‌کرد و مادرش عزت نام داشت. تا پایان دوره ابتدایی درس خواند. راننده بود. سال ۱۳۵۰ ازدواج کرد و صاحب یک پسر و چهار دختر شد. سال‌ها در جبهه خدمت می‌کرد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در گلزار شهدای زادگاهش قرار دارد. او را صمد نیز می‌نامیدند. (فارس)



(۲۲۶) زارعی، خلیل / الف-ش: دهم
 خرداد ۱۳۳۱، در شهرستان خرامه به دنیا آمد. پدرش علی‌عسکر، کشاورزی می‌کرد و مادرش صغرا نام داشت. تا پایان دوره ابتدایی درس خواند. کشاورز و بسیجی بود. سال ۱۳۴۷ ازدواج کرد و صاحب پنج پسر و پنج دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را در امامزاده خلیل زادگاهش به خاک سپردند. (فارس)

سال ۱۳۵۸ ازدواج کرد که حاصل آن یک پسر و دو دختر بود. بر تربیت مذهبی فرزندان تأکید داشت و آن‌ها را به شرکت در نماز جماعت سفارش می‌کرد. با آغاز جنگ تحمیلی از سوی بسیج به جبهه رفت. علاوه بر خدمت مقدس سربازی، هفده ماه در جبهه‌ها حضور داشت. پس از جنگ در مراتب بالای مدیریت به کار ادامه داد. در کار بسیار منظم و جدی بود. در حفظ بیت‌المال می‌کوشید. با اینکه مسئول اداره رفاه بانک تجارت بود، هرگز از امکانات دولتی سوءاستفاده نکرد. بسیار خانواده دوست و مهربان بود. پیوسته برای پدر و مادرش دعا می‌کرد و نماز می‌خواند. ارادت خاصی به حضرت علی (ع) داشت.

دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد در رشته مدیریت بازرگانی بود.

سال ۱۳۹۴ عازم سفر حج تمتع شد. در مکه هر روز جلسات ختم و تفسیر قرآن داشتند. پس از سانحه سقوط جرثقیل به خانواده‌اش که از ایران تماس می‌گرفتند و نگران سلامتی او بودند، می‌گفت: نگران نباشید و بگذارید با خیال آسوده به اعمال حج پردازیم.

دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر وی شانزدهم همان ماه در گلزار شهدای امامزاده محمد شهرستان کرج به خاک سپرده شد. (مازندران)



(۲۲۳) رئیس‌زاده، سیدمرتضی / الف-ش:
 بیست و هفتم فروردین ۱۳۳۴، در شهرستان شهرضا دیده به جهان گشود. پدرش سیدحسین و مادرش خدیجه نام داشت. تا پایان دوره کاردانی در رشته حسابداری درس خواند. کارمند بازنشسته کمیته امداد امام خمینی بود. سال ۱۳۵۹ ازدواج کرد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در گلزار شهدای زادگاهش قرار دارد. (اصفهان)



۲۳۰) زرگریان، علی / الف-ش:
دوازدهم اردیبهشت ۱۳۴۶، در شهرستان
بروجرد چشم به جهان گشود. پدرش
علی اکبر، مغازه دار بود و مادرش اشرف،
خانه داری می کرد. در خانواده ای مذهبی

و انقلابی پرورش یافت. از هوش و استعداد بی نظیری
برخوردار بود. به طوری که در چهار پنج سالگی به
مدرسه رفت. دوران تحصیل را با موفقیت پشت سر
گذاشت. تا پایان مقطع کارشناسی ارشد در رشته فقه و
اصول درس خواند.

در دوران جنگ تحمیلی به عنوان بسیجی و نیروی رزمی
حدود ۲۴ ماه در جبهه حضور داشت. بارها بر اثر اصابت
ترکش به سر و صورت، مجروح شد. بعضی از ترکش ها
تا پایان عمر در بدنش باقی ماند و باعث رنج و درد دائمی
او بود.

روحانی کاروان، بسیار خوش رو و خوش اخلاق، مهربان،
انعطاف پذیر، راستگو، متواضع و امانت دار بود. با مراجع
تقلید ارتباط نزدیک داشت و صندوق دار یکی از مراجع
بزرگ بود. مقید و وقت شناس بود و برنامه ریزی دقیقی
برای انجام کارهایش داشت. اصول و ضوابط کار را به
طور جدی رعایت می کرد. اهل معاشرت بود و به همین
دلیل دیگران به حرف های او گوش می کردند. به پدر، مادر
و اساتید خود بسیار احترام می گذاشت. با وجود اینکه
پرمشغله بود، همیشه نماز خود را اول وقت می خواند.

به دلیل خوش رویی، طرفداران زیادی در بین جوانان و
دانشجویان داشت. بسیار آراسته لباس می پوشید و همین
نکته بر جاذبه اش می افزود. اهل مطالعه بود و کتاب های
مذهبی و تفسیر قرآن می خواند.

ثمره ازدواج وی یک دختر و دو پسر بود. بر تربیت و
آموزش اسلامی فرزندان و تحصیل آنها تأکید داشت.
بسیار منظم بود. برای تمام کارهای خود با خانواده
مشورت می کرد و در کنار آنها بود. در حل مشکلات



۲۲۷) زراعت دوست، عبدالغفور /
الف-س: ششم آبان ۱۳۲۴، در روستای
کلاته آقا از توابع شهرستان تابیاد چشم به
جهان گشود. پدرش رمضان، کشاورزی
می کرد و مادرش شیرین نام داشت.

خواندن و نوشتن نمی دانست. دامدار بود. سال ۱۳۵۳ ازدواج
کرد و صاحب پنج پسر و چهار دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴،
در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت
رسید. مزار او در زادگاهش قرار دارد. (خراسان رضوی)



۲۲۸) زردی، حسن / الف-ش: هشتم
شهریور ۱۳۴۳، در شهرستان نیشابور به
دنیا آمد. پدرش محمدتقی، کشاورزی
می کرد و مادرش عصمت نام داشت. او
نیز کشاورز بود. ازدواج کرد و صاحب

دو پسر و دو دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای
مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را
در روستای حمیدآباد تابعه شهرستان زادگاهش به خاک
سپردند. برادرش غلامحسین نیز در این واقعه شهید شده
است. (خراسان رضوی)

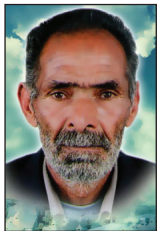


۲۲۹) زردی، غلامحسین / الف-ش: پنجم
فروردین ۱۳۳۱، در شهرستان نیشابور به
دنیا آمد. پدرش محمدتقی، کشاورزی
می کرد و مادرش عصمت نام داشت. تا
پایان دوره ابتدایی درس خواند. کشاورز

بود. ازدواج کرد و صاحب دو پسر و پنج دختر شد. دوم
مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به
شهادت رسید. مزار او در روستای حمیدآباد تابعه شهرستان
زادگاهش قرار دارد. برادرش حسن نیز در این واقعه شهید
شده است. (خراسان رضوی)



(۲۳۲) زمانی بوزندانی، معصوم/ الف-ش:
بیست و یکم آذر ۱۳۲۳، در روستای ضیاءآباد از توابع شهرستان تاکستان دیده به جهان گشود. پدرش کرم و مادرش گل تاج نام داشت. تا پایان دوره مقدماتی در نهضت سوادآموزی درس خواند. کارگر کارخانه ریسندگی بود. سال ۱۳۴۷ ازدواج کرد و صاحب یک پسر و شش دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را در امامزاده محمد شهرستان کرج به خاک سپردند. (قزوین)



(۲۳۳) زینلی شریف آباد، محمدحسین/ الف-ش: نهم آذر ۱۳۲۲، در روستای رحمت آباد از توابع شهرستان رفسنجان دیده به جهان گشود. پدرش حسن، کشاورزی می کرد و مادرش سکینه نام داشت. خواندن و نوشتن نمی دانست. او نیز کشاورز بود. سال ۱۳۴۷ ازدواج کرد و صاحب دو پسر و پنج دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در شهرستان زادگاهش قرار دارد. (کرمان)



(۲۳۴) سالاری، قربانعلی/ الف-ش: یکم اردیبهشت ۱۳۲۹، در شهرستان نور به دنیا آمد. پدرش علی اکبر و مادرش سیده معصومه نام داشت. تا پایان دوره کاردانی درس خواند. کاردان فنی موتور جت و بازنشسته نیروی هوایی ارتش بود. ازدواج کرد و صاحب دو پسر و دو دختر شد. به عنوان بسیجی در جبهه خدمت می کرد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در گلزار شهدای زادگاهش قرار دارد. (مازندران)

صبوری می نمود و هرگز گرفتاری های کاری را به محیط خانه نمی آورد. آرزوی پیشرفت فرزندان را داشت و برای آن ها دعای عاقبت به خیری می کرد. سفر به مکه را دوست داشت و در کاروان با محبت و تواضع به حجاج کمک می کرد. دو هفته قبل از آخرین سفرش، به مرور خاطرات جبهه پرداخت. عکس های آن دوران را نگاه کرد و گفت که خواب دیده در منطقه عرب به شهادت می رسد. هنگام خداحافظی با خانواده، برای انجام فرایض شرعی، نماز اول وقت، راست گویی، امانت داری و احترام به والدین و استاد سفارش و تأکید می کرد.

به گفته همراهان سفر، قرار بود همگی با هم ختم یاسین به جا آورند، شهید علی زرگریان بیست و پنجمین ختم را خواند. پس از ختم مقابل خانه کعبه ایستاد و از خدا خواست مرگش در مکه باشد. دوم مهر ۱۳۹۴، هنگام انجام اعمال حج در منا به شهادت رسید. پیکر وی در گور جمعی قبرستان معیسه به خاک سپرده شد.

از او سخنرانی های زیادی باقی مانده است. برادرش محمدصادق در جنگ تحمیلی به شهادت رسیده است و برادرش کریم حق جو نیز از جانبازان غیور می باشد. (قم)



(۲۳۱) زکائی، ولی/ الف-ش: پنجم فروردین ۱۳۳۷، در شهرستان نور به دنیا آمد. پدرش نبی، کشاورزی می کرد و مادرش حوری نام داشت. تا پایان دوره کارشناسی در رشته مدیریت آموزشی درس خواند. معلم بازنشسته بود. سال ۱۳۵۸ ازدواج کرد و صاحب دو پسر و دو دختر شد. به عنوان بسیجی حدود ۲۱ ماه در جبهه حضور یافت. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در گلزار شهدای شهرستان زادگاهش قرار دارد. (مازندران)



۲۳۵) سببانی، حسین / الف-ش:

یکم اردبیهشت ۱۳۳۹، در شهرستان نیشابور دیده به جهان گشود. پدرش علی محمد، کشاورزی می‌کرد و مادرش حوریه، خانه‌دار بود. او که در خانواده‌ای متدین به دنیا آمده بود، نسبت به خانواده احساس مسئولیت داشت و در کار کشاورزی به پدر خود کمک می‌کرد. تا پایان دوره راهنمایی درس خواند.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی به سپاه پاسداران پیوست و عازم جبهه شد. در طول هشت سال دفاع مقدس در جبهه حضور داشت. در اواخر جنگ بر اثر اصابت ترکش مجروح شد و به اسارت درآمد. پس از آزادی با جدیت بیشتر به کار پرداخت. ثمره ازدواج وی چهار دختر و سه پسر است. از تربیت اسلامی فرزندان غافل نبود و آن‌ها را به انجام واجبات شرعی توصیه می‌کرد. نسبت به فرزندان محبت می‌کرد و میان آن‌ها فرقی نمی‌گذاشت.

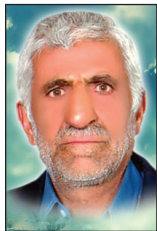
احترام به پدر و مادر، آزار ندادن مردم و مهربانی از نکاتی بود که آن را به فرزندانش گوشزد می‌نمود. پیوسته از آنان می‌خواست از نماز اول وقت غافل نشوند، حسادت نکنند و بخل نورزند.

در محیط کار بسیار کوشا، منظم، درست‌کار و راست‌گو بود. در حفظ اموال بیت‌المال می‌کوشید. مراقب بود باعث آزار دیگران نشود. بسیار خوشرو بود و برای کسب روزی حلال تلاش می‌کرد. هر کاری از دستش برمی‌آمد برای کمک به دیگران انجام می‌داد.

به امام حسین (ع) ارادت خاصی داشت. اهل مناجات بود و در دعاهايش از خدا می‌خواست محتاج و نیازمند بنده خدا نشود. همواره از دوستان و یارانش

که در دوران جنگ به شهادت رسیده بودند، یاد می‌کرد و به حال آن‌ها غبطه می‌خورد. بارها از خدا خواست که با مرگی آبرومندانه از دنیا برود. بعد از بازنشستگی به کشاورزی پرداخت. بسیار قرآن می‌خواند و در جلسات تلاوت و تفسیر قرآن شرکت می‌کرد.

دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منا توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را چهاردهم همان ماه، پس از تشییع در گلزار شهدای زادگاهش به خاک سپردند. (خراسان رضوی)



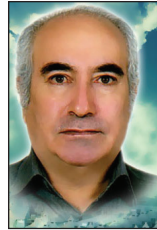
۲۳۶) ستاری، عبدالمحمد / الف-ش:

دهم اسفند ۱۳۱۹، در شهر دستنا از توابع شهرستان کیار به دنیا آمد. پدرش علیقلی، کشاورزی می‌کرد و مادرش جواهر نام داشت. در حد خواندن و نوشتن سواد آموخت. او نیز کشاورز بود. سال ۱۳۵۱ ازدواج کرد و صاحب یک پسر و پنج دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در زادگاهش قرار دارد. (چهارمجال و بختیاری)



۲۳۷) ستوده، احمد / الف-ش: بیستم آذر

۱۳۱۷، در روستای شایق از توابع شهرستان سرعین به دنیا آمد. پدرش امیر، کشاورزی می‌کرد و مادرش افضل نام داشت. در حد خواندن و نوشتن سواد آموخت. کشاورز بود. ازدواج کرد و صاحب چهار پسر و یک دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در گلزار بهشت فاطمه شهرستان اردبیل قرار دارد. (اردبیل)



۲۳۸ سعیدی، نصرت‌الله / الف-ش:

بیست و نهم فروردین ۱۳۲۶، در شهرستان خوانسار به دنیا آمد. پدرش عباسعلی و مادرش حبیبه نام داشت. تا پایان دوره متوسطه در رشته ریاضی درس خواند و دیپلم گرفت. کارمند بازنشسته وزارت کشاورزی بود. ازدواج کرد و صاحب سه پسر و یک دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را در امامزاده پنج‌تن شهر لویزان تابعه شهرستان شمیرانات به خاک سپردند. (اصفهان)



۲۳۹ سعیدی‌زاده، محمدسعید / الف-ش:

یکم اردیبهشت ۱۳۵۸، در شهرستان دشت‌آزادگان دیده به جهان گشود. پدرش عبدالواحد، کارمند بازنشسته سازمان آموزش و پرورش بود و مادرش حلیمه، خانه‌دار بود. تا پایان مقطع کارشناسی ارشد در رشته ادبیات عرب درس خواند. کارمند دانشگاه علوم و فنون دریایی خرمشهر و کارشناس نهاد رهبری بود. در انجام وظایف کاری بسیار دقیق و منظم بود. رفتاری مهربان توأم با احترام داشت. خوش صحبت، زودجوش و فعال بود. به عنوان بسیجی در مسجد دانشگاه خدمت می‌کرد. عضو گروه تواشیح آبادان بود.

سال ۱۳۸۳ ازدواج کرد و صاحب دو دختر شد. در تعلیم و تربیت اسلامی فرزندان بسیار دقت می‌کرد و از جزئی‌ترین امور غافل نمی‌شد. به آن‌ها فشار نمی‌آورد و با مهربانی وظایف شرعی را آموزش می‌داد. در کاربرد کلمات دقیق بود و رعایت سن افراد را می‌کرد تا باعث رنجش نشود. در یادگیری قرآن به آن‌ها کمک و در ادای نماز به موقع تأکید می‌کرد. در کسب روزی حلال می‌کوشید. وقتی فرزندش را برای تعلیم ورزش تکواندو ثبت نام کرد، برای تشویق او خودش هم شروع به یادگیری این ورزش نمود. از دروغ‌گویی دوری می‌کرد. اهل

صله‌رحم بود و تمیز و مرتب لباس می‌پوشید. برنامه‌ریزی زندگی‌اش را از قبل می‌دانست و همیشه برنامه‌های ماهانه و سالانه خود را پیگیری می‌کرد.

در مسابقات تواشیح زیادی شرکت نمود و رتبه‌های خوبی مانند: کسب رتبه دوم در مسابقات دانشجویی سال ۱۳۸۸، کسب رتبه اول سازمان اوقاف کشور در سال ۱۳۹۰، کسب رتبه اول در سازمان اوقات خوزستان و سرانجام کسب رتبه اول در مسابقات سراسری سال ۱۳۹۳، را به دست آورد.

پیروزی در مسابقه آخر، جایزه سفر به حج را برای وی به ارمغان آورد. اجراهای بی‌نظیر او در حرم امام رضا (ع)، حرم حضرت معصومه (ع) و شبکه‌های جهانی الکوثر و پاکستان شهرت زیادی در پی داشت.

به حضرت زینب (س) و حضرت رقیه (س) عشق می‌ورزید. هر روز زیارت عاشورا می‌خواند و دعای عاقبت به خیری می‌کرد.

برای جذب جوانان در امور قرآن و علاقه‌مند کردن آن‌ها به سیره نبوی تلاش زیادی می‌کرد. بر تربیت، رفتار، اخلاق و آداب معاشرت آن‌ها نظارت می‌نمود و خود را در برابرشان مسئول می‌دانست.

دو ماه قبل از اعزام به سفر حج از این سفر مطلع شد. با شور و شوق مشغول رسیدگی به کارهایش شد. دخترش که ۹ ساله بود، هیجان پدر را می‌دید و هیجان‌زده از او می‌خواست برایش هدیه بخرد. در آخرین شبی که از مکه با او صحبت کرد، دخترش گفت: «بابا، من هیچ چیز نمی‌خوام و فقط برگرد.» این جمله باعث تعجب پدر و همه اطرافیان بود. گویی دختر خبر از رازی داشت که بقیه نمی‌دانستند.

دوم مهر ۱۳۹۴، هنگام انجام اعمال حج به شهادت رسید. ابتدا خبری از او نیافتند و جزو مفقودین بود. بهمن ماه همان سال، پیکرش به ایران بازگشت و پس از تشییع در گلزار شهدای شهرستان آبادان به خاک سپرده شد.

آثار تواشیح زیادی از این شهید باقی مانده است. (خوزستان)



۲۴۳) سلمانیان، اسماعیل / الف-ش:
بیست و پنجم خرداد ۱۳۵۳، در شهرستان نیشابور به دنیا آمد. پدرش قربانعلی، کشاورزی می‌کرد و مادرش فاطمه نام داشت. تا پایان دوره متوسطه درس خواند و دیپلم گرفت. دهیار بود. ازدواج کرد و صاحب یک پسر و دو دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در روستای سلیمانی تابعه شهرستان زادگاهش قرار دارد. (خراسان رضوی)



۲۴۰) سلحشور و اسکس، محمد مهدی / الف-ش: چهارم فروردین ۱۳۲۸، در روستای واسکس از توابع شهرستان آمل به دنیا آمد. پدرش شبان، کشاورزی می‌کرد و مادرش معصومه نام داشت. در حد خواندن و نوشتن سواد آموخت. او نیز کشاورز بود. سال ۱۳۴۴ ازدواج کرد و صاحب سه پسر و سه دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در گلزار شهدای امامزاده ابراهیم شهرستان زادگاهش قرار دارد. (مازندران)



۲۴۴) سلیمانیان، محمدرضا / الف-ش:
ششم اردیبهشت ۱۳۲۸، در روستای سلیمانی از توابع شهرستان نیشابور دیده به جهان گشود. پدرش غلامعلی، کشاورزی می‌کرد و مادرش حاجیه خانم نام داشت. در حد خواندن و نوشتن سواد آموخت. کشاورز و بسیجی بود. ازدواج کرد و صاحب چهار پسر و دو دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در روستای سلیمانی تابعه شهرستان زادگاهش واقع است. (خراسان رضوی)



۲۴۱) سلطانی، مریم / الف-س: پنجم اردیبهشت ۱۳۱۴، در روستای ملاکندی از توابع شهرستان میاندوآب به دنیا آمد. پدرش رحیم، کشاورزی می‌کرد و مادرش نازنین نام داشت. خواندن و نوشتن نمی‌دانست. خانه‌دار بود. ازدواج کرد و صاحب سه پسر و چهار دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در زادگاهش واقع است. (آذربایجان غربی)



۲۴۵) سلیمانی درچه، حسن / الف-ش:
دوم بهمن ۱۳۴۳، در شهر درچه تابعه شهرستان خمینی شهر دیده به جهان گشود. پدرش قدمعلی، کشاورز بود و مادرش آمنه بیگم، خانه‌داری می‌کرد. به گفته مادر تولد او در خانواده موجب برکت بود و زمینه تحولات بزرگی را فراهم کرد. جایگاه ویژه‌ای نزد والدین داشت. تا پایان دوره متوسطه در رشته انسانی درس خواند و دیپلم گرفت. او نیز هم پای سایر مردم بر ضد حکومت شاه فعالیت



۲۴۲) سلطانی، ولی / الف-ش: بیست و چهارم آبان ۱۳۱۴، در شهرستان تفت به دنیا آمد. پدرش علی، کشاورزی می‌کرد و مادرش بمانجان نام داشت. خواندن و نوشتن نمی‌دانست. شغلش آزاد بود. ازدواج کرد و صاحب دو دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در امامزاده پنج‌تن شهر لویزان تابعه شهرستان شمیرانات قرار دارد. (یزد)

می‌کرد و شب‌ها روی پشت‌بام الله اکبر می‌گفت. در تظاهرات شرکت و اقدام به پخش اعلامیه و نوار سخنرانی‌های حضرت امام خمینی (ره) می‌نمود. به سپاه پاسداران پیوست و به عنوان پاسدار در جبهه حضور یافت. تمام سال‌های جنگ در جبهه بود. بر اثر بمباران شیمیایی، اصابت ترکش به پا و موج انفجار مجروح شد. هربار پس از بهبودی به جبهه برمی‌گشت و به انجام وظیفه ادامه داد.

بعد از جنگ در سال ۱۳۶۸ ازدواج کرد. حاصل این پیوند دو دختر و یک پسر است. ایشان بر تربیت دینی فرزندان خود تاکید می‌کرد. از آنان می‌خواست نماز اول وقت بخوانند و با مردم خوش خلق باشند. اطاعت از فرمان رهبر از دیگر سفارشات او بود. در اداره تبلیغات و واحد خبر سپاه کار می‌کرد.

در انجام وظایف کاری و اداری دقیق و منظم بود. هر کاری را به موقع انجام می‌داد و به درست‌کاری شهرت داشت. خوش قول بود و به هر وعده‌ای که می‌داد حتی اگر موجب آزار خودش می‌شد، عمل می‌کرد. با سربازها بسیار خوش برخورد بود و سعی می‌کرد الگوی خوبی برای آن‌ها باشد.

یکی از سربازان نقل می‌کرد: «انجام خدمت برایم بسیار طاقت‌فرسا بود و مدام محل خدمت را ترک می‌کردم. به طوری که پس از سه سال هنوز سرباز بودم. شهید درچه‌ای گفت: بیا و خدمت خودت را تمام کن. گفتم حاضرم پولی بدهم و خدمت نکنم که ایشان گفت: پولت را نگهدار برای زندگی بیا من کمکت می‌کنم. زودتر بگذرد. در طول خدمت (این فرد) آن قدر مهربان و خوش‌رو برخورد کرد که درس‌های زیادی از او گرفتم.» مهربان و خانواده دوست بود. همیشه در اول وقت نماز می‌خواند و در نماز جماعت شرکت می‌کرد. به گفته نزدیکان هرگز از نماز شب غافل نشد. پس از بازنشستگی بیکار نشست و در هر فرصتی به کشاورزی می‌پرداخت.

وقتی به آن‌ها اعلام کردند که آماده سفر حج باشند، به دلیل بعضی گرفتاری‌ها همسرش پیشنهاد داد: بهتر است امسال نرویم. ولی شهید درچه‌ای گفت: «امسال حج چیز دیگری است و باید برویم.» یک بار در جمع دوستان گفت: «سال‌ها در جبهه بودم و توفیق شهادت پیدا نکردم. امیدوارم در لباسی شهید شوم که در آن گناه مرتکب نشدم.»

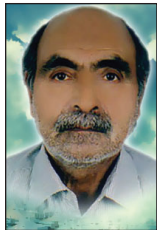
دوم مهر ۱۳۹۴، در منا به شهادت رسید. پیکر وی سیزدهم همان ماه، در گلزار شهدای روستای اسلام‌آباد تابعه شهرستان خمینی شهر به خاک سپرده شد. (اصفهان)



(۲۴۶) سلیمی، عبدالرضا/ الف-ش: دوم فروردین ۱۳۳۳، در شهرستان آبادیه دیده به جهان گشود. پدرش اسدالله، کشاورزی می‌کرد و مادرش صغرا نام داشت. تا پایان دوره کاردانی در رشته تجربی درس خواند. معلم بازنشسته بود. ازدواج کرد و صاحب سه دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی مجروح شد و چهاردهم همان ماه، بر اثر عوارض ناشی از آن به شهادت رسید. پیکر او را در آرامستان باغبهشت زادگاهش به خاک سپردند. (فارس)



(۲۴۷) سمنانی، علی/ الف-ش: بیستم شهریور ۱۳۲۶، در شهرستان نیشابور به دنیا آمد. پدرش محمد و مادرش فاطمه نام داشت. خواندن و نوشتن نمی‌دانست. کشاورز بود. ازدواج کرد و صاحب پنج پسر و سه دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را در بهشت‌فضل شهرستان زادگاهش به خاک سپردند. (خراسان رضوی)

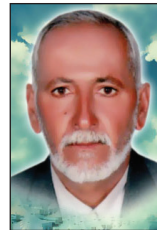


(۲۵۱) شادمندقانع، شهریار / الف-ش:
دوازدهم آبان ۱۳۲۸، در شهرستان خاش به دنیا آمد. پدرش حاجی مراد و مادرش سکینه نام داشت. در حد خواندن و نوشتن سواد آموخت. بازنشسته سازمان تأمین اجتماعی بود. ازدواج کرد و صاحب سه پسر و دو دختر شد. مدت ۵۱ روز در جبهه حضور یافت. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را در بهشت رضای شهرستان مشهد به خاک سپردند. (سیستان)



(۲۵۲) شاکرین، غلامرضا / الف-ش:
بیست و دوم آذر ۱۳۱۸، در شهرستان شیراز دیده به جهان گشود. پدرش عبدالعلی و مادرش بی بی عذرا نام داشت. تا پایان دوره متوسطه در رشته ادبیات درس خواند و دیپلم گرفت. سپس در سازمان کشاورزی استان فارس مشغول به خدمت شد و پس از ادغام سازمان‌های جهاد سازندگی و کشاورزی به عنوان حسابدار اداره کل دامپزشکی به خدمت پرداخت. سال ۱۳۷۱، پس از ۳۳ سال خدمت به افتخار بازنشستگی از سازمان جهاد کشاورزی نائل آمد. به عنوان فردی معتمد، صدیق و خوشرو در بین همکاران شهرت داشت.
ازدواج کرد و صاحب چهار فرزند پسر شد. همواره سعی در آموزش و تربیت دینی فرزندان خود داشت و آن‌ها را به خواندن نماز اول وقت، تلاوت قرآن، صدقه، زکات، انفاق و خوشرویی با نیازمندان سفارش می‌کرد. ساده‌زیستی و پرهیز از تجمل از ویژگی‌های بارز ایشان بود.

سال ۱۳۴۴ دومین آموزشگاه ماشین‌نویسی و حسابداری استان فارس به نام "خیام" را تأسیس



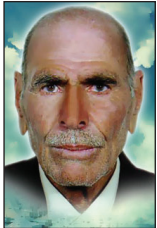
(۲۴۸) سهیلی، غلامعباس / الف-ش:
پنجم خرداد ۱۳۴۵، در روستای رکن‌آباد از توابع شهرستان لامرد دیده به جهان گشود. پدرش خیرالله و مادرش گل‌بس نام داشت. در حد خواندن و نوشتن سواد آموخت. دامدار بود. سال ۱۳۶۵ ازدواج کرد و صاحب دو پسر و هفت دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در گلزار شهدای زادگاهش قرار دارد. (فارس)



(۲۴۹) سیدباقری، محی‌الدین / الف-ش:
یکم تیر ۱۳۴۱، در روستای درودزن از توابع شهرستان مرودشت به دنیا آمد. پدرش سیدفضل‌الله و مادرش جیران نام داشت. تا پایان دوره متوسطه در رشته مکانیک درس خواند و دیپلم گرفت. در صنایع الکترونیک کار می‌کرد. سال ۱۳۶۴ ازدواج کرد و صاحب دو پسر و یک دختر شد. به عنوان بسیجی در جبهه خدمت می‌کرد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را در زادگاهش به خاک سپردند. (فارس)



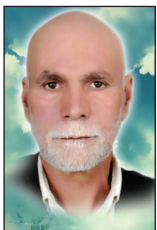
(۲۵۰) شادکام، نورسلطان / الف-س:
یکم آبان ۱۳۲۰، در شهرستان بندرترکمن به دنیا آمد. پدرش کوفن و مادرش چمن نام داشت. خواندن و نوشتن نمی‌دانست. سال ۱۳۴۰ ازدواج کرد و صاحب یک پسر و شش دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را در زادگاهش به خاک سپردند. (خراسان شمالی)



(۲۵۵) شاه محمدی، محمد/ الف-ش:
بیست و نهم اردیبهشت ۱۳۲۱، در روستای آریان محمدآباد از توابع شهرستان سبزوار به دنیا آمد. پدرش حسن، کشاورزی می‌کرد و مادرش لیلا نام داشت. خواندن و نوشتن نمی‌دانست. او نیز کشاورز و دامدار بود. سال ۱۳۴۴ ازدواج کرد و صاحب چهار پسر و سه دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در زادگاهش قرار دارد. (خراسان رضوی)



(۲۵۶) شاهی اقدم، احمد/ الف-س: نهم
خرداد ۱۳۲۰، در شهرستان مهاباد دیده به جهان گشود. پدرش مصطفی، کشاورزی می‌کرد و مادرش خاتون نام داشت. خواندن و نوشتن نمی‌دانست. او نیز کشاورز بود. سال ۱۳۴۴ ازدواج کرد و صاحب چهار پسر و یک دختر شد. حدود ۱ ماه در جبهه حضور یافت. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. تاکنون اثری از پیکرش به دست نیامده است. (آذربایجان غربی)



(۲۵۷) شاهین، غلامعلی/ الف-ش:
بیست و یکم خرداد ۱۳۳۲، در شهرستان نیشابور دیده به جهان گشود. پدرش سلیمان، چاه‌کن بود و مادرش لیلا، خانه‌دار بود. سال‌های تحصیلی را با موفقیت طی کرد و پس از پایان مقطع متوسطه در رشته برق دیپلم گرفت. در تظاهرات مردمی قبل از انقلاب شرکت کرد و برای پیروزی انقلاب از پانزدهم به نهم شهریور ۱۳۵۷ در روستای گرگاب تابعه شهرستان زادگاهش به خاک سپردند. (اصفهان)

کرد. این آموزشگاه سال ۱۳۷۷ به آموزشگاه کامپیوتر "خیام" تغییر یافت. هنرجویان تحت حمایت کمیته امداد امام (ره) را به صورت رایگان آموزش می‌داد. سال ۱۳۹۴ امتیاز سفر حج تمتع را از فرزند یتیمی خریداری کرد و عازم مکه شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه به شهادت رسید. بعد از گذشت ۵۵ روز از حادثه مشخص شد که پیکر شهید در شب پنجم بعد از شهادت در مقبره شهدای مکه به خاک سپرده شده است. (فارس)



(۲۵۳) شاه پوری، مرتضی/ الف-ش: هفتم
فروردین ۱۳۳۵، در شهرستان تیران و کرون دیده به جهان گشود. پدرش محمد، کشاورز بود و مادرش مریم نام داشت. تا پایان دوره ابتدایی درس خواند. سال ۱۳۵۷ ازدواج کرد و صاحب دو پسر و یک دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در شهر رضوانشهر تابعه شهرستان نجف‌آباد واقع است. (اصفهان)



(۲۵۴) شاه رجیبیان گرگابی، رجبعلی/ الف-ش: دوازدهم مرداد ۱۳۴۴، در شهرستان شاهین‌شهر و میمه به دنیا آمد. پدرش اکبر و مادرش معصومه نام داشت. تا پایان دوره متوسطه در رشته برق درس خواند و دیپلم گرفت. بازنشسته سپاه پاسداران بود. ازدواج کرد و صاحب یک پسر شد. به عنوان پاسدار در جبهه حضور یافت و مجروح و اسیر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را در روستای گرگاب تابعه شهرستان زادگاهش به خاک سپردند. (اصفهان)



۲۵۹) شجاع پیره، کریم/ الف-ش: دهم
 خرداد ۱۳۳۳، در شهرستان فاروج به دنیا آمد. پدرش محمدرحیم، نظامی بود و مادرش لیلا نام داشت. تا پایان دوره کاردانی در رشته تجربی درس خواند. در نیروی هوایی ارتش کار می‌کرد. ازدواج کرد و صاحب دو پسر و یک دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را در بهشت رضای مشهد به خاک سپردند. (خراسان شمالی)



۲۶۰) شجاعی آببخشان، سید محمود/ الف-ش: دوم فروردین ۱۳۳۴، در
 روستای آببخشان از توابع شهرستان شازند به دنیا آمد. پدرش سیدمرتضی، کشاورزی می‌کرد و مادرش نرجس نام داشت. خواندن و نوشتن نمی‌دانست. او نیز کشاورز و بسیجی بود. سال ۱۳۵۳ ازدواج کرد و صاحب شش پسر و سه دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را در زادگاهش به خاک سپردند. (مرکزی)



می‌کوشید و پیوسته آنان را به اقامه نماز اول وقت، رعایت حقوق مردم، دستگیری از نیازمندان سفارش می‌کرد. به سپاه پاسداران پیوست. با آغاز جنگ تحمیلی از سوی بسیج عازم جبهه شد و در عملیات خیبر ۳ دچار عارضه جانبازی اعصاب و روان شد و به اسارت درآمد. پس از آزادی با تلاش بیشتری کار کرد. در محیط کار بسیار منظم و خوشرو بود، از بیت‌المال و امکانات دولت استفاده شخصی نمی‌کرد. مردم‌دار، مهربان، راستگو و خوشرو بود. حق الناس را رعایت می‌کرد و به پرداخت خمس اهمیت می‌داد.

به امام حسین (ع) ارادت خاصی داشت. بسیار قرآن و زیارت عاشورا می‌خواند. به نقل از نزدیکان و دوستان هرگز نماز شب را ترک نکرد.

هنگام سفر به مکه از همه حلالیت طلبید. فرزندانش را نصیحت می‌کرد که در تربیت فرزندان خود دقیق باشند که روزی باعث شرمندگی آنها نشوند.

دوم مهر ۱۳۹۴، در منا توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او سیزدهم مهر همان سال، پس از تشییع در روستای محسن آباد تابعه شهرستان زادگاهش به خاک سپرده شد. (خراسان رضوی)



۲۵۸) شبانی، حسن/ الف-ش: بیستم مهر
 ۱۳۳۴، در شهرستان شهرضا به دنیا آمد. پدرش عباس، کارگری می‌کرد و مادرش محترم نام داشت. تا پایان دوره متوسطه در رشته انسانی درس خواند و دیپلم گرفت. بازنشسته شرکت مخابرات بود. سال ۱۳۵۹ ازدواج کرد و صاحب یک پسر و دو دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را در گلزار شهدای مصلای زادگاهش به خاک سپردند. (اصفهان)



۲۶۲) شفیع، سید محمد حسین / الف-ش:

پانزدهم شهریور ۱۳۳۰، در شهرستان اردستان دیده به جهان گشود. پدرش سید احمد و مادرش عصمت نام داشت. در خانواده‌ای متدین پرورش یافت و سال‌های تحصیلی را یکی پس از دیگری با موفقیت پشت سر گذاشت. تا پایان مقطع کارشناسی ارشد در رشته مدیریت اجرایی درس خواند. سال ۱۳۵۷ ازدواج کرد. ثمره این ازدواج دو دختر بود. بر آموزش و پرورش اسلامی فرزندان‌ش تأکید داشت و پیوسته آن‌ها را به تلاش، کوشش و تحصیل سفارش می‌کرد.

طی بیش از چهاردهه فعالیت حرفه‌ای خود در حوزه‌های صنعتی و فرهنگی کشور در پست‌های مختلف مانند مدیرعامل، مدیر ارشد، عضو هیئت مدیره و مشاور اجرای مدیرعامل در سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران، مانند تکنیکان، خدمات فنی خاور، شهاب خودرو، تهیه و توزیع ریخته‌گری ایران، کارخانه ایران پویا و امداد خودرو ایران خدمات ارزشمندی ارائه کرد. ایشان هم‌چنین، از سال ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۶ در سازمان منطقه آزاد کیش حضور داشت. در این سازمان ابتدا با سمت مدیر منابع انسانی و سپس به عنوان مدیرعامل و عضو هیئت مدیره موسسه علوم و فنون دریایی کیش و نیز صید کیش خدمات موثری انجام داد. در طول مدت مدیریت موسسه علوم و فنون با پیگیری شبانه‌روزی برای ساخت و راه‌اندازی دانشگاه کیش اقدام کرد و توانست مجوز برگزاری آزمون لازم را از وزارت علوم دریافت کند. سال ۱۳۷۵ اولین آزمون برای جذب دانشجو در رشته‌های مدیریت بازرگانی، حسابداری و کامپیوتر برگزار شد. اولین دانشگاه کیش به عنوان موسسه غیرانتفاعی نوع اول از مهرماه ۱۳۷۵ پذیرش دانشجو را آغاز و شروع به فعالیت کرد. در حال حاضر محل فعالیت دانشگاه صنعتی شریف در میدان امیرکبیر می‌باشد. هنوز هم خاطره زحمات، فعالیت‌ها و کوشش او در ذهن همکاران باقی مانده و تأثیر خدمات ارزنده و صادقانه وی فراموش نشده است.

یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های وی قرآن پژوهی می‌باشد. سال‌ها

به بررسی تفاسیر مختلف و شرح آیات پرداخت. برگزاری کلاس‌های دوره‌ای قرآن در تهران و اردستان برای اقشار مختلف از دیگر فعالیت‌های اوست که تا امروز تأثیرات زیادی داشته است.

از رسیدگی و دستگیری به مستمندان، ایتم، خانوارهای بی‌سرپرست غافل نبود. وی با تأسیس موسسه خیریه بقیه‌الله یادگار ارزشمندی از خود به جا گذاشت. این موسسه با هدف محرومیت‌زدایی و از بین بردن فقر به ارائه خدمات مادی و معنوی پرداخت. از مهم‌ترین فعالیت‌های این موسسه می‌توان به تأمین جهیزیه، کمک هزینه تحصیلی، رفع نیاز بیماران، اعطای وام به مقروضین، رفع نیاز مال باختگان، ارائه خدمات مشاوره در زمینه‌های فرهنگی-آموزشی و حقوقی، اصلاح کیفیت سیستم‌های مدیریتی و احداث اماکن عام‌المنفعه، اشاره کرد. هم‌اکنون در حدود ۳۰۰ خانواده تحت پوشش این موسسه قرار دارد.

او همیشه مشتاق زیارت و سفر به مکه بود. با روحی سرشار از آرامش برای ادامه سیر و سلوک عاشقانه‌اش راهی سرزمین عربستان شد.

دوم مهر ۱۳۹۴، در منا به شهادت رسید. پیکر وی پس از تشییع در میان خانواده، دوستان و همکاران در بهشت زهرا شهرستان تهران به خاک سپرده شد. (اصفهان)



۲۶۳) شکری، عباس علی / الف-ش: بیست و

هشتم شهریور ۱۳۴۶، در شهرستان شیروان به دنیا آمد. پدرش قربان و مادرش رقیه نام داشت. تا پایان دوره کارشناسی در رشته مدیریت بازرگانی درس خواند. کارمند اداره بیمه بود. سال ۱۳۷۳ ازدواج کرد و صاحب یک پسر و دو دختر شد. به عنوان بسیجی در جبهه خدمت می‌کرد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در گلزار شهدای روستای کلاته رضاخان تابعه شهرستان قوچان قرار دارد. برادرش نیز به شهادت رسیده است. (خراسان شمالی)



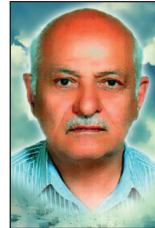
۲۶۷) شورابی، حسین / الف-ش: سوم
 اردیبهشت ۱۳۳۶، در شهرستان نیشابور به دنیا آمد. پدرش قدرت‌الله و مادرش فاطمه‌سلطان نام داشت. تا پایان دوره متوسطه درس خواند و دیپلم گرفت. کارمند سازمان آموزش و پرورش بود. ازدواج کرد و صاحب سه پسر و یک دختر شد. در بسیج خدمت می‌کرد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. تاکنون اثری از پیکرش به دست نیامده است. (خراسان رضوی)



۲۶۸) شهرآبادی، علی اصغر / الف-ش:
 سوم فروردین ۱۳۴۲، در روستای مزینان از توابع شهرستان داورزن به دنیا آمد. پدرش محمد، کشاورزی می‌کرد و مادرش شهربانو نام داشت. تا پایان دوره متوسطه درس خواند و دیپلم گرفت. کارمند بانک تجارت و بسیجی بود. سال ۱۳۶۲ ازدواج کرد و صاحب دو پسر و یک دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در زادگاهش قرار دارد. (خراسان رضوی)



۲۶۹) شیخانی، حسین / الف-ش: پنجم
 تیر ۱۳۴۰، در روستای ده‌شیخ از توابع شهرستان نیشابور دیده به جهان گشود. پدرش حبیب‌الله و مادرش مریم نام داشت. تا پایان دوره کارشناسی درس خواند. معلم و بسیجی بود. ازدواج کرد و صاحب یک پسر و سه دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در زادگاهش قرار دارد. (خراسان رضوی)



۲۶۴) شماعیان، محمود / الف-ش:
 یازدهم بهمن ۱۳۱۹، در شهرستان تهران به دنیا آمد. پدرش علی‌اکبر و مادرش نعیمه نام داشت. تا پایان دوره متوسطه در رشته تجربی درس خواند و دیپلم گرفت. شغلش آزاد بود. سال ۱۳۵۲ ازدواج کرد و صاحب سه پسر و سه دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در حرم شاه‌عبدالعظیم شهرستان ری قرار دارد. (تهران)



۲۶۵) شنیورنصاری، عبدالستار / الف-ش:
 هفتم تیر ۱۳۳۴، در شهرستان آبادان به دنیا آمد. پدرش حمزه و مادرش زهرا نام داشت. تا پایان دوره متوسطه در رشته کامپیوتر درس خواند و دیپلم گرفت. بازنشسته شرکت پتروشیمی آبادان بود. سال ۱۳۵۳ ازدواج کرد و صاحب چهار پسر و سه دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. تاکنون اثری از پیکرش به دست نیامده است. (خوزستان)



۲۶۶) شورابی، ابوالفضل / الف-ش: دهم
 فروردین ۱۳۲۶، در شهرستان فیروزه به دنیا آمد. پدرش حسین و مادرش آمنه نام داشت. تا پایان دوره ابتدایی درس خواند. کشاورز بود. سال ۱۳۴۸ ازدواج کرد و صاحب هفت پسر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در روستای شورآب تابعه شهرستان زادگاهش قرار دارد. (خراسان رضوی)



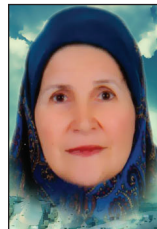
۲۷۲) صابری فودانی، علی / الف-ش:
 ششم فروردین ۱۳۴۱، در شهر درچه از توابع شهرستان خمینی شهر به دنیا آمد. پدرش حسین و مادرش بیگم نام داشت. تا پایان دوره متوسطه در رشته انسانی درس خواند و دیپلم گرفت. در نیروی انتظامی کار می کرد. دو بار ازدواج کرد و صاحب دو پسر و دو دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در گلزار شهدای رستای فودان تابعه شهرستان زادگاهش قرار دارد. (اصفهان)



۲۷۰) شیخی، یوسف / الف-س: سی ام
 شهریور ۱۳۴۱، در روستای خلیفان از توابع شهرستان نقده دیده به جهان گشود. پدرش محمدخلیل و مادرش منیجه [منیزه] نام داشت. خواندن و نوشتن نمی دانست. کشاورز بود. سال ۱۳۶۰ ازدواج کرد و صاحب دو پسر و چهار دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در زادگاهش قرار دارد. (آذربایجان غربی)



۲۷۳) صادقی واسکسی، ابراهیم / الف-ش:
 بیست و پنجم فروردین ۱۳۳۶، در شهرستان قائمشهر به دنیا آمد. پدرش حسن، در آموزش و پرورش کار می کرد و مادرش سیده صدیقه بیگم نام داشت. تا پایان دوره متوسطه در رشته راه و ساختمان درس خواند و دیپلم گرفت. معاون هنرستان بود. سال ۱۳۶۱ ازدواج کرد و صاحب یک پسر و دو دختر شد. حدود ۳۸ ماه در جبهه حضور داشت. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. اثری از پیکرش به دست نیامد. برادرش نیز شهید شده است. (مازندران)



۲۷۱) شیروانی، سارا گل / الف-س:
 دهم فروردین ۱۳۳۶، در شهرستان گنبدکاووس به دنیا آمد. پدرش ملامراد و مادرش هاجر خانم نام داشت. تا پایان دوره کارشناسی در رشته ریاضی درس خواند. سال ۱۳۵۷ با پیروزی انقلاب اسلامی به خدمت آموزش و پرورش درآمد و در روستای قورچائی زادگاهش مشغول به تدریس شد. سال ۱۳۵۹ با عبدالجبار ولی پور که از فرهنگیان بندرتارکمن بود، ازدواج کرد و صاحب یک پسر و دو دختر شد. چندین بار به عنوان معلم برتر در سطح استان و کشور مورد تقدیر قرار گرفت. سال ۱۳۸۰ در شهرستان آق قلا مدرسه غیرانتفاعی تأسیس کرد و مدیریت آن را به عهده گرفت.



۲۷۴) صالحی گل سفیدی، علی اصغر / الف-ش:
 دهم فروردین ۱۳۳۶، در شهرستان لنگرود به دنیا آمد. پدرش حسین (فوت ۱۳۷۱) کشاورزی می کرد و مادرش حوا نام داشت. تا پایان دوره متوسطه در رشته انسانی درس خواند و دیپلم گرفت. بازنشسته سازمان آموزش و پرورش بود. سال ۱۳۵۸ ازدواج کرد و صاحب دو پسر و یک دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را در روستای گل سفید تابعه شهرستان زادگاهش به خاک سپردند. (گیلان)

سالهای ۱۳۸۰ و ۱۳۸۱ به سفر مکه مشرف شد و سال ۱۳۹۴ به نیابت از مادر همسرشان عازم این سفر شدند. دوم مهر همان سال، در منا به شهادت رسید. مزار او در روستای ایمر محمدقلی آخوند تابعه شهرستان زادگاهش قرار دارد. (گلستان)

از پایان کار بازمی گشت.

راستگو، مهربان، خوش رو، شوخ طبع و خوش صحبت بود. حضور او باعث شادی سالمندان می شد. اهل مطالعه و آگاه بود و بسیار طرف مشورت قرار می گرفت. او نیز همراه بقیه مردم در راهپیمایی های قبل از انقلاب شرکت می نمود. سال ۱۳۶۲ ازدواج کرد و صاحب سه دختر شد. بر تربیت و آموزش اسلامی فرزندان تأکید داشت. درباره احترام به والدین و دیگران به آن ها سفارش می کرد و می گفت: «مراقب باشید باعث ناراحتی کسی نشوید.»

از دروغ، غیبت، بدقولی و قسم خوردن به مقدسات بیزار بود. به نیازمندان کمک می کرد. حتی اگر پول نداشت قرض می گرفت و به دیگران می داد. اهل نماز اول وقت بود و سعی می کرد تا جایی که می تواند در نماز جماعت شرکت کند. وقتی صدای اذان را می شنید برای اقامه نماز برمی خاست و به فرزندانش می گفت: «صدای تلفن خدا را نمی شنوید.» مشکل مردم را مثل مشکل خودش می دانست و برای رفع آن می کوشید. قول نمی داد و اگر قولی می داد به قول خود عمل می کرد. خمس اموال خود را می پرداخت و در عمل به وظایف شرعی می کوشید.

ارادت خاصی به امام حسین (ع) داشت و در عزاداری ها و هم چنین نماز جمعه حضور داشت. خواندن زیارت عاشورا، دعای توسل و فرج از عادات او بود که هرگز ترک نکرد.

در دوران جنگ تحمیلی از سوی جهادسازندگی و بسیج در جبهه حضور یافت و بر اثر اصابت ترکش به کلیه، یک کلیه خود را از دست داد.

همواره به یاد نیازمندان بود و از کمک به آن ها غافل نمی شد و با دست و دل بازی کمک می کرد. زمانی که باغ پسته داشت، پس از برداشت محصول، شروع به تقسیم آن میان مردم می کرد و در آخر برای خانواده برمی داشت.



۲۷۵) صبور ابراهیمی، حسین / الف-ش:
دوم شهریور ۱۳۲۹، در روستای احمدآباد از توابع شهرستان نیشابور به دنیا آمد. پدرش عزیز و مادرش فاطمه نام داشت. خواندن و نوشتن نمی دانست. ازدواج کرد و صاحب چهار پسر و پنج دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در روستای پیوهژن تابعه شهرستان زادگاهش قرار دارد. (خراسان رضوی)



۲۷۶) صداقت فر، عبدالخالق / الف-ش:
چهاردهم فروردین ۱۳۳۰، در شهرستان شهرضا به دنیا آمد. پدرش حسن و مادرش صفیه خانم نام داشت. تا پایان دوره متوسطه درس خواند و دیپلم گرفت. بازنشسته کارخانه ذوب آهن بود. ازدواج کرد و صاحب سه پسر و یک دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را در گلزار شهدای شهرستان زادگاهش به خاک سپردند. (اصفهان)



۲۷۷) صرفی، علی / الف-ش: چهاردهم آذر ۱۳۴۲، در شهرستان دامغان دیده به جهان گشود. پدرش محمدصادق، ساعت ساز بود و مادرش کبریاخانم، خانه داری می کرد. والدین وی هر دو به تدریس قرآن مشغول بودند. دوران کودکی و تحصیلی خود را در محیطی گرم و مذهبی گذراند. تا پایان دوره راهنمایی درس خواند. کارمند سازمان بهزیستی بود و از سالمندان مراقبت می کرد. در کار خود بسیار دقیق و منظم بود. به موقع سرکار می رفت و پس



۲۷۹) صمدیان کلی، محبوب/ الف-ش: یکم فروردین ۱۳۲۱، در روستای کلی از توابع شهرستان اردبیل به دنیا آمد. پدرش داداش و مادرش بلقیس نام داشت. تا پایان دوره ابتدایی درس خواند. بازنشسته اداره برق بود. ازدواج کرد و صاحب چهار پسر و پنج دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در زادگاهش قرار دارد. (اردبیل)



۲۸۰) ظاهری، دردی ملا/ الف-س: یکم فروردین ۱۳۳۰، در شهر گمیشان تابعه شهرستان بندرترکمن به دنیا آمد. پدرش محمود و مادرش آی جان نام داشت. تا پایان دوره متوسطه در رشته علوم طبیعی درس خواند و دیپلم گرفت. بازنشسته آموزش و پرورش بود. سال ۱۳۵۲ ازدواج کرد و صاحب دو پسر و سه دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در گلزار شهدای روستای صفاییشان تابعه شهرستان زادگاهش واقع است. (گلستان)



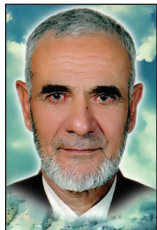
۲۸۱) ظاهری، غلامرضا/ الف-ش: هفدهم اردیبهشت ۱۳۲۴، در روستای چاربید از توابع شهرستان جاجرم دیده به جهان گشود. پدرش حسین، کشاورزی می‌کرد و مادرش ریزه گل نام داشت. خواندن و نوشتن نمی‌دانست. او نیز کشاورز بود. ازدواج کرد و صاحب چهار پسر و شش دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را در زادگاهش به خاک سپردند. (خراسان شمالی)

یک بار فرزندش به این کار اعتراض کرد و به فرزندش گفت: «خدا روزی‌رسان است و انفاق باعث برکت می‌شود.» وقتی فرزندش از او درخواست کمک کرد، گفت: «در حال حاضر ندارم ولی فردا این پول را به شما می‌دهم.» بعدها فرزندش متوجه شد که او پول قرض گرفت تا به فرزندش بدهد. همیشه در کمک به پرداخت هزینه‌های مسجدها پیش قدم می‌شد و می‌گفت: «اسم مرا اعلام نکنید.» وقتی فرزندش دلیل این کار را پرسید، گفت: «آن کس که باید بداند، می‌داند.»

به شهدا احترام می‌گذاشت و در خدمت به خانواده شهدا می‌کوشید. با یاد شهدا و امام (ره) اشک می‌ریخت و می‌گفت: «همه رفتند و من جا ماندم.» سال ۱۳۹۴ به عنوان خدمه آشپزخانه برای دومین بار عازم سفر حج شد. قبل از سفر به خانواده گفت: «خواب دیدم کسی فوت می‌کند.» هر چه اصرار می‌کنند نمی‌گوید و سفارش می‌کند که برای او خیرات بدهند و بدهی او را بپردازند. در طول سفر برای خدمت به دیگران می‌کوشید و از هیچ خدمتی فروگذار نمی‌کرد. دوم مهر ۱۳۹۴، در منا به شهادت رسید. پیکر او سه هفته بعد به کشور بازگشت و پس از تشییع در زادگاهش به خاک سپرده شد. (سمنان)



۲۷۸) صفاجو، ابوالفضل/ الف-ش: بیست و هفتم آذر ۱۳۵۵، در شهرستان نیشابور به دنیا آمد. پدرش حبیب‌الله، در شهرداری کار می‌کرد و مادرش شهربانو نام داشت. تا پایان دوره متوسطه درس خواند و دیپلم گرفت. نظامی بود. ازدواج کرد و صاحب یک پسر و یک دختر شد. در بسیج خدمت می‌کرد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی مجروح شد و سیزدهم همان ماه در تهران بر اثر عوارض ناشی از آن به شهادت رسید. پیکر او را در بهشت فضل شهرستان زادگاهش به خاک سپردند. (خراسان رضوی)



۲۸۵) ظفر، آناقلی / الف-س: دوازدهم دی ۱۳۱۸، در شهرستان گنبدکاووس چشم به جهان گشود. پدرش اوده‌بردی و مادرش امسه‌گل نام داشت. تا پایان دوره ابتدایی درس خواند. سپس به فراگیری علوم دینی و حوزوی پرداخت. کاسب بود. ازدواج کرد و صاحب دو پسر و پنج دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در روستای آق‌قایه تابعه شهرستان زادگاهش قرار دارد. (گلستان)



۲۸۲) طاهری سنگانی، عبدالحمید/الف-س: یکم تیر ۱۳۲۸، در روستای بهدادین از توابع شهرستان خواف به دنیا آمد. پدرش غلام‌نبی و مادرش نجیبه نام داشت. در حد دوره ابتدایی درس خواند. سال ۱۳۴۸ ازدواج کرد و صاحب سه پسر و دو دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را در همان شهر به خاک سپردند (خراسان رضوی)



۲۸۶) غابدی، ولی‌الله / الف-ش: هفدهم مهر ۱۳۴۵، در شهرستان شهرضا چشم به جهان گشود. پدرش ناصر و مادرش محترم نام داشت. تا پایان دوره متوسطه در رشته انسانی درس خواند و دیپلم گرفت. کارمند فولاد مبارکه بود. ازدواج کرد و صاحب دو دختر شد. حدود ۱۴ ماه در جبهه حضور داشت. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را در گلزار شهدای شهرستان زادگاهش به خاک سپردند. (اصفهان)



۲۸۳) طریک، عبدمحمد / الف-س: یکم فروردین ۱۳۳۶، در شهر گمیشان تابعه شهرستان بندرترکمن به دنیا آمد. پدرش آشور و مادرش سوشه‌خانم نام داشت. تا پایان دوره متوسطه در رشته تجربی درس خواند و دیپلم گرفت. راننده بود. سال ۱۳۵۹ ازدواج کرد و صاحب یک پسر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در گلزار بهاء‌الدین نقشبندی زادگاهش قرار دارد. (گلستان)



۲۸۷) عارف، مسلم / الف-ش: سوم شهریور ۱۳۴۳، مصادف با ۱۷ ربیع الثانی ۱۳۸۴ ه.ق در شهرستان رودسر به دنیا آمد. پدرش سلمان، بازاری بود و مادرش صفیه، خانه‌داری می‌کرد. وی پیش از انقلاب اسلامی بخشی از دوران کودکی و نوجوانی خود را در استان‌های گیلان و اصفهان سپری نمود. در کنار تحصیلات مقطع متوسطه، در مبارزه علیه رژیم پهلوی شرکت فعال داشت. سپس برای ادامه تحصیل عازم شهر قم شد و پس از اتمام تحصیلات مقطع متوسطه و اخذ



۲۸۴) طالبی، یوسف / الف-س: بیست و هفتم دی ۱۳۴۶، در شهرستان گمیشان به دنیا آمد. پدرش توغین، در شیلات کار می‌کرد و مادرش بی‌بی‌خلدیجه نام داشت. تا پایان دوره متوسطه در رشته انسانی درس خواند و دیپلم گرفت. سپس به فراگیری علوم دینی و حوزوی پرداخت روحانی و مدرس حوزه علمیه بود. سال ۱۳۷۱ ازدواج کرد و صاحب یک پسر و سه دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. تاکنون اثری از پیکرش به دست نیامده است. (گلستان)

مدرک دیپلم تجربی، در سال ۱۳۶۰ تحصیلات علوم دینی را در این شهر و نزد اساتید برجسته آن زمان آغاز کرد. به سرعت دروس سطح را به پایان رساند.

وی هم‌زمان با تحصیل درس خارج و تدریس، به تحصیل در رشته حقوق دانشگاه مفید پرداخت و پس از آن نیز مدرک سطح ۴ فقه و اصول را اخذ نمود. دروس سطح خارج را نزد اساتید برجسته معاصر فراگرفت؛ ادبیات را نزد مرحوم مدرس افغانی استاد برجسته ادبیات عرب، شرح لمعه را نزد آیت‌الله شیخ علی پناه اشتهاردی، قوانین را نزد آیت‌الله راستی کاشانی، رسائل را نزد آیت‌الله میلانی، مکاسب را در محضر آیت‌الله ستوده و آیت‌الله محفوظی، کفایة الاصول را خدمت آیت‌الله ستوده و آیت‌الله موسوی تهرانی، منظومه را خدمت آیت‌الله شیخ یحیی انصاری، بدایة الحکمه و نهایة الحکمه را نزد آیت‌الله فیاضی، تفسیر را خدمت حضرت آیت‌الله جوادی آملی و اسفار و هیئت را نیز نزد علامه حسن زاده آملی فراگرفت. در دروس خارج فقه و اصول حضرات آیات عظام فاضل لنکرانی، جواد تبریزی و وحید خراسانی حاضر شد.

در کنار تحصیل، به تدریس مکرر دروس مختلف سطوح حوزوی اعم از سطح و سطوح عالی (رسائل، مکاسب، کفایة الاصول و حلقات شهید صدر) و خارج فقه و اصول و فلسفه (بدایة الحکمه و نهایة الحکمه) و کلام و تفسیر و رجال و هم‌چنین تألیف و تبلیغ دین پرداخت.

وی در میان بزرگان، اساتید و طلاب حوزه‌های علمیه به استاد و مؤلفی مشهور و برجسته شناخته می‌شد که در این راستا بیش از ۸۰ مجلد اثر سودمند از خود به یادگار گذاشته است. هم‌چنین از آن‌جا که وی به مباحث اخلاقی - عرفانی و طی مراحل سیروسلوک علاقه فراوانی داشت، از سال ۱۳۷۶ تا پایان عمر شریف عارف واصل آیت‌الله شیخ علی پهلوانی (سعادت‌پرور) به صورت مستمر در اخلاق و سلوک عرفانی خدمت ایشان کسب فیض نمود.

در دوران دفاع مقدس، در فاصله سال‌های ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۷

در عملیات‌های مختلف در جبهه‌های جنوب و غرب کشور حضور فعال داشت. علاوه بر این می‌توان به اهتمام جدی وی در برگزاری و شرکت فعال در کمیسیون‌ها و جلسات متعدد به منظور ایجاد تحول و پیشرفت روزافزون در نظام آموزشی حوزه‌های علمیه، اشاره نمود.

ازدواج کرد و ثمره ازدواجش دو پسر و یک دختر بود. از خصوصیات بارز اخلاقی آن مجتهد که سبب ایجاد محبتی عمیق در قلوب اقوام، دوستان و همشهریان ایشان شده بود، رسیدگی دائم به امور و مشکلات آحاد مردم، خلوص نیت و دوری از شهرت بود.

ارتباط معنوی، توسل و ارادت ویژه خدمت حضرات معصومین (ع) از دیگر ویژگی‌های بارز ایشان بود، به نحوی که مقید بودند همه ساله در مراسم پیاده‌روی اربعین از نجف به کربلا شرکت کرده و به ساحت مقدس امام حسین (ع) ادای احترام نمایند.

سرانجام، در سفر حج که به دعوت بعثه مرجع عالیقدر حضرت آیت‌الله العظمی سیدمحمدسعید حکیم عازم سرزمین وحی شده بود، در صبح عید سعید قربان ۱۴۳۶ برابر با دوم مهر ۱۳۹۴، در سرزمین منا و با لباس احرام در یکی از بهترین زمان‌ها و مکان‌ها و در حالی که زبانش به ذکر خداوند متعال مترنم بود، در سن ۵۱ سالگی لبیک گویان به شهادت رسید.

پیکر این استاد پرتلاش و انقلابی حوزه علمیه قم پس از گذشت قریب به ۱۰۰ روز از فاجعه منا، در روز جمعه یازدهم دی ماه همان سال، در مراسم باشکوهی با حضور مراجع عظام، بزرگان حوزه، شاگردان و آحاد مردم شریف کشورمان تشییع شد و در بارگاه ملکوتی کریمه اهل بیت حضرت فاطمه معصومه (س) به خاک سپرده شد. او را آیت‌الله مسلم قلی‌پورگیلانی نیز می‌نامیدند.

از وی ۱۲ اثر تألیفی به زبان عربی و ۲۵ اثر به زبان فارسی به یادگار مانده است. (قم)

متن پیام تسلیت رهبر معظم انقلاب حضرت آیت‌الله العظمی



۲۹۰) عباسی، احمد/ الف-ش: دهم آبان ۱۳۲۳، در بخش ششتمد تابعه شهرستان سبزوار به دنیا آمد. پدرش محمد، کشاورزی می‌کرد و مادرش ماهجین نام داشت. خواندن و نوشتن نمی‌دانست. او نیز کشاورز بود. سال ۱۳۴۸ ازدواج کرد و صاحب دو دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را در روستای کلاته‌نوبهار تابعه شهرستان زادگاهش به خاک سپردند. (خراسان رضوی)



۲۹۱) عباسی، اصغر/ الف-ش: سوم فروردین ۱۳۳۵، در شهرستان فریدن به دنیا آمد. پدرش حیدرآقا، کشاورزی می‌کرد و مادرش فاطمه‌صغرا نام داشت. خواندن و نوشتن نمی‌دانست. کاسب بود. سال ۱۳۵۹ ازدواج کرد و صاحب سه پسر و دو دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را در گلزار شهدای روستای حضور تابعه شهرستان زادگاهش به خاک سپردند. (اصفهان)



۲۹۲) عباسی، حسینعلی/ الف-ش: هفدهم فروردین ۱۳۲۸، در شهرستان بجنورد به دنیا آمد. در حد خواندن و نوشتن سواد آموخت. کشاورز و دامدار بود. ازدواج کرد. حدود ۲۴ ماه در جبهه حضور داشت. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را در روستای ارکان تابعه شهرستان زادگاهش به خاک سپردند. (خراسان شمالی)

خامنه‌ای در پی شهادت حاج شیخ مسلم قلی‌پورگیلانی در حادثه منا «بسمه‌تعالی رحلت جناب حجت‌الاسلام آقای حاج شیخ مسلم قلی‌پور رضوان‌الله‌علیه را که در شمار جان‌باختگان حادثه فاجعه‌بار منا می‌باشند، به خاندان گرامی ایشان و نیز به همهی شاگردان و بهره‌برندگان از تألیفات سودمند آن عالم سخت‌کوش و به عموم همشهریان ایشان تسلیت عرض می‌کنم. از خداوند متعال علو درجات آن مرحوم و صبر و اجر بازماندگان را مسألت می‌نمایم. سیدعلی خامنه‌ای ۲۴ دیماه ۱۳۹۴»



۲۸۸) عارف‌خانی، رضا/ الف-ش: پانزدهم تیر ۱۳۲۶، در روستای بیرم‌آباد از توابع شهرستان فیروزه چشم به جهان گشود. پدرش عبدالله، کارگری می‌کرد و مادرش رقیه نام داشت. خواندن و نوشتن نمی‌دانست. او نیز کارگر بود. سال ۱۳۴۴ ازدواج کرد و صاحب سه پسر و پنج دختر شد. به عنوان بسیجی حدود ۶ ماه در جبهه حضور یافت. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را در زادگاهش به خاک سپردند. (خراسان رضوی)



۲۸۹) عامری، علیرضا/ الف-ش: دهم آذر ۱۳۲۷، در روستای رودیان از توابع شهرستان شاهرود به دنیا آمد. پدرش قدرت‌الله، کشاورزی می‌کرد و مادرش صغرا نام داشت. شغلش آزاد بود. ازدواج کرد و صاحب سه پسر و شش دختر شد. بیستم شهریور ۱۳۹۴، در مسجدالحرام بر اثر سانحه سقوط جرثقیل به شهادت رسید. پیکر او را در زادگاهش به خاک سپردند. همسرش فاطمه دامغانی نیز در این واقعه شهید شده است. (سمنان)



۲۹۵) عزیززی، حبیب‌الله/ الف-س:
 هشتم فروردین ۱۳۳۵، در شهرستان گنبدکاووس به دنیا آمد. پدرش حضرتقلی و مادرش بی‌بی‌نعیمه نام داشت. تا پایان دوره کارشناسی در رشته حسابداری درس خواند. کارمند اداره غله بود. سال ۱۳۴۷ ازدواج کرد و صاحب دو پسر و یک دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را در روستای آق‌قایه تابعه شهرستان زادگاهش به خاک سپردند. (گلستان)



۲۹۶) عزیزیان، محمود/ الف-س:
 دوازدهم آذر ۱۳۳۳، در روستای حاجی حسن از توابع شهرستان میاندوآب چشم به جهان گشود. پدرش بایزید، کشاورزی می‌کرد و مادرش بسی نام داشت. خواندن و نوشتن نمی‌دانست. کشاورز و دامدار بود. سال ۱۳۴۸ ازدواج کرد و صاحب دو پسر و چهار دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را در زادگاهش به خاک سپردند. (آذربایجان غربی)



۲۹۷) عزیززی سورشجانی، عیدی محمد/ الف-ش:
 سوم تیر ۱۳۲۸، در روستای سورشجان از توابع شهرستان شهرکرد دیده به جهان گشود. پدرش عزیزالله و مادرش نازنین نام داشت. در حد خواندن و نوشتن سواد آموخت. کاسب بود. سال ۱۳۴۸ ازدواج کرد و صاحب چهار پسر و یک دختر شد. در بسیج خدمت می‌کرد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او زادگاهش قرار دارد. (چهارمحال و بختیاری)



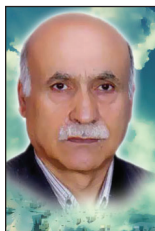
۲۹۳) عبدیان، زینب/ الف-س: هشتم
 دی ۱۳۲۷، در روستای گوملیان از توابع شهرستان مهاباد دیده به جهان گشود. پدرش عبدالله، کشاورز بود و مادرش پری، خانه‌داری می‌کرد. در کودکی مادرش را از دست داد. به دلیل فقر خانواده و نبود امکانات کافی نتوانست درس بخواند. علاوه بر خانه‌داری تلاش می‌کرد به معاش خانواده کمک کند. سال ۱۳۴۹ ازدواج کرد و صاحب سه پسر و یک دختر شد. پیوسته فرزندانش را به امانت‌داری، کسب مال حلال و تحصیل توصیه می‌کرد. پس از شهادت همسرش احمد روشنی‌فر در جنگ تحمیلی، مسئولیت وی بیشتر شد. با انجام کارهایی مانند بافندگی در تأمین معاش خانواده می‌کوشید. هرگز نمی‌گذاشت فرزندان او جای خالی پدر را احساس کنند. او که سال‌های زیادی در آرزوی سفر حج بود، سرانجام عازم سفر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در سرزمین منا توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او چهاردهم همان ماه در شهرستان مهاباد تشییع و به خاک سپرده شد. (آذربایجان غربی)



۲۹۴) عربشاهی، کمال‌الدین/ الف-ش:
 بیست و پنجم اردیبهشت ۱۳۳۴، در شهرستان تهران به دنیا آمد. پدرش حسین و مادرش فاطمه نام داشت. تا پایان دوره کارشناسی در رشته هوا و فضا درس خواند. شغلش آزاد بود. سال ۱۳۶۶ ازدواج کرد و صاحب یک پسر و یک دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در امامزاده طاهر شهرستان کرج قرار دارد. (البرز)



۳۰۱) علاققی، شهناز/ الف-س: شانزدهم شهریور ۱۳۴۸، در روستای خواجه نفس از توابع شهرستان بندرترکمن دیده به جهان گشود. پدرش عبدالرحمان، در آموزش و پرورش کار می کرد و مادرش آنه بی بی نام داشت. تا پایان دوره کارشناسی در رشته آموزش ابتدایی درس خواند. خانه دار و بازنشسته آموزش و پرورش بود. سال ۱۳۷۰ ازدواج کرد و صاحب یک پسر و یک دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را در گلزار شهدای زادگاهش به خاک سپردند. (گلستان)



۳۰۲) علم جو، جمشید/ الف-ش: دهم اردیبهشت ۱۳۳۰، در روستای رحیم آباد از توابع شهرستان رودسر دیده به جهان گشود. پدرش محمد و مادرش محترم نام داشت. تا پایان دوره کارشناسی در رشته آموزش ابتدایی درس خواند. معلم بود. ازدواج کرد و صاحب یک پسر و دو دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را در شهر سادات شهر تابعه شهرستان رامسر به خاک سپردند. (گیلان)



۳۰۳) علی آبادی، عباس/ الف-ش: یکم فروردین ۱۳۲۵، در شهرستان نیشابور به دنیا آمد. پدرش محمدابراهیم و مادرش کبرا نام داشت. خواندن و نوشتن نمی دانست. کشاورز و بسیجی بود. ازدواج کرد و صاحب یک پسر و شش دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را در روستای شادمهرک تابعه شهرستان زادگاهش به خاک سپردند. (خراسان رضوی)



۲۹۸) عشقی، غلامحسن/ الف-ش: بیست و پنجم اسفند ۱۳۳۲، در روستای عشق آباد از توابع شهرستان نیشابور به دنیا آمد. پدرش سلیمان، کشاورزی می کرد و مادرش فاطمه نام داشت. تا پایان دوره ابتدایی درس خواند. او نیز کشاورز بود. ازدواج کرد و صاحب یک پسر و سه دختر شد. مدت ۱۲ ماه در جبهه حضور داشت. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را در روستای عشق آباد تابعه شهرستان زادگاهش به خاک سپردند. (خراسان رضوی)



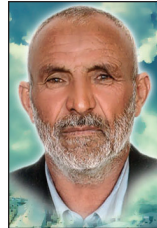
۲۹۹) عطائی، علی/ الف-ش: سیزدهم آبان ۱۳۳۶، در روستای ارغش از توابع شهرستان نیشابور به دنیا آمد. پدرش نورعلی و مادرش فاطمه نام داشت. تا پایان دوره ابتدایی درس خواند. کشاورز بود. ازدواج کرد و صاحب چهار پسر و چهار دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در زادگاهش قرار دارد. (خراسان رضوی)



۳۰۰) عفتی، حسینعلی/ الف-ش: چهارم شهریور ۱۳۴۰، در شهرستان بجنورد به دنیا آمد. پدرش ارسلان، کشاورزی می کرد و مادرش تازه گل نام داشت. در حد دوره متوسطه درس خواند. او نیز کشاورز و راننده بود. ازدواج کرد و صاحب یک پسر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را در شهرستان شهریار به خاک سپردند. (خراسان شمالی)



۳۰۷) علی نژاد، ارسلان/ الف-ش:
یکم فروردین ۱۳۳۰، در شهرستان قوچان به دنیا آمد. پدرش علی محمد، خواربارفروش بود و مادرش فرخ لقا نام داشت. تا پایان دوره متوسطه درس خواند و دیپلم گرفت. کارمند بازنشسته دادگستری بود. سال ۱۳۵۷ ازدواج کرد و صاحب یک پسر و دو دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را در بهشت رضای شهرستان مشهد به خاک سپردند. (خراسان رضوی)



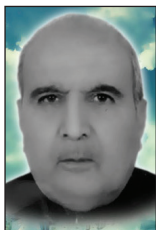
۳۰۴) علی پوردستنائی، حسنعلی/ الف-ش: هفتم شهریور ۱۳۳۳، در شهرستان دستنا به دنیا آمد. پدرش صفرعلی، کشاورز بود و مادرش خانم جان نام داشت. در حد خواندن و نوشتن سواد آموخت. فخار بود. ازدواج کرد و صاحب پنج پسر و سه دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در گلزار شهدای زادگاهش قرار دارد. (چهارمحال و بختیاری)



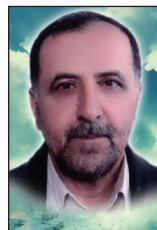
۳۰۸) عمادارشاد، شریف/ الف-س:
ششم آبان ۱۳۳۷، در روستای ازندره علیا از توابع شهرستان مهاباد به دنیا آمد. پدرش ابراهیم، کشاورزی می کرد و مادرش مروت نام داشت. خواندن و نوشتن نمی دانست. شغلش آزاد بود. سال ۱۳۵۸ ازدواج کرد و صاحب چهار پسر و یک دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. تاکنون اثری از پیکرش به دست نیامده است. (آذربایجان غربی)



۳۰۵) علی پورفیل آبادی، مهدیقلی/ الف-ش: یکم تیر ۱۳۳۲، در شهرستان فارسان چشم به جهان گشود. پدرش مختار و مادرش مهرنسا نام داشت. تا پایان دوره راهنمایی درس خواند. شغلش آزاد بود. سال ۱۳۵۸ ازدواج کرد و صاحب دو پسر و دو دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در روستای فیل آباد تابعه شهرستان زادگاهش قرار دارد. (چهارمحال و بختیاری)



۳۰۹) عموهادی، رحمت الله/ الف-ش:
یازدهم مهر ۱۳۲۱، در شهرستان شهرضا به دنیا آمد. پدرش حسن، کشاورزی می کرد و مادرش فاطمه نام داشت. در حد خواندن و نوشتن سواد آموخت. خواربارفروش بود. ازدواج کرد و صاحب دو پسر و سه دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در گلزار شهدای شهرستان زادگاهش قرار دارد. (اصفهان)



۳۰۶) علی زاده عباس آبادی، اصغر/ الف-ش: بیستم اسفند ۱۳۳۲، در شهرستان قائمشهر به دنیا آمد. پدرش محمدعلی و مادرش زینب نام داشت. در حد خواندن و نوشتن سواد آموخت. کارمند بازنشسته کارخانه نساجی بود. ازدواج کرد و صاحب دو پسر و چهار دختر شد. حدود ۲۴ ماه در جبهه حضور داشت. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در گلزار شهدای روستای سنگتاب از توابع شهرستان زادگاهش قرار دارد. (مازندران)



۳۱۲) غفاری پور، بهمن / الف-ش: پنجم
مهر ۱۳۴۴، در شهر طالخونچه از توابع
شهرستان مبارکه دیده به جهان گشود.
پدرش کرمعلی و مادرش جواهر نام داشت.
تا پایان دوره متوسطه در رشته ادبیات فارسی

درس خواند و دیپلم گرفت. کارمند بازنشسته صنایع فولاد بود.
سال ۱۳۷۱ ازدواج کرد و صاحب یک دختر شد. از سوی
بسیج به مدت ۴ سال در جبهه حضور یافت و مجروح شد.
دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به
شهادت رسید. مزار او در زادگاهش قرار دارد. (اصفهان)



۳۱۳) غلامی، غلامرضا / الف-ش: دوم
مرداد ۱۳۲۹، در روستای بورنگ از توابع
شهرستان درمیان به دنیا آمد. پدرش
محمد، کشاورز و قالیباف بود و مادرش
فاطمه نام داشت. در حد خواندن و

نوشتن سواد آموخت. بازنشسته نیروی انتظامی بود. سال
۱۳۵۵ ازدواج کرد و صاحب دو پسر و چهار دختر شد. دوم
مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به
شهادت رسید. پیکر او را در بهشت رضای شهرستان مشهد
به خاک سپردند. (خراسان جنوبی)



۳۱۴) غلامی بزآبادی، فرامرز / الف-ش:
پنجم آبان ۱۳۳۵، در روستای فجرآباد از
توابع شهرستان شیروان به دنیا آمد. پدرش
غلامحسین، کشاورزی می کرد و مادرش
شکر نام داشت. تا پایان دوره ابتدایی

درس خواند. راننده و بسیجی بود. سال ۱۳۶۱ ازدواج کرد و
صاحب دو پسر و پنج دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه
منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر
او را در گلزار شهدای زادگاهش به خاک سپردند. (خراسان
شمالی)



۳۱۰) عوضی، حسین / الف-ش: سیام
آبان ۱۳۴۳، در شهر اهرم از توابع
شهرستان تنگستان دیده به جهان گشود.
پدرش غلامعلی، کشاورزی می کرد و
مادرش سکینه، خانه دار بود.

سال ۱۳۵۷ هنگام شرکت در تظاهرات شهر بوشهر توسط
عوامل رژیم شاهنشاهی بر اثر اصابت گلوله به شکم، دست
و پا مجروح شد. پس از پیروزی انقلاب تا پایان دوره
تکمیلی نهضت سوادآموزی درس خواند. سبزی فروش و
حالت اشتغال بنیاد شهید و امور ایثارگران بود.

سال ۱۳۶۷ ازدواج کرد و صاحب دو دختر شد. بر آموزش
مذهبی و تحصیل فرزندان تأکید داشت. بسیار مهمان نواز
بود و همه به او علاقه داشتند. به مادیات توجه نداشت و
حق مردم را رعایت می کرد. همیشه به یاد تهیدستان بود.
نقص جسمی هرگز مانع انجام وظیفه او نشد و به ورزش
می پرداخت.

با آغاز جنگ تحمیلی به جبهه رفت. حدود ۲۴ ماه در جبهه
حضور داشت و مجروح شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منا
به شهادت رسید. پیکرش بیست و هفتم دی همان سال پس
از تفحص و تشییع در گلزار شهدای بهشت اکبر زادگاهش
به خاک سپرده شد. (بوشهر)



۳۱۱) غدیری، گلناز / الف-س: دوم
مهر ۱۳۳۷، در روستای کاریز از توابع
شهرستان تایباد به دنیا آمد. پدرش
غلامحیدر، کشاورزی می کرد و مادرش
فاطمه نام داشت. خواندن و نوشتن

نمی دانست. خانه دار بود. ازدواج کرد و صاحب یک پسر
و دو دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط
نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را در مزار شیخ
برهان الدین زادگاهش به خاک سپردند. (خراسان رضوی)



۳۱۵) غلامی جیر کل، رحمت/ الف-ش:

بیست و نهم فروردین ۱۳۴۳، در روستای رحیم آباد از توابع شهرستان رودسر به دنیا آمد. پدرش محمدعلی، کشاورزی می کرد و مادرش خدیجه، خانه دار بود. در خانواده ای

مذهبی و زحمت کش پرورش یافت. تا پنجم ابتدایی در روستای زادگاهش درس خواند. برای ادامه تحصیل به بخش رحیم آباد رفت و در آنجا به تنهایی زندگی کرد. تا پایان مقطع متوسطه در رشته اقتصاد درس خواند و دیپلم گرفت.

او نیز مانند بیشتر مردم در تظاهرات علیه حکومت پهلوی شرکت می کرد. در دوران جنگ به عنوان سرباز ارتش عازم جبهه شد و بیست و شش ماه خدمت نمود. بر اثر بمباران شیمیایی و اصابت ترکش به پهلوی، قلب، زانو و سر، مجروح شد.

کارمند ارشد بانک کشاورزی بود. در محیط کار بسیار منظم بود. در حفظ بیت المال می کوشید، به طوری که حتی از تلفن اداره برای تماس های شخصی استفاده نمی کرد. همیشه به موقع در محل کار آماده می شد و به کار مردم اهمیت می داد. یک بار که برف سنگینی آمد و راه ها بسته شد، از روستای کلاچای تا رحیم آباد را پیاده رفت. می گفت: «نباید کار مردم روی زمین بماند.» بسیار امانت دار بود. افراد زیادی دفترچه های پس انداز خود را نزد وی امانت گذاشته بودند.

سال ۱۳۶۵ ازدواج کرد و صاحب دو دختر و دو پسر شد. با خانواده و بچه ها بسیار خوش رو و خوش اخلاق بود. برای انجام وظایف دینی، فرزندانش را تحت فشار قرار نمی داد و معتقد بود باید با آن ها مهربان بود. امر و نهی نمی کرد و رفتار دوستانه ای داشت. به خانواده و فرزندان بسیار احترام می گذاشت. آرام و خانواده دوست بود و به پدر و مادرش توجه و محبت می کرد. او که مزه فقر را چشیده بود، دور از چشم دیگران به نیازمندان کمک می کرد و اهل ریا و تظاهر نبود. همیشه تکرار می کرد: «خدا خواسته حلال را حلال و حرام را حرام بدانیم.» شکر گزار نعمت های خداوند بود و با سادگی می گفت: «هر چه از خدا خواستم داده، شکر!» هیچ وقت بیکار نمی نشست. بعضی روزها

تا دیروقت در بانک حضور داشت و گاهی نیز پس از بازگشت به پدر و مادرش در کار کشاورزی کمک می کرد.

بسیار آرام و خونسرد بود. قبل از سفر حج و هنگام خداحافظی گفت: «اگر هواپیما رسید، که رسید و اگر افتاد، شهید می شویم.» حال و هوای حج او را عوض کرده بود. روز احرام هنگام وداع با همسرش گفت: «حلالم کن.»

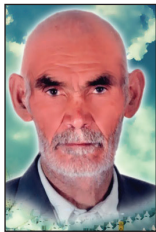
دوم مهر ۱۳۹۴، هنگام انجام اعمال حج در منا به شهادت رسید. پیکر وی بیست و یک روز بعد به کشور بازگشت و پس از تشییع در گلزار شهدای شهر کلاچای تابعه شهرستان زادگاهش به خاک سپرده شد. (گیلان)



۳۱۶) فتح آبادی، حسن/ الف-ش: یکم

فروردین ۱۳۴۴، در شهرستان نیشابور به دنیا آمد. پدرش مرادعلی، کشاورزی می کرد و مادرش صغرا نام داشت. تا پایان دوره ابتدایی درس خواند. راننده

بود. ازدواج کرد و صاحب سه پسر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در بهشت فضل شهرستان نیشابور قرار دارد. (خراسان رضوی)



۳۱۷) فخری، محمداسماعیل/ الف-ش:

یکم فروردین ۱۳۲۴، در روستای خسروآباد از توابع شهرستان نیشابور به دنیا آمد. پدرش محمد و مادرش فاطمه نام داشت. خواندن و نوشتن نمی دانست.

ازدواج کرد و صاحب دو پسر و پنج دختر شد. در بسیج خدمت می کرد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در روستای قلعه وزیر تابعه شهرستان نیشابور قرار دارد. (خراسان رضوی)



۳۲۱ فرخاری، براتعلی / الف-ش: بیستم
 اسفند ۱۳۱۵، در شهرستان فیروزه به دنیا آمد. پدرش علی، کشاورزی می‌کرد و مادرش فاطمه نام داشت. خواندن و نوشتن نمی‌دانست. او نیز کشاورز بود. سال ۱۳۴۳ ازدواج کرد و صاحب سه پسر و سه دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در روستای فرخار تابعه شهرستان زادگاهش قرار دارد. (خراسان رضوی)



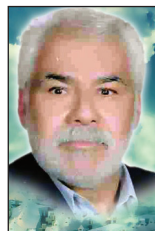
۳۲۲ فرخاری، محمدتقی / الف-ش:
 دوم آبان ۱۳۳۵، در شهرستان فیروزه به دنیا آمد. پدرش موسی، کشاورزی می‌کرد و مادرش ملک‌نسا نام داشت. خواندن و نوشتن نمی‌دانست. او نیز کشاورز بود. سال ۱۳۵۶ ازدواج کرد و صاحب دو پسر و چهار دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در روستای فرخار تابعه شهرستان زادگاهش واقع است. (خراسان رضوی)



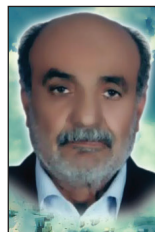
۳۲۳ فرخاری، محمدحسن / الف-ش:
 یکم شهریور ۱۳۲۵، در شهرستان فیروزه چشم به جهان گشود. پدرش علی‌اصغر و مادرش شرف نام داشت. خواندن و نوشتن نمی‌دانست. کشاورز بود. سال ۱۳۷۰ ازدواج کرد و صاحب سه پسر و پنج دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در روستای فرخار تابعه شهرستان زادگاهش قرار دارد. (خراسان رضوی)



۳۱۸ فخری نالکیاشری، ابراهیم / الف-ش:
 یکم فروردین ۱۳۴۲، در شهرستان لنگرود به دنیا آمد. پدرش محمدجعفر (فوت ۱۳۶۹) کشاورزی می‌کرد و مادرش لیلا (فوت ۱۳۵۷) نام داشت. تا پایان دوره کارشناسی در رشته فقه و حقوق درس خواند. کارمند بازنشسته سازمان بنیاد شهید و امور ایثارگران بود. سال ۱۳۶۴ ازدواج کرد و صاحب سه پسر و یک دختر شد. در جبهه حضور یافت و مجروح شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را در زادگاهش به خاک سپردند. (آذربایجان شرقی)



۳۱۹ فرح، عبدالعزیز / الف-ش: بیستم
 بهمن ۱۳۳۲، در شهر بصره از کشور عراق به دنیا آمد. پدرش محمدحسین و مادرش همدم نام داشت. تا پایان دوره راهنمایی درس خواند. آشپز کاروان‌های سازمان حج و زیارت بود. سال ۱۳۵۶ ازدواج کرد و صاحب چهار دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را در شهرستان شیراز به خاک سپردند. (فارس)



۳۲۰ فرح، خلیل / الف-ش: هفتم تیر
 ۱۳۲۸، در شهر بردستان از توابع شهرستان دیر به دنیا آمد. پدرش قاسم و مادرش آمنه نام داشت. خواندن و نوشتن نمی‌دانست. شغلش آزاد بود. سال ۱۳۵۹ ازدواج کرد و صاحب شش دختر و چهار پسر شد. در بسیج خدمت می‌کرد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در زادگاهش قرار دارد. (بوشهر)

گیلان پذیرفته شد. با شروع انقلاب و تعطیلی دانشگاه‌ها، به زادگاهش بازگشت و مشغول به تدریس در مدارس شد. در دوران جنگ تحمیلی به عنوان سرباز در جبهه حضور یافت و ۲۸ ماه خدمت کرد.

سال ۱۳۶۲ ازدواج کرد و صاحب سه دختر شد. با محبت و مهربانی فرزندان را با مبانی اسلام و وظایف شرعی خودشان آشنا کرد. به آن‌ها سخت نمی‌گرفت و رفتارش با آن‌ها مانند یک دوست بود. با دعوت نمودن آن‌ها به صبر، درباره خواست و حکمت خدا صحبت می‌کرد. می‌گفت: «برای هر کاری تلاش کنید و نتیجه را بر عهده خدا بگذارید. اگر نتیجه خلاف میل شما بود، بدانید حکمت خدا بوده است.» مهربان، آینده‌نگر، باتدبیر، شوخ‌طبع و خانواده دوست بود. صلہ‌رحم را رعایت می‌کرد و همه از بزرگ و کوچک او را دوست داشتند. با هوش بود. حافظه خوب و اطلاعات زیادی داشت. به همین دلیل همه با او مشورت می‌کردند. دلسوز مردم بود و با خیرخواهی راهنمایی می‌کرد. بی‌آنکه کسی بدانند برای کمک به نیازمندان پیش قدم می‌شد. اهل غیبت نبود و اگر کسی غیبت می‌کرد با روی خوش موضوع صحبت را تغییر می‌داد. با توجه به مشغله کاری که داشت، در کلاس‌های قرآن شرکت می‌کرد و قرآن را با تفسیر می‌خواند. به هر نکته‌ای که می‌رسید آن را برای فرزندان می‌گفت و توجه آن‌ها را به قدرت خداوند و نظم جهان جلب می‌نمود. کشاورز خوبی بود. به ورزش والیبال علاقه داشت و به آن می‌پرداخت.

به تحصیلات خود تا پایان مقطع کارشناسی ارشد در رشته مدیریت ادامه داد. معاون طرح توسعه شرکت آب منطقه مازندران بود. در کارش علاوه بر مدیریت قوی، بسیار دقت داشت. اطلاعات فنی و دلسوزی وی نسبت به کار، او را تبدیل به ستونی محکم کرده بود که باعث پیشرفت می‌شد. دانش زیادی در زمینه سدسازی، احداث کانال آب، ساخت خطوط انتقال آب، تأمین آب شرب و کشاورزی و تجهیزات لازم داشت. با ارائه بهترین راه‌کارها، حداکثر استفاده را از منابع می‌کرد. بسیار متواضع بود. هنگامی که به دلیل دشمنی برخی



۳۲۴) فرخاری، محمدعلی / الف-ش:

بیستم فروردین ۱۳۲۵، در شهرستان فیروزه به دنیا آمد. پدرش محمدعلی و مادرش نسترجهان [نیست درجهان] نام داشت. تا پایان دوره ابتدایی درس خواند. کشاورز بود. سال ۱۳۴۴ ازدواج کرد و صاحب چهار پسر و سه دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در روستای فرخار تابعه شهرستان زادگاهش قرار دارد. (خراسان رضوی)



۳۲۵) فرخی، حسین / الف-ش:

پانزدهم بهمن ۱۳۱۸، در روستای بیرگ سفلا از توابع شهرستان فاروج به دنیا آمد. پدرش ولی، کشاورزی می‌کرد و مادرش حنیفه نام داشت. خواندن و نوشتن نمی‌دانست. او نیز کشاورز بود. سال ۱۳۳۷ ازدواج کرد و صاحب سه پسر و سه دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در زادگاهش قرار دارد. (خراسان شمالی)



۳۲۶) فروزان، محمدرضا / الف-ش: یکم

تیر ۱۳۳۷، در روستای حاجی کلا از توابع شهرستان قائم‌شهر به دنیا آمد. پدرش علی‌جان، کشاورز بود و مادرش محرم به خانه‌داری و کشاورزی اشتغال داشت. در کودکی قرآن را آموخت و سپس به مدرسه رفت. تا پایان دوره راهنمایی در روستاهای اطراف به تحصیل پرداخت و دوران متوسطه را در دبیرستان جامع ساری گذراند. از کودکی با شرایط سخت آشنا شد و پا به پای پدر و مادر کشاورزی می‌کرد. سال ۱۳۵۷ در رشته مهندسی راه و ساختمان دانشگاه



۳۲۹) فلاح هروی، محمد مهدی /

الف-ش: پانزدهم شهریور ۱۳۳۳، در شهرستان مشهد چشم به جهان گشود. پدرش محمد، در بانک کشاورزی کار می‌کرد و مادرش حکیمه نام داشت.

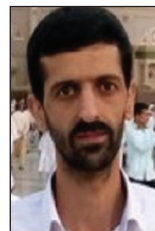
دوران کودکی و تحصیلات ابتدایی را در زادگاهش سپری کرد. بعد از گذراندن دوره کارشناسی در رشته برق توانست در سال ۱۳۵۳ وارد نیروی هوایی ارتش شود و سی سال در مناطق عملیاتی و شهرهایی نظیر مشهد، بندرعباس، کیش، تهران و شیراز خدمت کرد. سرانجام سال ۱۳۸۳ با درجه سرتیپ دومی افتخار بازنشستگی از ارتش جمهوری اسلامی ایران نصیبش شد.

در سن ۲۴ سالگی ازدواج کرد و ثمره این ازدواج دو پسر و دو دختر بود. در تربیت فرزندانش تلاش فراوان می‌کرد. همواره در جلسات قرآن و دعا به ویژه در ماه مبارک رمضان شرکت داشت. در خانواده و اقوام به راستگویی، خیرخواهی و مهربانی مشهور بود. علاوه بر این به سلامتی روحی و جسمی خود و خانواده اهمیت بسیاری می‌داد؛ به طوری که در هر شرایطی طی شبانه روز حداقل ۲ ساعت ورزش در برنامه کاری او وجود داشت. در نظرش سلامت روح و جسم انسان یکی از واجبات هر مسلمانی بود.

وقتی زمان تشریف به مکه توسط سازمان حج و زیارت تعیین شد، همسرش بنا به دلایلی از شرکت در مراسم حج انصراف داد و مجبور شد تنها به این سفر مشرف شود. دوم مهر ۱۳۹۴، در منا به شهادت رسید. پیکر او را پس از تشییع در خواجه ربیع زادگاهش به خاک سپردند. (خراسان رضوی)

افراد پست معاونت را برای مدتی از دست داد و به عنوان مشاور انتخاب شد، پیشنهاد داد به عنوان مدیر طرح خدمت کند تا مفید باشد. در یکی از دل‌نوشته‌های او که مربوط به این دوره است آمده: «خدا در زندگی من حضوری عاشقانه دارد. از هم اکنون با دلی متوکل به چاره خدا و اندیشه مثبت به سوی مصلحت الهی‌ام پیش می‌روم.»

سال‌ها در انتظار سفر به مکه بود. به گفته همراهان در طول سفر بسیار عبادت و مناجات می‌کرد. دوم مهر ۱۳۹۴، هنگام انجام اعمال حج در منا به شهادت رسید. پیکر وی بیست و سوم همان ماه، در زادگاهش به خاک سپرده شد. (مازندران)



۳۲۷) فلاح، محمد جعفر / الف-ش:

چهاردهم شهریور ۱۳۵۹، در شهرستان شهرضا دیده به جهان گشود. پدرش ابراهیم و مادرش رضوان نام داشت. تا پایان دوره کارشناسی در رشته ریاضی درس خواند. کارمند بانک بود. ازدواج کرد و صاحب یک دختر شد. بیستم شهریور ۱۳۹۴، در مسجدالحرام بر اثر حادثه سقوط جرثقیل به شهادت رسید. مزار او در شهرستان زادگاهش قرار دارد. (اصفهان)



۳۲۸) فلاح نژاد، نور محمد / الف-ش:

بیست و ششم بهمن ۱۳۲۳، در روستای تالارپشت از توابع شهرستان قائمشهر به دنیا آمد. پدرش نامدار و مادرش گل‌باجی نام داشت. خواندن و نوشتن نمی‌دانست.

کشاورز بود. سال ۱۳۴۳ ازدواج کرد و صاحب سه پسر و سه دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را در زادگاهش به خاک سپردند. (مازندران)



۳۳۰) فلاحی، محسن / الف-ش: هشتم فروردین ۱۳۴۲، در روستای پوده از توابع شهرستان دهقان به دنیا آمد. پدرش حبیب‌الله، قصاب بود و مادرش فرخ نام داشت. تا پایان دوره متوسطه در رشته مکانیک خودرو درس خواند و دیپلم گرفت. کارگر فولاد مبارکه بود. ازدواج کرد و صاحب دو پسر و یک دختر شد. مدت ۶ ماه در جبهه فعالیت می‌کرد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی مجروح شد و نوزدهم همان ماه، در بیمارستان محب کوثر تهران بر اثر شدت جراحات به شهادت رسید. پیکر او را در زادگاهش به خاک سپردند. (اصفهان)



۳۳۱) فولادگر، اصغر / الف-ش: یکم شهریور ۱۳۳۸، در شهرستان اصفهان و در خانواده‌ای اصیل دیده به جهان گشود. پدرش احمد، آهنگر بود و مادرش بطول [بتول]، خانه‌داری می‌کرد. پدرش مردی متدین و اهل مطالعه در زمینه علوم حوزوی بود. تا پایان مقطع دکترا در رشته مطالعات منطقه‌ای درس خواند. مسلط به زبان عربی بود.

او نیز همراه سایر مردم در راهپیمایی‌های قبل از انقلاب شرکت می‌کرد. پاسدار بود و در سمت‌های مختلفی انجام وظیفه نمود. در بیست و سه سالگی فرمانده سپاه پاسداران شد. در دوران جنگ تحمیلی حدود ۱۶ ماه در جبهه حضور یافت.

سال ۱۳۶۲ ازدواج کرد و صاحب سه دختر شد. نسبت به خانواده مهربان بود و محبت خود را ابراز می‌کرد. به پدر، مادر و همسرش احترام می‌گذاشت. نسبت به فرزندان سخت‌گیر نبود و بر استقلال و توانمندی آنها اهمیت می‌داد. اهل صلح‌رحم، راستگو و خوش‌بین بود. غیبت نمی‌کرد و رسیدگی به همسایه را وظیفه خود می‌دانست.

سال ۱۳۶۶ به عنوان فرمانده آموزش سپاه حزب‌الله لبنان به آنجا رفت و تا سال ۱۳۷۳ آنجا بود. در کارش بسیار منظم، دقیق و درستکار بود و از سپاه توقعی نداشت. معتقد بود برای انجام بهتر هر کار نباید مدت طولانی به یک کار پرداخت و باید به نیروهای جوان و تجربه‌های تازه فرصت خدمت داد تا با اندیشه‌ها، برنامه‌ها و دانش جدید به پیشبرد اهداف کمک کنند.

ارادت خاصی به حضرت سیدالشهدا (ع) داشت و در برپایی مراسم عزاداری می‌کوشید. بسیار اهل مطالعه کتاب، روزنامه‌ها و مجلات سیاسی بود. پیوسته در جلسات تفسیر قرآن شرکت می‌کرد و به خواندن دعای کمیل عادت داشت. خود را مدیون شهدا می‌دانست و از دستورات رهبر اطاعت می‌کرد. کارشناس سیاسی بعثه رهبری و مسئول مبلغین حوزه عربی بود.

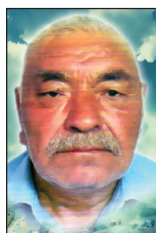
از سوی بعثه رهبری به مکه اعزام شد. چهارم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای به شهادت رسید. پیکرش بیست و دوم دی ۱۳۹۴، پس از تفحص و تشییع در زادگاهش به خاک سپرده شد.

مقالات زیادی در زمینه موضوعات تاریخی و سیاسی از او به جا مانده است. (اصفهان)



۳۳۲) فهیماء، احمد / الف-ش: سوم آبان ۱۳۳۶، در شهرستان مشهد دیده به جهان گشود. پدرش حسن، کارمند بانک بود و مادرش معصومه نام داشت. تا پایان دوره کارشناسی در رشته علوم سیاسی درس خواند. کارمند وزارت امور خارجه بود. ازدواج کرد و صاحب چهار دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را در امامزاده پنج‌تن شهر لویزان تابعه شهرستان شمیرانات به خاک سپردند. (خراسان رضوی)

کرد و گفت: «با حمایت شما توانستم به این جایگاه برسم» خوشرو، متواضع، صبور و با محبت بود. در مجالس مذهبی و تفسیر قرآن شرکت می کرد. اهل تظاهر و ریاکاری نبود. به کشاورزی علاقه داشت و ساعت ها در مزرعه برنج کاری می کرد. سال ۱۳۹۴، با تصمیمی ناگهانی عازم سفر حج شد. صبح روز عید قربان طی تماسی تلفنی از خانواده حلالیت طلبیده و بدون توضیح از آن ها خواست در عزاداری برای او آرام و صبور باشند. دوم مهر همان سال در فاجعه منا توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکرش دوازدهم همان ماه در شهرستان شهرکرد دفن شد. از ایشان مجموعه مقالاتی به جا مانده است. (اصفهان)



۳۳۵) قادری، غلامعباس/الف-ش: پنجم
فروردین ۱۳۲۸، در روستای معین آباد سفلا از توابع شهرستان مشهد به دنیا آمد. پدرش غلامحسین، کشاورزی می کرد و مادرش معصومه نام داشت. خواندن و نوشتن نمی دانست. او نیز کشاورز بود. سال ۱۳۴۹ ازدواج کرد و صاحب شش پسر و دو دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در زادگاهش قرار دارد. (خراسان رضوی)



۳۳۶) قادری، گلی/الف-س: هفتم آذر
۱۳۱۰، در روستای سویناس از توابع شهرستان مهاباد به دنیا آمد. پدرش محمد، کارگری می کرد و مادرش عایشه نام داشت. خواندن و نوشتن نمی دانست. خانه دار بود. ازدواج کرد و صاحب یک پسر و چهار دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را در شهرستان زادگاهش به خاک سپردند. (آذربایجان غربی)



۳۳۳) فهیمی، حسن/الف-ش: یکم
فروردین ۱۳۳۹، در شهرستان قم به دنیا آمد. پدرش محمد، مغازه دار بود و مادرش زهرا نام داشت. تا پایان دوره متوسطه درس خواند و دیپلم گرفت. مرغداری داشت. سال ۱۳۶۷ ازدواج کرد و صاحب دو پسر و سه دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را در گلزار شهدای زادگاهش به خاک سپردند. (قم)



۳۳۴) فیاض، محمدجواد/الف-ش: بیست و چهارم آذر
۱۳۳۴، در شهرستان لنجان دیده به جهان گشود. پدرش مهدیقلی، کشاورز بود و مادرش جمیله خانه داری می کرد. تا پایان مقطع کارشناسی ارشد در رشته جامعه شناسی درس خواند. در زمان حکومت پهلوی دانشجوی دانشگاه شیراز بود و به علت فعالیت های سیاسی توسط نیروهای ساواک دستگیر شد و مورد شکنجه قرار گرفت. بر اثر شکنجه از ناحیه کمر آسیب دید. از سوی بسیج آموزش و پرورش برای تدریس در جبهه حضور یافت. رئیس دانشگاه فرهنگیان شهید رجایی بود.

سال ۱۳۶۰ ازدواج کرد و صاحب سه فرزند دختر شد. در تربیت فرزندان پایبند به اصول دینی بود. طی بیست و شش سال مدیریت خود همواره بر جزئیات کار نظارت می کرد. با دانشجویان دوست بود و به آن ها کمک می کرد. در دوران مدیریت او دانشجویان از غذای دانشگاه استفاده می کردند، یک روز متوجه شد یکی از دانشجویان سالن غذاخوری را ترک کرد. به دنبال او رفت و علت را پرسید. دانشجو گفت «مادر و خواهرم گرسنه هستند و من نمی توانم غذا بخورم، می خواهم ترک تحصیل کنم و مشغول کار شوم» محمدجواد فیاض دستور داد برای خانواده آن دانشجو مقداری غذا کنار بگذارند. بعدها که آن دانشجو به پست مدیریتی رسید، خودش را به او معرفی



۳۴۰) قاسمی درآبادی، حسن / الف-ش:
 بیستم تیر ۱۳۴۴، در روستای درآباد از توابع شهرستان اردبیل چشم به جهان گشود. پدرش علی عباس و مادرش عالیه نام داشت. شغلش آزاد بود. ازدواج کرد. بیستم شهریور ۱۳۹۴، در مسجدالحرام بر اثر سقوط جرثقیل به شهادت رسید. مزار او بهشت زهراي شهرستان تهران قرار دارد. (اردبیل)



۳۳۷) قاسمی، جلیل / الف-ش: نهم
 شهریور ۱۳۵۱، در روستای کربال از توابع شهرستان مرودشت به دنیا آمد. پدرش صدرالله و مادرش عالم بها نام داشت. تا پایان دوره متوسطه در رشته تجربی درس خواند و دیپلم گرفت. بهیار و بسیجی بود. سال ۱۳۷۴ ازدواج کرد و صاحب یک پسر و یک دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را در شهرستان زادگاهش به خاک سپردند. (فارس)



۳۴۱) قاسمی شورابی، هدایت / الف-ش:
 بیست و نهم دی ۱۳۳۰، در شهرستان قائمشهر به دنیا آمد. پدرش محمد و مادرش گل خاتون نام داشت. تا پایان دوره متوسطه در رشته انسانی درس خواند و دیپلم گرفت. کارمند بانک صادرات بود. ازدواج کرد و صاحب دو پسر و دو دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را در آرامگاه موحدین زادگاهش به خاک سپردند. (مازندران)



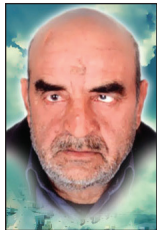
۳۳۸) قاسمی، غلامعباس / الف-ش: بیست و نهم
 شهریور ۱۳۳۸، در روستای انوج از توابع شهرستان نهاوند به دنیا آمد. پدرش هبت الله و مادرش طاهره نام داشت. تا پایان دوره کارشناسی ارشد در رشته الهیات در حوزه علمیه درس خواند. روحانی و مسئول روابط عمومی شبکه بهداشت و درمان بود. ازدواج کرد و صاحب سه پسر و یک دختر شد. حدود دو ماه به عنوان بسیجی در جبهه حضور داشت. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را در مقبره شهدای همان شهر به خاک سپردند. (لرستان)



۳۴۲) قاضی، عبدالحلیم / الف-س:
 هجدهم آبان ۱۳۲۵، در شهرستان بندرترکمن به دنیا آمد. پدرش طواق مراد و مادرش طلا نام داشت. تا پایان دوره کاردانی درس خواند. معلم بود. سال ۱۳۴۷ ازدواج کرد و صاحب دو پسر و چهار دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را در روستای آق قایه تابعه شهرستان گنبدکاوس به خاک سپردند. (گلستان)



۳۳۹) قاسمی بویاغچی، نوحعلی / الف-ش:
 پانزدهم مهر ۱۳۲۶، در روستای بویاغچی از توابع شهرستان نمین دیده به جهان گشود. پدرش قلیچ و مادرش شیشه بیگم نام داشت. تا سوم ابتدایی درس خواند. کشاورز و زنبوردار بود. سال ۱۳۵۰ ازدواج کرد و صاحب چهار پسر و دو دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را در گلزار شهدای زادگاهش به خاک سپردند. (تهران)



۳۴۶) قدمگاهی، علی اکبر / الف-ش:

یکم اردیبهشت ۱۳۳۲، در روستای پوست‌فروشان از توابع شهرستان نیشابور به دنیا آمد. پدرش ابوالحسن و مادرش فاطمه نام داشت. در نهضت سوادآموزی درس خواند. بازنشسته سازمان آب و فاضلاب بود. ازدواج کرد و صاحب سه پسر و سه دختر شد. به عنوان بسیجی مدت ۱۲ ماه در جبهه حضور داشت. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را در زادگاهش به خاک سپردند. (خراسان رضوی)



۳۴۳) قانونی‌نیا، علیرضا / الف-ش: دوم

تیر ۱۳۳۰، در روستای ارجنگ از توابع شهرستان خوانسار به دنیا آمد. پدرش محمد، کشاورزی می‌کرد و مادرش ربابه نام داشت. در حد خواندن و نوشتن سواد آموخت. او نیز کشاورز بود. سال ۱۳۵۳ ازدواج کرد و صاحب پنج پسر و سه دختر شد. به عنوان بسیجی حدود دو ماه در جبهه حضور داشت. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در گلزار شهدای زادگاهش قرار دارد. (اصفهان)



۳۴۷) قربان‌نیامیرک‌محلّه، ناصر /

الف-ش: دوم آبان ۱۳۴۳، در روستای میرک‌محلّه از توابع شهرستان رودسر دیده به جهان گشود. پدرش علیقلی، کشاورزی می‌کرد و مادرش سیده‌مریم نام داشت. تا پایان دوره خارج در حوزه علمیه درس خواند. استاد دانشگاه و روحانی بود. ازدواج کرد و صاحب دو دختر شد. حدود ۳۶ ماه در جبهه خدمت می‌کرد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را در گلزار علی‌بن‌جعفر شهرستان زادگاهش به خاک سپردند. (قم)



۳۴۴) قائد رحمت، جانعلی / الف-ش:

دوازدهم اردیبهشت ۱۳۲۸، در شهرستان دورود به دنیا آمد. پدرش کرم‌جان و مادرش فاطمه‌بانو نام داشت. کارمند بازنشسته بانک کشاورزی بود. ازدواج کرد و صاحب سه پسر و چهار دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را در گلزار شهدای شهرستان زادگاهش به خاک سپردند. (لرستان)



۳۴۸) قربانی‌مهر، حسین / الف-ش:

سوم خرداد ۱۳۲۱، در محله درویش از توابع شهرستان دماوند به دنیا آمد. پدرش علیجان، کشاورزی می‌کرد و مادرش کبرا نام داشت. در حد دوره متوسطه درس خواند. خواربارفروش بود. سال ۱۳۴۲ ازدواج کرد و صاحب سه پسر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در گلزار شهدای زادگاهش قرار دارد. (تهران)



۳۴۵) قائد رحمتی، سبزه‌خدا / الف-ش:

پنجم خرداد ۱۳۳۹، در شهرستان خرم‌آباد به دنیا آمد. پدرش راه‌خدا و مادرش شاهی نام داشت. تا پایان دوره ابتدایی درس خواند. شغلش آزاد بود. سال ۱۳۴۸ ازدواج کرد و صاحب سه پسر و چهار دختر شد. در بسیج خدمت می‌کرد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را در روستای گل‌دره تابعه شهرستان زادگاهش به خاک سپردند. (لرستان)



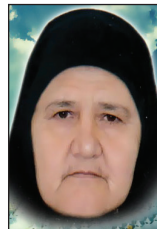
۳۵۲) قمری، علی اکبر/ الف-ش: هشتم
 اردیبهشت ۱۳۳۶، در شهر اروندکنار
 از توابع شهرستان آبادان به دنیا آمد.
 پدرش خدارحم نام داشت. تا پایان دوره
 کارشناسی در رشته جغرافیای نظامی
 درس خواند. پاسدار بود. ازدواج کرد و صاحب سه پسر
 شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای
 سعودی به شهادت رسید. پیکر او را در قطعه شهدای
 شهرستان اهواز به خاک سپردند. (خوزستان)



۳۴۹) قربانی ویند، صاحبعلی/ الف-ش:
 دوم فروردین ۱۳۳۳، در روستای
 ویندکلخوران از توابع شهرستان اردبیل
 دیده به جهان گشود. پدرش محرمعلی،
 کشاورزی می کرد و مادرش ننه باجی نام
 داشت. تا پایان دوره راهنمایی درس خواند. بازنشسته نیروی
 انتظامی بود. سال ۱۳۵۳ ازدواج کرد و صاحب شش پسر شد.
 به مدت ۴۷ ماه از سوی بسیج در جبهه حضور داشت. دوم مهر
 ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت
 رسید. پیکر او را در زادگاهش به خاک سپردند. (اردبیل)



۳۵۳) قنبری، علی/ الف-ش: پنجم بهمن
 ۱۳۳۳، در روستای باغدشت از توابع
 شهرستان قائمشهر به دنیا آمد. پدرش
 قنبرعلی و مادرش قمر نام داشت. خواندن
 و نوشتن نمی دانست. کشاورز بود. سال
 ۱۳۵۹ ازدواج کرد و صاحب دو پسر و یک دختر شد. دوم
 مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به
 شهادت رسید. پیکر او را در آقاسیدحیدر زادگاهش به خاک
 سپردند. (مازندران)



۳۵۰) قزل، درسنتقان/ الف-ش: سوم
 خرداد ۱۳۳۵، در روستای نیازآباد از توابع
 شهرستان بندرترکمن به دنیا آمد. پدرش
 قلیچ دردی و مادرش بختی نام داشت. در
 حد دوره متوسطه درس خواند. خانه دار
 بود. ازدواج کرد و صاحب سه پسر و شش دختر شد. دوم
 مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به
 شهادت رسید. پیکر او را در گلزار شهدای چپقلی صیداآباد
 تابعه شهرستان گمیشان به خاک سپردند. (آذربایجان غربی)



۳۵۴) قنبری، قاسم/ الف-ش: چهارم تیر
 ۱۳۵۴، در شهرستان خمین دیده به جهان
 گشود. پدرش رحیم، کارمند بود و مادرش
 شوکت نام داشت. تا پایان دوره کارشناسی
 ارشد درس خواند. مدتی مدیر گروه بهداشت
 محیط دانشگاه علوم پزشکی بود و سپس به سمت مدیریت حراست
 معاونت دانشگاه درآمد. ازدواج کرد و صاحب یک پسر و یک دختر
 شد. مدت ۱۵ سال در بسیج خدمت می کرد. دوم مهر ۱۳۹۴، در
 حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او
 را در گلزار شهدای زادگاهش به خاک سپردند. (مرکزی)



۳۵۱) قلی زاده، حسین/ الف-ش: هفتم
 فروردین ۱۳۳۵، در شهرستان مانه و
 سملقان به دنیا آمد. پدرش جعفرقلی،
 کشاورزی می کرد و مادرش خدیجه نام
 داشت. تا پایان دوره ابتدایی درس خواند.
 کشاورز و بسیجی بود. سال ۱۳۵۳ ازدواج کرد و صاحب
 سه پسر و یک دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای
 مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را در
 گلزار شهدای روستای لنگر تابعه شهرستان بجنورد به خاک
 سپردند. (خراسان شمالی)

این نظر در میان مردم معروف بود. روزی نبود که در خانه مهمان نداشته باشد و خدمت به مهمان را برای خود افتخار می‌دانست. با این که خیلی با زبان فارسی آشنا نبود، ولی سعی می‌کرد با مهمانان فارسی زبان صحبت کند و به آن‌ها خدمت نماید.

در برگزاری مجالس شادی و عزای روستاییان به طور مستمر یاری می‌رساند. اگر کسی احتیاج به خانه یا تعمیر خانه‌اش را داشت اولین نفری بود که کمک می‌کرد و دیگران را نیز به کمک می‌طلبید.

در ترغیب زنان روستا برای شرکت در کلاس‌های مذهبی، علوم دینی، یادگیری سیره حضرت فاطمه‌زهرا (س) می‌کوشید. جوانان را به امر ازدواج و تشکیل خانواده تشویق می‌کرد. پیرو ولایت فقیه بود و مردم را نیز به این امر دعوت می‌کرد. به دلیل همین خصوصیات و مردم‌داری بسیار مورد اعتماد مردم بود و در هر کاری با او مشورت می‌کردند.

او که سال‌ها در انتظار سفر به حج بود، آماده اعزام شد. قبل از سفر تمام اموالش را بخشید و از همه حلالیت طلبید. آخرین سفارشی که به فرزندانش کرد سه چیز بود: ۱- هم‌دلی با فرزندان خود و خویشان، ۲- صدقه دادن و یاری کردن فقرا و سومین درخواست وی نشان می‌دهد که او می‌دانست از این سفر بر نمی‌گردد. او از فرزندان و نوه‌هایش خواست که: «پس از مرگم کنار هم در یک ردیف بنشینید و برایم قرآن بخوانید.»

مرگ با عزت، بزرگ‌ترین آرزوی او بود. در مراسم حج پس از سقوط جرثقیل که منجر به شهادت زائران ایرانی شد، به همراهان خود گفت: «خوش به حال کسانی که در اینجا به شهادت رسیده‌اند و در این جا دفن می‌شوند. ای کاش من هم در جمع آن‌ها بودم و مکه دفن می‌شدم.»
دوم مهر ۱۳۹۴، هنگام انجام اعمال حج در منا به شهادت رسید. پیکر وی در مقبره‌الشهدای مکه به خاک سپرده شد. (گلستان)



۳۵۵) قوچق، جانه گل / الف-س: یکم مهر ۱۳۳۳، در روستای ایمر محمدقلی آخوند از توابع شهرستان گنبدکاووس چشم به جهان گشود. پدرش حسن و مادرش اقول بیگم نام داشت. تا پایان دوره کارشناسی در رشته تربیت معلم درس خواند. معلم بود. سال ۱۳۵۳ ازدواج کرد و صاحب سه پسر و پنج دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در زادگاهش قرار دارد. (گلستان)



۳۵۶) قورجانی، اغول بی بی / الف-س: بیستم اسفند ۱۳۲۷، در روستای قوری‌چای تابعه شهرستان گنبدکاووس دیده به جهان گشود. پدرش عطا، روحانی مسجد و مدرس علوم دینی بود و مادرش بیگم، خانه‌داری می‌کرد. در حد خواندن و نوشتن سواد آموخت. بعدها در کلاس‌های نهضت سوادآموزی شرکت کرد و با این که به راحتی به زبان فارسی صحبت نمی‌کرد، ولی تا پایه پنجم درس خواند. به خانه‌داری و کشاورزی اشتغال داشت. سال ۱۳۴۳ ازدواج کرد و صاحب شش دختر و سه پسر شد.

در انجام واجبات شرعی می‌کوشید. پیوسته نماز شب می‌خواند. بسیار ذکر می‌گفت. پس از برداشت محصولات کشاورزی زکات خود را می‌پرداخت. در ماه‌های رمضان، رجب، محرم و صفر در مجالس مذهبی شرکت می‌کرد. نسبت به امام حسین (ع) و یارانش ارادت خاصی داشت. در انجام کارهای عام‌المنفعه می‌کوشید. برایش فرقی نداشت در ساخت اماکن مذهبی کمک کند یا در رفع حاجت نیازمندان بکوشد. هر کاری از دستش برمی‌آمد برای کمک انجام می‌داد. حتی اگر لازم بود، غذایش را می‌بخشید و خود گرسنه می‌ماند. بسیار مهمان‌نواز بود و از



۳۶۰) کاظمی، میثم / الف-ش:
سیزدهم فروردین ۱۳۷۱، در شهرستان خوی به دنیا آمد. پدرش بهروز در جنگ تحمیلی حضور یافت و به درجه جانبازی نائل آمد. مادرش منصوره، خانه‌داری می‌کرد. از کودکی به خواندن و نوشتن علاقه زیادی داشت.

دانشجوی مقطع کارشناسی در رشته روان‌شناسی بود. او که در خانواده‌ای مذهبی پرورش یافته بود، ارات خاصی به ائمه اطهار به خصوص حضرت علی (ع) داشت.

بسیار خنده‌رو و مهربان بود. همواره در خدمت به پدر و مادر می‌کوشید. به گفته پدر هرگز نماز اول وقت او ترک نشد. هنگام تعطیلی دانشگاه برای کار و کمک به دانشجویان به مناطق محروم می‌رفت. بیست و پنجم شهریور ۱۳۹۴، همراه پدر و مادر عازم سفر حج شد. دوم مهر همان سال در حادثه منا توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او بیست و یکم همان ماه در شهرستان خوی به خاک سپرده شد. (آذربایجان غربی)



۳۶۱) کاظمی حاجی، عبدالله / الف-ش:
نهم فروردین ۱۳۲۵، در شهر گلوگاه از توابع شهرستان بابل به دنیا آمد. پدرش تیمور و مادرش معراج نام داشت. خواندن و نوشتن نمی‌دانست. دامدار بود. ازدواج کرد و صاحب سه پسر و چهار دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در زادگاهش قرار دارد. (مازندران)



۳۵۷) قهستانی، سیدحماد / الف-ش:
نوزدهم بهمن ۱۳۴۵، در شهرستان تهران به دنیا آمد. پدرش سیداحمدعلی، معلم بود و مادرش کوبک نام داشت. تا پایان دوره کارشناسی در رشته الکترونیک درس خواند. پیمانکار، مدیرعامل و عضو هیأت مدیره شرکت بود. ازدواج کرد و صاحب دو دختر شد. مدت ۸ ماه در جبهه حضور داشت. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در شهر لویزان تابعه شهرستان شمیرانات قرار دارد. (تهران)



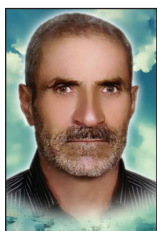
۳۵۸) کارگر، محمدرضا / الف-ش:
بیست و پنجم اسفند ۱۳۳۰، در شهرستان یزد به دنیا آمد. پدرش حسین، قصاب بود و مادرش سکینه نام داشت. تا پایان دوره متوسطه در رشته انسانی درس خواند و دیپلم گرفت. بازنشسته بود. سال ۱۳۵۲ ازدواج کرد و صاحب چهار پسر و یک دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را در خلدبرین شهرستان زادگاهش به خاک سپردند. (یزد)



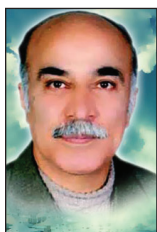
۳۵۹) کاشفی، حسن / الف-ش: بیست و دوم خرداد ۱۳۴۰، در شهرستان نیشابور به دنیا آمد. پدرش علی اکبر و مادرش سکینه خاتون نام داشت. تا پایان دوره راهنمایی درس خواند. شغلش آزاد بود. ازدواج کرد و صاحب یک پسر و یک دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در بهشت فضل شهرستان زادگاهش واقع است. (خراسان رضوی)



۳۶۵) کرابی، حسین/ الف-ش: بیستم شهریور ۱۳۴۷، در شهرستان اسفراین دیده به جهان گشود. پدرش غلامحسین، خیاط بود و مادرش بی بی نام داشت. تا پایان دوره کارشناسی در رشته الهیات درس خواند. معلم بود. سال ۱۳۷۳ ازدواج کرد و صاحب دو پسر و یک دختر شد. در بسیج خدمت می کرد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را در گلزار شهدای زادگاهش به خاک سپردند. (خراسان شمالی)



۳۶۶) کرمی، محمد موسی/ الف-ش: دوم فروردین ۱۳۳۲، در روستای اشترینان از توابع شهرستان بروجرد به دنیا آمد. پدرش ابراهیم، کشاورزی می کرد و مادرش زرین تاج نام داشت. خواندن و نوشتن نمی دانست. کارگر و بنا بود. ازدواج کرد و صاحب یک پسر و سه دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را در شهرستان زادگاهش به خاک سپردند. (لرستان)



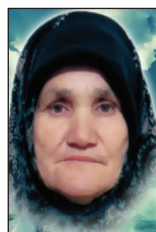
۳۶۷) کریم پورچینیجانی، ابراهیم/ الف-ش: هشتم اردیبهشت ۱۳۳۱، در شهرستان لنگرود به دنیا آمد. پدرش احمد (فوت ۱۳۷۵) کشاورزی می کرد و مادرش عزت (فوت ۱۳۷۷) نام داشت. تا پایان دوره کاردانی در رشته برق درس خواند. بازنشسته سازمان آموزش و پرورش بود. سال ۱۳۵۹ ازدواج کرد و صاحب یک پسر و یک دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در شهرستان زادگاهش واقع است. (گیلان)



۳۶۲) کاکوئی، یوسف/ الف-ش: بیست و دوم اردیبهشت ۱۳۲۲، در شهرستان رامسر دیده به جهان گشود. پدرش محمد، کشاورزی می کرد و مادرش رقیه نام داشت. تا پایان دوره متوسطه در رشته تجربی درس خواند و دیپلم گرفت. بازنشسته بانک سپه بود. سال ۱۳۵۲ ازدواج کرد و صاحب یک پسر و دو دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را در گلزار شهدای بی بی سکینه روستای رمک تابعه شهرستان زادگاهش به خاک سپردند. (مازندران)



۳۶۳) کامل، محمد/ الف-ش: پنجم مهر ۱۳۲۵، در روستای بهرحاجی نوشاد از توابع شهرستان جم به دنیا آمد. پدرش لطفعلی، کشاورزی می کرد و مادرش ماهزاد نام داشت. تا پایان دوره ابتدایی درس خواند. کشاورز و تعمیرکار خودرو بود. سال ۱۳۶۲ ازدواج کرد و صاحب پنج پسر و سه دختر شد. مدتی به عنوان بسیجی در جبهه حضور یافت. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در گلزار شهدای شهرستان زادگاهش قرار دارد. (بوشهر)



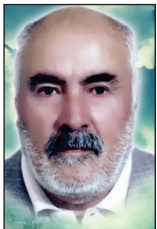
۳۶۴) کر، کیومرث/ الف-س: یکم فروردین ۱۳۳۶، در روستای بصیرآباد از توابع شهرستان بندرترکمن دیده به جهان گشود. پدرش نازی و مادرش امسه نام داشت. خواندن و نوشتن نمی دانست. خانه دار بود. سال ۱۳۵۰ ازدواج کرد و صاحب دو پسر و چهار دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در گلزار شهدای خوجه قوشلی زادگاهش قرار دارد. همسرش یکن دردی کتله نیز در این واقعه شهید شده است. (گلستان)



۳۷۱) کریمی قلعه‌باباخانی، رضا/ الف-ش: پانزدهم مرداد ۱۳۱۵، در روستای قلعه‌باباخان از توابع شهرستان ملایر به دنیا آمد. پدرش مسلم، کشاورزی می‌کرد و مادرش زیور نام داشت. در حد خواندن و نوشتن سواد آموخت. او نیز کشاورزی می‌کرد بود. سال ۱۳۳۷ ازدوج کرد و صاحب چهار پسر و سه دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در بهشت زهراي شهرستان تهران قرار دارد. (همدان)



۳۶۸) کریملو، علی/ الف-ش: یکم آبان ۱۳۳۷، در روستای هونجان از توابع شهرستان شهرضا به دنیا آمد. پدرش فتح‌الله، دامدار بود و مادرش شهربانو نام داشت. تا پایان دوره کارشناسی درس خواند. کارمند بازنشسته سازمان آموزش و پرورش و بسیجی بود. سال ۱۳۵۹ ازدواج کرد و صاحب دو پسر و دو دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را در گلزار شهدای زادگاهش به خاک سپردند. (اصفهان)



۳۷۲) کشفی ساقصلو، منصور/ الف-ش: یکم آبان ۱۳۱۸، در روستای ساقصلو از توابع شهرستان اردبیل دیده به جهان گشود. پدرش ممدولی، کارگر بود و مادرش یاخچی خانم، خانه‌داری می‌کرد. خانواده‌اش در میان مردم به دین‌داری و نیکوکاری معروف بودند. از همان طفولیت با مجالس عزاداری امام حسین (ع) آشنا شد. در حد دوره ابتدایی درس خواند. راننده اتوبوس بود.

بسیار امانت‌دار بود. به طوری که هرکس می‌خواست خانواده‌اش را تنها به سفر بفرستد، به او می‌سپرد. سال ۱۳۴۴ ازدواج کرد و صاحب چهار پسر و چهار دختر شد. همواره فرزندان را به انجام امور مذهبی توصیه می‌کرد. به کسب مال حلال تأکید داشت. از آنها می‌خواست حق‌الناس را رعایت کنند و مردم‌دار باشند. در دوران جنگ تحمیلی یکی از فرزندان در جبهه حضور یافت و جانباز شد.

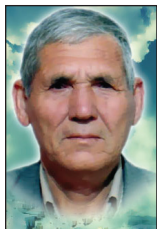
فردی زحمت‌کش و مظلوم بود. برای یادگیری امور مذهبی تلاش می‌کرد. اهل غیبت و بدگویی نبود. پیوسته با خواندن نماز قضا برای والدین، از زحمات آنها قدردانی می‌کرد. به ائمه اطهار خصوصاً امام حسین (ع) ارادت داشت و در برپایی مراسم عزاداری می‌کوشید. اهل شرکت در نماز جماعت و جمعه بود. سعی داشت زندگی ساده و دور از تجملات داشته



۳۶۹) کریمی، جاجی/ الف-س: یکم فروردین ۱۳۳۰، در شهرستان گنبدکاووس به دنیا آمد. پدرش ایل‌گلدی و مادرش کبرا نام داشت. خواندن و نوشتن نمی‌دانست. خانه‌دار بود. ازدواج کرد و صاحب چهار پسر و دو دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را در روستای ایگدرعلیا تابعه زادگاهش به خاک سپردند. (گلستان)



۳۷۰) کریمی آغچه، محمدعلی/ الف-ش: نهم فروردین ۱۳۲۷، در روستای آغچه‌فریدن از توابع شهرستان اصفهان به دنیا آمد. پدرش محمدباقر، کشاورزی می‌کرد و مادرش صغرا نام داشت. تا پایان دوره متوسطه در رشته اتومکانیک درس خواند و دیپلم گرفت. بازنشسته کارخانه ذوب‌آهن بود. ازدواج کرد و صاحب چهار پسر و دو دختر شد. در بسیج فعالیت می‌کرد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را در گلستان شهدای شهرستان زادگاهش به خاک سپردند. (اصفهان)



۳۷۵) کلتبه، یکن دردی / الف-س: دهم
 فروردین ۱۳۲۵، در روستای بصیرآباد از توابع شهرستان بندرترکمن به دنیا آمد. پدرش یکن محمد و مادرش تافی خانم نام داشت. تا پایان دوره ابتدایی درس خواند. بازنشسته تأمین اجتماعی و صیاد بود. سال ۱۳۵۰ ازدواج کرد و صاحب دو پسر و چهار دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در گلزار شهدای زادگاهش واقع است. همسرش یکم کر نیز در این واقعه شهید شده است. (گلستان)



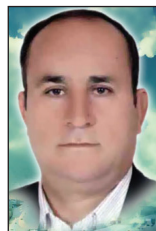
۳۷۶) کمارلو، علی / الف-ش: پنجم اسفند
 ۱۳۵۵، در شهرستان قم به دنیا آمد. پدرش حسین، کشاورز بود و مادرش توران، خانه‌داری می‌کرد. کودکی او در خانواده‌ای متدین و مذهبی سپری شد. در مدرسه دانش‌آموزی باهوش بود که با موفقیت دوران تحصیل را پشت سر گذاشت. تا پایان مقطع کارشناسی در رشته فقه و اصول درس خواند.

به عنوان روحانی در واحد پدافند ارتش مشغول به کار شد. در انجام وظایف محوله بسیار منظم و امانت‌دار بود. از امکانات دولتی استفاده نمی‌کرد و در حفظ بیت‌المال می‌کوشید. به موقع سر کار می‌رفت و از افراد زیرمجموعه خود حمایت می‌کرد. سال ۱۳۸۲ ازدواج کرد و صاحب یک پسر شد. بر تربیت صحیح و اسلامی فرزندش تأکید داشت و با توجه به سن او هرگز سخت‌گیری نمی‌کرد. معتقد بود در آموزش کودکان زیر هفت سال باید بسیار مهربان بود. از نظر وی نیمی از موفقیت هر فرد به رفتار پدر و مادر بستگی داشت. برای همین سعی می‌کرد تا الگوی مناسبی برای فرزندش باشد. در کمک به دیگران پیش قدم می‌شد و تا جایی که می‌توانست مشکلات بقیه را حل می‌کرد. مهربان، ساده‌زیست و صبور بود. از وقت نهایت بهره را می‌برد و از اتلاف زمان خودداری

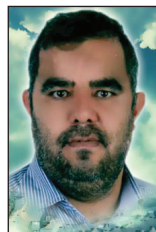
باشد. به پرورش گل و گیاه علاقه داشت و به حیوانات محبت می‌کرد.

در آخرین شب قبل از شهادت از همسرش حالیت طلبید و به فرزندان برای خدمت به مادر سفارش کرد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکرش حدود دو ماه بعد، پس از تفحص و تشییع در گلزار شهدای بهشت فاطمه به خاک سپرده شد.

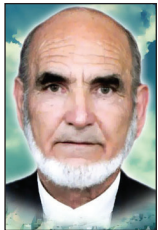
بعد از شهادت او فرزنداناش مدارکی یافتند که نشان می‌داد پدرشان در دوران جنگ تحمیلی، بیش از بیست و پنج ماه در جبهه حضور یافته است. (اردبیل)



۳۷۳) کفاش، احمد / الف-ش: دوم خرداد
 ۱۳۴۳، در شهرستان شهرضا به دنیا آمد. پدرش نعمت‌الله و مادرش فاطمه سلطان نام داشت. تا پایان دوره متوسطه در رشته تجربی درس خواند و دیپلم گرفت. آشنیز بود. سال ۱۳۶۸ ازدواج کرد و صاحب یک پسر و دو دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در گلزار شهدای شهرستان زادگاهش قرار دارد. (اصفهان)



۳۷۴) کلاته، علی اکبر / الف-ش: یکم
 فروردین ۱۳۴۹، در شهرستان سبزوار به دنیا آمد. پدرش ابراهیم و مادرش سکینه نام داشت. تا پایان دوره ابتدایی درس خواند. شغلش آزاد بود. سال ۱۳۷۰ ازدواج کرد و صاحب یک پسر و یک دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در بهشت‌زهرا شهرستان تهران قرار دارد. (خراسان رضوی)



۳۷۸) کوسلی، الیاس/ الف-س: یکم خرداد ۱۳۲۰، در روستای پنج پیکر از توابع شهرستان بندرترکمن به دنیا آمد. پدرش آناظر و مادرش آغابیک نام داشت. تا پایان دوره کاردانی در رشته مکانیک درس خواند. بازنشسته آموزش و پرورش بود. سال ۱۳۵۷ ازدواج کرد و صاحب پنج پسر و سه دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را در گلزار شیخ بهاء الدین خواجه لر تابعه شهرستان زادگاهش به خاک سپردند. (گلستان)



۳۷۹) کهنه، سیدجعفر/ الف-ش: یکم اردیبهشت ۱۳۳۷، در روستای الله آباد از توابع شهرستان جغتای به دنیا آمد. پدرش سیدمعصوم، کشاورزی می کرد و مادرش نجمه نام داشت. خواندن و نوشتن نمی دانست. او نیز کشاورز بود. ازدواج کرد و صاحب سه پسر و پنج دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را در زادگاهش به خاک سپردند. (خراسان رضوی)



۳۸۰) کیوانی هفشجانی، فیض الله/ الف-ش: سوم اردیبهشت ۱۳۳۹، در شهر هفشجانی تابعه شهرستان شهرکرد دیده به جهان گشود. پدرش نوروز، کارگر کارخانه ذوب آهن بود و مادرش همه گل، خانه داری می کرد. تا پایان دوره ابتدایی درس خواند. کارگرسازمان شهرداری بود و مدتی به عنوان کارگر جوشکاری در شهرهای عسلویه و بندرعباس به کار پرداخت. در کارش بسیار منظم بود و در حفظ بیت المال می کوشید. (معروف بود که ایشان دو جیب

می کرد. اهل مطالعه بود و روزانه به آن می پرداخت. روزهایی که فرصت مطالعه نداشت بسیار بی حوصله و آشفته می شد. به امام حسین (ع) و حضرت ابوالفضل (ع) بسیار ارادت داشت. هر روز پس از نماز صبح به خواندن ادعیه صحیفه سجادیه، دعای شاکرین، دعا در حق پدر و مادر و دعاهای روز می پرداخت.

مجموعه مقالات ارزشمندی در زمینه علوم مذهبی و مسائل اجتماعی از او باقی مانده است. عناوین برخی از آن ها عبارت است از: مقاله «مونس تنهایی» درباره نماز، مدیریت در کلاس دینی، روش تدریس در کلاس، ویژگی های اتحاد ملی و انسجام اسلامی و تأثیر آن بر رفتار جامعه، دنیا در قرآن، مهدویت و ...

سال ۱۳۹۴ به منظور زیارت حج عازم مکه شد. شور و شوق خاصی در رفتارش به چشم می خورد. زمانی که فرزندش به او گفت: «برای من سوغاتی بیاور»، پاسخ داد: «برایت دعا می کنم.» همسرش می گوید: «بهتر است بگویی می آورم تا خوشحال شود.» و او جواب می دهد: «وقتی نمی توانم به قول خودم عمل کنم، چرا قول بدهم!»

دوم مهر ۱۳۹۴، در مناسج العرام انجام اعمال حج توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر وی ۱۰ روز بعد به کشور بازگردانده و در گلزار شهدای زادگاهش به خاک سپرده شد. (قم)



۳۷۷) کمیلی مقدم، محسن/ الف-ش: یکم دی ۱۳۴۰، در شهرستان نیشابور به دنیا آمد. پدرش مرادعلی و مادر بتول نام داشت. تا پایان دوره کاردانی درس خواند. سرهنگ و بسیجی بود. ازدواج کرد و صاحب سه دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در بهشت فضل شهرستان زادگاهش قرار دارد. (خراسان رضوی)



۳۸۲) گرگانی، بی بی عایشه / الف-س:
هفتم آذر ۱۳۳۴، در شهرستان گنبدکاووس چشم به جهان گشود. پدرش عبدالحلیم و مادرش تواق گل نام داشت. خواندن و نوشتن نمی دانست. خانه دار بود. سال ۱۳۴۹ ازدواج کرد و صاحب یک پسر و دو دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در روستای کاکا تابعه شهرستان زادگاهش قرار دارد. (گلستان)



۳۸۳) گل چشمه، عبدالباقی / الف-س:
بیستم اردیبهشت ۱۳۵۹، در شهرستان گنبدکاووس به دنیا آمد. پدرش حاج علی، کشاورزی می کرد و مادرش اغول بی بی نام داشت. تا پایان دوره کارشناسی در رشته پرورش طیور درس خواند. کارمند جهاد کشاورزی بود. سال ۱۳۸۳ ازدواج کرد و صاحب دو پسر و یک دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در روستای کورکلی تابعه شهرستان زادگاهش قرار دارد. وی داماد شهیدان نوری خرمالی و خدیجه خرمالی است. (گلستان)



۳۸۴) گلشنی، حسن / الف-ش: دوم
تیر ۱۳۴۹، در شهرستان خوانسار به دنیا آمد. پدرش فضل الله، کشاورزی می کرد و مادرش را شوکت می نامیدند. در حد دوره متوسطه درس خواند. مرغداری داشت. سال ۱۳۷۶ ازدواج کرد و صاحب یک پسر و یک دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در بهشت فاطمه شهرستان زادگاهش قرار دارد. (اصفهان)

داشت و مراقب بود پولش با پول بیت المال جابه جا نشود) سال ۱۳۶۰ ازدواج کرد و صاحب سه دختر و سه پسر شد. در تربیت اسلامی فرزندانش می کوشید و آنها را به نماز اول وقت، راست گویی و درست کاری سفارش می کرد. اهل نماز شب بود و صبح زود برای نماز جماعت به مسجد می رفت. پایبند به پرداخت خمس مال خود بود و صلح رحم را به جا می آورد. به مهمان نوازی شهرت داشت. برای برگزاری مجالس عزاداری امام حسین (ع) تلاش می کرد. به گفته نزدیکان اشک او را فقط در عزای حضرت سیدالشهدا (ع) می دیدند.

از سوی بسیج به جبهه رفت و بر اثر اصابت ترکش به سر، مجروح شد. در اواخر عمر شروع به حفظ قرآن کرد. مسئول دریافت کمک های مردمی بود و بر چگونگی هزینه شدن آن نظارت می کرد. عضو مجموعه دارالقرآن بود و در کارهای فرهنگی شرکت داشت.

برای رفتن به سفر حج مستطیع نبود و به نیابت از پدرش که فوت کرده بود عازم سفر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در منا به شهادت رسید. پیکر وی در گلزار شهدای زادگاهش دفن شد. از او دل نوشته های زیادی به جا مانده است. (چهارمحال و بختیاری)



۳۸۱) گرچی، مجتبی / الف-ش: ششم
تیر ۱۳۳۴، در شهرستان ازنا به دنیا آمد. پدرش محمدربیع و مادرش کبرا نام داشت. تا پایان دوره راهنمایی درس خواند. بازنشسته شرکت نفت بود. سال ۱۳۵۷ ازدواج کرد و صاحب دو پسر و یک دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را در شهرستان زادگاهش به خاک سپردند. (لرستان)



۳۸۵) گلشنی، محمد/ الف-ش: یکم

اردیبهشت ۱۳۲۲، در روستای گلشن تابعه شهرستان نیشابور به دنیا آمد. پدرش علی اکبر، کشاورز بود و مادرش خدیجه، خانه داری می کرد. کودکی شاد و پر جنب و جوش بود که در کنار شیطنتها و بازیگوشی هایش به مطالعه علاقه داشت. در سن ۱۰ سالگی همراه خانواده به کربلا سفر کرد و چند ماه آنجا زندگی کرد. از همان کودکی برای کمک به مخارج زندگی پا به پای پدرش کار می کرد. به عنوان تنها فرزند پسر خانواده برای پدر و مادر بسیار عزیز بود و از او رضایت کامل داشتند.

تا پایان دوره راهنمایی درس خواند. به کشاورزی و فروش مصالح دست ساز ساختمانی اشتغال داشت. در کار و فعالیت خود بسیار باانصاف و مردم دار بود. هیچ وقت در کار تقلب نمی کرد و در تولید کالا از مواد اولیه باکیفیت استفاده می نمود. تلاش زیادی می کرد تا مشتری رضایت داشته باشد.

در سن ۲۱ سالگی ازدواج کرد و صاحب چهار دختر و چهار پسر شد. نسبت به آموزش و تربیت دینی فرزندانش بسیار حساس بود. پیوسته به آنها سفارش می کرد به وظایف شرعی عمل و از دروغ و غیبت پرهیز کنند. به حجاب فرزندان دختر اهمیت می داد و از فرزندانش می خواست در همه حال از اقتدار کشور و نظام دفاع نمایند. الگوی مناسبی از نظر ایمان، رفتار شایسته و باانصاف بودن برای فرزندان خود بود.

فرزندش حسن در دوران جنگ تحمیلی در جبهه حضور یافت و به شهادت رسید. بسیار مهربان، خوشرو، دلسوز و خوش اخلاق بود. همیشه در کمک به دیگران پیش قدم می شد. در کارهای زیادی مانند لوله کشی، برق کاری، بنایی، نقاشی ساختمان، کشاورزی و غیره سررشته داشت و اگر کسی کمک می خواست بی منت و چشم داشت کمک می کرد. همه نزدیکان، اقوام و همسایگان متفق القول به او علاقه داشتند.

هنگامی که فرزندان به خصوص دختران به کمک او نیازمند بودند بی درنگ خودش را می رساند که مبادا فرزندان ناراحت باشند و غصه بخورند.

با کودکان بسیار مهربان بود و از هیچ محبتی فروگذار نمی کرد. زمانی که با آنها بازی می کرد مثل آنها بچه می شد. تمام فرزندان خانواده، فامیل و همسایگان او را دوست داشتند و علاقه مند بودند با او بازی کنند. گاهی همسرش به شوخی به او می گفت: تو که این قدر بچه را دوست داری بهتر است یک مهدکودک تأسیس کنی و او می خندید و می گفت: این بچه ها فرشته هایی از طرف خداوند هستند.

او نیز پا به پای مردم در تظاهرات علیه حکومت شاه حضور داشت و برای پیروزی انقلاب تلاش می کرد.

به امام رضا (ع) عشق می ورزید. قبل از سفر به هر جایی، ابتدا به زیارت حرم او می رفت.

برای برپایی مراسم تاسوعا و عاشورای امام حسین (ع) بسیار زحمت می کشید و در مجالس عزاداری حضور می یافت. چندین بار نیز به زیارت کربلا و نجف رفته بود.

به تلاوت قرآن عادت داشت و هر روز خانواده با صدای او از خواب بیدار می شدند و در سال چند بار قرآن را ختم می کرد. در ماه مبارک رمضان با صدای گرم خود دعاهای مخصوص را می خواند. در خواندن زیارت عاشورا و دعای عهد استمرار داشت و از آن غافل نمی شد.

به مطالعه علاقه مند بود. از کودکی به خواندن کتاب های مختلف مانند شاهنامه و داستان های مختلف عادت کرده بود و بعدها نیز به مطالعه کتاب های تاریخی و روزنامه ادامه داد. همیشه هنگام سفر، یادداشت هایی درباره سفرش می نوشت. یادداشت های زیادی از سفر حج او به جامانده است. آرزو داشت به سفر حج برود و با شور و شوق آماده رفتن شد. از همه خانواده، فامیل و همسایگان حلالیت طلبید و راهی سفر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در منا به شهادت رسید. پانزدهم همان ماه، پیکرش در بهشت فضل نیشابور به خاک سپرده شد.

(خراسان رضوی)

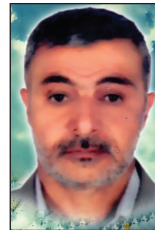


۳۸۹) گودرزی، فتح‌الله / الف-ش: بیست و پنجم
شهریور ۱۳۳۹، در شهرستان بروجرد به دنیا آمد. پدرش محمد، کارگری می‌کرد و مادرش بلقیس نام داشت. از کودکی برای تأمین هزینه تحصیل و کمک به خانواده کار می‌کرد. تا پایان مقطع متوسطه

درس خواند و پس از اخذ مدرک دیپلم، به استخدام آموزش و پرورش درآمد. با آغاز جنگ تحمیلی، به عنوان بسیجی حدود ۱۸ ماه در جبهه حضور یافت و بر اثر موج انفجار آسیب دید.

سال ۱۳۶۰ ازدواج کرد و صاحب سه دختر و یک پسر شد. گرچه بر دینداری تأکید داشت ولی هرگز به فرزندان سخت نمی‌گرفت. پیوسته فرزندانش را برای تحصیل تشویق می‌کرد. مهربان و خوش رو بود و در امور خانه مشارکت می‌نمود. به تحصیلات خود تا پایان مقطع کارشناسی در رشته علوم سیاسی ادامه داد. او جزو دبیران نمونه شهر خود بود و دغدغه‌های فرهنگی خود را با جدیت دنبال می‌کرد. در کارش بسیار دقیق بود. در حفظ بیت‌المال می‌کوشید و از امکانات دولتی استفاده شخصی نمی‌کرد. یک بار وقتی خودروی اداره برای بردن او به محل کار آمد، همسرش از او خواست تا مسیری همراه او برود، ولی او نپذیرفت. سال ۱۳۷۴ با افتتاح مجتمع تحصیلی (راهنمایی و دبیرستان) اندیشه، گام مهمی در جهت پیشبرد اهداف فرهنگی زادگاهش برداشت. موفقیت‌های درخشان دانش‌آموزان این مجتمع، همواره مورد توجه مسئولین بود.

رفتارش همیشه با متانت و آرامش همراه بود. به طوری که حتی اگر کسی با او مخالفت می‌کرد نه عصبانی می‌شد و نه اعتراضی داشت. بسا محبت امر به معروف و نهی از منکر می‌کرد. در خدمت به مادرش می‌کوشید و از هیچ کاری کوتاهی نمی‌کرد. حامی خانواده و بستگان بود. افراد زیادی از فامیل و دوستان برای مشورت نزد وی می‌آمدند. در امور خیر پیش قدم می‌شد و به دانش‌آموزانی که خانواده بی‌بضاعت داشتند، کمک می‌کرد. طبع ادبی و ذوق سرودن شعر داشت. دل نوشته‌های زیادی از او به یادگار مانده است. اهل ورزش بود و یک روز در هفته به ورزش والیبال می‌پرداخت. ده سال در انتظار رفتن به سفر حج بود، سرانجام عازم این سفر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، هنگام انجام اعمال حج در منا به شهادت رسید. پیکر وی هشتم بهمن همان سال، به کشور بازگشت و پس از تشییع، در گلزار شهدای دارالسلام زادگاهش به خاک سپرده شد. (لرستان)



۳۸۶) گندآبی، اسماعیل / الف-ش: پنجم
خرداد ۱۳۴۱، در روستای چاه‌نسر از توابع شهرستان نیشابور به دنیا آمد. پدرش ذبیح‌الله و مادرش هاجر نام داشت. تا پایان دوره ابتدایی درس خواند. کشاورز

بود. ازدواج کرد و صاحب دو پسر و پنج دختر شد. مدتی در جبهه حضور یافت. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در زادگاهش قرار دارد. شهید دست نوشته دارد. (خراسان رضوی)



۳۸۷) گودرزی، عباس / الف-ش: دوم
فروردین ۱۳۳۰، در شهرستان اشنریان به دنیا آمد. پدرش شیخ مراد و مادرش ساره خانم نام داشت. به فراگیری علوم دینی و حوزوی پرداخت. روحانی بود. ازدواج

کرد و صاحب دو پسر و سه دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را در روستای ونایی تابعه شهرستان بروجرد به خاک سپردند. (لرستان)



۳۸۸) گودرزی، غلامرضا / الف-ش:
پانزدهم مرداد ۱۳۲۹، در شهرستان درود به دنیا آمد. پدرش علیرضا، افسر شهربانی بود و مادرش صغرا نام داشت. تا پایان دوره متوسطه در رشته ریاضی درس

خواند و دیپلم گرفت. در سازمان آموزش و پرورش کار می‌کرد. سال ۱۳۶۳ ازدواج کرد و صاحب دو پسر شد. به عنوان بسیجی در جبهه خدمت می‌کرد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در شهرستان بروجرد قرار دارد. (تهران)



۳۹۳) مارامائی، گلدی بای/ الف-س: هفتم مهر ۱۳۲۹، در شهر نگین شهر از توابع شهرستان آزادشهر به دنیا آمد. پدرش ملابردی و مادرش مامی نام داشت. تا پایان دوره متوسطه در رشته علوم طبیعی درس خواند و دیپلم گرفت. معلم بود. سال ۱۳۵۳ ازدواج کرد و صاحب یک پسر و چهار دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را در روستای هیوهچی تابعه شهرستان گنبدکاووس به خاک سپردند. (گلستان)



۳۹۰) لطفی، احمد/ الف-ش: ششم شهریور ۱۳۴۲، در شهرستان نیشابور به دنیا آمد. پدرش علی اکبر و مادرش حشمت نام داشت. تا پایان دوره کارشناسی درس خواند. معلم و بسیجی بود. ازدواج کرد و صاحب دو پسر و دو دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در بهشت فضل شهرستان زادگاهش قرار دارد. (خراسان رضوی)



۳۹۴) ماروسی، حبیب‌الله/ الف-ش: دوم دی ۱۳۲۰، در روستای ماروسک از توابع شهرستان نیشابور چشم به جهان گشود. پدرش محمولی و مادرش محرم نام داشت. تا پایان دوره ابتدایی درس خواند. کشاورز بود. ازدواج کرد و صاحب دو پسر و پنج دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را در زادگاهش به خاک سپردند. (خراسان رضوی)



۳۹۱) لطفی، عباس/ الف-ش: دوم فروردین ۱۳۳۳، در شهر صغاد از توابع شهرستان آباءه به دنیا آمد. تا پایان دوره کارشناسی در رشته مدیریت بازرگانی درس خواند. بازنشسته بانک بود. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را در زادگاهش به خاک سپردند. (فارس)



۳۹۵) ماروسی، محمدطاهر/ الف-ش: یکم فروردین ۱۳۳۶، در روستای ماروسک از توابع شهرستان نیشابور به دنیا آمد. پدرش مختار و مادرش ربابه نام داشت. تا پایان دوره ابتدایی درس خواند. کشاورز بود. ازدواج کرد و صاحب سه پسر و دو دختر شد. در بسیج خدمت می‌کرد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در زادگاهش قرار دارد. (خراسان رضوی)



۳۹۲) لطیفی، عبدالرحمان/ الف-س: پانزدهم خرداد ۱۳۴۵، در جزیره خارک از توابع شهرستان بوشهر به دنیا آمد. پدرش عبدالحمید، ملوان بود و مادرش مریم نام داشت. تا پایان دوره متوسطه در رشته انسانی درس خواند و دیپلم گرفت. کارمند شرکت نفت بود. سال ۱۳۶۶ ازدواج کرد و صاحب یک پسر و یک دختر شد. مدت ۱۹ ماه در جبهه حضور یافت و مجروح شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در مقبره شهدای همان شهر قرار دارد. (بوشهر)



۳۹۹) محمدی، ابراهیم/ الف-ش: یکم
 بهمن ۱۳۳۲، در روستای باغشن گچ از توابع شهرستان نیشابور دیده به جهان گشود. پدرش اسماعیل و مادرش لیلا نام داشت. تا پایان دوره ابتدایی درس خواند. کشاورز بود. ازدواج کرد و صاحب دو پسر و سه دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در زادگاهش قرار دارد. (خراسان رضوی)



۳۹۶) مجد، بهرام/ الف-ش: چهارم
 فروردین ۱۳۳۹، در شهرستان شیراز دیده به جهان گشود. پدرش علی و مادرش مهرانگیز نام داشت. تا پایان دوره کارشناسی در رشته مدیریت بازرگانی درس خواند. کارشناس مالی اداره برق بود. سال ۱۳۷۰ ازدواج کرد و صاحب یک دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در دارالرحمة زادگاهش قرار دارد. (فارس)



۴۰۰) محمدی، حسین/ الف-ش: بیست و
 ششم بهمن ۱۳۴۳، در روستای اکبرآباد از توابع شهرستان کوار به دنیا آمد. پدرش محمدرحیم، فروشنده میوه و ترهبار بود و مادرش آئینه گل نام داشت. تا پایان دوره متوسطه در رشته برق درس خواند و دیپلم گرفت. کارمند شرکت مخابرات بود. سال ۱۳۷۰ ازدواج کرد و صاحب یک پسر و سه دختر شد. به عنوان بسیجی حدود ۹ ماه در جبهه خدمت می کرد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در زادگاهش قرار دارد. (فارس)



۳۹۷) مجلسی، محمد/ الف-ش: یازدهم
 مرداد ۱۳۳۶، در شهرستان ری به دنیا آمد. پدرش محمدمصالح و مادرش زهرا نام داشت. تا پایان دوره کارشناسی در رشته شیمی درس خواند. ازدواج کرد و صاحب یک پسر و چهار دختر شد. بیستم شهریور ۱۳۹۴، در مسجدالحرام بر اثر سانحه سقوط جرثقیل به شهادت رسید. پیکر او را در بهشت زهرا شهرستان تهران به خاک سپردند. (تهران)



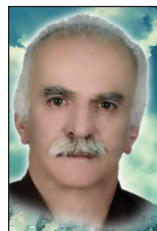
۴۰۱) محمدی، محمد/ الف-ش: دوم
 فروردین ۱۳۴۱، در روستای باغشن گچ از توابع شهرستان نیشابور به دنیا آمد. پدرش صفرعلی و مادرش فاطمه نام داشت. خواندن و نوشتن نمی دانست. شغلش آزاد بود. ازدواج کرد و صاحب سه پسر و یک دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در زادگاهش واقع است. (خراسان رضوی)



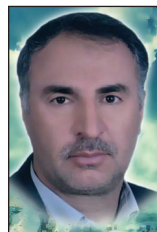
۳۹۸) محمدآق، ارازی بی/ الف-س:
 دوم دی ۱۳۴۶، در روستای گدمآباد تابعه شهرستان گنبدکاووس دیده به جهان گشود. پدرش سلطان و مادرش فاطمه نام داشت. خواندن و نوشتن نمی دانست. خانه دار بود. سال ۱۳۶۶ ازدواج کرد و صاحب سه پسر و سه دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در زادگاهش قرار دارد. (گلستان)



۴۰۲) محمدی، نازدار/ الف-س: سوم شهریور ۱۳۳۴، در روستای دوستعلی از توابع شهرستان مهاباد دیده به جهان گشود. پدرش ابراهیم، کشاورزی می‌کرد و مادرش منیجه [منیژه] نام داشت. خواندن و نوشتن نمی‌دانست. خانه‌دار بود. سال ۱۳۵۲ ازدواج کرد و صاحب چهار دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را در زادگاهش به خاک سپردند. همسرش عزیز چاچ نیز در این واقعه به شهادت رسیده است. (آذربایجان غربی)



۴۰۳) محمدی سرک، علی اکبر/ الف-ش: هفتم اردیبهشت ۱۳۳۱، در شهرستان کرج به دنیا آمد. پدرش مصطفی و مادرش کلثوم نام داشت. تا پایان دوره ابتدایی درس خواند. راننده بود. سال ۱۳۵۶ ازدواج کرد و صاحب دو پسر و یک دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را در روستای لانیز تابعه شهرستان زادگاهش به خاک سپردند. (البرز)



۴۰۴) محمودی، غلامرضا/ الف-ش: سوم فروردین ۱۳۴۶، در روستای کلاته‌خوش از توابع شهرستان اسفراین دیده به جهان گشود. پدرش محمود، کدخدای روستا، کشاورز و فردی انقلابی و مقلد سرسخت امام خمینی (ره) بود و مادرش آیلر خانم، خانه‌داری می‌کرد. او سومین فرزند خانواده بود.

خاطرات شیرین دوران کودکی را در کنار پدر و مادر پشت سر گذاشت و دوران ابتدایی را نیز در همان روستا سپری نمود. در حالی که در کارهای کشاورزی و دامداری در کنار برادران و

مادر یار و مددکار پدرش بود.

او در این دوران جای خالی دختران را نیز برای خانواده پر کرده بود و غالباً در نگهداری خواهر و برادران کوچکتر از خویش و نظافت منزل یاور خوبی برای مادرش بود.

یک سال از پیروزی انقلاب سپری شده بود که برای گذراندن دوره راهنمایی و دبیرستان راهی روستاهای هم‌جوار شد. دوره دبیرستان را در حالی آغاز نمود که تحرکات و اغتشاشات ضدانقلاب در کردستان و برخی مناطق مرزی فضای پراشتاب انقلاب را مشوش نموده بود. با شروع جنگ تحمیلی درس را رها کرد و به همراه دو برادر بزرگترش به جبهه رفت. حدود ۱۸ ماه داوطلبانه در صحنه‌های مختلف دفاع مقدس شرکت نمود. آخرین بار در واحد تخریب لشکر ۲۱ امام رضا (ع) انجام وظیفه نمود و بر اثر اصابت ترکش خمپاره به پیشانی مجروح شد.

برادر بزرگترش می‌گوید: «پس از بازگشت از عملیات خیبر به او گفتم، پولی دستان نمانده بیا برویم و حقوق جبهه مان را بگیریم اما وقتی حقوق ۶ ماه جبهه را دریافت نمودیم، کل حقوق ۶ ماهه را به صندوق کمک به جبهه و رزمندگان واریز نمود.»

این شرایط مانع از این نبود که از تحصیل چشم‌پوشد، بنابراین با تأسی از برادر بزرگتر در دانشگاه نیز شرکت نمود و با رتبه خوبی در رشته دبیری جغرافیای دانشگاه تربیت معلم تهران (خوارزمی) قبول شد.

موشک باران تهران باعث شد دانشگاه، دانشجویانش را به دانشگاه پردیس حصارک کرج منتقل نماید، که آن ترم، به ترم موشکی لقب یافت. (ترم دوم سال ۱۳۶۶). زندگی دانشجویی در دانشگاهی که به دلیل ضرورت و پیش از موعد افتتاح شده بود، سختی‌های خاص خودش را داشت.

در مسجد دانشگاه به فعالیت‌های مذهبی می‌پرداخت. خادم مسجد بود و امور مسجد را مجدانه پیگیری می‌کرد و در برپایی مراسم، نماز جماعت، دعا و مسائل مختلف صوتی و نظافت مسجد به قدری کوشا بود که دانشجویان، مسجد دانشگاه را با چهره او می‌شناختند. دو سال آخر به دلایلی فعالیت خود را

معاونت دبیرستان‌ها و ۵ سال مدیریت دبیرستان شاهد اسفراين را به عهده داشت.

هرکس با او در سفرهای علمی جغرافیایی، کوهنوردی، زیارتی همراه بود، او را فردی خدمتگزار، مخلص، بی‌ریا، خستگی‌ناپذیر و منظم در سفر می‌شناخت. در کار و منزل نیز بسیار منظم و دقیق بودند، چنان‌چه در سفرها و کوهنوردی و اردوهای مختلف کاری از دستش بر می‌آمد، آن را به کس دیگری واگذار نمی‌کرد و خود شخصاً آن را انجام می‌داد. در کنار تدریس چندین سال نیز به عنوان مدرس دانشگاه‌های پیام نور و آزاد اسلامی به فعالیت مشغول بود.

در خانواده نیز مورد وثوق خاص پدر، برادران و اقوام بود و در رفع مشکلات زندگی بستگان و دوستان دلسوز و مرشدی‌امین بود. برای استحکام خانواده‌ها تلاش زیادی می‌کرد.

قبل از سفر حج، پیاده و به تنهایی از شهر اسفراين به حرم امام رضا (ع) سفر کرد، تا آمادگی روحی و معنوی برای حج را پیدا کند.

سفر حج را به همراه مادر، همسر، برادر و همسر برادرش در سال ۱۳۹۴ آغاز نمود. هم‌اتاقی‌های او همه اذعان داشتند که او در مدینه چهار بار قرآن را ختم کرد و همسرش عنوان می‌کند که ما بسیار نادر او را می‌دیدیم، غالب اوقاتش را عبادت، تلاوت و نیایش گرفته بود. در مکه با این که فاصله کعبه معظمه از هتل محل اقامت او دور بود و پیاده روی زیادی را می‌طلبید، غالب نمازها را به مسجد الحرام می‌رفت. در صحنه جان‌خراش منا، یک پیرمرد حاجی را بر پشت می‌گیرد و از صحنه خارج می‌کند و به خیمه کویته‌ها برده و آب به او می‌نوشاند، دوباره به مسیر منا برمی‌گردد. شاهدان عینی موارد متعددی از حضور او در آن صحنه جانکاه گزارش می‌دهند که سعی در نجات جان حجاج ضعیف و و پیر داشته و آخر الامر در لباس سپید و هنگام امداد به یک حاجی از همراهان در زیر فوج جمعیت گیر می‌کند و به شهادت می‌رسد. پیکر او را در بهشت زهراي شهرستان اسفراين به خاک سپردند. (خراسان شمالی)

متوجه بسیج دانشجویی دانشگاه نمود.

در تمامی مراسمات مسجد مخصوصاً نماز جماعت دانشگاه شرکت دائمی و فعال داشت. کوهنوردی را با صعود به ارتفاعات اطراف تهران و البرز همراه دانشجویان آغاز نمود و تا پایان عمر آن را بیش از پیش در زندگی خود توسعه داد. به عنوان نفرات برتر کوهنوردی اسفراين در بین همه کوهنوردان و ورزشکاران فردی شناخته شده و محبوب بود. رئیس هیئت کوهنوردی و از اعضای هیئت رئیسه گروه کوهنوردی ساریگل بود و بارها همراه عاشقان طبیعت به فتح قله‌های رفیع ایران همت گماشت. دماوند، سبلان، سهند، اشترانکوه، دنا، یامان داغی، سالوک، تفتان، شیرکوه و ... بارها خاطرات صعود او را به یاد و خاطر دارند.

با اخلاق و منش ورزشکاری، سخاوت، تقوی و نوع‌دوستی در بین ورزشکاران محبوب همگان بود و عنوان می‌کرد برای سرگرمی جوانان و کشیده نشدن آنان به راه‌های خلاف باید با آنان همراه شد. مدتی نیز در رشته والیبال نشسته جانبازان جزء تیم منتخب اسفراين بود و در مسابقات قهرمانی کشوری شرکت داشت.

در زمینه مسائل جغرافیایی و مطالعات هواشناسی و ژئومورفولوژی علاقمند و اهل مطالعه بود، در زمینه قرآن و نهج البلاغه بارها با اشتیاق آن را تلاوت نموده و مأنوس بود.

سال ۱۳۷۰ از دانشگاه فارغ‌التحصیل و به عنوان دبیر در شهرستان مشغول تعلیم و تربیت دانش‌آموزان در زمینه علوم جغرافیا شد. شهریور ۱۳۷۱ با همسرش زهرا کیوانلو که دانشجوی رشته دبیری الهیات بود، آشنا شد و سپس با او که در خانواده‌ای مذهبی پرورش یافته بود ازدواج کرد. حاصل این ازدواج دو فرزند پسر و یک فرزند دختر بود.

وی فردی مخلص، باتقوی، انقلابی، مؤمن، پر تلاش و خستگی‌ناپذیر بود.

سال ۱۳۷۷ عزم تحصیلات تکمیلی کرد و در همان دانشگاه خوارزمی (تربیت معلم تهران) دوره کارشناسی ارشد را در رشته هیدرواقلیم با رتبه ممتاز گذراند. از آن پس بارها به عنوان مسئول علمی گروه‌ها تلاش زیادی نمود، چندین سال



۴۰۸) مرادی یوسفزاده، طهماس / الف-ش: دوازدهم فروردین ۱۳۲۶، در روستای چناره بالا از توابع شهرستان الشتر به دنیا آمد. پدرش سلیمان و مادرش جواهر نام داشت. خواندن و نوشتن نمی دانست. کشاورز بود. سال ۱۳۴۷ ازدواج کرد و صاحب چهار پسر و پنج دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در زادگاهش واقع است. (لرستان)



۴۰۵) مختوم نژاد، بایرام سلطان / الف-ش: سال ۱۳۴۶، در روستای حاجی قوشان از توابع شهرستان گنبدکاووس به دنیا آمد. پدرش حلیم، کشاورزی می کرد و مادرش آقچه نام داشت. خواندن و نوشتن نمی دانست. خانه دار بود. سال ۱۳۷۰ ازدواج کرد و صاحب یک پسر و سه دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در زادگاهش قرار دارد. (گلستان)



۴۰۹) مرتضائی، مصطفی / الف-ش: بیستم آبان ۱۳۳۶، در شهرستان راور به دنیا آمد. پدرش محمد، کارمند کارخانه قند و نیز روضه خوانی می کرد. مادرش فاطمه تنها خانم باسواد شهر بود که علاوه بر خانه داری، بعد از انقلاب در نهضت سوادآموزی تدریس می کرد. دوران کودکی اش را در دامان پدر و مادری مؤمن و متدین گذراند.



۴۰۶) مختوم نژاد، نورمحمد / الف-س: پنجم تیر ۱۳۴۹، در شهرستان گنبدکاووس به دنیا آمد. پدرش احمد، کشاورزی می کرد و مادرش آی جمال نام داشت. تا پایان دوره کاردانی در رشته مدیریت کسب و کار درس خواند. دهیار و کشاورز بود. سال ۱۳۷۰ ازدواج کرد و صاحب یک پسر و سه دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در روستای حاجی قوشان تابعه شهرستان زادگاهش قرار دارد. (گلستان)

سال ۱۳۵۰ پس از طی دوران ابتدایی، به تحصیل در حوزه علمیه پرداخت. در کنار فراگیری علوم دینی به مبارزه با حکومت پهلوی پرداخت. ششم بهمن ۱۳۵۶، توسط نیروهای ساواک دستگیر شد و مورد شکنجه قرار گرفت. مدتی بعد آزاد شد. سپس برای ادامه تحصیل عازم قم و مدرسه کرمانی ها شد.



۴۰۷) مرادی، عزت الله / الف-ش: بیستم تیر ۱۳۱۸، در روستای کهنه گویه از توابع شهرستان املش به دنیا آمد. پدرش جان، کشاورزی می کرد و مادرش مریم خانم نام داشت. تا پایان دوره ابتدایی درس خواند. بازنشسته سازمان آموزش و پرورش بود. سال ۱۳۵۷ ازدواج کرد و صاحب سه پسر و چهار دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را در روستای بهشت آباد تابعه شهرستان زادگاهش به خاک سپردند. (گیلان)

با پیروزی انقلاب و استقرار جمهوری اسلامی، علاوه بر تحصیل، در عرصه های مختلف نیز حضور داشت. تا پایان مقطع دکترا در رشته علوم مدیریت فرهنگی ارتش درس خواند. سال ۱۳۵۹ ازدواج کرد. خطبه عقدش را امام خمینی (ره) خواند و هزینه عروسی اش را صرف کمک به زلزله زدگان کرد. حاصل این ازدواج سه دختر و یک پسر بود. علیرغم مسئولیت های مهمی که داشت از تربیت دینی بچه هایش غافل



(۴۱۰) مرتضوی، سیدرضا / الف-ش:
یکم خرداد ۱۳۴۱، در شهرستان بندرگز به دنیا آمد. پدرش سیدمحمد و مادرش زهرا نام داشت. تا پایان دوره متوسطه در رشته اقتصاد درس خواند و دیپلم گرفت. کاسب بود. سال ۱۳۶۵ ازدواج کرد و صاحب دو پسر و یک دختر شد. حدود ۱۲۰ ماه در جبهه حضور داشت. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را در گلزار شهدای زادگاهش به خاک سپردند. (گلستان)



(۴۱۱) مرشدی، حسن / الف-ش: نهم
مرداد ۱۳۳۵، در شهرستان نیشابور به دنیا آمد. پدرش موسی و مادرش شهربانو نام داشت. خواندن و نوشتن نمی دانست. کشاورز بود. ازدواج کرد و صاحب چهار پسر و یک دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را در روستای خروعلیا تابعه شهرستان نیشابور به خاک سپردند. (خراسان رضوی)



(۴۱۲) مسیبی، ایمانعلی / الف-ش: بیست
و هفتم آذر ۱۳۴۶، در روستای اجکسر تابعه شهرستان بابلسر به دنیا آمد. پدرش نظرعلی، بنگاهدار املاک بود و مادرش جیران نام داشت. تا پایان دوره ابتدایی درس خواند. کشاورز بود. سال ۱۳۷۲ ازدواج کرد و صاحب دو پسر و دو دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در زادگاهش قرار دارد. برادرش نیز شهید شده است. (مازندران)

نبود. در کارهای مختلف با آنان مشورت می کرد. بر اقامه نماز اول وقت، کار برای رضای خدا تأکید داشت.

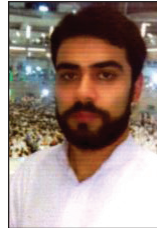
نماز شب او هرگز ترک نشد و حتی هنگام سفر و در حرکت نماز شب را می خواند. خوش خلق و مهربان بود. با صدای بلند حرف نمی زد و برای رفاه خانواده هر تلاشی لازم بود را انجام می داد. با حفظ قرآن و اشعار پر مفهوم و زیبا بر جذابیت سخنرانی های خود می افزود. با اخلاص و نیکوکار بود. از مستمندان دستگیری می کرد. خصوصیات اخلاقی او زبانزد خاص و عام بود. همه شیفته حسن اخلاق او می شدند. از دیگر صفات او می توان به شجاعت، تواضع، صبوری، خونسردی و آرامش اشاره کرد. صفا و اخلاص خاصی در رفتارش به چشم می خورد. از نظر علمی جایگاه بالایی داشت و علاوه بر تدریس در حوزه، در دانشگاه صدا و سیما و دانشگاه عالی دفاع ملی نیز تدریس می کرد.

در دوران جنگ تحمیلی به عنوان روحانی عازم جبهه شد. سال ۱۳۶۶ به عنوان مدیر عقیدتی سیاسی ارتش در بندرعباس به انجام وظیفه پرداخت. علاوه بر این در سطح شهر به فعالیت فرهنگی و تبلیغی مشغول شد. در حوزه علمیه بندرعباس تدریس می کرد. امام جمعه موقت آن شهر بود. پس از مدتی به تهران منتقل و به عنوان معاون اداره عقیدتی سیاسی ارتش منصوب شد. امام جماعت مسجد معراج بود و در پایگاه های بسیج فعالیت می کرد.

به فاطمه زهرا (س) و حضرت مهدی (عج) ارادت خاصی داشت. پیوسته دعای فرج امام زمان و ندبه را می خواند. آرزوی شهادت داشت. بارها به عنوان روحانی کاروان حج به مکه رفته بود.

سرانجام در جلسات ارشادی زائران عتبات عالیات از سوی بعثه مقام معظم رهبری برای سخنرانی و مسئولیت کاروان جانبازان برگزیده شد.

دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه به شهادت رسید. پیکر وی مدتی بعد در روز ششم محرم در شهرستان کرمان به خاک سپرده شد. (کرمان)



۴۱۳) مشعلی، فواد/ الف-ش: شانزدهم مهر ۱۳۶۹، در شهرستان آبادان دیده به جهان گشود. پدرش منصور، تعمیرکار خودرو بود و مادرش مهناز نام داشت. فرزند بزرگ خانواده بود و جایگاه

ویژه‌ای نزد پدر و مادر داشت. تولد او بعد از سال‌های جنگ باعث نشد از عواقب جنگ مصون بماند. وقتی سوم دبستان بود، هنگام بازی بر اثر انفجار چاشنی عمل نکرده خمپاره، که از دوران جنگ باقی مانده بود، مورد اصابت ترکش قرار گرفت. ترکش خمپاره صورت و ران او را مجروح کرد. بعد از آن که در بیمارستان بستری شد، لقب "جانباز کوچولو" گرفت.

دوران راهنمایی عضو بسیج و یک گروه تواشیح شد. سال‌های تحصیل مدرسه را با موفقیت پشت سر گذاشت. پس از پایان مقطع دبیرستان، دیپلم کامپیوتر گرفت. دوران سربازی را در سپاه پاسداران گذراند. برای امرار معاش و کمک به خانواده به کار مشغول شد. علاقه زیادی به ماهیگیری داشت و با دوستانش برای ماهیگیری می‌رفت.

نقاش ساختمان و نصاب پرده بود. هنگام انجام کار بسیار دقیق و وقت‌شناس بود. نکات اخلاقی را رعایت می‌کرد و امانت‌دار بود. به مهربانی شهرت داشت و به همه کمک می‌کرد. هدایای زیادی برای شرکت در مسابقات تواشیح می‌گرفت که آن را به خانواده و دوستان می‌داد. مؤدب، سربه‌زیر، نجیب، خوش‌خلق و خوش‌قول بود.

عشق و علاقه خاصی به حضرت ابوالفضل (ع) داشت. با صدای گرم خود مجالس و محافل مذهبی را گرمی می‌بخشید. هنوز خاطره صدای زیبایش که مناجات حضرت امیرالمومنین (ع) را می‌خواند، در ذهن همه باقی است. وقتی استاد محمدسعید سعیدی‌زاده صدای او را در تواشیح شنید، بسیار خوشش آمد و از فواد برای همکاری دعوت کرد. سال ۱۳۹۴ برای شرکت در

مسابقات سراسری کشور آماده شد. زمان زیادی برای تمرین گذاشت و از همه می‌خواست برای موفقیت گروه دعا کنند.

سفر به حج جایزه برنده شدن او و گروه در این مسابقات بود. با شور و شغف خاصی آماده سفر شد. در فرودگاه از زیر قرآن گذشت و با کسانی که برای بدرقه‌اش رفته بودند، وداع کرد. دوم مهر ۱۳۹۴، در منا به شهادت رسید. پیکر وی در مقبره‌الشهدای مکه به خاک سپرده شد. مزار یادبود وی در گلزار شهدای شهرستان آبادان قرار دارد. (خوزستان)



۴۱۴) شهیدان اسکندر کلایی، لطیف/

الف-ش: نهم بهمن ۱۳۳۱، در شهرستان قائمشهر به دنیا آمد. پدرش محمود و مادرش سکینه نام داشت. تا پایان دوره متوسطه درس خواند و دیپلم گرفت.

بازنشسته شرکت راه‌آهن بود. سال ۱۳۵۵ ازدواج کرد و صاحب سه پسر و دو دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را در روستای اسکندرکلا تابعه شهرستان زادگاهش به خاک سپردند. (مازندران)



۴۱۵) شهدی خوشخو، حسن/ الف-ش:

بیست و سوم دی ۱۳۱۳، در شهرستان مشهد چشم به جهان گشود. پدرش محمدتقی و مادرش صدیقه نام داشت. در نهضت سوادآموزی درس خواند.

فروشنده مصالح ساختمانی و بسیجی بود. سال ۱۳۴۴ ازدواج کرد و صاحب دو پسر و چهار دختر شد. یکی از فرزندان در جنگ شرکت نمود و مجروح شد.

وی فردی مومن و عاشق اهل بیت بود، به روضه حضرت فاطمه (س) خیلی علاقه داشت و دهه فاطمیه ۱۲ روز به

این که بگذارد کسی بفهمد از نیازمندان دستگیری می‌کرد. بعد از شهادتش افراد زیادی گفتند که به آن‌ها کمک کرده است. یکی از ساکنین تنکابن می‌گفت: «سال ۱۳۹۲ برف سنگینی آمد و سقف خانه خراب شد، شهید محمدابراهیم که می‌دانست از عهده تعمیر سقف بر نمی‌آیم، هزینه تعمیر را پرداخت.»

ازادت خاصی به امام حسین (ع) داشت و در برپایی مجالس عزاداری بسیار کمک می‌کرد. یک بار به سفر کربلا رفت و تصمیم داشت پس از بازگشت از سفر حج دوباره به زیارت مرقد سیدالشهدا برود. در هر موقعیتی آیه «الا به ذکر الله تطمئن القلوب» را تکرار و بدوم یاد خدا کاری را آغاز نمی‌کرد. دارای ذوق و استعداد سرودن شعر بود. به کشاورزی و درختکاری نیز علاقه داشت و گاهی به آن می‌پرداخت.

هنگام سفر به حج از همه حلالیت طلبید. در وصیت نامه خود سفارش کرد، بخشی از اموالش را برای کمک به نیازمندان، کودکان بی سرپرست و تهیه تجهیزه نوعروسان هزینه کنند.

دوم مهر ۱۳۹۴، هنگام انجام اعمال حج در منا به شهادت رسید. پیکر وی در مقبره‌الشهدای مکه به خاک سپرده شد. (مازندران)



۴۱۷) معلمی‌اوره، عباس / الف-ش:

بیست و پنجم دی ۱۳۵۹، در شهرستان تهران به دنیا آمد. پدرش حسن، بازنشسته ارتش بود و مادرش زهرا، خانه‌داری می‌کرد. مهر ماه ۱۳۷۸ در مقطع کارشناسی رشته ماشین‌آلات کشاورزی دانشگاه باهنر کرمان پذیرفته شد. در دوران دانشجویی مسئول بسیج پایگاه شهید همت بود و در برگزاری نمایشگاه‌های هفته دفاع مقدس و برپایی اردوهای بازدید از مناطق جنگی می‌کوشید.

نیابت هر یک از فرزندان آن حضرت روضه می‌خواند. به فرزندان وصیت کرد تا می‌توانید این دهه را فراموش نکنید. عاشقانه و بی‌صبرانه منتظر شهادت. بود تاریخ شهادتش را در تقویمی علامت زده بود، یعنی از روز ولادت امام حسین (ع) با شمارش معکوس از ۱۲۶ روز شروع و به روز عرفه به عدد یک رسیده بود. دقیقاً همان روزی که به شهادت رسید. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را در مقبره‌الشهدای همان شهر به خاک سپردند. (خراسان رضوی)



۴۱۶) مصطفی‌زاده‌تالش، محمدابراهیم /

الف-ش: یکم بهمن ۱۳۴۲، در شهرستان آمل به دنیا آمد. پدرش خالق، کشاورزی می‌کرد و مادرش خانم جانی، خانه‌دار بود. او که پس از بیست سال انتظار و مرگ سیزده فرزند به دنیا آمد، برای پدر و مادرش بسیار عزیز بود. در یک سالگی پدر و در پنج سالگی مادرش را از دست داد و عموی بزرگش سرپرستی وی را برعهده گرفت.

تا پایان مقطع متوسطه در رشته انسانی درس خواند و دیپلم گرفت. در دوران جنگ تحصیلی به مدت ۲۷ ماه عازم خدمت سربازی شد و با سمت امدادگر خدمت کرد. به حرفه آلومینیوم‌سازی پرداخت. در کارش بسیار دقیق، امانت‌دار و اهل کسب حلال بود. مدام به شاگرد خود تأکید می‌کرد که هنگام فروش صدگرم اضافه بدهد ولی صدگرم کم نگذارد.

سال ۱۳۶۳ ازدواج کرد و حاصل آن یک دختر بود. بر تربیت و آموزش دینی فرزندش تأکید داشت. تلاش می‌کرد به جای هرگونه سخت‌گیری خودش الگوی مناسبی برای فرزند باشد. خوش‌اخلاق، شوخ، خوش‌رو، صبور و امانت‌دار بود. همیشه اول وقت نمازش را می‌خواند. بدون



۴۱۸) مغفوری، رجب محمد/ الف-س:
پانزدهم مهر ۱۳۲۳، در شهرستان گنبدکاووس به دنیا آمد. پدرش عبدالکریم و مادرش تازه گل نام داشت. تا پایان دوره ابتدایی درس خواند. امام جماعت مسجد بود. سال ۱۳۴۸ ازدواج کرد و صاحب پنج پسر و سه دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در گلزار شهدای روستای چپاقلی تابعه شهرستان بندرترکمن واقع است. (گلستان)



۴۱۹) مقدم اینچه برون، یگن بی بی/ الف-س:
یکم فروردین ۱۳۳۷، در روستای بی بی شیروان از توابع شهرستان گنبدکاووس به دنیا آمد. پدرش مامن، کشاورزی می کرد و مادرش منگلی بی بی نام داشت. خواندن و نوشتن نمی دانست. خانه دار بود. سال ۱۳۵۰ ازدواج کرد و صاحب چهار پسر و سه دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در زادگاهش واقع است. (گلستان)



۴۲۰) ملا ییم، محمد حسن/ الف-ش:
شانزدهم آبان ۱۳۲۰، در روستای سیوند از توابع شهرستان مرو دشت به دنیا آمد. پدرش اسماعیل، باغدار بود و مادرش درخشنده نام داشت. تا پایان دوره متوسطه در رشته انسانی درس خواند و دیپلم گرفت. کارمند بازنشسته واحد گذرنامه نیروی انتظامی بود. سال ۱۳۴۵ ازدواج کرد و صاحب دو دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او رادر گلزار شهدای دارالرحمه شهرستان شیراز به خاک سپردند. (فارس)

مهر ۱۳۸۵ از دانشگاه شیراز در مقطع کارشناسی ارشد فارغ التحصیل شد. سپس به انجام تحقیقات علمی، نوشتن مقالات متعدد و تدریس در دانشگاه های مختلف پرداخت. در همان سال شروع به تحصیل در مقطع دکترای دانشگاه علوم تحقیقات تهران کرد. هم زمان با اتمام دوره دکترا در تابستان ۱۳۸۶ از سوی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا دعوت به همکاری شد و پس از مدتی به عضویت در هیئت علمی این دانشگاه درآمد. سال ۱۳۸۷ ازدواج کرد. با توجه به توانایی و دانش وی، عهده دار مسئولیت هایی از قبیل مدیر گروه، رئیس دانشکده فنی و مهندسی و معاونت فناوری دانشگاه شد. وی فردی خستگی ناپذیر و دلسوز بود که اصول و قوانین را به شدت رعایت می کرد. در حل مشکلات دانشجویان پیش قدم می شد و دلسوز آن ها بود. به پدر و مادر خود و حتی مادر همسرش (که او نیز همسر شهید بود) احترام فراوانی می گذاشت. مقید به نماز اول وقت و جماعت بود. پشتکار زیادی داشت. با معرفت، صبور، مهربان و پرجاذبه بود. ارادت زیادی به امام رضا (ع) داشت و هر سال ماه رمضان ده روز به زیارت می رفت. بسیار قرآن تلاوت می کرد و پایبند به خواندن زیارت عاشورا، زیارت جامعه کبیره و دعای عهد بود. بین الطلوعین نمی خوابید و بیدار می ماند. با وجود مشغله فراوان در اوقات فراغت باغبانی و گل کاری می کرد. سال ۱۳۹۴ پس از دریافت پولی، مستطیع شد و تصمیم گرفت به سفر حج برود و به نحو معجزه آسایی برای وی فرصت رفتن به این سفر فراهم شد. دوم مهر همان سال در منا به شهادت رسید. پیکر وی یک هفته بعد تشییع و در گلزار شهدای بهشت زهراي شهرستان تهران به خاک سپرده شد. از او مقالات زیادی مرتبط با رشته تحصیلی به جا مانده است. (تهران)



۴۲۴) موسوی، داود/ الف-ش: بیست و دوم دی ۱۳۴۷، در محله دروازه دولاب شهرستان ری دیده به جهان گشود. پدرش حبیب‌الله، میوه‌فروش بود و مادرش بتول، خانه‌داری می‌کرد. تا پایان مقطع کارشناسی در رشته حقوق درس خواند. پاسدار بود و از سوی بسیج به جبهه رفت. هشتم فروردین ۱۳۶۷، مجروح شد.

سال ۱۳۶۸ ازدواج کرد و صاحب دو پسر و یک دختر شد. بر آموزش دینی فرزندان تأکید داشت و آن‌ها را به ادای نماز اول وقت و کسب مال حلال توصیه می‌کرد. بسیار مهربان، شوخ‌طبع، باگذشت و اهل صلح‌رحم بود. همیشه سعی داشت مهمانی‌ها را ساده برگزار کند. در کمک به دیگران پیش‌قدم می‌شد و گاهی به کمک دوستانش می‌رفت و در گل‌فروشی کار می‌کرد.

به امام حسین (ع) ارادت خاصی داشت و بارها به زیارت کربلا رفت. در میان دعاهایی که می‌خواند، پیوسته آرزوی عاقبت به خیری می‌کرد.

دوم مهر ۱۳۹۴، در منا به شهادت رسید. پیکرش پانزدهم همان ماه در بهشت‌زهرای شهرستان تهران به خاک سپرده شد. (تهران)



۴۲۵) موسوی، سیدحسین/ الف-ش: نوزدهم اسفند ۱۳۴۲، در روستای میان‌پشته از توابع شهرستان رودسر به دنیا آمد. پدرش سیدمحمد و مادرش سیده‌حلیمه نام داشت. تا پایان دوره راهنمایی درس خواند. مغازه‌دار بود. سال ۱۳۷۲ ازدواج کرد و صاحب یک پسر و یک دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در مقبره‌الشهدای همان شهر واقع است. (گیلان)



۴۲۱) ممکن‌رودی، عبدالغفار/ الف-س: بیستم دی ۱۳۴۰، در شهرستان خواف به دنیا آمد. پدرش عبدالحمید، چوپان بود و مادرش سرور نام داشت. تا پایان دوره متوسطه در رشته تجربی درس خواند و دیپلم گرفت. راننده بود. ازدواج کرد و صاحب سه پسر و دو دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. تاکنون اثری از پیکرش به دست نیامده است. (خراسان رضوی)



۴۲۲) منصوری، عطا/ الف-ش: یکم شهریور ۱۳۲۸، در روستای بیدک از توابع شهرستان آباده به دنیا آمد. پدرش یحیی، کشاورزی می‌کرد و مادرش طیبه‌بگم نام داشت. تا پایان دوره ابتدایی درس خواند. او نیز کشاورز بود. سال ۱۳۵۵ ازدواج کرد و صاحب سه پسر و دو دختر شد. به عنوان بسیجی مدت ۲ سال در جبهه حضور داشت. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را در زادگاهش به خاک سپردند. (فارس)



۴۲۳) منصوری، نعمت‌الله/ الف-ش: بیستم اردیبهشت ۱۳۲۶، در شهرستان سروس‌ستان به دنیا آمد. پدرش جان و مادرش طاهره نام داشت. تا پایان دوره کارشناسی در رشته ریاضی درس خواند. سرهنگ بازنشسته ارتش بود. سال ۱۳۴۷ ازدواج کرد و صاحب چهار پسر و یک دختر شد. حدود ۶۰ ماه در جبهه حضور داشت. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در گلزار شهدای شهرستان شیراز قرار دارد. (فارس)



۴۲۹) مولوی، ابراهیم / الف-ش: یازدهم آذر ۱۳۲۹، در شهرستان سرخس به دنیا آمد. پدرش محمدکاظم و مادرش فاطمه نام داشت. تا پایان دوره کاردانی در رشته ریاضی درس خواند. ارتشی بود. سال ۱۳۵۴ ازدواج کرد و صاحب دو پسر و یک دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در زادگاهش قرار دارد. (خراسان رضوی)



۴۲۶) موسوی، سیدمحمد / الف-ش: دهم مهر ۱۳۲۹، در شهرستان دورود به دنیا آمد. پدرش سیداحمد و مادرش نسیمه نام داشت. تا پایان دوره ابتدایی درس خواند. شغلش آزاد بود. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در زادگاهش قرار دارد. (لرستان)



۴۳۰) مؤیدزاده، محمدرضا / الف-ش: پنجم خرداد ۱۳۲۰، در شهرستان قم دیده به جهان گشود. جد اعلای ایشان حاج حسن تاجر و حاج محمدابراهیم تاجر حاجی حسینی از تجار معروف و به نام شهرستان به شمار می‌رفتند و پدرش حاج میرزامحمود از کسبه مشهور قم بود. والده ماجده معظم له، صبیبه مرحوم حاج آقا شیخ اصغر مؤیدالشریعه شاگرد و محرر مرحوم آیت الله حاج سیدمحمدحجت کوه‌کمری، داماد مرحوم حجت الاسلام ملامحمود زاهدی قمی (۱۳۲۵-۱۲۲۶)، (مشهور به حاج ملامحمود) نماینده مردم قم در اولین مجلس شورای ملی - در زمان مشروطیت - و همشیره‌زاده مرحوم آیت الله حاج میرزاابوالفضل زاهدی قمی بوده است. او پس از یادگیری فنون ادب و علوم قرآنی در مدرسه ابتدایی شایگان قم، به خواندن دروس کلاسیک مشغول شد و دیپلم را به‌طور متفرقه گرفت.

وی قبل از بنای مسجداعظم (مسجد حضرت آیت الله بروجردی) در سال ۱۳۳۸ به حوزه علمیه قم رفت. نخست ادبیات عرب، مغنی، مطول، سیوطی، حاشیه ملاعبدالله (منطق) و لمعه را نزد اساتید به نام حوزه علمیه قم همانند حضرات آیات: آیت الله سلطانی طباطبایی - مرحوم آیت الله مشکینی -



۴۲۷) موسوی، سیدمصطفی / الف-ش: هشتم دی ۱۳۲۹، در شهرستان دورود به دنیا آمد. پدرش سیدمرتضی، در شرکت راه‌آهن کارگری می‌کرد و مادرش انتیکه نام داشت. تا پایان دوره راهنمایی درس خواند. کارگر جهادسازندگی و بسیجی بود. سال ۱۳۵۲ ازدواج کرد و صاحب سه پسر و چهار دختر شد. حدود ۱۲ ماه در جبهه حضور داشت. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را در گلزار شهدای قدیم‌انگشته شهرستان زادگاهش به خاک سپردند. (لرستان)



۴۲۸) موسوی، مصطفی / الف-ش: دهم اسفند ۱۳۲۲، در روستای چمستان از توابع شهرستان نور به دنیا آمد. پدرش محمود و مادرش ربابه نام داشت. تا پایان دوره کاردانی درس خواند. سرهنگ بازنشسته ارتش بود. سال ۱۳۴۴ ازدواج کرد و صاحب دو پسر و سه دختر شد. در سال‌های جنگ در جبهه حضور یافت و مجروح شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در زادگاهش قرار دارد. (مازندران)

با پوشش مبدل در این مراسم حضور پیدا می کردند تا بفهمند شخص برگزارکننده مراسم کیست و با او برخورد کنند، اما ایشان هر بار به نحوی از دست مأمورین فرار می کرد.

حاصل ازدواجش چهار پسر و دو دختر است، که تمام فرزندان و دامادهایش دارای تحصیلات حوزوی هستند.

همسرش می گوید: «برای فرار از دست مأمورین هر بار روشی را پی می گرفت تا شناسایی نشوند، به عنوان مثال یک بار عمامه خود را بر می داشتند، یکبار عمامه سفید خود را با عمامه سیاه جابه جا می کردند، بعضاً لباس دیگری بر تن می کرد، یا وقتی مردم بر می خواستند ایشان نشسته از لابلای جمعیت فرار می کرد. حتی ایشان برای اینکه به طور کلی شناسایی نشوند و سوابق قبلی ایشان برای ساواک مشخص نشود، نام خانوادگی خود را در شناسنامه تغییر دادند. فامیلی پدر و برادران ایشان «حاجی حسینی» بود و ایشان فامیلی خود را به مؤیدزاده یا مؤیدی تغییر دادند. یکی از روش های جالب ایشان برای شعار دادن در مراسم دعا مطرح کردن آن ها به زبان عربی و به صورت دعا بود و مأمورین ساواک متوجه آن نمی شدند، اما طلبه ها که به زبان عربی تسلط داشتن پیام را دریافت می کردند.» تا سال ۱۳۵۷، حدود ۶ بار دستگیر شد و در زندان های مختلفی مانند: زندان قصر، اوین، کمیته مشرت و قزل قلعه را تجربه کرد. در زندان با افرادی هم چون آیت الله طالقانی، آیت الله شاه آبادی، آیت الله منتظری، آیت الله ربانی املشی و آیت الله هاشمی رفسنجانی هم بند و هم سلول بود. همین طور به دامغان و بیجار تبعید شد. سرانجام روزی که شاه از کشور فرار کرد، ایشان به همراه جمعی دیگر از زندانیان آزاد شدند.

در جریان انقلاب توانست بسیاری از افراد و پرسنل ارتش و گارد شاهنشاهی را جذب انقلاب نماید. یکی از آنها تاییست ساواک به نام "صغر رفیع پور" بود که اسناد و اطلاعاتی های محرمانه ساواک را به ایشان می رساند.

با پیروزی انقلاب پس از جلب نظر همافرهای نیروی هوایی به پادگان نیروی هوایی رفت و سلاح هایی را در اختیار

مرحوم آیت الله ستوده و مرحوم آیت الله محقق داماد سپری نمود و بعد از سپری نمودن دروس سطح نزد اساتید معظم، توفیق یافت دروس خارج فقه و اصول را نزد حضرات آیات عظام، آیت الله حائری یزدی، آیت الله میلانی، آیت الله گلپایگانی، رهبر کبیر انقلاب آیت الله امام خمینی (ره) بیاموزد. وی قبل از نهضت، در امتحانات خارج فقه (سطح ۴) شرکت کرد و اجازه نقل احادیث و روایات و اجتهاد از بعضی از مراجع تقلید را کسب کرد و با الگوگیری از قرآن و عمل به سیره معصومین از همان اوایل طلبگی اش به تبلیغ دین پرداخت. سال های متعددی تشنگان معارف دین را با بیان دل نشین اش موعظه کرد.

سال ۱۳۴۳ با دختر مرحوم آیت الله حاج شیخ علی اصغر فقیهی قزوینی ازدواج کرد و همان سال به دلیل فعالیت های مبارزاتی علیه رژیم شاهنشاهی دستگیر و تبعید شد. سال ۱۳۴۴ مجدداً مأمورین ساواک در نیمه شب به منزلش حمله کردند و ایشان را دستگیر نمودند. در این دستگیری حدود ۴ ماه در زندان های انفرادی تهران بود و هیچ کس خبری از ایشان نداشت. آن زمان همراه داشتن هرگونه اطلاعیه و متنی که درباره امام خمینی (ره) باشد جرم محسوب می شد. منزل ایشان در واقع پایگاهی بود که کار نگهداری و توزیع اطلاعیه های امام (ره) در آن انجام می شد. در حمله به منزلش مقادیری اعلامیه، رساله امام (ره) و هم چنین کتابی که امام خمینی (ره) برای حاجی آقا مؤیدی حاشیه نویسی کرده بود را پیدا می کنند.

در آن زمان نخستین اعلامیه هایی که از امام (ره) صادر می شد، توسط ایشان تکثیر و در شهر قم پخش می شد. هم چنین برای نخستین بار به برگزاری مراسم دعای توسل در قم پرداخت. در آن زمان تجمعات برای حکومت شاه بسیار مهم بود. به خصوص با تجمعاتی که بار مذهبی و سیاسی داشت برخورد می شد. از سوی دیگر یکی از مهم ترین راه های اطلاع رسانی در خصوص نهضت امام (ره) نیز همین اجتماعات بود و بهترین وسیله برای این کار مراسم دعا بود. مأمورین ساواک

انقلابیون قرار داد. در همان روزهای نخست انقلاب از سوی امام خمینی (ره) به عنوان امین اموال ۴ کاخ مهم شاه انتخاب شد. کمیته ویژه قصر فیروزه را تشکیل داد تا به حفظ و حراست این اموال که در واقع بیت‌المال بود، بپردازد. پس از گذشت یک سال و نیم این اموال را تحویل دادستانی داد و از سوی امام خمینی (ره) به عنوان مسئول حوزه علمیه سیستان و بلوچستان انتخاب شد و با هدف ایجاد وحدت بین شیعه و سنی به این استان رفت.

سال‌های ۱۳۵۷ و ۱۳۵۸، عضو جامعه روحانیت مبارز تهران بود. فعالیت‌های علمی، پژوهشی و آموزشی فراوانی در حوزه تبلیغ دین داشت. از سال ۱۳۶۲ در حوزه علمیه قم، مدتی در دانشگاه امام حسین (ع) تهران و چند سال در دانشگاه زاهدان مشغول به تدریس شد. همواره به شاگردانش توصیه می‌کرد: «لدرس حرف و التکرار الف، تکرار جز با تدریس کردن تحقق نخواهد یافت.» وی با روحیه خستگی‌ناپذیر خود علاوه بر تدریس، در ارتش جمهوری اسلامی نیز مشغول به کار بودند. فعالیت‌های پژوهشی، تحقیقات و تطبیقات گسترده‌ای بین مجلدات کتاب بحارالانوار قدیم با بحارالانوار جدید داشتند، که بیش از چهار سال انجام این تطبیقات به طول انجامید.

وی چندین سال امام جماعت و رئیس هیئت امنای مسجد حسنی در شرق تهران بود. همواره با خلق و خوی نیکوی خویش و اخلاق حسنه پذیرای نیازها و کمک به مردم بود. مدتی نیز ریاست هیئت امنای مسجد سوته شهرستان ساری را به عهده داشت؛ که همواره با راهنمایی‌های حکیمانه خود راهگشای بسیاری از مشکلات منطقه می‌شد.

سطوح عالی بیان روان و شیوای استاد در سنگر تدریس، انگیزه‌ای شد تا گروهی از شاگردانش تقاضای تدریس خارج فقه و اصول را از وی کردند. درس خارج اصول را در مدرسه آیت‌الله العظمی گلپایگانی شروع کرد و از سال ۱۳۷۶ تا زمان شهادت نیز در مدرسه فیضیه به تدریس خارج فقه مشغول شد.

کتاب‌های صلاة‌جمعه، صلاة‌استیجاری، صلاة‌جماعت، صلاة‌مسافر، صلاة‌آیات، کتاب صوم (طریق ثبوت هلال)، صوم قضاء، صوم کفارات و هم‌چنین کتاب اعتکاف و خمس را تدریس می‌کرد. به تفسیر موضوعی قرآن و تفسیر ترتیبی قرآن می‌پرداخت. از سال ۱۳۷۹ مشغول به تدریس و تألیف تفسیر قرآن کریم و نهج البلاغه شد.

وی که از شاگردان فقهی، اصولی، سیاسی و انقلابی امام خمینی (ره) بود، هنگامی که حرکت انقلابی و اعتراض‌آمیز امام خمینی علیه سیاست‌های ضداسلامی و آمریکاپسند محمدرضاشاه پهلوی آغاز شد، از سال ۱۳۴۲ به صورت جدی و فعال وارد میدان مبارزات سیاسی شد و شانزده سال تمام با وجود فراز و نشیب‌های فراوان، شکنجه‌ها، تبعیدها و زندان‌ها مبارزه کردند و از هیچ خطری نهراسید. پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز هم‌چنان پرتلاش به فعالیت‌های ارزشمند اسلامی پرداخت. در ایام دفاع مقدس به عنوان مبلغ و رییس حوزه علمیه زاهدان با حضور در جبهه‌های جنگ موجب دلگرمی رزمندگان اسلام می‌شد. برادر کوچکش که در ابتدای جنگ از نیروهای شهید چمران بودند، در سوسنگرد به اسارت نیروهای عراقی درآمد و به شهادت رسید. تاکنون اثری از پیکر این بزرگوار به دست نیامده است.

در دوران زندگی علاوه بر خدمات بسیار ارزشمند فرهنگی، سیاسی و تربیت‌فرزانگان و اندیشمندان، خدمات اجتماعی فراوانی را انجام داد. از جمله آن خدمات می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

تأسیس مؤسسات خیریه مختلف و تحت پوشش گرفتن بسیاری از ایتم، مستمندان و فقراء در سطح شهر، تهیه جهیزیه ایتم، عمران و آبادی روستای سوته مازندران، احداث حسینیه، مسجد، صندوق قرض الحسنه، کمک در ساخت حوزه علمیه زاهدان، تجدید بنای مسجد حسنی و هم‌چنین تأسیس کتابخانه‌ای بزرگ در شرق تهران از دیگر اقدامات این عالم بزرگوار به شمار می‌رود.

وی حدود ۴۰ بار عازم حج تمتع شد. در سفر آخر یک بار



۴۳۱) مهديان دهكردي، بهرام/ الف-ش:

دوم اسفند ۱۳۳۳، در شهرستان شهرکرد چشمم به جهان گشود. پدرش عبدالعلی و مادرش صغرا نام داشت. تا پایان دوره کاردانی در دانشگاه تربیت معلم اصفهان درس خواند. در طول تحصیل همواره یار و همراه خانواده بود و در مورد احسان و نیکی به پدر و مادر توجه خاصی داشت. برای پیروزی انقلاب فعالیت‌های مخفیانه‌ای انجام می‌داد.

سال ۱۳۶۱ ازدواج کرد و از همان آغاز نیايش نامه ازدواج خود را با خدای خویش مکتوب نمود: «بار خدایا اینک به نام تو و به خاطر تو و خواست تو در راه تو زندگی را شروع می‌کنیم و اعلام می‌داریم که هدف ما از این پیوند کوچک این است که بتوانیم پیوند بزرگی با تو برقرار کنیم... الهی از تشریفات کاستیم که به تشریفات ما در آخرت بیفزایی...» صاحب دو پسر و یک دختر شد.

شروع کارش به عنوان مدیر دبیرستان مصادف با پیروزی انقلاب اسلامی بود. در دهه ۶۰ و ۷۰ به عنوان رییس هیئت مدیره شرکت تعاونی مسکن فرهنگیان فعالیت چشمگیری داشت و در پیگیری امور تحصیلی فرزندان شاهد بارها مورد تقدیر ستاد شاهد قرار گرفت. چندین بار به عنوان دبیر و معاون نمونه انتخاب شد.

مدت ۱۶ سال از دوران خدمتش به عنوان معاون در دبیرستان نمونه علامه طباطبایی شهرکرد، همراه با حاج محمدجواد فیاض گذشت، که دست تقدیر دو دوست و همکار دیرینه را در یک ساعت و در یک مکان مقدس به دیدار معبود فرا خواند و به مقام شامخ شهادت رساند.

ایشان در مدت خدمت خود همیشه برخوردار از پدرانه با دانش‌آموزان داشت و تحت عناوین مختلف از دانش‌آموزانی که وضعیت مالی مناسبی برخوردار نبودند حمایت می‌کرد. پل ارتباطی مردم با ادارات دولتی و به ویژه شهرداری بود و برای احداث جاده‌های شهری و روستایی فعالیت‌های

توسط نیروهای سعودی بازداشت شد؛ به نقل از آقای مولایی دبیر نشریه افق که همراه ایشان بودند: «در حیاط مسجدالنبی جمعی از طلاب به دنبال آیت‌الله مؤیدی حرکت می‌کردند و به تدریج شیعیان کشورهای مختلف برای ابراز ارادت، دور ایشان جمع شدند و جمعیت بزرگی گرد آمد، سعودی‌ها که به تجمعات حساس بودند، وقتی از دوربین‌ها این صحنه را دیدند سریع به محل آمدند و ایشان را دستگیر کردند.» موضوع دیگر این بود که شیعیان مدام از ایشان درخواست می‌کردند تا برایشان سخنرانی کند و ایشان هم طبق معمول بسیار تند صحبت می‌کردند و برای سخنرانی هر شب به یک هتل می‌رفتند. در یکی از این سخنرانی‌ها کاغذی به ایشان دادند که روی آن نوشته بود در بین جمعیت جاسوس‌هایی هستند و خلاصه ایشان را از در دیگر هتل فراری دادند.

شاهدان برای خانواده نقل کرده‌اند که: «افراد زیادی صبح موقع عزیمت به منا سراغ ایشان آمدند و خواستند که با آن‌ها همراه شوند، اما ایشان با توجه به تجربه طولانی در مورد حج، می‌دانست که ابتدای روز مسیر بسیار شلوغ است و با آن‌ها همراه نمی‌شد. بالاخره چند نفر به ایشان خیلی اصرار می‌کنند و ایشان زودتر از زمانی که تصمیم داشت، عازم شد. حجت‌الاسلام والمسلمین سید ریاض حکیم فرزند آیت‌الله العظمی حکیم همراه ایشان بود و نقل می‌کرد که تا کوچه ۲۰۴ با هم همراه بودند و در آن‌جا به دلیل فشردگی جمعیت به تدریج از هم جدا شدند. در آن‌جا یکی از شهدای دیگر منا به نام آیت‌الله قلی‌پورگیلانی هم‌چنان همراه ایشان بود و دست ایشان را گرفته بود و هر دو با هم به شهادت رسیدند.»

مدتی که پیکر ایشان هنوز کشف نشده بود، ایشان به خواب چند نفر از اطرافیان می‌آید و می‌گوید: «آیه ۲۶۰ سوره بقره را بخوانید تا بدن من پیدا شود.» پیکرش را ۱۸ روز بعد، تشییع و در حجره ۳۵ حرم حضرت معصومه (س) به خاک سپردند. (قم)



(۴۳۳) مهراپی سلمی، علی اصغر / الف-ش:
 سوم مهر ۱۳۳۱، در شهرستان کیار به دنیا آمد. پدرش علی، کشاورزی می‌کرد و مادرش سکینه نام داشت. خواندن و نوشتن نمی‌دانست. او نیز کشاورز بود. ازدواج کرد و صاحب دو پسر و پنج دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در شهرستان زادگاهش قرار دارد. (چهارمحل و بختیاری)



(۴۳۴) مهربانی، غلامعلی / الف-ش: یکم
 دی ۱۳۴۰، در روستای باغشن گچ از توابع شهرستان نیشابور به دنیا آمد. پدرش غلامحسین و مادرش نبات نام داشت. تا پایان دوره ابتدایی درس خواند. کشاورز بود. ازدواج کرد و صاحب سه پسر و دو دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را در روستای باغشن گچ تابعه شهرستان زادگاهش به خاک سپردند. (خراسان رضوی)



(۴۳۵) میان آبادی، ابراهیم / الف-ش:
 یکم آبان ۱۳۴۱، در شهرستان تربت جام به دنیا آمد. پدرش سلمان و مادرش رقیه نام داشت. تا پایان دوره متوسطه در رشته انسانی درس خواند و دیپلم گرفت. شغلش آزاد بود. سال ۱۳۶۲ ازدواج کرد و صاحب دو پسر و سه دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در شهرستان سبزوار قرار دارد. (خراسان رضوی)

چشمگیری داشت. به طوری که شهردار از انتقادات و پیشنهادات وی در خصوص شهر استقبال می‌نمود و در کمترین زمان در رفع آن‌ها اقدام می‌کرد.

نظم و انضباط، خانواده دوستی، از خود گذشتگی و تواضع از خصوصیات بارز اخلاقی ایشان بود. در انجام امور منزل به همسر و فرزندانش کمک می‌کرد. اکثر اوقات مشغول مطالعه کتاب و تلاوت قرآن بود.

مرداد ۱۳۸۴ به همراه همسرش به حج عمره مشرف شدند. آبان همان سال، بعد از ۳۰ سال خدمت صادقانه به افتخار بازنشستگی نایل آمد. همسرش به عنوان هدیه بازنشستگی فیش حج تمتع به ایشان هدیه کرد. سال ۱۳۹۳ پس از ۹ سال انتظار برای تشریف به سفر حج تمتع نوبت به آن‌ها می‌رسد؛ ولی به طور تعجب برانگیزی و به دلیل بسیار پیش پا افتاده سفرشان در آن سال محقق نمی‌شود. قبل از سفر حادثه جرتقیل باعث نگرانی خانواده و اطرافیان می‌شود و در آخرین شب خداحافظی، شهید به خانواده و همسرش می‌گوید: «اگر من آن‌جا به رحمت ایزدی پیوستم به خود زحمت ندهید و مراد همان جا به خاک بسپارید.» که این حرف باعث ناراحتی اطرافیان می‌شود.

سرانجام دوم مهر ۱۳۹۴، در منا به شهادت رسید. پیکر او را پس از تشییع در زادگاهش به خاک سپردند. (چهارمحل و بختیاری)



(۴۳۲) مهر آباد، علی اصغر / الف-ش: پنجم
 اردیبهشت ۱۳۲۵، در شهرستان نیشابور به دنیا آمد. پدرش علی اکبر و مادرش عصمت نام داشت. خواندن و نوشتن نمی‌دانست. کشاورز بود. ازدواج کرد و صاحب یک پسر و سه دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در روستای شادمهرک تابعه شهرستان زادگاهش قرار دارد. (خراسان رضوی)



۴۳۶) میرانصاری، عمار/ الف-ش:

بیست و هشتم مهر ۱۳۵۹، مصادف با عید سعید قربان، در شهرستان تهران به دنیا آمد. او فرزند ارشد سردار محسن انصاری، قائم مقام سازمان بنیاد شهید و امور ایثارگران و جانباز دفاع مقدس بود و مادرش اختراصات، سابقه تدریس و دبیری در آموزش و پرورش را داشت. وی با اینکه فرزند یک مسئول رده بالای کشوری بود، در جامعه به صورت یک فرد معمولی و با بضاعت اندک مادی زندگی می کرد. تحت هیچ شرایطی از نام پدر برای خودش استفاده نکرد. علاقه ای به شغل دولتی نداشت. مهندس معدن و کارشناس ارشد مدیریت MBA بود. علی رغم تحصیلات عالی، خودش کار می کرد و به دنبال رزق حلال بود. فردی بی ادعا، سخت کوش، ساده زیست و ولایت مدار بود. همواره تلاش می کرد با خلاقیت و کارآفرینی به مردم خدمت کند.

در دو مورد معمولاً از پدرش کمک می گرفت و به قول امروزی ها لابی می کرد؛ یکی برای برپایی یادواره های شهدا و دیگری کمک به جانبازانی که از طریقی به ایشان معرفی می شدند. بی دریغ از درآمد اندک خود به آن ها کمک می کرد. همواره وقت خود را صرف رسیدگی به این امور می کرد. گره گشا بود و نامی از خود برجای نمی گذاشت. این شخصیت و روحیه ایثار ادامه داشت تا لحظه شهادتش در قربانگاه منا که در حین کمک به مجروحان رخ می دهد. در کارهای گروهی ایده هایی نو ارائه می داد. طرح هایی که او ۱۰-۱۲ سال قبل ارائه داده بود، حالا شده اند برندهای تجاری مطرح....

عمار به معنای کامل کلمه «کار راه انداز» بود و باقیات الصالحاتی برای خودش گذاشت، یک نمونه از آن: فرزند شهیدی بود که مشکل اعصاب و روان داشت با پیگیری های فراوان ایشان بهبود یافته و هنوز هم تحت درمان است. کمک های داوطلبانه و شخصی او به جانباز عزیزی که برای

تهیه مسکن مهر نیاز مالی داشت و این در صورتی بود که خودش عائله مند و مستاجر بود....

پس از ازدواج صاحب دو دختر و یک پسر شد. وی فردی مهربان، متواضع، مردم دار، خیراندیش بود. از مال اندوزی پرهیز می کرد و زندگی ساده و با قناعتی داشت. این خصوصیات او باعث افتخار پدر و مادرش بود.

سال ۱۳۸۸ در فعالیت های حوزه مقاومت بسیج بسیار قوی عمل کرد و هرگز حتی در مواقع گرفتاری های سخت از نام پدر و حتی معرفی ایشان برای کمک های معمول استفاده نکرد....

به دلیل اخلاق حسنه او همه بسیجیان شیفته اش بودند. یکی از دوستانش می گوید: «به جرأت می گویم اگر عمار در مکه شهید نمی شد، الان جزو شهدای مدافع حرم بود....» به امام حسن (ع) علاقه ای ویژه داشت و به عشق این امام نام فرزند دلبندش را «مجتبی» گذاشت. سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۶ با همان روحیه جهادی که داشت طرح سفره داری مدینه را در روز تولد امام حسن (ع) در سطح تهران انجام داد.

همیشه یک لبخند معصومانه بر چهره داشت، با روی باز برخورد می کرد و متعادل بود. در ستاد امر معروف و نهی از منکر دست جوان ترها را می گرفت.

فرمانده عملیات پایگاه بسیج اختیاریه درباره ایشان می گوید: «شهید عمار میرانصاری را با مظلومیت و نجابتش می شناسم.»

نزدیک به ۲۰ سال به صورت فعال در تمام برنامه های مذهبی و ارزشی شرکت کرد و در راه خدمت به انقلاب همواره حاضر بود. این توفیق بزرگی برای جوانی به سن او بود و نشان می دهد وی آرامش را بر خود حرام کرده بود تا در خدمت انقلاب باشد. انگیزه خود را کتباً این گونه اعلام کرد؛ «دوست دارم سرباز امام زمان (عج) و تحت امر مقام معظم رهبری حضرت آیت الله امام خامنه ای (مدظله العالی) باشم و در کنار دیگر عزیزان بسیجی راه امام و شهدا را ادامه دهم.»

یکی از دوستانش تعریف می کند: «به خوبی در خاطر هست

وقتی در مجلس عروسی از او درباره چغییه‌اش پرسیدند، با چهره‌ای گشاده و لبخندی شیرین گفت: وقتی مولا و مقتدایم سیدعلی، چغییه را حرمت می‌دارد، من که مقلد و تابع ایشان هستم، چرا نباید این حرمت را نگه دارم؟»

همسرش نقل می‌کند: «حدود دو سال قبل از شهادت، هر روز زیارت عاشورا را با صد لعن و صد سلام می‌خواند. شب‌ها عموماً برای نماز شب بیدار می‌شد، دائم‌الوضو بود، هر صبح دعای عهد را زمزمه می‌کرد و در طول روز اهل مراقبت از خود بود. با وجود شوخ‌طبعی که داشت و زبازد همه بود، این او خیر کم صحبت می‌کرد. در یادداشت‌هایش نوشته بود: دقت، اثر کلام لغو، کمتر از لقمه حرام نیست.»

وی در مهرماه و روز عید قربان متولد شد، در مهرماه سنت حسنه ازدواج را در لباس بسیجی به جا آورد و در مهرماه و روز عید قربان نیز به دیدار حق شتافت. پیکرش را ۱۶ ذی‌الحجه در مقبره الشهداء مکه به خاک سپردند.

سرانجام پس از هشتاد روز چشم‌انتظاری پیکر مهندس بسیجی که در فاجعه منا مفقود بود، پیدا و هویت او از طریق آزمایش DNA شناسایی و با رضایت خانواده، بنا بر وصیت ایشان و توصیه مقام معظم رهبری به عنوان سندی بر مظلومیت شهدای سرزمین «منا» در همان مکان به خاک سپردند. (تهران)



۴۳۷) میرزاده، سیدحمید/ الف‌ش:
دوازدهم مرداد ۱۳۴۰، در شهر بغداد عراق دیده به جهان گشود. پدرش سید احمد، تجارت می‌کرد و مادرش زهرا، خانه‌دار بود. تا سن ۱۰ سالگی در آن کشور زندگی کرد و سپس همراه خانواده به لبنان رفت. تا پایان دوره متوسطه در رشته ادبیات درس خواند. سال ۱۳۶۲ به ایران بازگشت. به‌عنوان سرباز ارتش در جبهه حضور یافت.

سال ۱۳۶۳ ازدواج کرد و صاحب دو دختر و یک پسر شد. بر آموزش و تربیت اسلامی فرزندان خود تأکید داشت. هرگز فرزندان

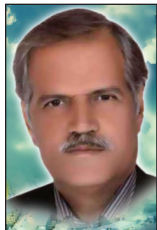
خود را امر ونهی نمی‌کرد و با آنان رفتار دوستانه‌ای داشت. همیشه از آنان می‌خواست برای رسیدن به حقیقت و درک مفاهیم واقعی به قرآن مراجعه کنند. تمام و کمال در خدمت خانواده بود و از کمترین فرصت برای اینکه کنار آن‌ها باشد، استفاده می‌کرد مدتی گوینده رادیو عربی (شبکه خیر و گوینده خبر شبکه کوثر) بود. سپس (یک سال آخر زندگی) مدیر رادیوهای برون مرزی شد.

در انجام وظایف کاری بسیار دقیق، خوشرو، راست‌گو و مهربان بود. همیشه لبخند بر لب داشت و عبوس نبود. حق الناس را رعایت می‌کرد. در حل مشکلات کارمندانش می‌کوشید. اهل پرحرفی و ریانبود و درگیر قضاوت مردم نمی‌شد. به پدر و مادر بسیار احترام می‌گذاشت. به گفته همسرش: «وقتی دیدم چقدر به پدر و مادرش احترام می‌گذارد، تصمیم گرفتم پیشنهاد ازدواج او را بپذیرم.» چونکه می‌دانست همسرش به گل علاقه دارد، به مناسبت‌های مختلف برایش گل می‌خرید. عمود خیمه‌ی خانواده بود و بارفتار خود محیط خانواده را گرمی می‌بخشید. بسیار متین و باخلاق بود. ابراز محبت می‌کرد و رفتارش سرشار از عشق و محبت بود. مهمان‌نوازی می‌کرد و در حل مشکل اطرافیان پیش قدم می‌شد. مخفیانه از نیازمندان دستگیری می‌کرد. خانواده بعد از شهادت وی از کارهایش مطلع شدند. در سرودن شعر دارای ذوق و استعداد بود. از او اشعار زیادی در زمینه‌ی موضوعات مذهبی و انقلابی به‌جامانده است.

به مطالعه درباره تاریخ اسلام علاقه‌مند بود و از اینکه فرصت کافی برای مطالعه نداشت حسرت می‌خورد. عاشق سفر بود و تصمیم داشت پس از بازنشستگی با همسرش به ایران گردی بپردازد. به حضرت زینب (س) و حضرت مهدی (عج) عشق می‌ورزید. یک هفته قبل از مراسم عقد فرزندش به کمر درد شدید مبتلا شد. به طوری که یک هفته در بستر خوابید و همسرش به تنهایی کارهای مهمانی را انجام داد.

بعدها به همسرش گفت: «وقتی می‌دیدم تنها مانده‌ای و نمی‌توانم به تو کمک کنم متأسف شدم و با تو سل به حضرت زینب (س) از او خواستم خودش به تو کمک کند.»

او که مشتاق زیارت خانه خدا بود، از سوی صداوسیما مأموریت



۴۴۰) میرزایی شهرضایی، عبدالرضا/ الف-ش: دوم مرداد ۱۳۳۸، در شهرستان شهرضا به دنیا آمد. پدرش رسول، مغازه‌دار بود و مادرش شهرت نام داشت. تا پایان دوره راهنمایی درس خواند. بهیار بود. ازدواج کرد و صاحب دو پسر و یک دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در گلزار شهدای امامزاده شاهرضای شهرستان زادگاهش واقع است. (اصفهان)



۴۴۱) میرغفوری، کبرابییگم/ الف-ش: یکم فروردین ۱۳۲۷، در روستای رودیان از توابع شهرستان شاهرود به دنیا آمد. پدرش میرحسین (فوت ۱۳۵۰) و مادرش راضیه (فوت ۱۳۸۰) نام داشت. تا پایان دوره ابتدایی درس خواند. خانه‌دار بود. سال ۱۳۴۲ ازدواج کرد و صاحب سه پسر و یک دختر شد. بیستم شهریور ۱۳۹۴، در مسجدالحرام بر اثر سانحه سقوط جرثقیل به شهادت رسید. پیکر او را در زادگاهش به خاک سپردند. (سمنان)



۴۴۲) میرمرتضوی، حسین/ الف-ش: سوم دی ۱۳۲۸، در شهرستان مشهد دیده به جهان گشود. پدرش میرطاهر و مادرش بتول نام داشت. تا پایان دوره کاردانی در رشته آموزش ابتدایی درس خواند. بازنشسته سازمان آموزش و پرورش بود. سال ۱۳۵۲ ازدواج کرد و صاحب سه پسر و یک دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را در بهشت‌رضای شهرستان زادگاهش به خاک سپردند. (خراسان رضوی)

یافت تا به‌عنوان گزارش‌گر شبکه‌های عربی برون‌مرزی به آن‌جا برود. بسیار خوشحال بود و آماده سفر شد به همسرش گفت: «می‌دانم روز عرفه صاحب‌الزمان (عج) را ملاقات می‌کنم.» دوم مهر ۱۳۹۴، در منا به شهادت رسید. پیکر وی دوازدهم مهر همان سال، تشییع و در بهشت‌زهرای شهرستان تهران دفن شد. گرچه اکنون در میان خانواده حضور فیزیکی ندارد ولی نزدیکان وی حضور گرم او را پیوسته حس می‌کنند. حتی در مسائل و مشکلات روح مطهرش یاری‌گر آن‌هاست و به‌نوعی راهی برای حل آن مشکل می‌یابند. (تهران)



۴۳۸) میرزایی، غلامعباس/ الف - ش: یازدهم اردیبهشت ۱۳۱۳، در شهرستان بروجرد به دنیا آمد. پدرش کریم و مادرش ملکی نام داشت. خواندن و نوشتن نمی‌دانست. نجار بود. ازدواج کرد و صاحب سه پسر و یک دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در زادگاهش قرار دارد. (لرستان)



۴۳۹) میرزایی، هادی/ الف-ش: نهم تیر ۱۳۴۳، در شهرستان مشهد دیده به جهان گشود. پدرش جانمیرزا، شعبه نفت داشت و مادرش را راضیه می‌نامیدند. تا پایان دوره راهنمایی درس خواند. راننده شرکت واحد اتوبوسرانی بود. سال ۱۳۶۵ ازدواج کرد و صاحب دو پسر و یک دختر شد. به‌عنوان بسیجی مدت ۳۶ ماه در جبهه حضور یافت و مجروح شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در بهشت‌رضای شهرستان زادگاهش قرار دارد. (خراسان رضوی)



۴۴۳) نازقلیچی، مرجان/ الف-س: یکم

اردیبهشت ۱۳۵۳، در یکی از محله‌های قدیمی شهرستان بندرترکمن به دنیا آمد.

پدرش الیاس، کارمند منابع طبیعی بود و مادرش بی‌بی جمال، خانه‌داری می‌کرد. از

دوران کودکی در خانواده‌ای متدین پرورش یافت. پدر، مادر و

مادربزرگ تأکید زیادی بر تحصیل فرزندان داشتند. تحصیلات

ابتدایی را در مدرسه پروین اعتصامی سپری کرد. مادرش علاوه

بر تحصیل فرزندان بر یادگیری هنرهای دستی اصرار داشت.

در اوقات فراغت به قالیبافی، سوزن‌دوزی، گلیم‌بافی و بافتنی

می‌پرداخت. دوران متوسطه را در دبیرستان سیزده آبان گذراند و

موفق به کسب دیپلم فرهنگ و ادب شد. پس از اخذ مدرک دیپلم،

در رشته تربیت کودکان استثنایی تهران پذیرفته شد. در همان زمان

پدر فوت کرد. مادرش راضی نبود که دخترش برای تحصیل به

تهران برود. مرجان به تهران نرفت و در عوض به تحصیل در

رشته علوم تربیتی پرداخت و هم‌زمان در کلاس قرآن و کامپیوتر

نیز شرکت کرد. تا پایان مقطع کارشناسی در رشته‌های علوم تربیتی

(گرایش مدیریت و برنامه‌ریزی) و حقوق قضایی تحصیل کرد.

هم تحصیل می‌کرد و هم فعالیت‌های حرفه‌ای‌اش را با پشتکار

ادامه می‌داد. در سال ۱۳۸۱ به عنوان کارشناس امور بانوان

فرمانداری شهرستان ترکمن وارد وزارت کشور شد و از سال

۱۳۸۳ تا ۱۳۸۵ بخشدار مرکزی این شهرستان بود. از سال ۱۳۹۳

فرماندار بندرترکمن و سومین فرماندار زن جمهوری اسلامی

ایران شد. در رشته‌های علوم تربیتی و حقوق قضایی دانش

آموخته بود، در محیط سنتی گلستان برای یک زن که مادر خانه

است، انجام کارهای اجتماعی آسان نبود، مخصوصاً که جامعه

هم مخالف حضور یک زن باشد. همیشه برای وقتش برنامه‌ریزی

داشت. سال ۱۳۸۲ کانونی تشکیل داد؛ به نام زنان ساعی، و

در زمینه عفاف و حجاب، برای طرح رحمت در روستاها با

آموزش و پرورش همکاری کرد. کلاس‌های قرآن و کمک به

خانواده معتادان هم بخشی از فعالیت‌های او بود. همه ساله به

کنگره تقریب مذاهب دعوت می‌شد و مقاله می‌فرستاد. سه سال

امتحان داد تا به عنوان معینه کاروان حج قبول شود. برای رسیدن

به هدفش تلاش می‌کرد و اصلاً خسته نمی‌شد تا به هدفی که

می‌خواست می‌رسید. در کلاس‌های قرآن و کامپیوتر شرکت

می‌کرد، چرا که دوست داشت همواره به روز باشد.

یک سال بعد از آغاز به کار در وزارت کشور، بخشدار منطقه‌ای

در شهرش می‌شود. بخشداری که خیلی‌ها شمارش معکوس

دوره مدیریتی او را روشن کرده بودند و امید داشتند که روزهای

بخشداری‌اش از عدد روزهای ماه عبور نکند. اما نه تنها که چنین

نشد، بلکه از سه سال هم گذشت. در شورای حل اختلاف

محله‌اش عضویت داشت، چه شب‌ها که با ناراحتی به خانه بر

می‌گشت. چرا که می‌دید برخی از زوج‌ها به راحتی از هم جدا

می‌شوند. می‌گفت زن و شوهرها نباید به این راحتی از هم جدا

شوند و از طلاق گرفتن آن‌ها دلش می‌شکست. وقتی فرماندار شد

دیگر نتوانست در شورا کار کند سال ۱۳۹۲ که به ماه‌های پایانی

نزدیک می‌شد زمزمه‌هایی بلند می‌شود که یک خانم می‌خواهد

فرماندار شود. آن هم در شهری که اهل سنت اکثریت آنرا تشکیل

می‌دهند. مخالفان دسته دسته صف می‌کشند و مقاومت می‌کنند.

آن‌ها از حجاب و اخلاق نازقلیچی هیچ ایرادی نمی‌گرفتند. فقط

می‌گفتند او زن است و یک زن نباید فرماندار شود. حتی گفته

بودند چطور با یک خانم فرماندار در یک خودرو بنشینیم و جایی

برویم. استاندار هم پاسخ داده بود در خودرو دیگری بنشینید.

سرانجام سی و یکم فروردین ماه ۱۳۹۳، با حمایت‌های دولت

و استاندار به سمت فرماندار منصوب شد. وقتی فرماندار شد بر

این اعتقاد بود که دانش‌آموزانی که می‌خواهند با لباس سنتی به

مدرسه بیایند را آزاد بگذارند. خودش نیز همیشه یک روسری

سفید سرش می‌کرد و یک چارقد ترکمنی هم رویش می‌انداخت.

سال ۱۳۷۸ ازدواج کرد و صاحب دو پسر شد. کار و فعالیت

یک زن با توانمندی مرجان نازقلیچی نه تنها در محیط آن

شهرستان، بلکه در جامعه ما راحت و خالی از حاشیه‌سازی نبود.

او به خوبی شرایط و فضای جامعه را می‌شناخت و هرگز به آن

دامن نمی‌زد. تلاشی برای خودنمایی و یا استفاده از موقعیت

خودش نمی‌کرد. کار و مسئولیت‌های اجتماعی وی هرگز مانع

رسیدگی و انجام وظایف زندگی مشترکش نشد. مانند یک زن ساده به امور خانه، همسر و فرزندانش رسیدگی می‌کرد. گاهی در روزهای تعطیل مشغول کار خانه بود و از فرمانداری با او تماس می‌گرفتند، می‌گفت: «امروز من فرماندار نیستم و خانه‌دار هستم» گرچه در خیلی از روزهای تعطیل در کنار همسرش، که بزرگ‌ترین پشتیبانش بود، برای رسیدگی به کارها و سرکشی به مردم می‌رفت. اخلاق خوش او و ادب او باعث شده بود پایگاه خوبی در خانواده و فامیل داشته باشد. خانواده خود و همسرش از او حمایت می‌کردند تا آرامش بیشتری برای انجام وظایف خود داشته باشد. از مهم‌ترین خصوصیات اخلاقی وی می‌توان به خوش‌رویی، خوش‌اخلاقی، دلسوزی برای همه، ساده‌زیستی، روابط عمومی قوی، مدیریت زمان و قانون‌مند بودن وی اشاره کرد. هرگز از موقعیت خود سوء استفاده نکرد. با اینکه خواهر و برادرش بیکار بودند، برای اشتغال آن‌ها تلاش نکرد. حتی در خانه‌ای که از سوی فرمانداری به او دادند نرفت و آن را تبدیل به مهمان‌خانه‌ای کرد تا افرادی که برای کار از شهرهای مختلف به آن‌جا می‌رفتند، استفاده کنند.

از هر فرصتی و از هر چیزی استفاده می‌کرد که به او ضایع مردم و شهر سر و سامان دهد. خودش را به کار صرفاً اداری مشغول نکرد و پیوسته وظایف مختلفی میان یک زن ساده بودن تا یک زن در پست فرماندار شهر بودن را انجام می‌داد. برای انجام تمام کارها برنامه‌ریزی دقیق داشت. بیهوده نیست که همسرش با یک جمله درباره او همه چیز را می‌گوید: «قدر همه چیز را می‌دانست»

از زمانی که بخشدار بود تا دوران فرمانداری، در خانه از مادر بزرگ پیرش که به فرزندان او قرآن آموخته بود، پرستاری می‌کرد. بسیار دلسوز بود و به مادیات توجه نداشت. پست‌های مهم دولتی، او را از توجه به مشکلات مردم باز نمی‌داشت. در امور مختلف به آن‌ها کمک می‌کرد. نقش پررنگ وی در خانواده‌های زیادی مانع از بروز طلاق شد. چه شب‌ها که خسته و غمگین به خانه می‌آمد و از اینکه خانواده‌ای از هم پاشیده گله می‌کرد. به همین دلیل تصمیم گرفت تحصیلات کارشناسی ارشد خود را در رشته

حقوق ادامه دهد.

در سفر حج سال ۱۳۹۲، یک شب با همسرش تماس می‌گیرد و می‌گوید: «اسم پدر مقام معظم رهبری را پیدا کن و بگو» هر چه همسرش دلیل آن را می‌پرسد، چیزی نمی‌گوید. بعد از بازگشت می‌گوید که به نیابت از رهبر حج انجام داده است. می‌خواست گواهی آن را شخصاً تقدیم کند که فرصت نیافت.

هرچه بیشتر کار می‌کرد و موفقیت به دست می‌آورد، زمزمه مخالفین او نیز بیشتر می‌شد. از نظر آن‌ها یک زن نمی‌بایست این قدر حضورش پررنگ باشد. عاشق سفر حج بود. سال ۱۳۹۴، از سوی استانداری به دلیل حساسیت کارها با سفر وی مخالفت شد. سرانجام دکتر حسن صادق‌لو، استاندار گلستان که طافت دیدن چهره غمگین او را نداشت، با سفرش موافقت کرد و او که نمی‌خواست در طول سفر دیگران بدانند او فرماندار است، با کاروان دیگری رفت.

گویی می‌دانست از این سفر باز نمی‌گردد و به خواهرش می‌گوید: «شاید از این سفر بازنگردم. اگر آن‌جا ماندنی شدم، به مادر بگو بگذارد همان‌جا بمانم و برای برگرداندن من اصرار نکند.» خواهرش می‌گوید: «این چه حرفی است که می‌زنی؟ بچه‌ها را چه می‌کنی؟» و مرجان می‌گوید: «بچه‌ها به پدرشان عادت دارند. تو هم گاهی سر بزنی. حنیف پیتزا دوست دارد و برایش بپز!»

هنگام سفر از هیچ خدمتی به زائران کوتاهی نمی‌کرد و کارهای شخصی زنان پیر و ناتوان را انجام می‌داد. یک شب در تماس با همسرش می‌گوید: «خواب دیدم من، تو و پسرمان رئوف با هم به مکه می‌آیم.» در آخرین شب قبل از حادثه منا به همسرش می‌گوید: «زنگ زدی خواب بودم. خوب شد، بیدار شدم. خواب می‌دیدم سیل آمده و همه ما را با خود برده است.» وقتی سانحه سقوط جرثقیل رخ داد که منجر به شهادت تعدادی از زائران ایرانی شد، با حسرت به یکی از همراهان گفت: «کاش ما هم شهید می‌شدیم.» در همان روزهای آخر سفر مطلع شد که در آزمون کارشناسی ارشد پذیرفته شده است و از همسرش می‌خواهد که ثبت نام او را انجام دهد.



۴۴۵) ناصری، اسکندر/ الف-ش:
دوازدهم دی ۱۳۲۶، در روستای میمند از توابع شهرستان فیروزآباد دیده به جهان گشود. پدرش علی‌بابا، کشاورزی می‌کرد و مادرش حاجیه‌بانو نام داشت. خواندن و نوشتن نمی‌دانست. او نیز کشاورز و بسیجی بود. سال ۱۳۴۸ ازدواج کرد و صاحب سه پسر و پنج دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را در زادگاهش به خاک سپردند. (فارس)



۴۴۶) ناصری، فرحناز/ الف-ش: یکم
فروردین ۱۳۴۰، در شهرستان سرخس به دنیا آمد. پدرش غلامرضا و مادرش کیمیا نام داشت. در حد دوره ابتدایی درس خواند. خانه‌دار بود. سال ۱۳۵۸ ازدواج کرد و صاحب پنج فرزند شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در روستای چگوری تابعه زادگاهش قرار دارد. (خراسان رضوی)



۴۴۷) نجفی، احمد/ الف-ش: سوم
بهمن ۱۳۱۶، در روستای ابوتربه از توابع شهرستان بوانات دیده به جهان گشود. پدرش علی‌باز، کشاورزی می‌کرد و مادرش گل‌اندام نام داشت. در حد خواندن و نوشتن سواد آموخت. او نیز کشاورز و بسیجی بود. سال ۱۳۴۴ ازدواج کرد و صاحب سه پسر و چهار دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را در زادگاهش به خاک سپردند. (فارس)

خیلی زود خبر فاجعه منا به گوش مردم و خانواده‌اش رسید. روزهای اول اسم او در فهرست مفقودین بود. کم‌کم انتظار به طول کشید و خبرهای تلخ از راه رسید. به گفته یکی از همسفران، هنگام شلوغی تا آخرین لحظه به زائرین، مخصوصاً کسانی که روی ویلچر نشسته بودند کمک می‌کرد. ناگهان زیر پای زائران آفریقایی می‌افتد. چند نفر دیده بودند که او را سوار آمبولانس کردند ولی بعد از آن خبری از وی نشد.

سرانجام رئیس سازمان حج با حضور در منزل وی خبر شهادتش را تأیید کرد. خانم مرجان نازقلیچی جزء اولین شهدایی بود که در مقبره‌الشهدای مکه به خاک سپرده شد.

وی در همه عمر، برای وحدت مردم تلاش کرد. نصب دو یادبود در گلزار شهدای اهل تسنن و اهل تشیع، بزرگ‌ترین نشانه به ثمر نشستن این تلاش است.

امروزه کسی نمی‌گوید مرجان نازقلیچی چه مذهبی داشت، همه او را به عنوان زنی قدرتمند می‌شناسند. که برای پیشرفت شهر و کشورش از هیچ تلاشی کوتاهی نکرد.

شخصیت‌های زیادی با شنیدن خبر شهادت وی پیام دادند و درباره وی سخن گفتند. ولی سخنانی که رهبر انقلاب در بزرگداشت وی فرمود، هرگز از خاطر خانواده، دوستان و مردم پاک نخواهد شد. (گلستان)



۴۴۴) ناصری، ابراهیم/ الف-س: یکم
آبان ۱۳۳۱، در شهرستان مشهد به دنیا آمد. پدرش گل‌محمد و مادرش زهرا نام داشت. تا پایان دوره کارشناسی در رشته الهیات درس خواند. ازدواج کرد و صاحب سه پسر و دو دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را در روستای چکودر تابعه شهرستان زادگاهش به خاک سپردند. (خراسان رضوی)



۴۴۹) نساج، عبدالعزیز/ الف-س: پانزدهم شهریور ۱۳۴۳، در جزیره خارک از توابع شهرستان بوشهر به دنیا آمد. پدرش عبدالکریم، در شرکت پایانه های نفتی کارگری می کرد و مادرش مریم نام داشت. تا پایان دوره متوسطه

در رشته کامپیوتر درس خواند و دیپلم گرفت. کارمند پایانه نفتی جزیره خارک بود. سال ۱۳۷۸ ازدواج کرد و صاحب یک پسر و دو دختر شد. دوران سربازی را در جبهه گذراند. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را در مقبره شهدای همان شهر به خاک سپردند. (بوشهر)



۴۵۰) نصرالهی، مرادعلی/ الف-ش: سوم اردیبهشت ۱۳۳۲، در شهرستان بروجرد دیده به جهان گشود. پدرش اصغر و مادرش ایران نام داشت. تا پایان دوره ابتدایی درس خواند. شغلش آزاد بود.

ازدواج کرد و صاحب چهار پسر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را در زادگاهش به خاک سپردند. (لرستان)



۴۵۱) نظری، غلامعلی/ الف-ش: دوم فروردین ۱۳۳۸، در روستای قم از توابع شهرستان چناران به دنیا آمد. پدرش نوروز، نجار بود و مادرش زهرا نام داشت. تا پایان دوره ابتدایی درس خواند.

معمار بود. سال ۱۳۵۸ ازدواج کرد و صاحب یک پسر و چهار دختر شد. مدت ۲ ماه در جبهه حضور داشت. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را در بهشت رضای شهرستان مشهد به خاک سپردند. (خراسان رضوی)



۴۴۸) نجفی، فرهاد/ الف-ش: دهم مهر ۱۳۴۴، در شهر شلمزار تابع شهرستان کیار زاده شد. پدرش مرادعلی، کشاورز و دامدار بود و مادرش بلقیس، خانه داری می کرد. تا پایان مقطع متوسطه در رشته مکانیک درس خواند و دیپلم گرفت.

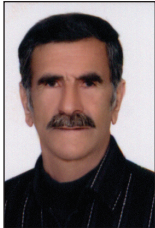
در نوجوانی به فعالیت در بسیج پرداخت. در آن زمان شهر شلمزار پایگاه بسیج نداشت و او هر روز پیاده تا شهر کرد می آمد تا بتواند در پایگاه بسیج آن شهر فعالیت کند. از سوی بسیج در جبهه حضور یافت و از ناحیه پا، کمر و شکم مورد اصابت ترکش قرار گرفت.

در بانک صادرات مشغول به کار شد. هنگام کار بسیار باحوصله و بادقت بود. امانت دار، راستگو، درست کار، خستگی ناپذیر و بشاش بود. به ارباب رجوع اهمیت می داد و بارها پیش آمده بود پولی را که جا گذاشته بودند، به آنها بازمی گرداند.

سال ۱۳۶۳ ازدواج کرد و صاحب پنج دختر شد. در تربیت فرزندان پرحوصله و صبور بود. به آنها احترام می گذاشت و آنها را به صداقت، درست کاری و مفید بودن برای جامعه سفارش می کرد. در رفتار با فرزندانش متواضع بود و سعی داشت فاصله اش را با آنها کم کند تا راحت تر با آنها صحبت کنند. اهل صلح و رحمت، شوخ طبع، مهربان و دلسوز بود. به امام علی (ع) عشق می ورزید. همیشه در مراسم دعای ندبه شرکت می کرد. پیوسته برای عاقبت به خیری دعا می کرد.

بعد از بازنشستگی به کشاورزی پرداخت. هنگام عزیمت به مکه از تمام کسانی که می شناخت حلالیت طلبید. موقع وداع از نزدیکان بی تاب بود و مدام تأکید می کرد که خدا را فراموش نکنید، قدر همدیگر را بدانید و با هم مهربان باشید. چند بار از آنان خواست برایش دعا کنند و قرآن بخوانند.

دوم مهر ۱۳۹۴، در منا به شهادت رسید. شانزدهم همان ماه در گلزار شهدای زادگاهش به خاک سپرده شد. (چهارمحال و بختیاری)



۴۵۵) نفر شلمزاری، سلطانعلی/الف-ش:
ششم فروردین ۱۳۲۸، در روستای شلمزار از توابع شهرستان شهرکرد دیده به جهان گشود. پدرش خانجان، کشاورزی می‌کرد و مادرش خیرنساء نام داشت. در حد خواندن و نوشتن سواد آموخت. او نیز کشاورز بود. ازدواج کرد و صاحب پنج پسر و سه دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را در گلزار شهدای زادگاهش به خاک سپردند. (چهارمحال و بختیاری)



۴۵۲) نظری پور، احمد/الف-ش: بیست
و دوم فروردین ۱۳۴۵، در شهرستان مشهد به دنیا آمد. پدرش علی اکبر و مادرش خدیجه نام داشت. تا پایان دوره متوسطه درس خواند و دیپلم گرفت. کارمند بانک صادرات بود. سال ۱۳۷۲ ازدواج کرد و صاحب یک پسر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را در گلزار شهدا بهشت رضای شهرستان زادگاهش به خاک سپردند. برادرش محمد نیز شهید شده است. (خراسان رضوی)



۴۵۶) نمازی مکی، جواد/الف-ش: دهم
خرداد ۱۳۵۴، در شهرستان کاشمر دیده به جهان گشود. پدرش حسن، کشاورزی می‌کرد و مادرش عصمت، خانه‌دار بود. خانواده او بسیار متدین بودند و از همان کودکی تحت تعلیم و تربیت اسلامی قرار گرفت. در دوران تحصیل بسیار موفق و جزو دانش‌آموزان موفق و زرنگ محسوب می‌شد.



۴۵۳) نظری منش، علیرضا/الف-ش:
پانزدهم آبان ۱۳۴۲، در شهرستان تهران به دنیا آمد. پدرش حسین و مادرش محترم‌السادات نام داشت. تا پایان دوره متوسطه در رشته ریاضی درس خواند و دیپلم گرفت. شغلش آزاد بود. سال ۱۳۶۲ ازدواج کرد و صاحب دو پسر و یک دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در امامزاده پنج تن شهر لویزان تابعه شهرستان شمیرانات قرار دارد. (تهران)

تا پایان مقطع دکترا درس خواند و تنها دفاع از پایان‌نامه‌اش باقی مانده بود. به دلیل مهارت و سطح بالای تحصیل در پست‌های مهمی انجام وظیفه کرد. روحانی کاروان حج، استاد دانشگاه آزاد، قاضی ویژه روحانیت و تجدید نظر و عضو هسته گزینش دادگستری بود. هم‌چنین آموزش و تدریس به قضات را برعهده داشت. در محیط کار بسیار منظم بود و دقت داشت که هر کاری به نحو احسن انجام شود. حقوق مردم و همکاران را رعایت می‌کرد و در حفظ بیت‌المال می‌کوشید.



۴۵۴) نعمتی، رجب/الف-ش: یکم
اسفند ۱۳۱۶، در شهرستان نور به دنیا آمد. پدرش سلمان، کشاورزی می‌کرد و مادرش معصومه نام داشت. خواندن و نوشتن نمی‌دانست. او نیز کشاورز بود. ازدواج کرد و صاحب دو پسر و پنج دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را در گلزار شهدای زادگاهش به خاک سپردند. او را رجبعلی نیز می‌نامیدند. (مازندران)

در دوران جنگ تحمیلی از سوی بسیج به‌عنوان روحانی و برای تبلیغ به جبهه رفت. سال ۱۳۶۶ ازدواج کرد و صاحب یک دختر و دو پسر شد. با تمام گرفتاری‌ها و مسئولیت‌هایی که داشت به آموزش و تربیت اسلامی فرزندانش توجه می‌کرد.



(۴۵۸) نوری استادی، محمد/ الف-س:
بیستم آبان ۱۳۳۲، در روستای استای از توابع شهرستان تایباد چشم به جهان گشود. پدرش خواجه قمر و مادرش خانم جان نام داشت. خواندن و نوشتن نمی دانست. کشاورز بود. سال ۱۳۵۱ ازدواج کرد و صاحب شش پسر و هفت دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در زادگاهش قرار دارد. (خراسان رضوی)



(۴۵۹) نوری نوران، فراهم/ الف-ش:
نوزدهم دی ۱۳۳۷، در روستای سارخانلوی از توابع شهرستان اردبیل به دنیا آمد. پدرش انشاءالله، کشاورزی می کرد و مادرش صدابه نام داشت. او نیز کشاورز بود. ازدواج کرد و صاحب چهار پسر و دو دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را در زادگاهش به خاک سپردند. (اردبیل)



(۴۶۰) نیازمرادی، بی بی فاطمه/ الف-س:
هفدهم خرداد ۱۳۳۶، در شهر گمیشان از توابع شهرستان بندرترکمن دیده به جهان گشود. پدرش تاج و مادرش بیک سلطان نام داشت. تا پایان دوره ابتدایی درس خواند. خانه دار بود. سال ۱۳۵۶ ازدواج کرد و صاحب سه پسر و دو دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در گلزار نقشبندی زادگاهش قرار دارد. (گلستان)

با فرزندان دوست بود و برای تفریح و صحبت با آنها وقت می گذاشت.

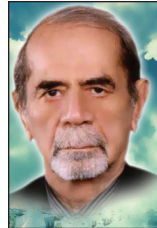
رعایت اخلاق اسلامی، کسب مال حلال و عدم مردم آزاری از سفارش های او به فرزندان بود. راست گو بود و از غیبت پرهیز می کرد. در کمک به مردم پیش قدم می شد و نمی گذاشت کسی متوجه آن شود. بعد از شهادتش خانواده متوجه این کمک ها شدند. آبروی مردم را حفظ و عیب پوشی می کرد. گاهی اوقات کشاورزی می کرد و ساعت ها در باغ به کار می پرداخت.

به امام رضا (ع) ارادت خاصی داشت و همیشه زیارت خاص آن حضرت را می خواند. زیارت عاشورا و دعای عهد را بسیار می خواند. بارها به عنوان روحانی کاروان به حج رفته بود. در طول سفر نسبت به زائران احساس مسئولیت می کرد و با آنها رفتار خوبی داشت. هنگام سفر آخر رفتار بسیار خاص بود. طوری وداع کرد و حلالیت طلبید که گویی می دانست بازگشتی در کار نیست.

دوم مهر ۱۳۹۴، در منا به شهادت رسید. پیکرش بیست و دوم همان ماه تشیع و در صحن حرم امام رضا (ع) به خاک سپرده شد. دو پایان نامه تحصیلی از وی باقی مانده است. (خراسان رضوی)



(۴۵۷) نوری بخش کومله، سیدی یزن/ الف-ش: یکم فروردین ۱۳۴۶، در شهرستان لنگرود به دنیا آمد. پدرش سید تراب، کشاورزی می کرد و مادرش خانمی نام داشت. تا پایان دوره دکترا در رشته پزشکی درس خواند. پزشک بود. سال ۱۳۶۷ ازدواج کرد و صاحب یک پسر و یک دختر شد. در جبهه حضور یافت و مجروح شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را در شهرستان زادگاهش به خاک سپردند. (گیلان)



(۴۶۱) نیک‌روان، عبدالمجید/ الف-ش:

پنجم مهر ۱۳۲۳، در شهرستان اهواز دیده به جهان گشود. پدرش محمدحسین و مادرش حبیبیه نام داشت. تا پایان مقطع کارشناسی در رشته زمین‌شناسی درس خواند. در سازمان آب و خاک مشغول به کار شد. زندگی بسیار ساده‌ای داشت. به کسب روزی حلال اهمیت می‌داد و هرگز از امکانات دولتی استفاده شخصی نمی‌کرد.

سال ۱۳۵۳ ازدواج کرد و حاصل این ازدواج یک دختر و دو پسر بود. برای تربیت اسلامی فرزندانش می‌کوشید. اهل مسجد، راستگو و درستکار بود. در زمینه ترجمه کتاب‌های مرتبط به تخصص خود، با اساتید دانشگاه همکاری می‌کرد. در دوران جنگ در اهواز ماند و در دفاع از شهر کوشید. در اوقات بیکاری به پرورش گل و گیاه می‌پرداخت. در مسجد قرآن درس می‌داد. دوم مهر ۱۳۹۴، در منا توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکرش دوازدهم همان ماه در بهشت زهرای شهرستان تهران به خاک سپرده شد. از وی نوشته‌ها و مقالات علمی زیادی در زمینه آب، خاک و سدهای خاکی به جا مانده است. (خوزستان)



(۴۶۲) واحدی، نصرت‌الله/ الف-ش:

پانزدهم مهر ۱۳۳۲، در روستای حسن‌آباد از توابع شهرستان دامغان دیده به جهان گشود. پدرش رحمت‌الله و مادرش سکینه نام داشت. پس از خواندن دوره ابتدایی، سال ۱۳۴۶ به توصیه مرحوم کربلایی سیدطاهر شاهچراغی به حوزه علمیه دامغان رفت و دروس مقدماتی را نزد اساتید آن حوزه از جمله آیات عظام میرزااحسین ترابی و سیدمسیح شاهچراغی آموخت. برای ادامه تحصیل به حوزه علمیه قم رفت و دروس سطح خارج را در محضر

علمای حوزه مرحوم محمدتقی ستوده، مرحوم امینیان، مرحوم فاضل لنکرانی، مرحوم منتظری، مرحوم محمدباقر سلطانی، مرحوم مشکینی، حسن صانعی و نوری همدانی تا پایان دوره دکترا خواند. در کنار تحصیل به فعالیت و مبارزه بر علیه حکومت پهلوی نیز پرداخت و مبادرت به پخش رساله علمیه حضرت امام خمینی (ره) کرد.

شمره ازدواج وی دو دختر و پنج پسر بود. پس از پیروزی انقلاب مسئولیت‌های مختلفی مانند؛ فرمانده کمیته انقلاب اسلامی شهرستان رودبار در سال ۱۳۵۸ (که در این پست یک بار مورد سوءقصد قرار گرفت)، مسئولیت سازمان عقیدتی منطقه یکم نیروی دریایی از سال ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۴ (در این دوره یک بار دیگر ترور شد)، امامت جمعه شهرستان رودبار از سال ۱۳۶۴ به مدت ۱۲ سال، عضو هیئت علمی دانشگاه گیلان و فارس، مشاور فرهنگی استاندار فارس از سال ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۳، رئیس هسته مرکزی گزینش وزارت کشور از سال ۱۳۸۳ تا بازنشستگی.

در کنار تمام مسئولیت‌هایی که داشت، بیش از ۵ سال در دوران جنگ به عنوان بسیجی در جبهه حضور یافت. هنگام زلزله فجیع رودبار سال ۱۳۶۹، علیرغم اینکه بسیاری از مسئولین شهر را ترک کردند، در کنار مردم ماند و به آن‌ها کمک کرد. ایشان امین مراجع تقلیدی مانند: آیت‌الله اراکی، آیت‌الله گلپایگانی، آیت‌الله بهجت، آیت‌الله صافی گلپایگانی، آیت‌الله فاضل لنکرانی، آیت‌الله مکارم شیرازی، آیت‌الله منتظری، آیت‌الله نوری همدانی و آیت‌الله صانعی بودند و برای انجام امور حسبیه و شرعی اجازه داشتند. دوم مهر ۱۳۹۴، سرانجام روح بلند وی در چهلمین سفرش به حج، هنگام انجام اعمال حج، به آسمان پرواز کرد و با لبان تشنه به شهادت رسید. پیکر وی دهم مهر همان سال، به کشور بازگشت و پس از تشییع در دانشگاه تهران، شهرستان دامغان و شهرستان سمنان در زادگاهش به خاک سپرده شد.



۴۶۵) هادی ورنامخواستی، ابراهیم/ الف-ش: دهم خرداد ۱۳۳۰، در روستای ورنامخواست تابعه شهرستان لنجان به دنیا آمد. پدرش شکراله و مادرش صنم نام داشت. تا پایان دوره کاردانی در رشته مکانیک درس خواند. بازنشسته کارخانه ذوب آهن بود. ازدواج کرد و صاحب سه پسر و دو دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در گلستان شهدای شهرستان اصفهان قرار دارد. (اصفهان)



۴۶۶) هاشم زهی، سیدمحمد/ الف-س: سوم شهریور ۱۳۲۹، در روستای نوک آباد از توابع شهرستان خاش به دنیا آمد. پدرش دادخدا، از معتمدین طایفه و فردی متدین بود که کشاورزی و دامداری می کرد و مادرش گل بی بی نام داشت. از دوران کودکی با نماز و اخلاق نیک انس گرفت و پدر را الگوی خود قرار داد. تحصیلات ابتدایی را تا ششم نظام آموزشی آن زمان؛ در زادگاهش و روستای های اطراف گذراند. هم زمان با تحصیل، در کار به پدرش کمک می کرد.

سال ۱۳۵۲ به استخدام شهربانی زاهدان درآمد. سال ۱۳۵۴ ازدواج کرد و ثمره این ازدواج دو پسر و چهار دختر بود. پس از مدتی خدمت در شهربانی، برای گذراندن دوره ی نظامی، به شهرهای تهران، اصفهان و کرمان منتقل شد. پس از پیروزی انقلاب مجدد به زاهدان بازگشت.

هم زمان با خدمت به ادامه تحصیل پرداخت و پس از اخذ دیپلم وارد دانشکده افسری تهران شد. وی در دوران جنگ نیز از هیچ تلاشی برای پاسداری از کیان ایران اسلامی فروگذار نکرد. رئیس آگاهی، جانشین



۴۶۳) واعظیان، محمدرضا/ الف-ش: بیست و سوم فروردین ۱۳۳۴، در شهرستان تهران به دنیا آمد. پدرش قاسم، خواربارفروش بود و مادرش فاطمه، خانه داری می کرد. پدر وی از خیرین سرشناس و برپاکننده مجالس عزاداری امام حسین (ع) بود. تا پایان مقطع متوسطه در رشته ریاضی درس خواند و دیپلم گرفت. در وزارت اطلاعات کار می کرد. سال ۱۳۶۵ ازدواج کرد و صاحب دو پسر شد. نسبت به تربیت اسلامی فرزندانش می کوشید و همواره به آنان درباره درستی اخلاق و کسب روزی حلال سفارش می کرد. در کار با تعهد، صادق، منظم، با پشتکار و فعال بود. برای رضای خدا و خدمت به مردم می کوشید.

او از کودکی در مجالس عزاداری امام حسین (ع) شرکت می کرد و به امام حسین (ع) عشق می ورزید. سال ها سرپرست کاروان راهیان نور بود. از سوی بعثه مقام معظم رهبری عازم سفر حج شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در منا به شهادت رسید. دوازدهم همان ماه پیکرش در گلزار شهدای زادگاهش به خاک سپرده شد. (تهران)



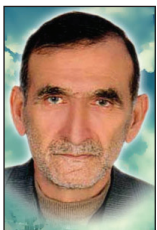
۴۶۴) ولی پور، علی حسین/ الف-ش: یکم مهر ۱۳۲۰، در روستای شلمزار از توابع شهرستان کیار چشم به جهان گشود. پدرش محمدتقی و مادرش خاتون جان نام داشت. خواندن و نوشتن نمی دانست. کارگر بود. سال ۱۳۴۸ ازدواج کرد و صاحب پنج پسر و سه دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در شهر دستنا تابعه شهرستان زادگاهش واقع است. (چهارمحال و بختیاری)



۴۶۸) همتزاده، علی / الف-ش: ششم
تیر ۱۳۳۹، در روستای داریون از توابع شهرستان شیراز به دنیا آمد. پدرش ایاز نام داشت. خواندن و نوشتن نمی‌دانست. کشاورز و دامدار بود. ازدواج کرد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را در روستای تربل‌البیشه تابعه شهرستان زادگاهش به خاک سپردند. (فارس)



۴۶۹) همتیان، سیاوش / الف-ش: دوم
آبان ۱۳۲۳، در روستای سورک از توابع شهرستان کیار به دنیا آمد. پدرش قلی، کشاورزی می‌کرد و مادرش صغرا نام داشت. در حد دوره ابتدایی درس خواند، کارمند بود. ازدواج کرد و صاحب چهار پسر و یک دختر شد. در بسیج خدمت می‌کرد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در زادگاهش قرار دارد. (چهارمجال و بختیاری)



۴۷۰) یحیی‌پور، علی محمد / الف-ش:
چهارم فروردین ۱۳۳۰، در روستای دوستکوه از توابع شهرستان رودسر به دنیا آمد. پدرش غلامعلی و مادرش کیمیا نام داشت. تا پایان دوره متوسطه در رشته ادبیات فارسی درس خواند و دیپلم گرفت. معلم بازنشسته و بسیجی بود. سال ۱۳۵۰ ازدواج کرد و صاحب سه پسر و یک دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را در زادگاهش به خاک سپردند. (گیلان)

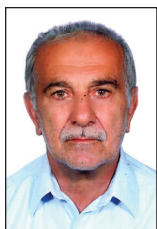
منطقه و کارشناس ارشد انتظامی بود. تجارب بالای خدمتی در دستگاه نظامی و رویارویی با مجرمان بسیار، به او آموخته بود برای فیصله اختلافات و نیز کاهش دادن بسیاری از جرایم؛ از راه‌های گوناگون آن را که نتیجه‌ای مستحکم‌تر دارد انتخاب کند و همیشه جبر و فشار کارگشا خواهد بود. وی سال ۱۳۸۰ با درجه سرهنگی بازنشست شد.

به جایگاه خانواده بی‌نهایت اهمیت می‌داد و همیشه با همسر و فرزندانش با خوشرویی و مهربانی رفتار می‌کرد. همواره فرزندان و نزدیکانش را به نماز خواندن، تلاوت قرآن، صلح‌رحم، عیادت از بیماران، کسب رزق حلال، انفاق، مساعدت دردمندان و فاصله گرفتن از آنچه موجب هنجارشکنی در جامعه می‌شود سفارش می‌کرد.

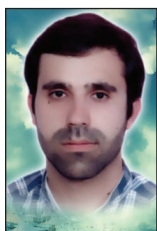
سال ۱۳۸۴ برای اولین بار عازم سفر حج تمتع و سال ۱۳۸۸ به حج عمره مشرف شد. بیستم شهریور ۱۳۹۴، در مسجدالحرام بر اثر سانحه سقوط جرتقیل به شهادت رسید. مزار او در مجتمع طواری المیثم شهر مکه از کشور عربستان واقع است. (سیستان و بلوچستان)



۴۶۷) همایونی، حسن / الف-ش: دهم
تیر ۱۳۲۸، در روستای همایون از توابع شهرستان قائن به دنیا آمد. پدرش حسین، کشاورزی می‌کرد و مادرش فاطمه نام داشت. تا پایان دوره ابتدایی درس خواند. او نیز کشاورز بود. سال ۱۳۵۱ ازدواج کرد و صاحب چهار پسر و چهار دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در زادگاهش واقع است. (خراسان جنوبی)



۴۷۴) یوسفی آیندانسری، رحمت/ الف-ش: بیست و نهم آذر ۱۳۱۸، در روستای کتی سر از توابع شهرستان قائمشهر به دنیا آمد. پدرش آقاجان و مادرش زاغی نام داشت. تا پایان دوره ابتدایی درس خواند. بازنشسته کارخانه نساجی بود. سال ۱۳۴۳ ازدواج کرد و صاحب یک پسر و دو دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را در زادگاهش به خاک سپردند. (مازندران)



۴۷۵) یونسیان، مجید/ الف-ش: بیست و چهارم اردیبهشت ۱۳۶۵، در شهرستان شاهرود به دنیا آمد. پدرش هادی، پاسدار بود و مادرش عذرا، خانه‌داری می‌کرد. والدین او بسیار متدین بودند به طوری که مادرش در دوران بارداری به توصیه‌های شرعی عمل می‌کرد و در دوران شیرخوارگی با وضو به او شیر می‌داد و برایش قرآن می‌خواند. در سه سالگی با قرآن انس گرفت و رفتارش از سایر همسالان خود بزرگ‌تر به نظر می‌رسید. سال سوم ابتدایی موفق به کسب مقام اول اذان‌گویی در منطقه شد. ضمن موفقیت در درس، در فعالیت‌های فرهنگی مدرسه مانند تلاوت قرآن مراسم صبحگاه شرکت می‌کرد و به عنوان یک دانش‌آموز موفق زبانزد همه بود. اهمیت دادن به مسائل شرعی از خصوصیات ایشان بود به طوری که پدر خود را برای شرکت در نماز جماعت صبح مسجد همواره مجبور به طی مسافت طولانی با موتور سیکلت می‌نمود و همواره به نماز اول وقت اهمیت می‌داد. از سن نه سالگی علاوه بر نماز به روزه گرفتن نیز اهمیت می‌داد و از آن زمان روزه‌های خود را کامل می‌گرفت. هم‌چنین به تمام وظایف شرعی خود عمل می‌کرد. اصل محرم و نامحرم را رعایت می‌کرد و هنگام گفتگو با نامحرم سر به‌زیر بود. هرگز خیره نگاه نمی‌کرد. در دوران



۴۷۱) یعقوبیان، قربان/ الف-ش: هفتم تیر ۱۳۱۵، در روستای کفشگرکلا از توابع شهرستان قائمشهر به دنیا آمد. پدرش سالار و مادرش سکینه نام داشت. خواندن و نوشتن نمی‌دانست. کارگر میدان میوه و تره‌بار بود. سال ۱۳۴۰ ازدواج کرد و صاحب سه پسر و چهار دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را در زادگاهش به خاک سپردند. (مازندران)



۴۷۲) یقطین، سیدابوقاسم/ الف-ش: سی و یکم فروردین ۱۳۳۹، در شهرستان شیراز چشم به جهان گشود. پدرش سیدکمال و مادرش طیبه نام داشت. تا پایان دوره متوسطه در رشته تجربی درس خواند و دیپلم گرفت. فروشنده بود. سال ۱۳۶۱ ازدواج کرد و صاحب دو پسر شد. حدود ۶ ماه در جبهه غرب خدمت می‌کرد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. مزار او در زادگاهش واقع است. (فارس)



۴۷۳) یوسفی، ابوبکر/ الف-س: هفتم خرداد ۱۳۳۰، در شهرستان پیرانشهر دیده به جهان گشود. پدرش علی و مادرش فاطمه نام داشت. خواندن و نوشتن نمی‌دانست. کشاورز بود. سال ۱۳۶۹ ازدواج کرد و صاحب دو پسر و یک دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه منای مکه توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. پیکر او را در زادگاهش به خاک سپردند. (آذربایجان غربی)

دبیرستان به کاروان راهیان نور پیوست و به مناطق جنگی می‌رفت.

تا پایان دوره کارشناسی ارشد در رشته مدیریت منابع انسانی درس خواند. ابتدا در یک شرکت مشغول به کار شد و پس از آن به عنوان کارشناس فرهنگی دانشگاه صنعتی شاهرود به انجام وظیفه پرداخت. هنگام کار در حفظ بیت‌المال می‌کوشید. برای مثال هرگز از تلفن اداره، استفاده شخصی نمی‌کرد. خیلی وقت‌ها پس از ثبت کارت خروج به اداره برمی‌گشت و دوباره به کار می‌پرداخت تا در کار کوتاهی نکرده باشد. آخر هر ماه مبلغی را به عنوان رد مظالم کنار می‌گذاشت تا اگر احیاناً از لوازم اداری استفاده کرده حقی بر گردنش نماند.

بسیار مهربان، دلسوز، مودب، با احساس، منطقی و اهل توکل به خدا بود. به پدر و مادرش احترام زیادی می‌گذاشت. هرگز در حضور آن‌ها پیش را دراز نمی‌کرد و جلوتر از آن‌ها قدم بر نمی‌داشت. معتقد بود هر چه دارد از دعای خیر پدر و مادر است. سال ۱۳۸۸ ازدواج کرد و صاحب یک پسر شد. در تربیت فرزندش پایبند به اصول مذهبی بود ولی سخت‌گیری نمی‌کرد. قبل از تولد فرزندش در دوران بارداری همسر برای او قرآن می‌خواند. درباره تربیت فرزند مطالعه می‌کرد و از راهنمایی مشاور نیز بهره می‌برد. آرزو داشت فرزندش سرباز امام زمان (عج) باشد.

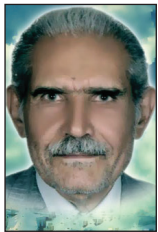
به امام حسن مجتبی (ع) و امام رضا (ع) ارادت خاصی داشت. در مراسم و مجالس مذهبی شرکت می‌کرد. به مداحی علاقه‌مند بود و سعی داشت فنون آن را بیاموزد. به گفته مادرش در قنوت، دعای عاقبت به خیری برای خود و خانواده‌اش می‌خواند و آرزوی شهادت می‌کرد. بارها به سفر کربلا و مکه رفته بود. سال ۱۳۹۴ وقتی والدین او عازم مکه بودند، پدرش پیشنهاد داد برای همراهی پدر، که جانباز بود با آن‌ها برود. بسیار خوشحال و هیجان‌زده بود، از آن‌جا که فرصت کمی تا سفر مانده بود، احتمال می‌داد که نتواند به این سفر برود. دلشوره زیادی داشت. یکی از همکاران او می‌گفت: «یک روز وارد اتاق او شدم، دیدم به شدت گریه

می‌کند، خیلی نگران شدم و تصور کردم برای خانواده‌اش مشکلی پیش آمده است. وقتی علتش را پرسیدم گفت: «دعا کن بتوانم به حج بروم»

دعاهایش مورد قبول خداوند قرار گرفت و عازم سفر حج شد، هنگام وداع پسرش که آن زمان سه ماهه بود، او را نگاه می‌کرد و به شدت می‌گریست. به حدی که با دیدن اشک‌های فرزندش گفت: «نکنند قرار است بازنگردم.» در طول سفر به نقل از همسفران، بسیار سبکبال و آرام بود و پیوسته قرآن می‌خواند. شب آخر همراه با پدر و مادرش مشغول خواندن دعا و مناجات شد. مادرش می‌گفت: «از من پرسید چه دعایی بخوانم؟ گفتم: دعای مشلول یا دعای معجیر، آن قدر زیبا دعا خواند که بی‌اختیار سه بار برایش دعای عاقبت به خیری کردم.»

دوم مهر ۱۳۹۴، در منا هنگام انجام اعمال حج به شهادت رسید. پیکرش پس از ۶۳ روز به کشور بازگشت و پس از تشییع دوم آذر همان سال در گلزار شهدای زادگاهش به خاک سپرده شد.

از این شهید خاطرات سفرش به کربلا (در ایام مجردی) و یادداشت‌های محضر درس استاد دایی‌رضا بسطامی (شاگرد حضرت آیت‌الله بهجت) باقی مانده است. (سمنان)



۴۷۶) یونسی‌زاده، جواد/ الف-ش:

پنجم فروردین ۱۳۱۳، در شهر دارالمؤمنین از توابع شهرستان شوشتر به دنیا آمد. پدرش شیرعلی از بزرگان و معتمدین بازار و مورد احترام اهل محل بود و مادرش شکر نام داشت. دوران ابتدایی را در زادگاهش به پایان رساند و سپس همراه با خانواده به شهرستان مسجدسلیمان رفت و ادامه تحصیلات خود را تا دیپلم در این شهر گذراند.

سال ۱۳۳۳ در اداره ثبت احوال مسجدسلیمان به عنوان

كارمند استخداام شد. از نظر شخصيتي فردي فعال، مصمم، باهوش، متدين، پاك‌طينت، مردمي و توانمند بود و پس از مدتي به سمت رياست ثبت احوال نائل آمد. سال ۱۳۷۳ با ۴۰ سال خدمت صادقانه، بازنشست شد. وي سال‌ها در سمت رئيس ثبت احوال در شهرستان‌هاي ايزه، مسجدسليمان، شادگان، آبادان، رامهرمز، اهواز، و فيروزآباد خدمت كرد و همواره جزء مديران توانمند، صاحب‌نظر، نخبه، موفق و كارآمد بود.

از سال ۱۳۶۰ تا پايان جنگ تحميلي با انتقال به شهرستان اهواز در اين شهر جنگي خدمت نمود. به دليل خدمت خالصانه به مردم و كشور به عنوان مدبري توانا و ارزشمند بارها مورد تقدير مسئولان قرار گرفت.

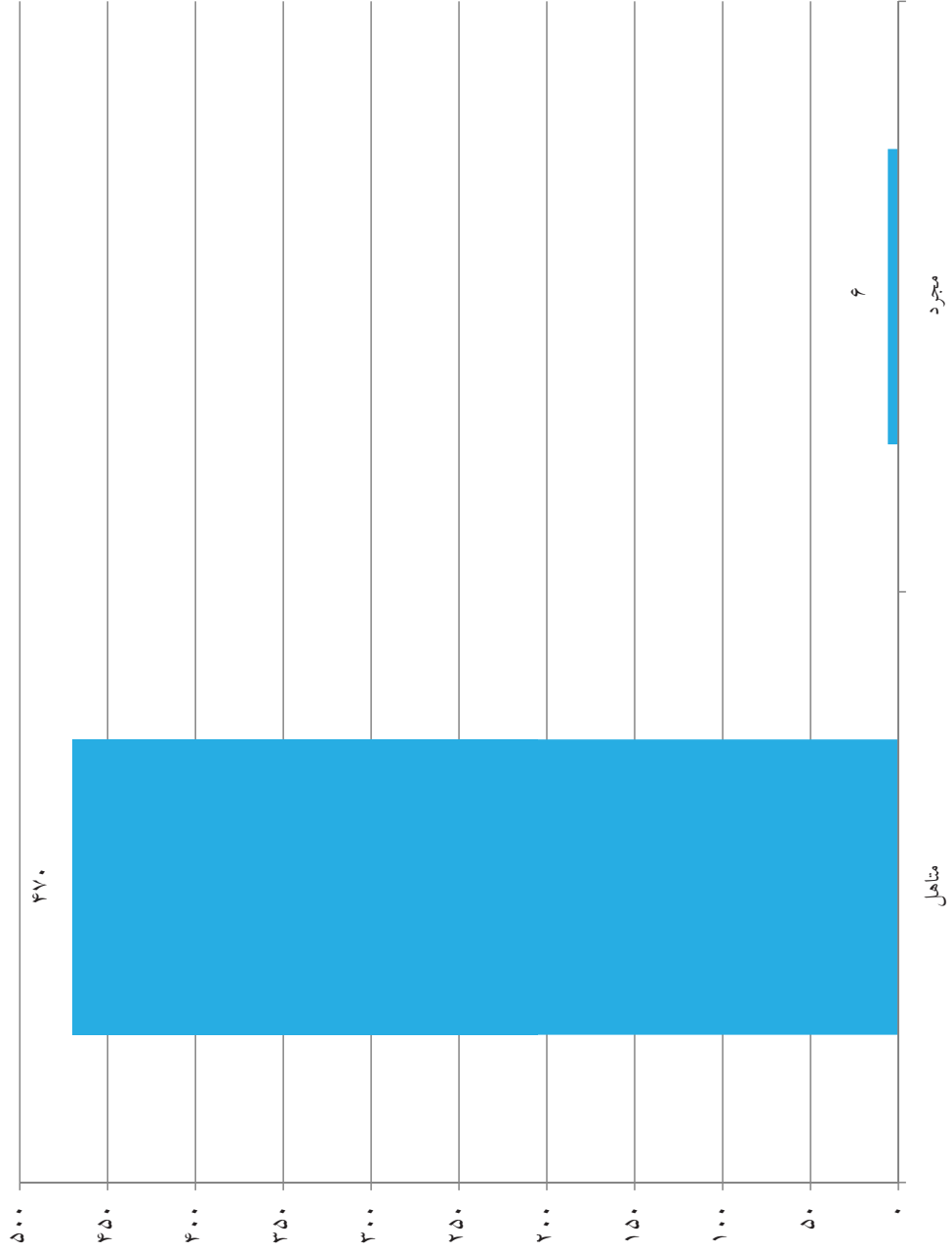
روحيه ورزشي، نظم در كار، سحرخيزي، نوع دوستي، احساس مسئوليت بالا نسبت به كار، خانواده و بستگان، خوش‌قلبي و خوش‌خلقي وي در بين دوستان، اقوام و همكاران زبانزد بود.

سال ۱۳۴۱ ازدواج كرد و صاحب يك پسر و پنج دختر شد.

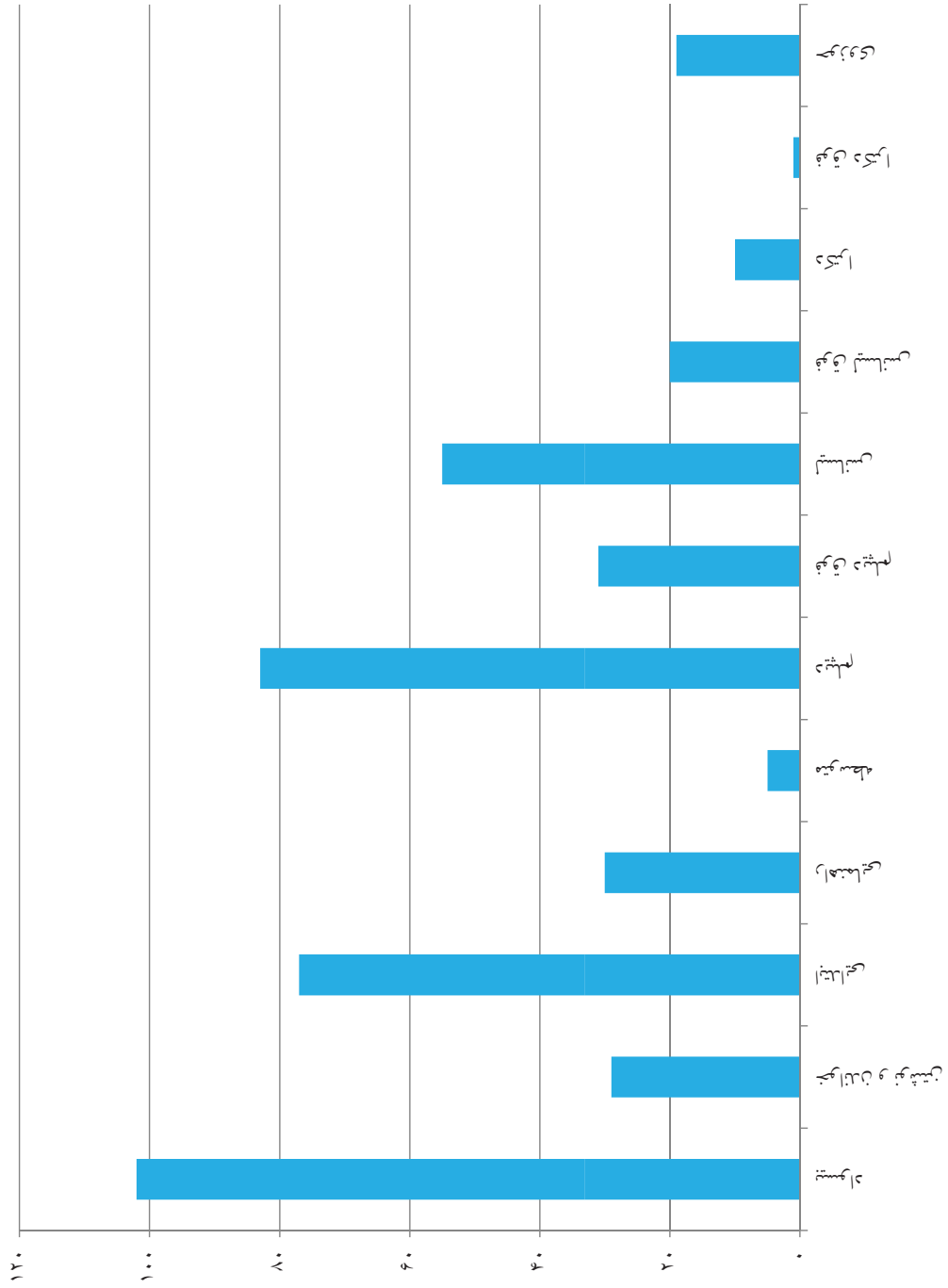
دوم مهر ۱۳۹۴، در حادثه مناي مكه توسط نيروهاي سعودي به شهادت رسيد. پيكر او را در امامزاده محمد شهرستان كرج به خاک سپردند. (خوزستان)

ضمان

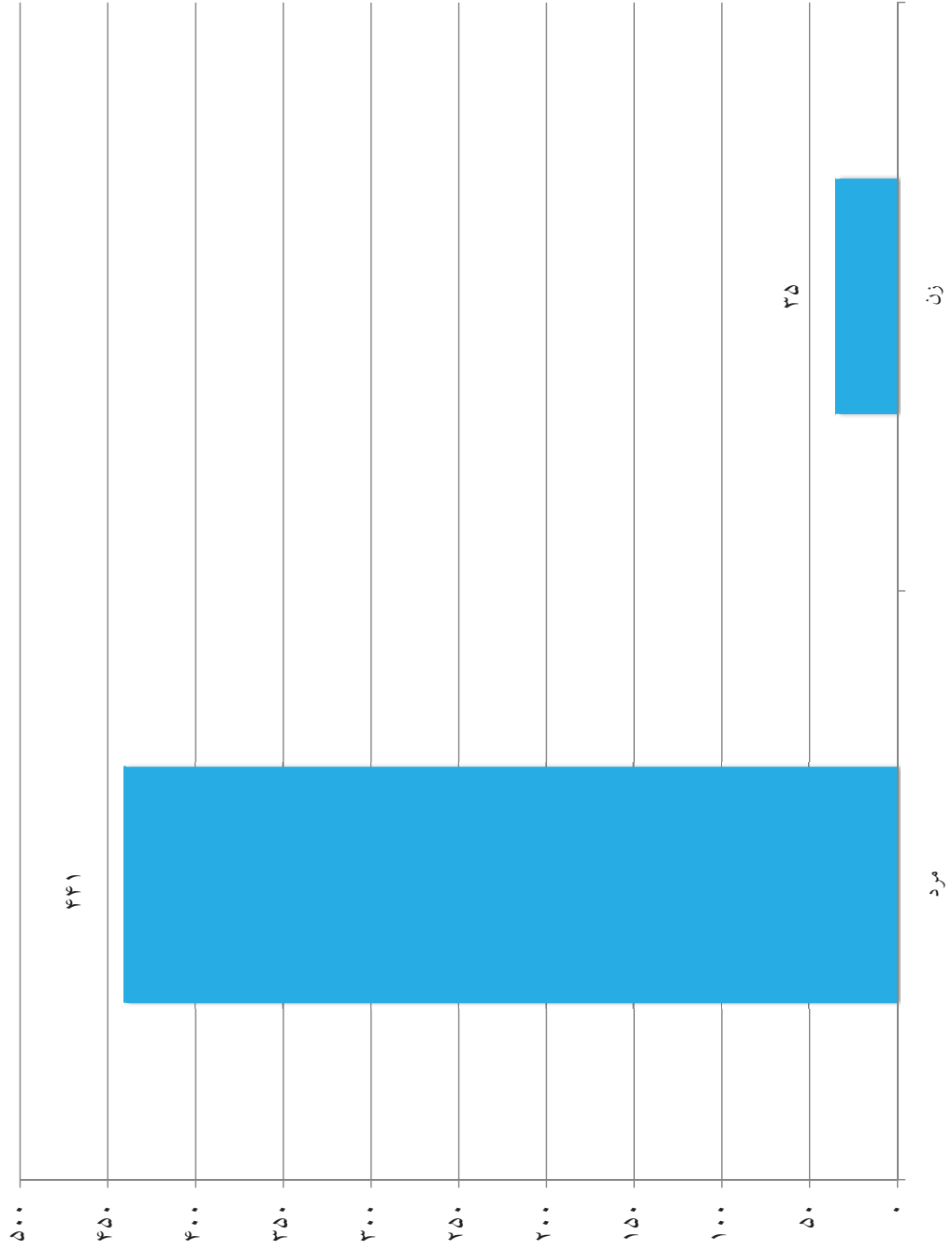
نمودار وضعیت تامل شہدا



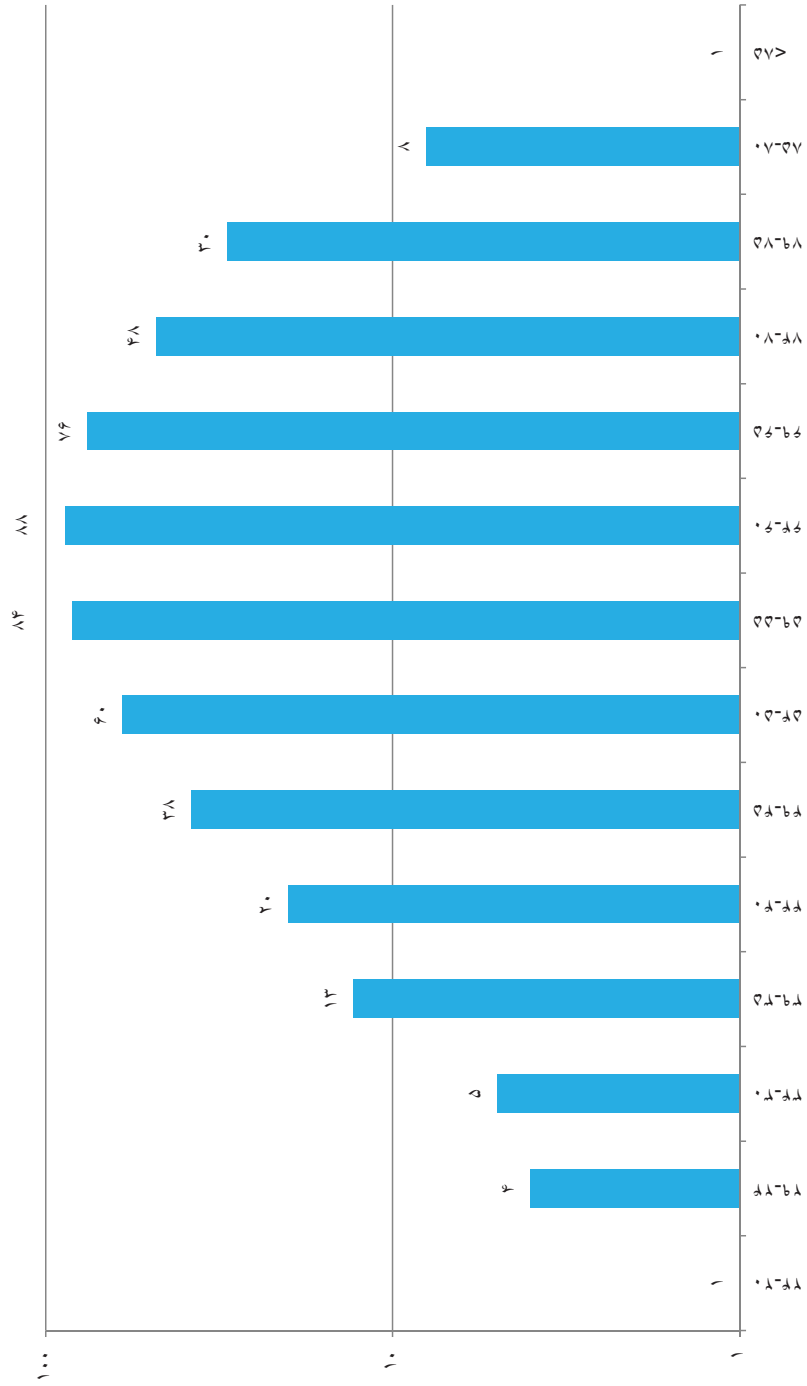
نمودار تحصیلات شهدا



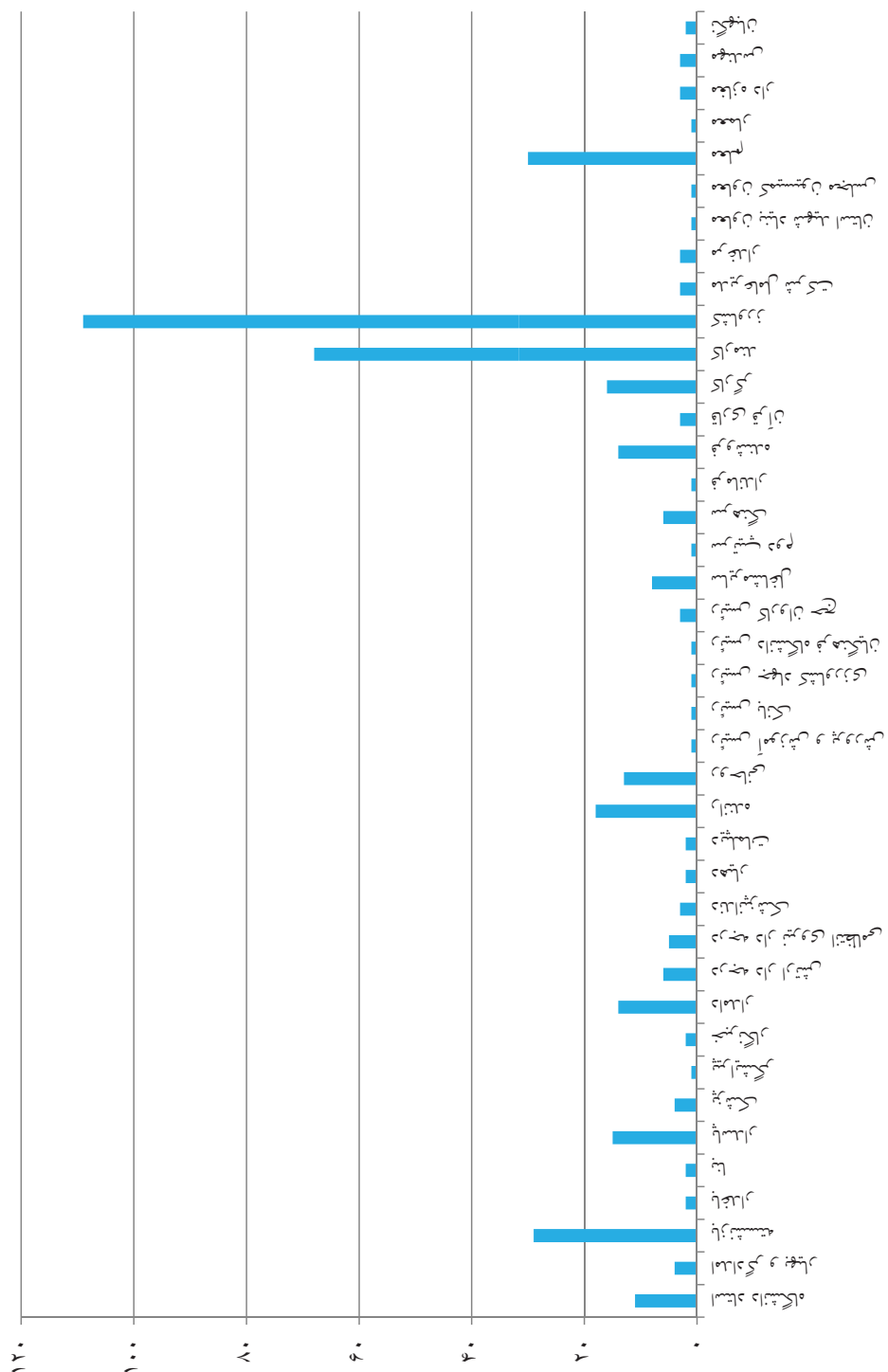
نمودار جنسیت شهدا



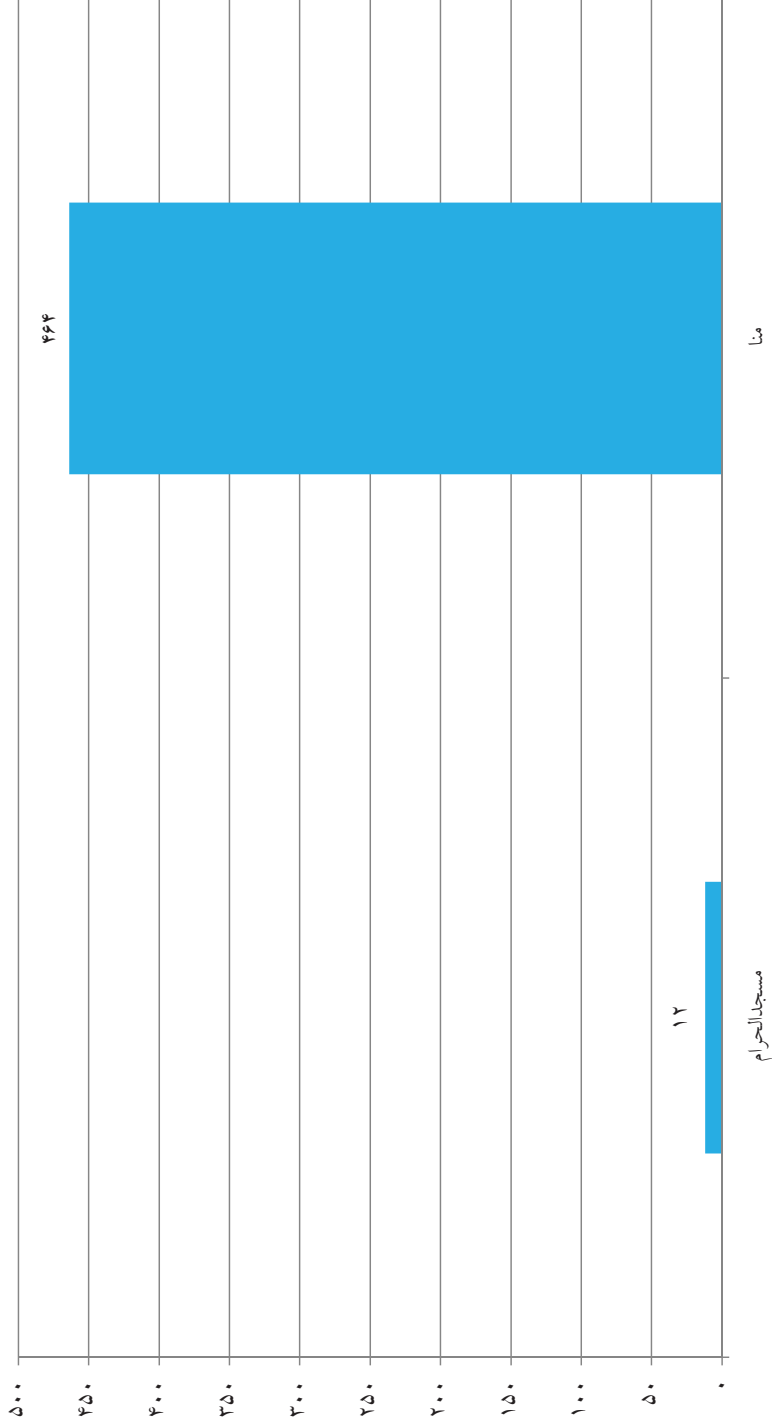
نمودار گروه‌های سنی شهدا



نمودار شغل شهدا



نمودار محل شهادت شهدا





ازدحام جمعیت در منطقه منا



شهدای منطقه منا



حادثه سقوط جرثقیل در مسجد الحرام



نقشه منا و مسجد الحرام